

بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

مدیریت زمان

مدیریت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت

جلوه های مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام

اصول حاکم بر مدیریت حضرت مهدی علیه السلام

مدیریت بر سازمان شیعه و عوامل موفقیت آن

آگاهی حضرت مهدی علیه السلام از زمان ظهور خویش

هدایت باطنی، هدایت ظاهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه کتاب‌های معارف اهل بیت علیهم‌السلام (۲)
واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدي علیه‌السلام
مباحث مهدویت (۲)

یا صاحب التدریس



Sebtunabi.com
info@sebtunabi.com

تألیف: (واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدی علیه السلام)

ناشر: انتشارات سبط النبی علیه السلام

چاپ: اول - نیمه شعبان ۱۴۳۰، مرداد ۱۳۸۸

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۴۳-۶

مركز پخش: قم / خیابان صفائیه / کوچه ممتاز / کوی فتحی / پلاک ۱۹

تلفن: ۴-۷۳-۷۴۵۰۷۳ فاکس: ۷۴۵۰۷۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱

(جهت برگزاری مسابقات و اهداء جوایز با تخفیف ویژه عرضه می گردد.)

امام رضا مدیریت

مدیریت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت



واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدی علیه السلام

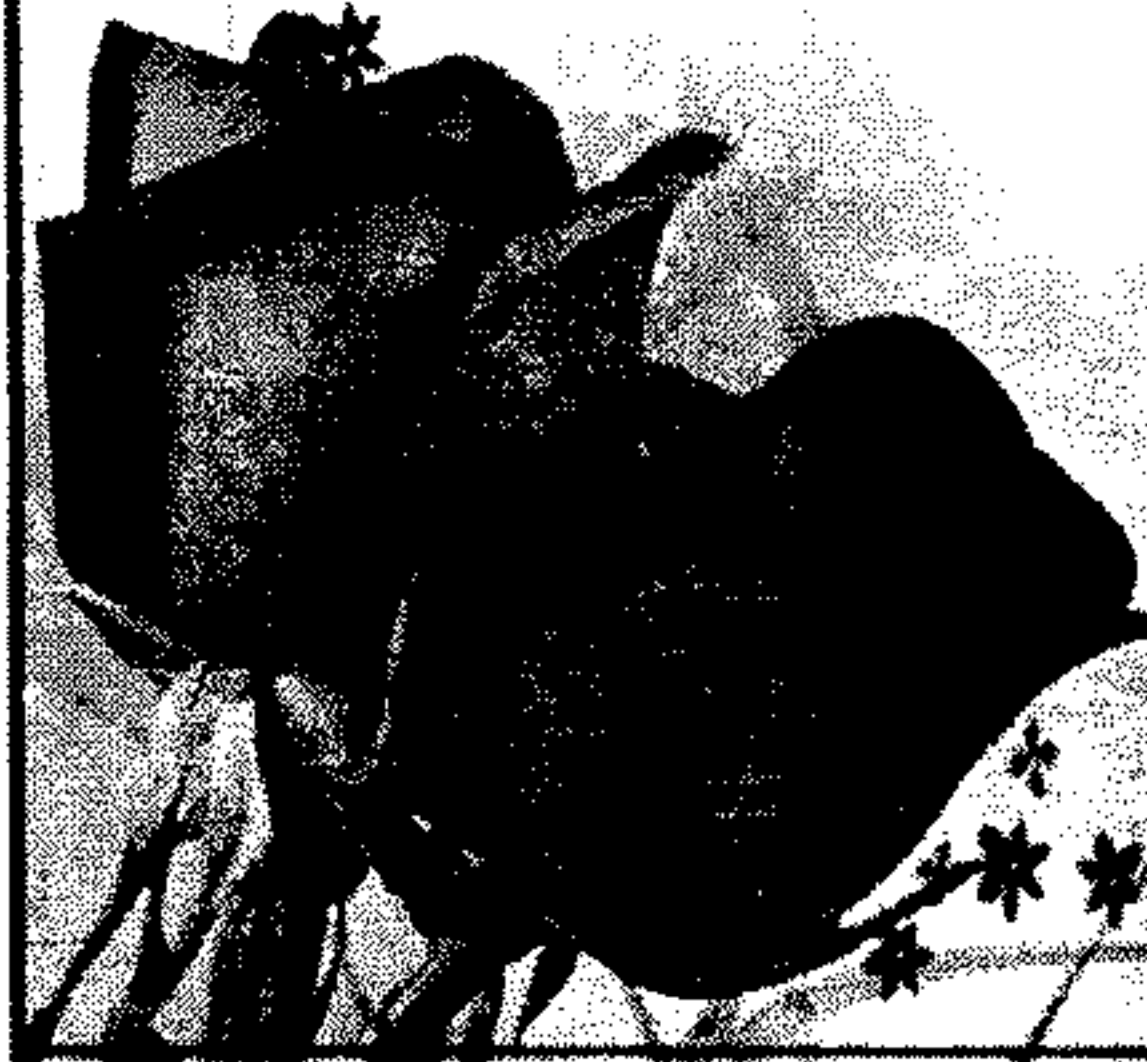
يا بقيتة الله أخيه

تقديم:

صاحب الأمر

صاحب التدبير

صاحب الزمان عمل الله تعالى فرجه الشريف



فهرست

مقدمه ۱۳

فصل اول: مدیریت مهدوی

امام حاضر، مدیر ناظر ۱۷

سیر عالم خلقت ۱۹

نقش آموزه های دین ۲۰

ابزار مدیریت صحیح ۲۱

اهمیت برپایی حکومت ۲۱

تشکیل حکومت جهانی ۲۲

مقدمه های تشکیل حکومت جهانی ۲۳

۱۲ قرن چگونه گذشت؟ ۲۴

عملکرد مسلمان نمایان ۲۵

- غیبت صغری، دوران هرج و مرج در سازمان شیعه ۲۶
- ظهور مدعیان دروغین ۲۷
- آغاز مدیریت پنهان ۲۸
- وظایف جانشینان چهارگانه حضرت مهدی علیه السلام ۳۰
- ثمرات مدیریت صحیح بر سازمان شیعه ۳۱
- نصب و کلا توسط امام عصر علیه السلام ۳۲
- ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری ۳۳
- فلسفه غیبت کبری ۳۴
- مقایسه دو مقطع تاریخی ۳۴
- پیدای پنهان ۳۵
- نظریه مدیریت پنهان ۳۶
۱. مدیریت معمولی و مادی ۳۷
۲. مدیریت الهی و معنوی ۳۷
- مدیریت پنهان حضرت مهدی علیه السلام ۳۸
- معنای غیبت و انواع آن ۳۸
- نوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام ۳۹
- تأیید مطلب! ۴۰
- یوسف یعقوب، یوسف زهرا علیها السلام ۴۲
- معجزه الهی ۴۳
- آثار و برکات امام زمان علیه السلام در دوران غیبت ۴۴
- وجوه تشبیه امام علیه السلام به خورشید ۴۶
- محدوده مدیریتی حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام ۴۹
- هدف از مدیریت ۵۰

۵۰.....	دلایل مدیریت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۱.....	نحوه استدلال
۵۲.....	ملائکه و روح خدمت چه کسی می رسند؟
۵۲.....	ملائکه برای چه امری نازل می شوند؟
۵۶.....	صاحب تدبیر کیست؟
۵۹.....	نحوه مدیریت های الهی و غیر الهی
۶۰.....	نمونه ای از مدیریت خداوند متعال در عالم خلقت
۶۱.....	مدیریت مردان الهی
۶۱.....	اصول حاکم بر مدیریت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۲.....	نزول بلاها برای چه؟
۶۴.....	برکات جنگ هشت ساله
۶۵.....	وجود حضرت <small>علیه السلام</small> واقعاً امان است!
۶۶.....	نمونه قرآنی مدیریت پنهان
۶۸.....	مقایسه علم حضرت خضر نبی <small>علیه السلام</small> با حضرت حجت <small>علیه السلام</small>
۶۹.....	منظومه به گرد او می چرخد!

فصل دوم: جلوه های مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام

۷۳.....	الف) فرشتگان الهی
۷۴.....	تنظیم برنامه یک ساله
۷۴.....	ب) سازمان امامت
۷۵.....	تفاوت از زمین تا آسمان
۷۵.....	رجال المهدی <small>علیه السلام</small>
۷۶.....	روایاتی در خصوص یاران مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۷.....	سفارش پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> در شب معراج

- اللهم صلّ على الأبدال و الأوتاد ۷۸
- صفات و ویژگی های هر گروه ۷۹
- نحوه جایگزینی مدیران ۸۰
- رجال المهدي علیه السلام در مسجد الحرام ۸۱
- ویژگی های ابدال ۸۳
- آثار وجودی ابدال ۸۴
- آیا می توان جزء ابدال شد؟ ۸۴
- امتحان و گزینش نیرو! ۸۵
- امتحان سخت و فرار از حلال خدا ۸۷
- دقت و تفکر! ۸۹
- فرزندان امام زمان علیه السلام ۹۱
- دیدگاه علمای شیعه ۹۲
- تشریح خدمت فرزند امام زمان علیه السلام ۹۳
- ج. هدایت باطنی، هدایت ظاهری ۹۵
- هدایت امام علیه السلام چگونه است؟ ۹۶
- هدایت گری حضرت مهدی علیه السلام در قرآن ۹۷
- انواع هدایت امام علیه السلام ۹۸
- نمونه هایی از انواع هدایت گری حضرت مهدی علیه السلام ۹۹
- مشت نمونه خروار ۱۰۵

فصل سوّم: مدیریت بر سازمان شیعه

- اهل بیت علیهم السلام و سازماندهی شیعه ۱۰۹
- فزونی جمعیت شیعیان ۱۱۱
- عوامل موفقیت سازمان شیعه ۱۱۳

- الف) آموزه‌های فرهنگی شیعه ۱۱۳
- بجامعه، عاشورا، نافله ۱۱۵
- ب) سازمان‌ها و نهادهای شیعه ۱۱۷
۱. حوزه‌های علمیه و مرجعیت ۱۱۷
- عنایت خاص، عنایت عام ۱۲۰
- لباس روحانیت ۱۲۰
- انتخاب شیخ انصاری به عنوان مرجع اعلم ۱۲۰
- بصیرت آیت الله بهاء‌الدینی درباره رهبری شیعه ۱۲۳
- پدیده‌ای به نام ولایت فقیه ۱۲۴
- گستره ولایت فقیه ۱۲۴
- ولایت فقیه ستون خیمه مرجعیت ۱۲۵
- تعبیر آیت الله بهاء‌الدینی از ولایت فقیه ۱۲۶
- ولایت فقیه و تمرکز قوا ۱۲۷
- شان ولی فقیه چیست؟ ۱۲۷
- کسی را غیر از آنها نداریم! ۱۲۹
- شرط رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام ۱۳۱
- وظایف علما در زمان غیبت ۱۳۱
- ثمره وجود علما ۱۳۲
- دعا برای تولد یک عالم ۱۳۳
- جبران خطا توسط امام زمان علیه السلام ۱۳۴
- عیادت و تشیع ۱۳۵
- آغاز تحوّل ۱۳۶
- زیارت امام رضا علیه السلام و امام زمان در مشهد ۱۳۷

۲. پیروان (مقلدان) ۱۳۹
- یا عالم باش و یا... ۱۴۰
- رابطه تقلید و تخصص ۱۴۱
- فتوای تحریم تنباکو را چه کسی صادر کرد؟ ۱۴۲
- نهادهای مقدس فرهنگی ۱۴۵
۱. مساجد ۱۴۵
- آثار و برکات مسجد در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۴۶
- ادب و آداب نماز جماعت ۱۴۷
- نتیجه رعایت احکام نماز جماعت ۱۴۸
- اهمیت مسجد در سیره حضرت مهدی علیه السلام ۱۴۸
- بزرگ‌ترین پایگاه امام زمان علیه السلام ۱۴۹
- تأسیس و تجدید بنای مسجد مقدس جمکران ۱۴۹
- سؤالی از محضر آیت الله بهجت رحمته الله علیه ۱۵۱
۲. حسینیه‌ها، هیئت‌ها ۱۵۲
- آثار و برکات حسینیه‌ها و هیئت‌ها ۱۵۳
- حضور امام زمان علیه السلام در دسته‌های عزاداری ۱۵۴
- خیمه اهل بیت علیهم السلام کجاست؟ ۱۵۶
۳. مصلاهی جمعه ۱۵۷
- سخنرانی به جای نماز! ۱۵۸
- علت و محتوای خطبه‌های نماز جمعه ۱۵۹
۴. حج بیت الله الحرام ۱۶۱
- انواع حج ۱۶۲
- امام زمان علیه السلام در مراسم حج ۱۶۴

- بیان معارف اهل بیت علیهم السلام به زبان‌های مختلف ۱۶۴
- ولایت و امامت روح و حقیقت حج ۱۶۵
۵. حرم‌ها و حریم‌ها ۱۶۷
- زیارت و توسل، شفاعت و تبرک ۱۶۸
- علت مخالفت وهابیت ۱۷۱
- وهابیت عامل استعمار ۱۷۲
- درون وهابیت چه می‌گذرد؟ ۱۷۳
- بیداری مسلمانان جهان ۱۷۳
- فلسفه زیارت ۱۷۴
- آثار و برکات زیارت ۱۷۵
- دلایل حقایق اهل بیت علیهم السلام ۱۷۵
۶. راهیان نور ۱۷۸
- و اما ناگهان! ۱۸۰
- یک وجب خاک شلمچه، زیارتگاهی در فرانسه ۱۸۱
- چرا شیعه شدم؟ ۱۸۱
- راز عظمت شهدا ۱۸۳
- براده‌هایی از نور ۱۸۵
- منتظران حقیقی ۱۸۷
- ج) برکات پذیرش ولایت و امامت ۱۹۱
- ج) امور مالی سازمان شیعه ۱۹۲
۱. خمس ۱۹۳
- خمس پشتوانه مالی دین ۱۹۳
- فلسفه پرداخت خمس ۱۹۴

- آثار و برکات خمس ۱۹۵
- حمل وجوہات از هندوستان با فیل ۱۹۶
- پیامدهای پرداختن خمس ۱۹۷
۲. زکات ۱۹۹
- آثار پرداخت زکات ۱۹۹
- آثار عدم پرداخت زکات ۲۰۰

فصل چهارم: آگاهی حضرت مهدی عج از زمان ظهور خویش

- علم لازمه مدیریت ۲۰۷
- علم امام ۲۰۸
- الهام امام رضا ع در خصوص علم امام عج ۲۰۸
- علم به زمان ظهور ۲۰۹
- دیدگاه علمای شیعه ۲۱۰
- دلایل و مستندات ۲۱۳

فصل پنجم: حسن ختام

- فیض روح القدس در کلام فیض ۲۲۱
- سیره علمای ربّانی ۲۳۱
- فهرست منابع و مأخذ ۲۳۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

مطرح شدن دیدگاه‌های متفاوت در خصوص مدیریت حضرت مهدی علیه السلام در جامعه و به تبع آن سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید مسعود پورسید آقایی^۱ پیرامون مدیریت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت،^۲ ما را بر آن داشت تا ضمن تحقیق و تدوین جامع‌تر پیرامون نظریه مدیریت مهدوی آن را در اختیار علاقمندان، مشتاقان و منتظران حضرت ولی عصر علیه السلام قرار دهیم.^۳

۱. مسئول پژوهشکده مهدویت، (مؤسسه آینده روشن)

۲. این سخنرانی در تاریخ جمعه ۱۳۸۷/۴/۲۱ در بیت المهدی علیه السلام برگزار شد و به صورت مقاله‌ای جامع در فصل نامه علمی، پژوهشی مشرق مرعود، ش ۸ و در مقدمه کتاب مهدویت صلح کل و نیز در نشریه امام شناسی، شماره ۳ و ۴ منتشر شد.

۳. لازم به ذکر است، بخش‌هایی از فصل اول این مجموعه از سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین پورسید آقایی اقتباس گردیده است.

بی‌شک مباحث مهدویت یکی از پرجاذبه‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در دوران معاصر و در دنیای امروز است که مطالعه و دقت و تفکر صحیح مطابق با آموزه‌های قرآن و عترت، ما را در بازشناسی وظایف خویش در عصر غیبت و آمادگی هرچه بیشتر در عصر ظهور، یاری خواهد کرد. در مجموعه حاضر که بعد از کتاب «آخرین فرمانده، اولین سرباز» منتشر می‌شود با نظریه مدیریت حضرت مهدی علیه السلام و دلایل آن آشنا شده، مصادیق و جلوه‌های مدیریتی آن حضرت علیه السلام را ذکر و خصوصیات و روش این مدیریت را بررسی خواهیم کرد، تا نسبت به وظیفه خویش آگاه شده و نحوه به کارگیری خود را در این سازمان با عظمت بررسی کنیم و در پایان از علم و آگاهی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زمان ظهور خویش و بروز این مدیریت بحث خواهیم کرد.

امید است مطالعه و دقت و تفکر در مطالب ارزنده کتاب، مقدمه‌ای باشد در پیمودن معارف دیگری از امامت و ولایت.

در پایان لازم است از زحمات حجج اسلام و المسلمین استاد حسین گنجی، استاد پورسید آقایی و استاد فؤادیان (دامت برکاتهم) و همه عزیزانی که در بازنگری این کتاب قبول زحمت فرموده‌اند، و از جناب حاج صادق موحدی راد از نیکوکاران بازارتهران که هزینه انتشار این کتاب را به صورت قرض الحسنه پرداخت نمودند، تقدیر و تشکر نمایم.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

قم المقدسه - شعبان المعظم ۱۴۳۰ - مردادماه ۱۳۸۸

واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدی علیه السلام

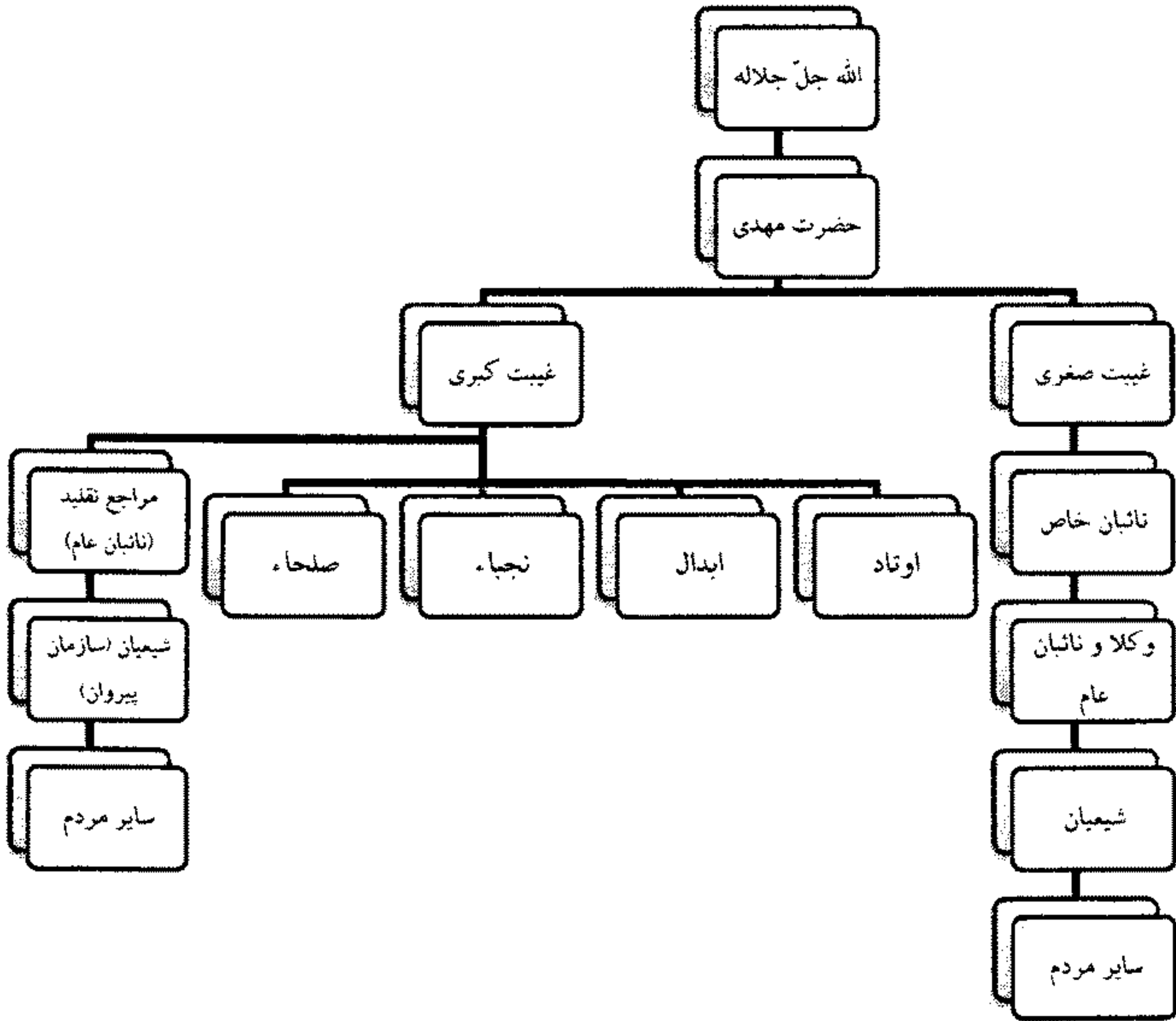
مجید فولادی

فصل اوّل:

مدیریت مهدوی

- ❖ امام حاضر، مدیر ناظر
- ❖ مقایسه دو مقطع تاریخی
- ❖ نظریه مدیریت پنهان
- ❖ دلایل مدیریت حضرت مهدی علیه السلام
- ❖ اصول حاکم بر مدیریت حضرت مهدی علیه السلام





نمودار سازمان مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری و غیبت کبری

امام حاضر، مدیر ناظر

به راستی اگر محور عالم خلقت، انسان کامل و امام معصوم علیه السلام است!
اگر امام علیه السلام پشتیبان دین است و قوام دین و مذهب به وجود اوست!
اگر امام زمان علیه السلام رهبر شیعه و پدری دلسوز و مهربان برای آنهاست!
در طول ۱۲ قرن غیبت، چگونه عالم خلقت اداره شد؟، چگونه دین
اسلام تاکنون به حیات خود ادامه داده است؟، چگونه مذهب اهل بیت علیهم السلام
روز به روز فراگیر شد و شیعه توانست با وجود آن همه دشمنان کینه‌جو و
مخالفان متعصب به حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود ادامه دهد؟
آری! گرچه خداوند متعال اراده فرموده که دین خود را حفظ و آن را
گسترش دهد:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱

۱. توبه، ۳۳. خداوند دین اسلام را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هرچند که مشرکان مخالف و ناراضی باشند.

اما بی‌شک این اراده الهی به دست انسان کامل محقق خواهد شد، چرا که خداوند متعال هر کاری را با اسباب و وسایل و علل مخصوص و متناسب با آن انجام می‌دهد و خود نیز به چنین امری سفارش فرموده:

«يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

خداوند متعال اختیار عالم خلقت را به دست باکفایت خلیفه حقیقی خود سپرده است. پس اراده او اراده خداست و اراده خدا نیز اراده اوست.

«وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»^۲.

بنابراین انسان کامل، مدیر عالم خلقت است و برای این مدیریت نیاز به ابزاری کامل و کارآمد دارد که عبارتند از: علم، عصمت، قدرت. به وسیله علم و آگاهی کامل و جامع، از تمامی امور عالم خلقت آگاه شده و راه‌های مدیریت صحیح را اعمال خواهد کرد. به وسیله عصمت، از هرگونه اشتباه و خطا و لغزشی که تصور شود مصون خواهد ماند.

به وسیله قدرت مافوق بشری، بر عالم خلقت تأثیر گذاری خواهد داشت و از مجاری طبیعی و در صورت نیاز، مجاری غیبی، عالم هستی را اداره می‌کند.

نتیجه آن که؛ امام معصوم علیه السلام خلیفه خداست. مدیر برگزیده و با تدبیر اوست و مشغول اداره امور است. چه ظاهر باشد، چه غائب، چه مخلوقات و

۱. مانده، ۳۵. ای اهل ایمان از خدا بترسید و برای تقرب به خدا وسیله‌ای انتخاب کنید و در راه او جهاد کنید، شاید رستگار شوید.

۲. انسان، ۳۰. آنها چیزی نمی‌خواهند جز آن‌چه را که خدا بخواهد.

مصنوعات متوجه شوند و چه در غفلت باشند. چه دیده شود و چه از دیده غفلت زده، پنهان بماند.

ولی و سرپرست عالم خلقت که عالم و آگاه، مدیر و مدبر، با عصمت و با ولایت است، نه تنها در زمان ظهور بلکه در زمان غیبت نیز به نیروهای برگزیده و کارآمد نیاز دارد. همان گونه که خداوند متعال با نیروهای ظاهری و باطنی خویش هستی را اداره می کند، امام زمان علیه السلام نیز با اصحاب و یاران باطنی (ملائکه و فرشتگان) و ظاهری (ابدال و اوتاد) برنامه های خدای عزوجل را اجرا می کند.

به راستی مدیریت امام زمان علیه السلام چگونه اعمال می شود؟ مصادیق آن چیست و با چه نیروهایی مدیریت می کند؟ ما در کجای این دستگاه با عظمت هستیم و آیا امکان به کارگیری ما در این تشکیلات نه چندان مخفی وجود دارد؟

سیر عالم خلقت

خداوند متعال انسان را موجودی اجتماعی آفریده نه منزوی و تنها! و لازمه اجتماعی بودن انسان؛ نظم، نظام، انضباط و مدیریت اجتماعی است. جامعه انسانی نیاز به مدیر لایق و کارآمد و پرتوان دارد تا بشریت را به سر منزل مقصود و سعادت و کمال حقیقی برساند.

جهان خلقت از اوست و به سوی او بازمی گردد.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۱.

در مسیر بازگشت انسان، مدیریت لازم است، تا از راهی آسان، سریع و صحیح به هدف نهایی خلقت برسد.

۱. بقره، ۱۵۶. همانا همگی ما از خدا هستیم و به سوی او مراجعت خواهیم کرد.

اولین انسان عالم خلقت پیامبر خداست و پیامبر خدا جانشین خدا در زمین است و بهترین مدیر عالم خلقت است. آخرین انسانی که بر روی زمین می ماند نیز حجت خدا و خلیفه اوست و این همان قاعده لطف است که خالق بشر از ابتدا تا انتها او را بدون سرپرست، بدون مدیر مدبر و بدون امام و رهبر رها نکرده است. و چون به لوازم خلقت خویش کاملاً آگاه و حکیم است و صلاح و خیر بشر را می داند و می خواهد، انتخاب مدیر عالم را بر عهده خود گذارده و دست بشر را از این انتخاب کوتاه کرده. چرا که بشر هیچ گاه نخواهد توانست بهترین، کامل ترین، لایق ترین مدیر را برای عالم هستی و اداره خویش برگزیند. پس نصب پیامبر و امام علیه السلام تنها از جانب خدای قادر و متعال پذیرفته و مقبول است و غیر از برگزیده خدا امام نیست بلکه غاصب امامت است.

نقش آموزه های دین

با مطالعه آیات و روایات، ادعیه و زیارات متوجه مسیر عالم خلقت و مدیران برجسته آن از آدم تا خاتم و از اولین وصی تا آخرین ولی خواهیم شد. گذشته از داستان های عبرت آموزی که در قرآن کریم پیرامون انبیاء الهی و مدیریت آنها وجود دارد در ادعیه و زیارات مستند نیز به این مسئله مهم پرداخته شده. دعای ندبه، زیارت وارث، زیارت حضرت معصومه علیها السلام و... سیر عالم خلقت و انبیاء و اوصیاء آن را با هدف توجه انسان به این امر اساسی نشان می دهد.

(السلام علی آدم صفوة الله... السلام علی الوصی من بعده...)

ابزار مدیریت صحیح

روش زندگی انبیاء و اوصیاء الهی و امامان معصوم علیهم السلام نشان می‌دهد که یکی از ابزارهای مهم و مؤثر در اداره انسان‌ها و جامعه، تشکیل حکومت، به منظور برپایی قسط و عدل، حفظ ارزش‌های الهی، ایجاد مساوات و برابری، خدمت به عموم مردم به ویژه محرومان، مبارزه با ظلم و استکبار، رسیدن به مکارم اخلاق و کرامت انسانی و در یک کلام، «سعادت و کمال دنیا و آخرت» بوده است. و هرگاه انبیاء و اوصیاء، زمینه و موقعیت را برای چنین کار با عظمتی مناسب می‌دیدند در انجام آن و برقراری و تشکیل حکومت، کمترین تردیدی به خود راه نمی‌دادند.

داستان پیامبران الهی در قرآن، نظیر داستان حضرت موسی علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام و... گوشه‌ای از فعالیت آنها را در برپایی حکومت الهی نشان می‌دهد. بارزترین نمونه این فعالیت‌ها را در زندگی پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و برقراری حکومت اسلامی در شهر مدینه و سپس در جزیره العرب می‌توان مشاهده کرد.^۱

اهمیت برپایی حکومت

تشکیل حکومت آن قدر اهمیت دارد که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: در هنگام ناچاری، حکومت فاسد نیز بهتر از بی‌حکومتی و هرج و مرج و فتنه است گرچه به طور قطع حکومت پرهیزکاران بهتر است. «لابدًا للناس من امیر برَّ او فاجرٍ يعمل فی امرته المؤمن و یستمع فیها الکافر...»

۱. مدیریت اسلامی، ص ۲۹.

مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند... اما در حکومت پاکان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند؛ ولی در حکومت بدکاران افراد ناپاک از آن بهره‌مند می‌شوند.^۱

تشکیل حکومت جهانی

خداوند متعال برای هدایت بشر ۱۲۴۰۰۰ پیامبر را مبعوث کرد و همه پیامبران الهی با اهداف و برنامه‌های خویش و در برهه‌ای از زمان با تشکیل حکومت‌های کوچک یا بزرگ، مقدمه‌ای بودند برای آمدن برترین و کامل‌ترین انسان، آخرین پیامبر و کامل‌ترین دین تا در پرتو آن، جهان بشریت تا قیام قیامت از نعمت حکومت الهی و ثمرات و برکات آن بهره‌مند شود. اما ناگهان! با انحراف از مسیر اصلی اسلام یعنی امامت و ولایت، تشکیل حکومت جهانی، متوقف بلکه منحرف شد و حکومت جهانی اسلام هیچ‌گاه محقق نشد.

در زمان کوتاهی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام توانستند به جایگاه اصلی خود بازگردند، دشمنان اسلام با جنگ‌ها و آشوب‌های متعدد، راه را برای تشکیل حکومت واحد جهانی سد نمودند. گرچه همان حکومت ۵ ساله امیرمؤمنان علیه السلام توانست الگوی بسیار زیبا و کاملی از حکومت الهی را نشان دهد و راه صحیح را برای همه عدالت خواهان جهان ترسیم نماید. در مدت شش ماهه حکومت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز نیرنگ‌ها و دسیسه‌های معاویه و معاویه‌صفتان راه تنفس کوتاه مدت حکومت اسلامی را مسدود کرد و طرح تشکیل حکومت جهانی که هدف همه انبیاء الهی بود متوقف شد. اما در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

نهایت اراده الهی محقق شده و حکومت جهانی تشکیل خواهد شد و وعده انبیاء و اولیاء و زحمات آنها جامعه عمل خواهد پوشید.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱.

«خداوند متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که به طور قطع آنها را خلیفه روی زمین خواهد کرد همانگونه که قبل از ایشان را حکومت بخشید و دین و آیینی که مورد پسند آنها باشد را بر همه ادیان تسلط بخشد و خوف و ترس همه مؤمنان را به امنیت و آرامش تبدیل می‌کند تا آن که مرا به یگانگی پرستیده و برای من شریکی قرار ندهند.»^۲

مقدمه‌های تشکیل حکومت جهانی

سامراء - سال ۲۶۰ هجری قمری - منزل امام حسن عسکری علیه السلام

لحظه‌های جانسوزی است، یازدهمین حجت خدا در بستر شهادت قرار گرفته و تنها بازمانده او، کودکی ۵ ساله، هم‌چون قرص قمر در کنار بستر پدر نشسته است. پدر ۲۸ ساله رنجور و ناتوان از زهر جفا فرمودند: «مرا برای نماز آماده کنید به زودی به سوی پروردگارم خواهم شتافت.»

۱. نور، ۵۵.

۲. طبق نقل روایات، این آیه در خصوص حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است که شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می‌گیرد و آیین حق و اسلام راستین در همه جا نفوذ می‌کند و نا امنی و خوف و جنگ از روی زمین برچیده می‌شود تا عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق یابد. (تفسیر برهان، ج ۵، ص ۴۱۲ و نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۰)

پارچه‌ای در کنار بستر پدر پهن نمودند و کودک ۵ ساله یک یک اعضای وضوی پدر را وضو داده و بر سر و پاهای پدر به نیابت مسح کشید.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: «پسرم! مژده باد که تویی صاحب عصر و زمان! تویی مهدی! تو حجت خداوند روی زمین هستی! تو وصی من و فرزند من هستی و من پدر تو هستم. تو محمد علیه السلام فرزند حسن علیه السلام فرزند علی علیه السلام فرزند محمد علیه السلام فرزند علی علیه السلام فرزند موسی علیه السلام فرزند جعفر علیه السلام فرزند محمد علیه السلام فرزند علی علیه السلام فرزند حسین علیه السلام فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام که سلام خدا بر همگی آنان باد هستی. تو از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشی و به درستی که به وجودت بشارت داده شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله نام و کنیه تو را بر زبان آورده و پدرم از پدران خود آن را نقل کرده...» در این هنگام پدر، جان به جان آفرین تسلیم کرد و امامت آخرین حجت خدا و تنها ذخیره الهی آغاز گشت.^۱ با رحلت پدر، مؤمنان از فیض دیدار روی زیبا و دلنشین یوسف زهرا علیها السلام محروم شدند. و از همان لحظه، کار اصلی حضرت برای برپایی حکومت جهانی با تعیین نایبان خاص آغاز شد.

۱۲ قرن چگونه گذشت؟

یکی از سؤالات مهمی که ممکن است در ذهن هر انسان معتقد به وجود حضرت مهدی علیه السلام مطرح شود این است که: حضرت مهدی علیه السلام در طول ۱۱۷۰ سال غیبت (صغری و کبری)^۲ به چه کاری مشغول بوده و هستند؟

آیا حضرت مهدی علیه السلام ارتباط خود را به طور کلی با همه مردم قطع نموده و منتظر روز موعود هستند؟

۱. زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام (انوار البیبه)، ص ۴۶۸.

۲. از سال ۲۶۰ هجری قمری تا زمان انتشار این کتاب (سال ۱۴۳۰ هجری قمری)، حضرت مهدی علیه السلام حدوداً ۷۰ سال در غیبت صغری و ۱۱۰۰ سال در غیبت کبری بوده‌اند.

- آیا در طول این مدت طولانی حضرت مهدی علیه السلام تنها مشغول دعا و نیایش در پشت کوه‌ها و در بیابان‌ها سرگردان بوده و امت جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به حال خود رها کرده‌اند و البته گاهی اوقات بیماری را شفا داده یا گم شده‌ای را به وطن خود رسانده‌اند؟

- آیا در زمان غیبت می‌توان خدمت حضرت رسید و او را از نزدیک مشاهده کرد؟

این سؤالات تنها نمونه کوچکی از ابهاماتی است که ممکن است در ذهن هر کس ایجاد شود و البته روح تشنه انسان، خواستار جواب‌های منطقی و عقلانی به این سؤالات و مسائلی از این قبیل است.

خوشبختانه در مکتب تشیع به دلیل وجود هزاران روایت در خصوص حضرت مهدی علیه السلام که از لسان شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام صادر شده است، مهدویت و مباحث مربوط به آن از شفافیت بیشتر و قاطعیت بالاتری برخوردار است تا جایی که با مراجعه به روایات و یا کارشناسان و متخصصان این فن و عالمان ربانی می‌توان نسبت به مسئله مهدویت، بصیرت کامل و معرفت مناسبی پیدا کرد.

عملکرد مسلمان نمایان

از زمان رحلت جانسوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال ۱۰ هجری تا رحلت امام حسن عسگری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، سخت‌ترین دوران بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اصحاب و یاران ایشان سپری شد. انحراف از امامت و خلافت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله باعث شد که مسلمانان نه تنها به فرمان خداوند متعال در قرآن:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱.

عمل نکنند، بلکه بالعکس با اهل بیت رسول خدا ﷺ همانند دشمنان اسلام رفتار نمودند که اوج آن در حوادث کربلا به وقوع پیوست، و اهل بیت ﷺ و پیروان آن‌ها در طی ۲۵۰ سال دسته دسته به پای چوبه دار و به قربانگاه روانه شدند و امامان شیعه نیز یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. گرچه گاهی با عوض شدن حکومت‌ها و روی کار آمدن افرادی ملایم‌تر، شیعیان توانستند نفسی تازه کنند اما اغلب در خفقان شدید و انزوای کامل به سر می‌بردند تا جایی که حتی برخی از علمای بزرگ شیعه وقتی می‌خواستند خدمت امام خود برسند مجبور بودند لباس مبدل به تن کرده و در هیئت یک میوه فروش به در خانه امام خود رفته و مسائل دین را به صورت مخفیانه از ایشان پرسیده و با خوف و اضطراب بازگردند. به هنگام شهادت امام حسن عسگری علیه السلام کار به جایی رسید که حتی بردن نام امام زمان علیه السلام ممنوع اعلام شد و کسی جرأت آن که نام حضرت را به زبان بیاورد و یا این که خود را شیعه معرفی کند نداشت و این اوج مظلومیت و غربت اسلام راستین و مکتب اهل بیت علیهم السلام بود.

غیبت صغری، دوران هرج و مرج در سازمان شیعه

دوران غیبت صغری را «عصر آشفتگی و حیرت شیعیان» نامیده‌اند چراکه جو اختناق و سیاست عباسیان موجب گردید تا امام حسن عسگری علیه السلام راه تقیه و رازداری و احتیاط را در پیش گرفته و حتی از انتشار خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام جلوگیری نماید و در این مدت تنها چند نفر معدود توانستند حضرت مهدی علیه السلام را از نزدیک زیارت کنند. به همین علت

۱. شوری، ۲۳. بگو من از شما مزد رسالتم را نمی‌خواهم مگر محبت به اهل بیتم را.

بود که پس از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام پیروان آن حضرت به ۱۴ فرقه و بنا به نقل برخی مورخان، به ۲۰ فرقه منشعب شدند.^۱

- گروهی معتقد به امامت جعفر فرزند امام هادی علیه السلام شدند.

- گروهی معتقد به استمرار امامت امام حسن عسگری علیه السلام شدند و معتقد بودند که امام حسن عسگری علیه السلام غایب است و همان امام منتظر و قائم است.

- گروهی معتقد به امامت محمد بن علی برادر امام حسن عسگری علیه السلام شدند.

- گروهی معتقد به امامت فرزند دیگری از امام حسن علیه السلام غیر از حضرت مهدی علیه السلام شدند.

- گروهی در امامت امام حسن عسگری علیه السلام توقف کرده و گفتند چون ما نمی‌دانیم امامت به چه کسی رسیده و امر بر ما مشبه شده در امامت امام حسن عسگری علیه السلام توقف می‌کنیم.

- گروهی هم اعتقاد به دوره فترت پیدا کردند و گفتند در این دوره زمین از حجت خدا خالی است.^۲

و البته تمامی این فرقه‌ها تا پایان غیبت صغری با تلاش گسترده نواب اربعه تحت امر و مدیریت حضرت مهدی علیه السلام به کلی نابود شدند و تنها نامی از آنها در صفحات تاریخ باقی ماند.

ظهور مدعیان دروغین

یکی دیگر از مشکلات بزرگ دوران غیبت صغری، ظهور و بروز مدعیان دروغین بود که باعث انحراف فکری و عقیدتی شیعیان می‌شدند. مدعیان دروغین به چند دسته تقسیم می‌شدند:

۱. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. تاریخ عصر غیبت، ص ۲۷۸ - ۲۸۲.

یا ادعای امامت می کردند مانند جعفر کذاب عموی امام زمان علیه السلام.^۱ و عیدالله مهدی که در شمال آفریقا ادعای مهدویت نمود و مدت ۱۹ سال (۳۰۳ الی ۳۲۲ هـ. ق) حکومت کرد.

و یا ادعای باییت، نیابت و وکالت از جانب حضرت مهدی علیه السلام می کردند، مانند: «شلمغانی»، «احمد بن هلال کرخی»، «ابودلف کاتب» و... یکی دیگر از مشکلات این دوران خیانت برخی و کلای امام زمان علیه السلام بود که از وظایف اصلی خود عدول می کردند و یا اموال امام و وجوه شرعی را نزد خود نگه می داشتند و از تحویل دادن آن به نائبان خاص خودداری می کردند.

از دیگر مشکلات عصر غیبت صغری، القای شبهات و انحرافات دینی و اعتقادی و ظهور و بروز غلات بود که موجب آشفتگی فکری و عقیدتی شیعه می شد.^۲

دامن زدن حکومت عباسیان به این جریانات و هدایت و حمایت آنان نیز نقش عمده‌ای در هرج و مرج و آشفتگی و حیرت شیعیان داشت. هر یک از این مشکلات یا حتی کوچک‌تر از آن به تنهایی و به راحتی می توانست سازمان شیعه را از درون متلاشی کرده و نام و یاد مذهب اهل بیت علیهم السلام را برای همیشه از روی زمین محو و نابود سازد.

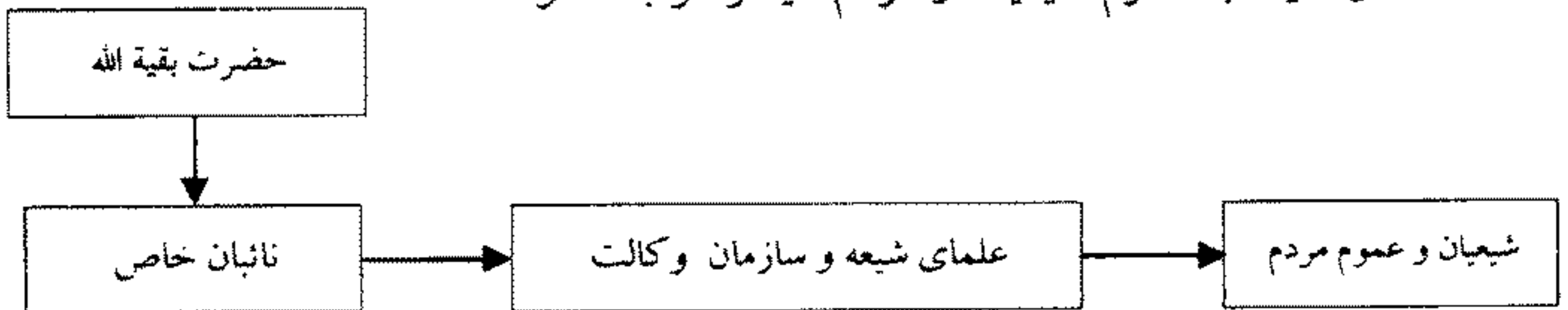
آغاز مدیریت پنهان

اما با آغاز غیبت صغری، حضرت مهدی علیه السلام بلافاصله با تشکیل حلقه‌های پنهان و با عنایت الهی توانستند سازمان شیعه را سر و سامان بخشیده و

۱. حضرت مهدی علیه السلام در توقیعی عموبش جعفر و فرزندانش را به برادران حضرت یوسف تشبیه نمودند و گویا همان طور که برادران یوسف توبه نمودند، جعفر نیز عاقبت به خیر شد و توبه کرد. (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴).

۲. تاریخ عصر غیبت، ص ۳۲۲؛ نشریه موعود، ش ۲۷، ص ۴۲.

مخفیانه مدیریت آن را به دست باکفایت و پر توان خویش عهده‌دار شوند. اولین مرحله و اولین حلقه مدیریتی آن حضرت، نائبان خاص بودند که توانستند توسط آنها با علما و دانشمندان شیعه ارتباط برقرار کرده و به وسیله علمای شیعه با عموم شیعیان و مردم دیگر مرتبط شوند.



اولین اقدام عملی حضرت مهدی علیه السلام تعیین نمایندگان خاص خود و صدور حکم و کالت برای آنان بود که نقش مؤثر و مفیدی در سازماندهی مجدد شیعیان داشت.

«ابوعمر عثمان بن سعید» اولین نائب خاص و سفیر امام مهدی علیه السلام است که افتخار خدمت در بیت امامت را از دوره نوجوانی و زمان امام جواد علیه السلام داشته و در ده سال آخر زندگی امام هادی علیه السلام رهبری سازمان زیرزمینی و کالت را به عهده داشت. سپس ریاست و کلاهی امام حسن عسگری علیه السلام را داشت و در آخر، نائب خاص امام زمان علیه السلام شد. بعد از او فرزندش «ابوجعفر محمد بن عثمان» افتخار نیابت ویژه امام زمان علیه السلام را حدود چهل سال عهده‌دار شد. در سال ۳۰۵ هجری قمری محمد بن عثمان، به فرمان امام زمان علیه السلام سومین نائب و برگزیده حضرت، «ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی» را معرفی نمود که این نیابت مدت ۲۱ سال به طول انجامید. سپس «ابوالحسن علی بن محمد سمري» به عنوان آخرین نائب حضرت مهدی علیه السلام معرفی شد. در میان نائبان خاص که حدود ۷۰ سال پر از مشکلات و سختی‌ها، نیابت و جانشینی حضرت مهدی علیه السلام را عهده‌دار بودند:

عثمان بن سعید مقام بسیار والا و ارجمندی را نزد شیعیان بلکه نزد امامان معصوم علیهم السلام از امام جواد علیه السلام تا امام زمان علیه السلام داشت.

محمد بن عثمان بیشترین دوران نیابت و جانشینی را عهده‌دار شد. حسین بن روح مهمترین موقعیت اجتماعی و بالاترین جایگاه را داشت و توانست در بین مقامات حکومتی نفوذ کند. و به همین علت شیعیان از آزادی بیشتری برخوردار شدند.

و آخرین نائب امام زمان علیه السلام علی بن محمد سمری نقش آماده کردن شیعیان برای آغاز غیبت کبری را به عهده داشت. نایبان خاص به طور کاملاً مخفی و محرمانه به خدمت مشغول بودند. تا جایی که عثمان بن سعید با آن مقام و جایگاه ویژه و بالا به منظور استتار در فعالیت‌های سیاسی مذهبی به شغل روغن فروشی روی آورد و حتی نام مستعار هم برای او نقل شده است. نایبان خاص حضرت مهدی علیه السلام در برخی مواقع به منظور صحت ادعای خویش مجبور می‌شدند کشف و کراماتی از خود بروز دهند تا اعتقاد و اعتماد شیعیان به آنها زیاد شود. از دیگر ویژگی‌های آنان، تقیه و رازداری در حد بالا، درایت و عقل و فهم و بصیرت فراوان، صبر و مقاومت بسیار عالی و ممتاز، رفتار و کردار کاملاً عادی و معمولی بود، به نحوی که دستگاه ظالم عباسی هیچ گونه حساسیتی نسبت به آنها پیدا نکرد.

وظایف جانشینان چهارگانه حضرت مهدی علیه السلام

برخی وظایف مهم و حساسی که از جانب حضرت مهدی علیه السلام به جانشینان برگزیده ابلاغ شد و همراه با امر و نهی و توقیعات آن حضرت عهده‌دار آن شدند عبارت بودند از:

۱. زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام.

۲. حفظ امام علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان حضرت علیه السلام.
 ۳. سازماندهی و سرپرستی سازمان و کالت و ارتباط با علمای شیعه.
 ۴. پاسخگویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات و شبهات عقیدتی.
 ۵. گرفتن و توزیع وجوهات و اموال متعلق به آقا امام زمان علیه السلام.
 ۶. مبارزه با غلات و مدعیان دروغین مهدویت، باییت، و کالت و نیابت و افشای ادعاهای باطل آنان.
 ۷. مبارزه با وکلای خیانت کار.
 ۸. آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری.
- از میان این وظایف، اولین وظیفه، بیشتر از همه بر عهده اولین جانشین «عثمان بن سعید عمری» بود و آخرین وظیفه هم بیشتر از همه به عهده آخرین سفیر و نائب خاص حضرت علیه السلام «علی بن محمد سمری» بود.

ثمرات مدیریت صحیح بر سازمان شیعه

با توجه به خفقان شدید و انزوای کامل و حیرت شیعیان در آغاز غیبت صغری، با مدیریت و نظارت مستقیم آقا امام زمان علیه السلام و ارتباط غیر مستقیم با علمای شیعه از طریق نایبان خاص، سازمان شیعه توانست در طول این ۷۰ سال در وضعیت بسیار مناسبی قرار گرفته و پایگاه فکری و فرهنگی خود را رونق بخشد و علمای بزرگی در این دوران فرصت یافتند میراث شیعه را از خطر محو و نابودی محافظت نمایند. کتاب‌های مهمی مانند اصول کافی، فروع و روضه کافی، بصائر الدرجات، محاسن برقی، تفسیر عیاشی و فرات کوفی، قرب الاسناد و... در این دوران به رشته تحریر درآمد و حوزه‌های علمیه قم و نجف رونق خوبی پیدا کرد. هم‌چنین وضعیت سیاسی و

اجتماعی شیعیان در مقاطعی خارج از قلمرو حکومت عباسیان موقعیت مناسب‌تری یافت.

نصب وکلا توسط امام عصر علیه السلام

در عصر غیبت صغری علاوه بر «نواب اربعه» وکلای متعددی در نقاط مختلف از جانب حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام به صورت مستقیم یا غیر مستقیم (توسط نائبان خاص) منصوب شدند. آنها مأمور بودند وظایف وکالت و اخذ وجوهات شرعیه را همانند وکلای پیشین ائمه علیهم السلام انجام دهند و نهایتاً برای کسب تکلیف به نزد وکلای خاص یا در برخی مواقع نزد «نواب اربعه» مراجعه نمایند.^۱ وجود این وکلا در زمان غیبت صغری برای پیشبرد اهداف «سازمان وکالت» ضروری بود و لذا امام عصر علیه السلام اقدام به تعیین و نصب آنها نموده است. به عنوان مثال «محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی» توسط حضرت حجت علیه السلام به عنوان وکالت در ناحیه «اهواز» به جای پدرش منصوب شد و حضرت علیه السلام به ایشان فرمودند: «قَدْ أَقْمَنَّاكَ مَقَامَ ابْنِكَ». ^۲ برخی از این افراد به عنوان سر وکیل و محل مراجعه وکلای یک منطقه بودند. مانند: هارون بن عمران همدانی و پسرش که مسئول وکلای منطقه همدان بودند. برخی از این وکلا توفیق شرفیابی به خدمت حضرت مهدی علیه السلام را یافتند و معجزاتی از آن حضرت دیده و نقل کرده‌اند.^۳

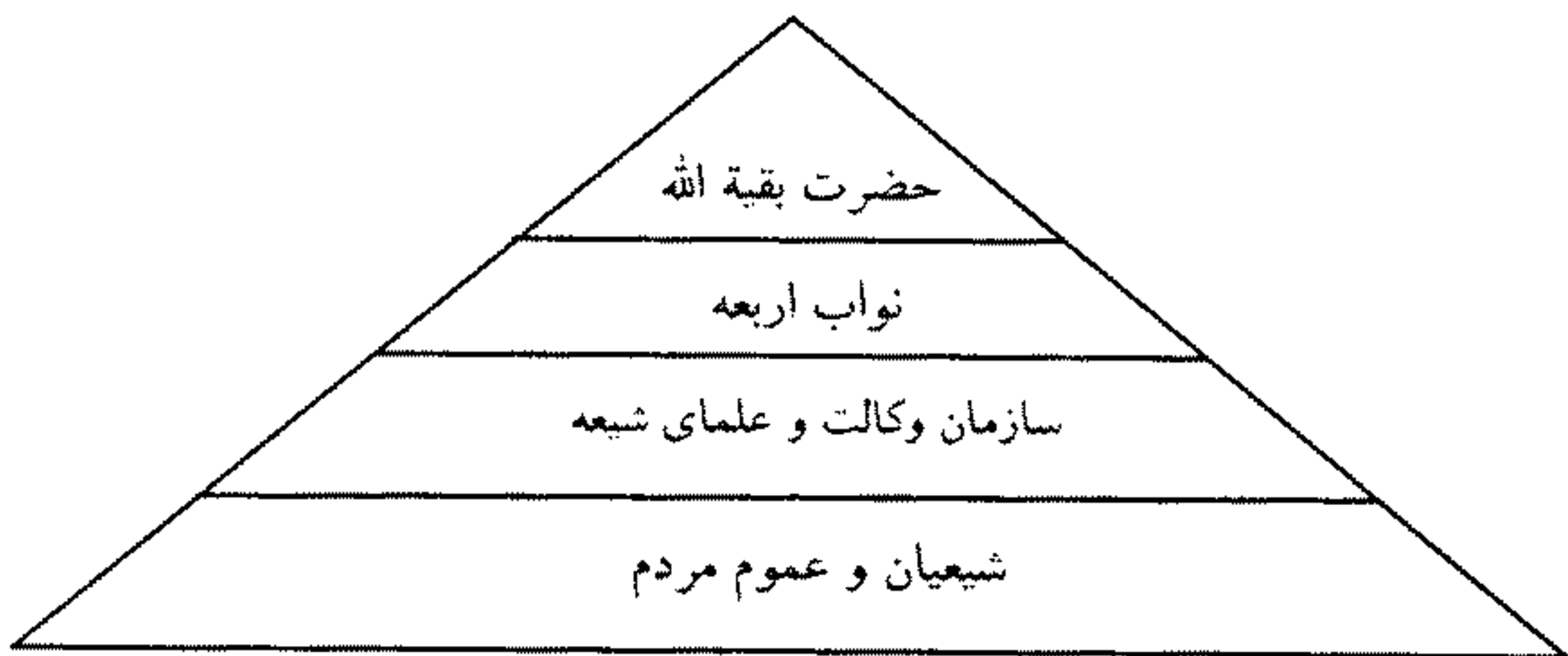
۱. اسامی این وکلا که تعداد زیادی بودند به طور کامل در منابع ما وجود ندارد ولی با جستجو در منابع رجالی حدیثی و فقهی می‌توان نام برخی از آنها را به دست آورد. شیخ طوسی در الغیبة، تهذیب و رجال خویش، نجاشی در رجال، طبرسی در اعلام الوری، کلینی در کافی و نیز شیخ صدوق در تنقیح المقال نام برخی از وکلای حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری را ذکر کرده‌اند. رجوع کنید به تاریخ عصر غیبت، ص ۳۱۵-۳۲۱.

۲. تو را به جای پدرت منصوب کردیم. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۱۸.

۳. تاریخ عصر غیبت، ص ۳۱۶.

ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری

ارتباط و دیدار با حضرت مهدی علیه السلام در طول زمان غیبت صغری بسیار آسان تر از دوران غیبت کبری بود. به نحوی که جمع کثیری غیر از نواب اربعه توانستند حضرت علیه السلام را مشاهده کنند. بنابراین ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری به دو نحو صورت می گرفت. در ابتدای غیبت صغری چون مسئله نیابت نیز مخفی بود شیعیان و حتی علمای شیعه با واسطه می توانستند با نواب اربعه در ارتباط باشند. تنها محمد بن عثمان دومین نائب حضرت علیه السلام در بغداد ۱۰ وکیل داشت که یکی از وکلای ایشان جناب حسین بن روح بود که بعد از او به مقام نیابت حضرت علیه السلام رسید.



نمودار نحوه ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغری

زمانی که شیعیان توانستند به صورت پنهانی نام و نشان نواب اربعه را از دیگر وکلای حضرت علیه السلام و خواص، پیدا کنند بدون واسطه و از طریق آنها با حضرت مهدی علیه السلام ارتباط برقرار می کردند و جواب مسائل و حل مشکلات خویش را از حضرت می خواستند و به این صورت، مدیریت و نظارت حضرت مهدی علیه السلام بر سازمان شیعه شکل حقیقی و حقوقی به خود گرفت.

فلسفه غیبت کبری

گرچه در طول ۷۰ سال غیبت صغری، سازمان شیعه از خطر نابودی و بدتر از آن، خطر انحراف نجات پیدا کرد و توانست وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را نسبت به آغاز غیبت صغری بهبود بخشد، اما این سازمان به دلیل نوپایی در اقلیت بوده و به دلایل متعدد از جمله: عدم امنیت جانی حضرت مهدی علیه السلام، عدم آمادگی عموم مردم برای پذیرش حضرت علیه السلام، تسلط حکومت‌های ظالم و ستمگر بر جوامع بشری، آزمایش و امتحان مردم به ویژه شیعیان و غربال انسان‌های سالم و برخی دلایل دیگر که در روایات از آن تعبیر به «اسرار الهی» شده، باعث غیبت کبری و طولانی حضرت مهدی علیه السلام شد.^۱

مقایسه دو مقطع تاریخی

اکنون که بیش از ۱۱۷۰ سال از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام و آغاز امامت پنهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌گذرد بسیار مناسب و به‌جاست که شرایط سخت و نفس‌گیر سازمان شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام را در آن دوران با شرایط این دوران مقایسه‌ای اجمالی نماییم.

- در آن دوران، شیعیان از بردن نام امام خویش محروم شدند.^۲ اما امروز شاهد هستیم که در سراسر جهان از امام زمان علیه السلام به عنوان انسان کامل و مدیر جهان بشریت نام برده می‌شود و برای فرج او دعا می‌شود.

۱. تاریخ عصر غیبت، ص ۲۶۷ و ۲۴۸.

۲. ائمه اطهار علیهم السلام در دوران غیبت به دلایلی از جمله حفظ جان شیعیان، آنها را از تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام منع نمودند.

- در آن دوران، بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام ممنوع بود اما در این دوران با صدای رسا در بسیاری از رسانه‌های تبلیغاتی جهان، فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام بیان می‌شود و دل‌های مشتاقان و مظلومان جهان را به خود جلب می‌کند.

- در آن دوران، شیعیان در تقیة کامل به سر می‌بردند و برای حفظ جان خویش عقاید خود را مخفی نگاه می‌داشتند؛ اما امروزه شیعیان در برابر دشمن شماره یک اسلام یعنی یهود و صهیونیسم، صف آرایی کرده و ارتش چهارم دنیا را ذلیلانه شکست داده و آنها را مجبور به عقب‌نشینی می‌کنند.^۱

پیدای پنهان

مطالعه دقیق تاریخ ۱۲ قرن گذشته، شواهد و قرائن موجود، حوادث و اتفاقاتی که در گوشه و کنار جهان به وقوع پیوسته و بیانات مستند علمای ربانی شیعه، همگی حکایت از این امر مهم دارد که در طی این مدت، تمامی حوادث و اتفاقات، به نفع مذهب اهل بیت علیهم السلام خاتمه یافته است و روز به روز بر اقتدار شیعیان افزوده شده و جمعیت ایشان به سرعت در حال افزایش است به نحوی که تنها در سه دهه اخیر بعد از انقلاب اسلامی ایران، میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا مذهب اهل بیت علیهم السلام را انتخاب کرده‌اند.

به راستی چه شد که شیعه با آن همه دشمنان سرسخت و با آن همه هجمه‌ها، محرومیت‌ها، رنج و سختی‌ها، شکنجه‌ها، زندان‌ها و تبعیدها و قتل عام‌ها امروزه یک پایگاه قوی و قدرتمند در ایران اسلامی دارد و چندین

۱. جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان به رهبری سید حسن نصر الله با اسرائیل که منجر به پیروزی افتخارآفرین آنان شد، ابهت دروغین اسرائیل را در دنیا شکست و راه مبارزه برای مسلمانان فلسطین را هموار ساخت.

پایگاه دیگر در کشورهای همجوار دارد و بدون اغراق در حال تبدیل شدن به یک ابرقدرت جهانی است؟

آری! گرچه به روشنی می‌توان اراده الهی را در باطن این قضایا دید اما بی‌تردید این اراده، با تدبیر و مدیریت خلیفه او امام زمان علیه السلام محقق شده و خواهد شد.

نظریه مدیریت پنهان

در تعریف مدیریت گفته‌اند: علم و هنر به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف سازمانی.^۱

هم‌چنین وظایف یک مدیر موفق و کارآمد عبارت است از:

۱. سازماندهی

۲. برنامه‌ریزی

۳. به کارگیری صحیح منابع و امکانات

۴. هدایت و سرپرستی مجموعه تحت مدیریت

۵. نظارت و کنترل

لازمه عمل به چنین وظایفی و رسیدن به چنان اهدافی حضور فعال، دائم، مؤثر، مفید و موفق مدیر، در همه ارکان مدیریت می‌باشد.

حال با چنین نگرشی به مدیریت، آیا نظریه مدیریت پنهان اصولاً صحیح

است و توفیقی در مجموعه تحت مدیریت خویش خواهد داشت؟

نحوه مدیریت در چنین سیستمی چگونه خواهد بود؟

برای پاسخ به چنین پرسشی باید اقسام مدیریت را بررسی کرد.

۱. مدیریت معمولی و مادی

در مدیریت‌های عادی و مادی، افراد زیر مجموعه معمولاً با انگیزه‌های مادی به گرد میز مدیریت که شخصی معمولی است جمع می‌شوند، بدیهی است که حضور فعال و دائم مدیر و نظارت و کنترل همه جانبه زیرمجموعه، با انواع و اقسام ابزارها و تشویق و تنبیه‌ها امری لازم و ضروری است.

۲. مدیریت الهی و معنوی

در مدیریت‌های الهی و معنوی هدف، تنها انجام وظیفه به نحو احسن می‌باشد و نگاه افراد زیرمجموعه به کار خویش یک نگاه مقدس است و مدیر آن یک انسان کامل و الهی است و وجدان افراد، بهترین ناظر است. بدیهی است تمامی امور و برنامه‌های سازمان با کمترین امکانات و هزینه و تنها با یک اشاره مدیر، تحت هر شرایطی قابل اجرا و بازده آن مفید و مؤثر می‌باشد. به قول شاعر: از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن.

نمونه کوچک آن را می‌توان در جنگ هشت ساله ایران و دنیای استکبار را با دقت و انصاف نظاره گر بود.

یک طرف، کمترین نیرو و امکانات، کمبود هزینه، سلاح‌های ابتدایی و بدون پشتوانه ظاهری اما در آن طرف، نیروهای دشمن با انواع و اقسام امکانات و بیشترین هزینه‌ها و پشتوانه‌ای به وسعت بسیاری از کشورهای دنیا، اما با انگیزه‌های مادی، نیروهای عادی و... اما در عین حال همواره پیروزی‌های مهم و اساسی، نصیب جبهه حق می‌شد چرا که انگیزه آنها دفاع از نوع مقدس بود. دفاع از اسلام و مکتب، رزمندگان اسلام، حرف فرمانده

خود را حرف فرمانده لشکر و فرمان او را فرمان ولی فقیه و اطاعت از ولی فقیه را اطاعت از امام زمان علیه السلام و رضایت آن حضرت علیه السلام را رضایت خدای تبارک و تعالی می‌دانستند. و در نتیجه در سخت‌ترین شرایط با کمترین امکانات، هشت سال جنگ را مدیریت کردند و با پیروزی به پیش بردند.

مدیریت پنهان حضرت مهدی علیه السلام

آیا به راستی می‌توان در خصوص حضرت مهدی علیه السلام نظریه مدیریت پنهان را مطرح کرد؟ آیا به طور کلی مدیریت با غیبت قابل جمع خواهد بود یا نه؟ برای پاسخ به این سؤال مهم و اساسی ابتدا باید واژه غیبت در لغت و اصطلاح معنا شود.

معنای غیبت و انواع آن

غیبت در لغت به معنای مخفی، پنهان و دور از دسترس و در اصطلاح امام شناسی به معنای غایب شدن حضرت مهدی علیه السلام از دیده‌هاست. غیبت به دو نوع مطلق و نسبی تقسیم می‌شود:

غیبت مطلق: آن غیبتی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها و برای همگان مخفی و پنهان و دور از دسترس باشد مانند ذات مقدس پروردگار که همیشه و برای هر کس پوشیده و هرگز قابل رؤیت نیست.

غیبت نسبی: آن است که در برخی مواقع و برای بعضی مخفی و پوشیده است اما نسبت به عده‌ای دیگر آشکار و ظاهر است. مانند وجود فرشتگان و ملائکه الهی که برای بسیاری از افراد از امور غیبی هستند. اما عده‌ای پاک سرشت می‌توانند آن‌ها را دیده و درک کنند و لو این که برای برخی غیر قابل بیان و باور باشد.

نوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام

حضرت آیت الله جوادی آملی می‌فرمایند: غیبت امام زمان علیه السلام از نوع غیبت نسبی است یعنی حضرت مهدی علیه السلام نسبت به برخی غایب و مخفی از بعضی دیده‌هاست اما نسبت به عده‌ای پاک سرشت و لایق قابل رؤیت است.

اگر امام زمان علیه السلام را امام غایب می‌نامند به خاطر محرومیت جامعه از درک وجود مبارک امام است. بنابراین باید گفت مردم از محضر امام خویش غایب هستند نه این که آن حضرت غایب باشند.^۱

حکایت ما داستان آن کودکی است که در اثر حواس پرتی و بازیگوشی در آشفته بازاری دست از پدر خویش جدا کرد و به بازیچه مشغول و عاقبت گم شد. وقتی متوجه غیبت پدر شد به گوشه‌ای نشست و گریست. رهگذران جویای حال او شدند و علت گریه را پرسیدند. کودک سر به هوا جواب داد: پدرم مرا گم کرده است!

به راستی چقدر ما باید غافل باشیم که امام خویش را که مهربان‌ترین پدر دنیاست غایب بدانیم و بنامیم. پدری که قرن‌ها در جستجوی ما گمشدگان است تا ما را به مقصد برساند.

او منتظر است تا که ما برگردیم

ماییم که در غیبت کبری مانسندیم

بنابراین غیبت حضرت مهدی علیه السلام به معنای عدم حضور نیست بلکه تنها از دیدگان غفلت‌زده عده‌ای مخفی است. او در میان ما حاضر، بر اعمال ما

۱. امام مهدی، موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۲۶.

ناظر و بر عالم هستی حاکم است. پس چنین غیبتی هرگز با مدیریت منافاتی ندارد بلکه دستان پرتوان او را در برخی امور بازتر می‌سازد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

ان مِيتَنَا لَمْ يَمُتْ و غَائِبْنَا لَمْ يَغِبْ^۱

میت ما اهل بیت علیهم السلام نمرده است و غائب ما غیبت نکرده است.

علامه میرجهانی رحمته الله در خصوص این روایت و در شرح حدیث معرفت بالنورانیه می‌فرماید: «کسانی که منکر این مسئله می‌شوند حالات اهل بیت علیهم السلام را قیاس به سایر بشر می‌کنند و آنها را مانند بشر عادی فرض می‌کنند.

با همه حسن و ملاحظت اگر اینان بشرند

ز آب و خاکِ دگر و شهر و دیار دگرند

پس هر چه از دیده مردمان پنهان باشد برای آنها حال حضور دارد و ناظر اعمال می‌باشند و مظهر شاهدیت و غائبت خداوند هستند در عین حال که از دیده‌ها پنهان است، در همه جا حاضر است»^۲.

تأیید مطلب!

آنچه که از روایات، فهمیده می‌شود این نظریه را به طور کامل تأیید می‌کند.

«بنفسی انت من مُغِيبٍ لَمْ يَخُلْ منَا، بنفسی انت من نازح ما نرح
عنا»^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱.

۲. ولایت کلیه، ج ۱، ص ۶۷.

۳. دعای ندبه.

جانم به فدای حقیقت پنهان و غایب از نظری که دور از ما نیست. جانم به فدای آن عزیز جدا از مایی که هرگز از ما جدا نیست.

محمد بن عثمان، نائب دوم امام عصر علیه السلام می گوید:

«والله صاحب هذا الامر لِيَحْضُرَ الموسم كلَّ سَنَةٍ يَري النَّاسَ و يَعْرِفُهُمْ و يَروْنَه و لا يَعْرِفُونَه»^۱

«به خدا قسم حضرت صاحب الامر علیه السلام هر سال در ایام حج حاضر می شود و مردم را می بیند و می شناسد و مردم هم او را می بینند ولی نمی شناسند.»

و نیز روایات فراوان دیگری از حضور حضرت مهدی علیه السلام در کوچه و بازار شهرها، رفت و آمد در خانه های مردم و نشست و برخاست بر روی فرش آنها سخن می گوید و این در حالی است که مردم او را نمی شناسند مگر خدا اذن دهد.

شواهد و قراین تاریخی و اقوال علمای ربانی نیز حکایت از حضور حضرت مهدی علیه السلام در مقاطع حساس برای دستگیری درماندگان، حل برخی از مشکلات علمی علما، شرکت در تشیع جنازه برخی از آنان، راهیابی گمشدگان، راهنمایی رهجویان و... دارد که در خلال بحث به آنها خواهیم پرداخت.

و البته کتب معتبر علمای ربانی حکایات و قضایای مستندی را در این رابطه نقل نموده اند که همگی آنها حکایت از حضور دائم و فعال حضرت مهدی علیه السلام در بین مردم و مدیریت آن حضرت بر بسیاری از امور دارد.^۲

بیان گفتاری و نوشتاری تشرفات مستند و معتبر که سیره علمای شیعه از ابتدای غیبت کبری تا کنون بوده است، آثار و فواید فراوانی دارد، از جمله:

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۲. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب تاریخ الغیبة الکبری، سید محمد صدر. العبقری الحسان، علامه نهاوندی، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، قاضی زاهدی. میر مهر، دکتر پورسید آقایی و تلاشگر پنهان، محمدرضا فزادیان.

۱. تقویت اعتقاد و ایمان مسلمانان و حتی غیر مسلمین به وجود مقدس

حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام.

۲. آثار معنوی، تربیتی، اخلاقی که در نقل این قضایا وجود دارد.

۳. توجه و توسل به آن منبع رحمت و برکت الهی و آرامش و سلامت

خاطر یافتن^۱.

یوسف یعقوب، یوسف زهرا علیها السلام

لازمه حضور دائم و فعال در بین مردم، آن هم در طول ۱۲ قرن، شناسایی حضرت علیه السلام و لو به صورت تدریجی است! چگونه ممکن است فردی با چنین حضور فعال در اجتماع شناخته نشود؟

امام صادق علیه السلام در مورد کسانی که در زندگی امام عصر علیه السلام در طول زمان غیبت شک و تردید به خود راه می دهند بسیار ناراحت شده و آنان را لعنت کرده، فرمودند: «اشباه الخنازیر این امت چه چیزی را انکار می کنند؟ همانا صاحب الامر علیه السلام شباهت هایی به جناب یوسف علیه السلام دارد. برادران یوسف از نوادگان و فرزندان پیامبران الهی بودند و با یوسف در مصر تجارت و معامله کردند و سخن گفتند، در حالی که آنها برادر یوسف و یوسف برادر ایشان بود با این وجود او را نشناختند تا آن که یوسف خودش را معرفی کرد! پس چرا ملعونین این امت، انکار می کنند که در یک زمانی خدای عزوجل با حجت خود همان کند که با یوسف کرد به طوری که آن حضرت علیه السلام در بازارهای ایشان راه رود و پا روی فرش آنها گذارد اما با این وجود او را شناسند مگر آن وقت که خداوند به حجت خود اجازه دهد تا

۱. مراجعه کنید به عبقری الحسان علامه نهاوندی، نجم الثاقب محدث نوری، تبصرة الولی علامه بحرانی.

خود را معرفی کند همان طور که به یوسف اجازه فرمود که خود را معرفی کند.^۱

حضرت علی علیه السلام در خصوص دوران غیبت امام زمان علیه السلام ضمن بیان عملکرد آن حضرت در آن دوران می فرمایند:

«... مِنْ سُتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يَبْصُرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ.»^۲

«حضرت مهدی علیه السلام سالهای طولانی، پنهان از مردم به سر می برند آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی شناسند، گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند.»

معجزه الهی

کامل سلیمان در شرح حدیث فوق می گوید: این یک مسئله خدایی است و خود یک معجزه به حساب می آید که شخص حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم ولی از دیدگان آنها غایب باشد و اگر کسی در این رابطه جدل کند درباره قدرت خدا جدال کرده زیرا این یکی از عطایای خداوند متعال است که به اولیاء خود مرحمت فرموده و نظیر آن در مورد خضر پیامبر، روشن است که به تأیید همه ادیان آسمانی، حدود ۶۰۰۰ سال است که در بین مردم زندگی می کند اما او را نمی بینند.^۳

و این یکی از معجزاتی است که سایر امامان معصوم علیهم السلام نیز داشته‌اند. همان طور که معاویه بن وهب می گوید: با امام صادق علیه السلام در مدینه بودیم و آن حضرت بر مرکب خود سوار بود ناگاه دیدم پیاده شدند و سجده‌ای

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰. شارحان نهج البلاغه حتی ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خویش، ج

۹، ص ۱۲۶، این خطبه را در خصوص امام زمان علیه السلام می دانند.

۳. یوم الخلاص، ص ۱۲۲.

طولانی انجام دادند. در حالی که من منتظر آن حضرت بودم تا سر از سجده برداشتنند. گفتم: فدایت شوم چرا چنین کردید؟ فرمودند: به یاد نعمت خدا افتادم و سجده کردم. گفتم: اینجا نزدیک بازار است و مردم در رفت و آمد هستند! حضرت فرمودند: هیچ کس مرا نمی بیند.^۱

بنابراین بودن حضرت بقية الله الاعظم علیه السلام در بین مردم ولی از دیده های آنها پنهان بودن، یکی از معجزات الهی است.^۲

آثار و برکات امام زمان علیه السلام در دوران غیبت

زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آخرین وصی خود حضرت مهدی علیه السلام و غیبت طولانی آن حضرت سخن می فرمودند، از آن حضرت سؤال شد: اگر امام و رهبر مردم از دیده ها غایب شود پس مردم چه بهره ای از او خواهند برد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهره مردم از حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت مانند بهره بردن از آفتاب پشت ابر می باشد.

این روایت را امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز با همین مضمون بیان فرموده اند. و بعد از آن خود حضرت مهدی علیه السلام در جواب نامه اسحاق بن یعقوب که از آن، حضرت سؤالاتی کرده بود توسط دومین نائب خویش محمد بن عثمان چنین جواب دادند:

«و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب»^۳

«بهره بردن از من در زمان غیبتم همانند بهره بردن از خورشید است هنگامی که در پشت ابرها از دیده ها مخفی شود.»

۱. بصائر الدرجات، جزء دهم، باب ۱۵.

۲. معجزات امام زمان علیه السلام، محمد مهدی تاج لنگرودی، ص ۹۸.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

تشبیه وجود شریف و مبارک امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر از جانب امامان معصوم علیهم السلام دلایل زیبایی دارد که با شناخت نقش خورشید در منظومه شمسی وجوه تشبیه بیشتر و بهتر شناخته خواهد شد.^۱

خورشید دارای دو نوع نورافشانی است: ۱. نور افشانی آشکار و مستقیم، ۲. نورافشانی مخفی و غیرمستقیم.

در تابش مستقیم و آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می شود و قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده از شدت تابش آفتاب می گاهد و نور آن را ملایم تر عرضه می کند. در غیر این صورت اگر خورشید حرارت خود را بیشتر به زمین عرضه کند هیچ کس، تحمل و تاب و توان درک نور آن را ندارد. وجود امام معصوم علیه السلام نیز در زمان ظهور همین گونه است و امام علیه السلام تنها قسمتی از نور وجودی خود را متناسب با تحمل انسانها عرضه می کند و گرنه هیچ کس توان رؤیت ظاهری، بصیرت باطنی و درک واقعی امام را نداشته و نخواهد داشت.

به هر حال نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پخش می شود باعث حیات و زندگی گیاهان، حیوانات و انسان می شود و رشد و نمو موجودات زنده، تغذیه و تولید مثل آنها، حس و حرکت و جنبش در زمین، آبیاری زمین های مرده، غرّش امواج دریاها، وزش حیات بخش بادهای، ریزش دانه های زندگی آفرین باران و برف، زیبایی خیره کننده گلها و نغمه های دلنشین مرغان، گردش خون در بدن موجودات زنده و تپش قلب ها و... همه و همه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن، همه اینها به خاموشی خواهد گرایید و حیات از کره زمین رخت برمی بندد و زمین را به دیاری سرد و خاموش و غیر قابل زندگی مبدل خواهد ساخت.

۱. برخی وجوه تشبیه امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر را تا ۳۰ مورد نقل کرده اند.

اما باید دانست تمامی این آثار و برکات خورشید، منحصر در تابش مستقیم و آشکار اشعه‌های آن نیست بلکه بسیاری از این فواید در زمانی که خورشید پشت ابر نورافشانی می‌کند نیز وجود دارد و تنها ابرها همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته و پخش می‌کنند گرچه نور آفتاب به خوبی دیده نشود.^۱

بنابراین آنان که گمان می‌کنند چون امام علیه السلام چراغ هدایت است، برخوردار از نور وجودش در گرو دسترسی به اوست و چون مؤمنان از فیض وجود مبارک ایشان در زمان غیبت محروم هستند، هیچ بهره‌ای از امام خویش نمی‌برند، سخت در اشتباه هستند.

گرچه وجود امام علیه السلام در زمان حضور باعث مراجعه مردم به آن حضرت علیه السلام برای پاسخ به مسائل شرعی و مشکلات علمی و اجرای حدود و عمل به قوانین مقدس اسلام می‌باشد، اما اینها همه، بخش کوچکی از آثار وجود آن حضرت است و تأثیر امام معصوم علیه السلام در نظام آفرینش والاتر از آن است که به حساب آید و درک شود.

وجوه تشبیه امام علیه السلام به خورشید

به هر صورت تشبیه امام علیه السلام به خورشید^۲ دلایل فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.^۳

۱. سیمای آفتاب، سیری در زندگانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۳۷۶.
 ۲. حجة الاسلام و المسلمین گنجی فرمودند: تشبیه امام علیه السلام به خورشید از روی ناچاری بوده و از باب تشبیه معقول به محسوس است تا برای عموم مردم قابل فهم باشد و بتوانند درک کنند، وگرنه خورشید و تمامی کهکشان‌ها و عالم هستی ذره‌ای از شعاع نورانی وجود امام زمان علیه السلام است. (سخنرانی معظم له در بیت المهدی علیه السلام).
 ۳. علامه مجلسی در بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۳ و آیت الله جوادی آملی در کتاب امام مهدی علیه السلام موجود موعود، ص ۱۳۵ به برخی از این وجوه اشاره کرده‌اند.

۱. همان طور که خورشید محور منظومه شمسی است، امام زمان علیه السلام نیز محور عالم هستی و قطب عالم امکان است.
۲. وجود خورشید علاوه بر نورافشانی مستقیم باعث به وجود آمدن نیروی جاذبه، وزش باد، ریزش باران، رویش گیاهان و... است. وجود امام زمان علیه السلام نیز باعث وجود و ثبات آسمانها و زمین، تدبیر امور عالم، هدایت ظاهری و باطنی موجودات و... می باشد (بوجوده ثبتت الارض و السماء).^۱
۳. وجود ابر، خورشید را پنهان نمی سازد، چرا که خورشید بزرگ تر از آن است که لکه ای ابر بتواند او را مخفی سازد، بلکه ابر تنها دیدگان مردم را می پوشاند. وجود مبارک امام زمان علیه السلام نیز بزرگ تر، والاتر و برتر از آن است که پرده غیبت بتواند او را محجوب سازد بلکه این پرده غیبت، دیدگان غفلت زدگان و غافلان را پوشانده است.
۴. ابر، دیدگان زمینیان را از وجود خورشید مخفی ساخته اما آنان که توانایی حرکت بر فراز ابرها را دارند نظاره گر خورشیدند. همین طور وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام از چشم دنیاطلبان و خاکیان که ابر تعلقات دنیوی بر روی آن نشسته مخفی است، نه آنان که در آسمان معنویات و بر افلاک قدم نهاده اند.
۵. وجود ابر بر روی خورشید تنها مانع رسیدن نور خورشید به بخشی از زمین است و قسمت های دیگر زمین از نور مستقیم آن بهره مند می شوند. همین طور است وجود مبارک امام عصر علیه السلام که تنها عده ای از فیض دیدار او محروم هستند اما عده ای دیگر می توانند در زمان غیبت به محضر حضرتش شرفیاب شوند.

۱. دعای عدیله، مفاتیح الجنان؛ به وجود آن حضرت است که آسمان و زمین پابرجای مانده است.

۶. خورشید از زمین و دیگر کرات و سیارات و ستاره‌ها بی‌نیاز است و همه آنها نیازمند او هستند. وجود مبارک امام زمان علیه السلام نیز از همه موجودات و مخلوقات بی‌نیاز است و همگی نیازمند فیض او هستند.

۷. دست بشر از رسیدن به خورشید کوتاه و از نابود ساختن آن کوتاه‌تر. همین طور ذهن بشر از رسیدن به مقام و جایگاه حضرت مهدی علیه السلام کوتاه و از نابود ساختن آن وجود عزیز کوتاه‌تر است.

۸. بهره‌مندی هر خانه‌ای از خورشید به اندازه روزنه‌ای است که به سوی آن باز کرده باشد. بهره‌مندی از فیض وجود امام زمان علیه السلام و نور معنوی آن حضرت نیز بستگی به مقدار معرفت هر شخص و به مقدار روزنه‌ای است که انسان در خانه دل خود برای حضرت علیه السلام باز کرده باشد.

۹. خورشید، همیشه و همه جا در حال نورافشانی است مگر برای کسانی که خود را در پشت دیوارهای ضخیم یا در قعر چاه‌ها مخفی کرده باشند. نور وجود امام علیه السلام در همه قلب‌ها و همه زمان‌ها و مکان‌ها در حال تابیدن است مگر آنان که خود را در پشت دیوار گناه و در قعر چاه معصیت گرفتار کرده باشند.

۱۰. خورشید، نور خود را در شب به ماه منعکس می‌کند تا در شب هم بتوان از نور او بهره برد. امام زمان علیه السلام نیز در عصر غیبت، نور وجود خویش را به نایبان خود منعکس کرده تا دیگران بتوانند از نور او بهره ببرند.

۱۱. نور و حرارت خورشید در مکان‌های مختلف و در کشورهای متعدد متفاوت است در برخی نقاط بیشتر و بهتر از نور و گرمای خورشید بهره می‌برند، ولی در برخی نقاط زمین بهره کمتری می‌برند. عنایات و توجه حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام به برخی کشورها و افراد، بیشتر و بهتر است و به برخی مکان‌ها کمتر است.

۱۲. هرچه اجسام صاف و شفاف تر باشند نور خورشید بیشتر و بهتر در آنها تجلی و ظهور می کند و هرچه مردم خالص تر و شفاف تر باشند نور وجود آن حضرت علیه السلام در آنها بیشتر تجلی خواهد کرد.^۱

محدوده مدیریتی حضرت بقية الله الاعظم علیه السلام

مدیریت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت یکی از مسلماتی است که علمای بزرگوار شیعه در خصوص آن مطالب گفته، کتابها نوشته و شعرها سروده اند.

هُوَ الْمَدَارُ بَلْ هُوَ الْمُدِيرُ بِأَمْرِهِ التَّقْدِيرُ وَ التَّيْدِيرُ^۲
اوست محور عالم خلقت بلکه مدیر عالم هستی، که به امر و فرمان او تقدیرات عالم مدیریت می شود.

در این میان، مدیریت حضرت مهدی علیه السلام بر شیعیان و جوامع شیعی اظهر من الشمس است به حدی که منکر آن، انکار کننده وجود خورشید در وسط روز است.

زراره می گوید در خدمت امام صادق علیه السلام بودم. روزنه ای بود که از آنجا آفتاب به داخل مجلس می تابید. امام صادق علیه السلام اشاره به تابش خورشید کرده و فرمودند: ای زراره! آیا این آفتاب آشکار است؟ گفتم: آری!
حضرت فرمودند:

«أمرنا ابين من هذه الشمس»^۳

امر ما از این آفتاب روشن تر است.

۱. برخی از تشبیهات از مقاله «فوائد خورشید پنهان» آقای مهدی قربانی اخذ شده است.

۲. آیت الله محمد حسین اصفهانی (کمپانی)، انوار القدسیه، ص ۱۲۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۸.

و البته باید دانست که مدیریت امام زمان علیه السلام بر کره زمین کمترین محدوده مدیریتی حضرت علیه السلام است و به تعبیر حضرت آیت الله جوادی آملی: «در اعتقاد راسخ امامیه، اداره امور جامعه از وظایف نازل و ضعیف امام است و بر خلاف پندار باطل آنانی که امامت را فقط ریاست، مدیریت و تدبیر جامعه معرفی می کنند، امام شخصیتی ارزشمند است که وجود ناسوتی اش نیازهای والای جامعه بشری را تأمین می کند و وجود ملکوتی اش فرشتگان عالم مثال و ملکوت را راه می نماید و وجود جبروتی اش حاملان عرش و سگان ملاء اعلی را به کمال لایقشان دعوت می کند و کارهای برتر و والاتری را هم بر عهده دارد.»^۱

هدف از مدیریت

یکی از اهداف بلند حضرت مهدی علیه السلام از تدبیر امور جامعه بشری به نفع مکتب اهل بیت علیهم السلام و هدایت و مدیریت جوامع شیعی، زمینه سازی و فراهم نمودن مقدمات ظهور و فرج خویش و تشکیل حکومت جهانی است که به وسیله شیعیان محقق خواهد شد. تدبیر و مدیریت با حضرت علیه السلام و اجرا با شیعیان و محبان حضرت است.

دلایل مدیریت حضرت مهدی علیه السلام

برخی از دلایلی که مدیریت حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام در زمان غیبت را ثابت می کند عبارتند از:

۱. امام مهدی موجود موعود، ص ۲۴.

الف) قرآن:

کتاب خدا یکی از بهترین منابع مستند و محکمی است که در اختیار بشریت است و مسلمان و کافر در برابر عظمت او تسلیم شده‌اند. اگر هیچ دلیلی بر مدیریت حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت نداشتیم به جز سوره مبارکه قدر، از هر دلیل و مدرکی کفایت می‌کرد.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«یا معشر الشیعة خاصموا بسورة انا انزلنا تفلجوا»^۱

«ای شیعیان! با مخالفان امامت به وسیله سوره قدر استدلال کنید تا پیروز شوید.»

نحوه استدلال

با توجه به آن که قرآن تا روز قیامت کتاب باقی و معجزه همیشگی اسلام و از جانب خداوند متعال بر قلب رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است، این سوره هم تا روز قیامت جاودانه و باقی خواهد ماند.

خداوند متعال در این سوره می‌فرماید:

«تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»^۲

«فرشتگان و روح در شب قدر به امر پروردگارشان هر امر و فرمانی را بر ولی امر نازل می‌کنند»

کلمه «تنزل» فعل مضارع است و دلالت بر استمرار می‌کند یعنی تنها در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مسئله نزول ملائکه در شب قدر نبوده بلکه تا روز قیامت این تنزیل ادامه خواهد داشت. همان طور که از ابتدای خلقت و از آدم تا

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. سوره قدر، آیه ۴.

خاتم بر تمامی انبیاء الهی و اوصیاء آنها امور و مقدرات، در شب قدر نازل می شده است.^۱

ملائکه و روح خدمت چه کسی می رسند؟

بعد از وجود مقدس رسول اکرم حضرت محمد مصطفی ﷺ ملائکه و روح که فرشته‌ای بالاتر از جبرئیل است هر سال، در شب قدر خدمت چه کسی می رسند؟ چه کسی لیاقت دارد که تمامی ملائکه الهی به خدمت او مشرف شوند؟ کدام یک از خلفا، سلاطین، پادشاهان و امرا چنین ظرفیت، صلاحیت و لیاقتی را داشته‌اند و کدام یک تا به حال چنین ادعایی کرده‌اند؟ یقیناً این امر عظیم و نزول ملائکه الهی بر کسی باید باشد که هم سنخ رسول خدا ﷺ باشد و هیچ کس چنین سنخیتی با رسول خدا ﷺ ندارد مگر اهل بیت آن حضرت که در حدیث ثقلین در کنار قرآن قرار داده شده‌اند، و اولین آنها وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام است^۲ و خود این آیه دلیل محکمی است بر زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام.

ملائکه برای چه امری نازل می شوند؟

آنچه که در روایات به آن اشاره شده است، علت نزول ملائکه بر ولی امر علیه السلام تقدیم مقدرات امور جهان هستی و تنظیم وظایف حضرت از جانب خداوند متعال است. امام باقر علیه السلام در خصوص این آیه فرمودند:

«در شب قدر بیان همه امور و دستورات آن سال بر ولی امر نازل می شود و به او ابلاغ می شود که در مورد خود، چه اوامری را باید اجرا کند و درباره

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۸.

مردم چه امری را باید اجرا کند و نیز بر او ابلاغ می‌شود که در سال آینده چگونه عمل کند و چه کارهایی انجام دهد.^۱

بنابراین طبق تفسیر سوره قدر، وظایف و مسئولیت‌های یک ساله امام زمان علیه السلام در مورد خود و امور عالم خلقت، در شب قدر توسط ملائکه الهی و روح القدس نازل می‌شود تا حضرت، طبق مشیت الهی به تدبیر امور جهان هستی در آن سال پردازد.

با نگاهی اجمالی به آیات دیگری که در خصوص شب قدر نازل شده است^۲ و نیز جمع‌بندی آیاتی که در خصوص حضرت مهدی علیه السلام تأویل و تفسیر می‌شود و ضمیمه نمودن روایاتی که به شرح و تفسیر آن می‌پردازد همگی مؤید این مطلب است که حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت به تدبیر امور و تربیت نیرو پرداخته و جهان بشریت را با تدبیر و به صورت طبیعی آماده فرج و تشکیل حکومت عدل الهی در سراسر جهان می‌فرماید.

(ب) روایات:

احادیث و روایات فراوانی که دلالت می‌کند بر آن که حضرت صاحب الامر علیه السلام در بین مردم حاضر می‌شود، سخن آنان را می‌شنود، با آنها رفت و آمد می‌کند، در مسائل جزئی و کلان جامعه دخالت کرده و نقش آفرینی می‌کند آن قدر زیاد و متنوع است که اگر با دقت به عبارات و کلمات آن توجه شود به این جمع‌بندی خواهیم رسید که حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت به تدبیر امور می‌پردازند.^۳

حضرت علی علیه السلام در خصوص ایام غیبت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲. دخان، آیه ۴: «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» در شب قدر هر امری با حکمت و تدبیر معین می‌شود.

۳. برخی از این روایات در خلال کتاب نقل می‌شود. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مهدویت صلح کل، مقدمه استاد پور سید آقایی، ص ۲۳ - ۳۶.

«و ما أقربَ اليومَ من تباشیرِ غدٍ یا قوم. هذا إبانُ ورودِ كُلِّ موعودٍ و دُنُوٌّ مِنْ طَلْعَةِ ما لا تعرفون... لِيُحِلَّ فِيهَا رِبْقاً و يُعْتَقَ فِيهَا رِقاً و يَصْدَعَ شِعْباً و يَشْعَبَ صَدْعاً فِي سُتْرَةِ عَنِ النَّاسِ لا يَبْصُرُ الْقَائِفُ اثرَهُ و لو تَابَعَ نَظْرَهُ. ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ...»^۱

«ای مردم! چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد. اینک ما در آستانه تحقق وعده‌های داده شده و نزدیکی ظهور آن چیزهایی که نمی‌دانید قرار داریم. بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی علیه السلام) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع‌آوری کند. آن حضرت علیه السلام سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد. آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چون شمشیرها صیقل می‌خورند.»

حضرت علی علیه السلام در این خطبه با صراحت از اقدامات و فعالیت‌های

حضرت مهدی علیه السلام که به صورت پنهان مدیریت می‌شود پرده برمی‌دارد:

۱. باز نمودن گره‌ها.

۲. آزاد کردن بردگان (ملت‌ها و انسان‌های اسیر و دربند).

۳. متفرق کردن گمراهان.

۴. متحد کردن حق جویان.

و این کارها را تا زمانی انجام می‌دهد که گروهی از یاران حضرت برای

درهم کوبیدن فتنه‌ها در زمان ظهور آماده شوند همانند آماده شدن شمشیر

به دست آهنگر.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«فوربّ علیّ! ان حجتها علیها قائمة، ماشیة فی طرقاتها، داخلة فی دورها و قصورها، جوالّة فی شرق الارض و غربها، تسمع الکلام و تسلّم الجماعة...»^۱

«سوگند به خدای علی! حجت خدا در میان آنان است، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و برخانه های آنان وارد می شود و شرق و غرب عالم را طی می کند و گفتار مردم را می شنود و در اجتماعات آنان وارد شده به آنها سلام می دهد.»

به راستی، این همه رفت و آمد و نشست و برخاست با مردم برای چیست؟ آیا جز نقش آفرینی، هدایت، دستگیری و به عبارت دیگر آیا جز مدیریت امور است؟

و نیز حضرت مهدی علیه السلام در توقیع شریف خویش می فرمایند:

أنا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم ولولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الاعداء.^۲

ما در رسیدگی به امور شما و سرپرستی شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند.

ج (ادعیه و زیارات:

ادعیه و زیارات مستند و معتبری که از جانب امامان معصوم علیهم السلام صادر شده دلالت بر مدیریت حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت می کند.

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۲۲۳. به نقل از غیبت نعمانی، ص ۷۲.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

دعای افتتاح:

یکی از دعاهای پرمحتوا و قابل توجه که در بهترین ایام سال یعنی ماه مبارک رمضان به ویژه در شب‌های قدر خوانده می‌شود دعای افتتاح است که سه بخش دارد؛ قسمت اول: حمد و ثنای الهی، قسمت دوم: سلام و صلوات بر حضرات چهارده معصوم علیهم‌السلام و قسمت سوم: نتیجه‌گیری از دعا، که توجه به امام عصر علیه‌السلام است و قسمت عمده‌ای از دعا را تشکیل می‌دهد. در فراز پایانی دعا چنین می‌خوانیم: ...اللهم المم به شعنا و اشعب به صدعنا و ارتق به فتننا...^۱؛ خدایا پریشانی ما را به حق آن حضرت جمع گردان و پراکندگی ما را به وجود آن حضرت اصلاح فرما...

نکته قابل توجه آن که فرازهای پایانی دعای افتتاح (اللهم المم به شعنا و اشعب به صدعنا) با سخنان حضرت علی علیه‌السلام در خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه هم‌خوانی دارد (یصدع شعبا و یشعب صدعاً).

صاحب تدبیر کیست؟

در زیارت حضرت بقية الله الاعظم علیه‌السلام او را «صاحب تدبیر» می‌دانیم و چنین می‌خوانیم:

«السلام عليك يا محمد بن الحسن الحجة، السلام عليك يا صاحب الامر، السلام عليك يا صاحب التدبير، السلام عليك يا مولانا يا صاحب الزمان»^۲

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. صحیفه مهدیه، ص ۵۷۷، زیارت چهارم حضرت مهدی علیه‌السلام که در مشکلات و موارد خوف خوانده می‌شود.

صاحب الزمان، صاحب الامر، صاحب تدبیر، سه ویژگی و لقب آقا امام زمان علیه السلام است که در این زیارت به آن اشاره شده است. یعنی صاحب امور زمان که آن را به بهترین وجه تدبیر و مدیریت می کند.

صاحب تدبیر به کسی می گویند که همیشه همراه هر تدبیر و هم نشین آن است. یعنی کسی که آغاز و انجام و آشکار و پنهان هر کاری را می داند و برای عمق بخشیدن به کار و استمرار بخشی آن، به گونه ای برنامه ریزی می کند که کار، ناقص و ناتمام نشده و به نحو احسن ادامه پیدا کند.

(د) دلیل عقلی:

علاوه بر دلایلی که از آیات و روایات، ادعیه و زیارات بر مدیریت حضرت ولی عصر علیه السلام اقامه شد، از نظر عقلی هم ولو بدون مراجعه به نقل، می توان چنین امری را ثابت کرد.

به راستی امامی که عصاره تمام عالم خلقت از آدم تا خاتم و از انبیاء الهی تا اوصیاء آنهاست و تنها بازمانده اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است و هدف نهایی خلقت به دست پرتوان او محقق خواهد شد و همه ادیان و مذاهب و عده آمدنش را داده اند، دست روی دست گذاشته و برای تحقق اهداف خویش و زمینه سازی فرج هیچ اقدامی نمی کند و تنها به عبادت و دعا پرداخته تا روزی خداوند متعال برگه فرج را امضاء نماید، آنگاه یک شبه به صورت معجزه آسا همه امکانات برای او فراهم شده و تمام جهان آماده و مهیای حضور حضرتش شوند؟ حاشا و کلا! هرگز چنین نبوده و نخواهد بود!

بشریت هرچه با ایمان و اعتقاد باشد هرگز نخواهد توانست به تنهایی مقدمات تشکیل چنین حکومت باعظمتی را فراهم کند که شرق و غرب عالم را به تسخیر خویش درآورد. بلکه باید راهنمایی و هدایت شود. قلمرو حکومت حضرت، همه هستی است نه محدوده جغرافیایی خاص و محدود به شصت یا هفتاد سال عمر یک انسان نیست بلکه ماندگار خواهد بود.

قال رسول الله ﷺ

«و الذي بعثني بالحق نبيا لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه ولدي المهدي فينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلى خلفه و تشرق الارض بنوره و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب»^۱

«سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی کند تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن روز ظهور کند. پس روح الله عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نورش روشن گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید.»

در روایت دیگری وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین

علی علیه السلام فرمودند:

«یا علی! امامان بعد از من ۱۲ نفر هستند که اولین آنها تو هستی و آخرین آنها قائم می باشد که خدای عزوجل به دست او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.»^۲

۱. کمال الدین، ص ۲۸۰.

۲. کمال الدین، ص ۲۸۲.

بنابراین امام زمان علیه السلام در جهت ایجاد آن آرمان الهی نقش آفرین خواهد بود و غیبت هم نمی‌تواند مانع باشد. چون غیبت، پنهان بودن و در پنهانی کار کردن است نه بیکاری و معطلی. مقدمه سازی برای تشکیل حکومت جهانی در زمان غیبت هرگز نمی‌تواند تعطیل بردار باشد بلکه از جهتی دست امام علیه السلام را بازتر می‌سازد و به دور از تنگناها و برخی مزاحمت‌ها به تدبیر امور و آرایش نیرو پرداخته و بسیاری از توطئه‌ها بر ضد شیعه و مسلمانان را خنثی می‌سازد. آن حضرت با حفظ جوامع شیعی و تشکیل دولت‌های شیعی زمینه را برای دولت جهانی اسلام مهیا خواهد کرد.

ه) شواهد مسلم تاریخی

یکی دیگر از دلایل مدیریت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت، شواهد مسلم تاریخی است که با مرور تاریخ شیعه خصوصاً و تاریخ جهان عموماً با هزاران نکته در این زمینه مواجه می‌شویم که در خلال بحث به گوشه‌هایی از آن اشاره خواهد شد.

نحوه مدیریت‌های الهی و غیر الهی

در مدیریت‌های معمولی در اکثر موارد، مدیر و زیر مجموعه وی، سعی و تلاش فراوانی در جمع آوری آمار و ارقام و ارائه گزارش به ما فوق خود دارند. گرچه در برخی موارد ارائه آمار و گزارش ضرورت دارد، اما اگر هدف همین باشد، چه بسا کیفیت، فدای ضرورت و دقت، فدای سرعت شود. اما در مدیریت الهی سعی و تلاش مدیر، رضایت خدا و اخلاص در کار است و ارائه گزارش و آمار و ارقام، فرع بر انجام وظیفه و خدمت به خلق خدا است. در مدیریت‌های الهی، خدمت نمودن بدون سر و صدا و

هیاهو انجام می شود، خواه دیگران متوجه شوند و قدر بدانند و خواه غافل شده و قدر ناشناسی کنند. آن چه که مورد رضایت خداست و خیر و صلاح زیر مجموعه در آن است انجام می گیرد. ولی مدیریت‌های غیر الهی با سر و صدا و تبلیغات و منفعت طلبی و سهم خواهی همراه است.

نمونه‌ای از مدیریت خداوند متعال در عالم خلقت

تدبیر الهی در اداره عالم خلقت، آن قدر دقیق و عمیق است که در ذره ذره آن عدالت، حکمت و قدرت، موج می‌زند. و هر روز هزاران مورد از این نوع مدیریت‌ها در عالم خلقت و در برابر دیدگان ما اعمال می‌شود اما با غفلت و بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذریم.

زنی آمد خدمت حضرت داود نبی علیه السلام و با گلایه و ناراحتی گفت: ای نبی خدا چگونه شما می‌گویید خدا عادل است و حال آن که چند بچه یتیم دارم و از راه نخ ریزی برای آنها امرار معاش می‌کنم، اما امروز که می‌خواستم محصول زحمات خود را به بازار آورده و بفروشم، باد تندی وزیدن گرفت و کلاف نخ‌هایی که بر سر نهاده بودم با خود برد و همه زحمات من از بین رفت و اینک فرزندان یتیم من گرسنه مانده‌اند. حضرت داود علیه السلام فرمود: بنشین و کمی صبر کن. پس از لحظاتی چند نفر وارد شدند و کیسه‌ای زر خدمت حضرت داود علیه السلام گذاشتند و گفتند: ای نبی خدا! در دریا دچار طوفان شدیم و کشتی ما دچار آسیب شد و از حرکت باز ایستاد. نذر کردیم اگر خدا ما را نجات دهد هدیه‌ای نزد شما بیاوریم. تا این که پرنده‌ای بر سر ما آمد و کلاف ریسمانی بر سر ما انداخت. با آن ریسمان‌ها کشتی را تعمیر کرده و نجات یافتیم و اینک این کیسه را که هزار دینار در آن است خدمت شما آوردیم تا به عهد خود با خدا عمل کرده باشیم. وقتی

جماعت نجات یافته برخاستند و رفتند حضرت داود علیه السلام کیسه زر را به آن بیوه زن داد و فرمود: این هم از عدالت خدا که برای تو در دریا تجارت می کند.^۱
رَوَد کشتی آن جا که خواهد خدا اگر جامه بر تن دَرَد ناخدا

مدیریت مردان الهی

تدبیر و مدیریت مردان الهی، همانند خداوند متعال با حکمت و مصلحت و بدون هیاهو و سر و صدا است.

امام زمان علیه السلام در بسیاری از موارد این چنین مدیریتی بر جهان شیعه دارد و آنان را از خطرات و مشکلات نجات می دهد. بدون آن که خود متوجه بشوند که علت نجات آنان چه بوده و چه بسا بسیاری از مصائب و مشکلات را قبل از وقوع بر طرف می سازد. ولی ما همواره مشکلات را می بینیم و شکر بسیاری از نعمات دیگر را به جا نمی آوریم.

افرادی که در زیر مجموعه دستگاه با عظمت حضرت مهدی علیه السلام نیز انجام وظیفه می کنند این چنین هستند، از ابدال و اوتاد گرفته تا مراجع تقلید و نایبان عام حضرت علیه السلام و یا هر کسی که کار خویش را در راستای خدمت به حضرت ولی عصر علیه السلام انجام می دهد.

اصول حاکم بر مدیریت حضرت مهدی علیه السلام

با توجه به آن که مدیریت حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور یک نوع مدیریت خاص می باشد، اصولی بر این مدیریت حاکم است که عبارتند از:

۱. کشکول طبسی، ج ۲، ص ۳۹۳ و کشکول بحرانی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۱. اصل غیبت: با توجه به آن که مصلحت الهی بر غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گرفته و این غیبت دلایل مختلفی دارد. حضرت مهدی علیه السلام هرگز کاری که خلاف فلسفه غیبت باشد انجام نخواهند داد.

۲. اصل حکمت: حضرت مهدی علیه السلام در مدیریت پنهانی خویش آنچه را که خلاف حکمت و مصلحت باشد انجام نخواهند داد.

۳. اصل سنت: برخی از سنت‌های الهی است که حاکم بر طبیعت و جوامع بشری است و خداوند متعال در قرآن از آنها نام برده است. بدیهی است حضرت مهدی علیه السلام نیز از همان سنت‌های جاری الهی تبعیت نموده و خلاف آن عمل نخواهند کرد. برخی از سنت‌های الهی عبارتند از:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۱

اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌کند.

«إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا»^۲

اگر از عهد و پیمان خویش بازگردید ما هم برمی‌گردیم.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۳

به درستی که خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خود آنها بخواهند.

نزول بلاها برای چه؟

به راستی اگر مدیریت عالم خلقت با حضرت ولی عصر علیه السلام است و طبق روایات، وجود مبارک آن حضرت باعث امان و امنیت زمین است پس وجود این همه جنگ‌ها، ویرانی‌ها، زلزله‌ها، سیل‌ها، بیماری‌های مهلک و

۱. محمد، ۷.

۲. اسراء، ۸.

۳. رعد، ۱۱.

سختی‌ها و گرفتاری‌ها که بر اهل زمین وارد می‌شود و در برخی موارد شیعیان و محبان حضرت علیه السلام نیز دچار آن می‌شوند چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟

جواب اول:

برخی از این حوادث و گرفتاری‌ها مقتضی طبیعت عالم است که سنت الهی نیز بر آن جاری است و حدوث آنها طبیعی است. به عنوان مثال: خاصیت آتش، سوزاندن است و این یک سنت طبیعی است که خداوند در آن قرار داده است. حال اگر کسی جنگلی را آتش زد و عده‌ای از حیوانات یا انسان‌ها در آن تلف شدند مقصر کیست؟

جواب دوم:

برخی دیگر از گرفتاری‌ها و مشکلات، نتیجه اعمال و رفتار انسان‌هاست.

«مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»^۱

«آنچه خوبی به تو می‌رسد از جانب خداست و هر چه بدی به تو می‌رسد از خود توست.»

بنابراین آنچه می‌توان به حضرت مهدی علیه السلام نسبت داد، خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و نارسایی و ضعف‌ها و بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌ها به ناتوانی، بی‌تدبیری، بی‌انصافی و بی‌کفایتی ما برمی‌گردد و بعضی از عذاب‌ها هم در اثر گناهان زیاد است.

جواب سوم:

برخی از گرفتاری‌ها و سختی‌ها به ظاهر سختی و مشکلات است اما در باطن آن جلوه‌هایی از رحمت خدا و نیکی‌هاست.

برکات جنگ هشت ساله

مردم ایران برای برقراری احکام اسلام انقلاب کردند، تلاش نموده، خون دادند و سختی‌ها کشیدند، اما در هنگامی که می‌خواستند از ثمرات و برکات انقلاب بهره ببرند، جنگ ویرانگری آغاز شد و هشت سال به طول انجامید و نتیجه‌ی ظاهری آن ویران شدن بسیاری از شهرها، به شهادت رسیدن جمعی از بهترین فرزندان کشور، سختی‌ها، مصیبت‌ها و... بود. اما باطن این جنگ چیزی جز خیر و صلاح، سعادت و کمال، سلامت و دوام برای کشور ایران نبود. در طول جنگ، مردم ما آموختند که باید روی پای خود بایستند، ایمان و عمل خود را تقویت کنند، از تمام دنیا قطع امید کرده و فقط متکی به خدا باشند، و نتیجه جنگ هشت ساله، استقرار و ثبات نظام مقدس جمهوری اسلام، عقب نشینی دشمنان اسلام، صدور اسلام و انقلاب و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به کشورهای مسلمان و حتی غیر مسلمان و صدها اثر و برکت ویژه بود که اگر جنگ هشت ساله نبود هرگز نصیب و روزی مردم شجاع و غیور ایران نمی‌شد.^۱

اخیراً فرماندهان نظامی کشور اعلام کردند که پس از جنگ هشت ساله تاکنون در موارد متعددی دشمنان تصمیم گرفتند به ایران حمله کنند و به خیال خود کار ایران را یکسره کنند، اما تدابیر مقام معظم رهبری - مدظله العالی - و مانورهای نظامی پی در پی که قدرت تسلیحاتی کشور را به رخ جهانیان کشید و دشمنان را به یاد جنگ هشت ساله انداخت آنان را به طور کلی منصرف کرد. البته همه اینها از عنایات خاص حضرت بقیة الله الاعظم علیه‌السلام بوده و هست.

۱. مراجعه کنید به پیام حضرت امام خمینی به حوزه و روحانیت (۶۷/۱۲/۳) با عنوان «منشور روحانیت» که در آن آثار و برکات جنگ ۸ ساله را مطرح می‌فرمایند.

«كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ»^۱

«حکم جهاد برای شما نوشته شده در حالی که برای شما ناگوار است و چه بسیار شود چیزی را شما سخت و ناگوار می‌شمارید ولی در حقیقت خیر و صلاح شما در آن است و بالعکس چه بسیار شود که چیزی را دوست دارید در حالی که شرّ و فساد شما در آن است.»

جواب چهارم:

به هر حال محرومیت از وجود امام معصوم علیه السلام و هدایت مستقیم او پیامدهایی هم دارد. نباید انتظار داشت که صاحب خانه نباشد ولی همه چیز سر جای خود باشد، هرچند که مستأجر امین باشد. به هر صورت این صاحب خانه است که می‌داند منزل خود را چگونه اداره کند. بنابراین وجود برخی مشکلات در زمان غیبت امام علیه السلام امری طبیعی است.

وجود حضرت علیه السلام واقعاً امان است!

بنابراین اگر در روایات وجود امام معصوم علیه السلام را موجب امان و امنیت معرفی می‌کنند به این معنا نیست که نباید کسی بیمار شود، جنگی واقع نشود و زلزله و سیلی اتفاق نیفتد، بلکه منظور آن است که وجود امام علیه السلام موجب بقای زمین است و از انهدام زمین و انقراض نسل بشر و محو اسلام و مکتب تشیع جلوگیری می‌کند. و به فرمایش محقق طوسی رحمته الله در تجرید الاعتقاد: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا». وجود حضرت علیه السلام

لطف الهی است و تصرف آن حضرت در امور نظام خلقت لطفی دیگر است و غیبت او از جانب ماست.^۱

«الحجة الخلف القائم المنتظر المهدي المرجی الذی ببقائه بقیت الدنیا و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثَبَّتِ الارض و السماء»^۲

«حجت جانشین، قائم منتظر، حضرت مهدی علیه السلام که چشم امید عالم به اوست، و به خاطر بقای اوست که دنیا تاکنون باقی مانده و به برکت اوست که به خلق روزی می‌رسد و به خاطر وجود اوست که زمین و آسمان برقرار مانده است.»

نمونه قرآنی مدیریت پنهان

کارهای حضرت خضر نبی علیه السلام در قرآن کریم، نمونه بارز فعالیت و مدیریت پنهان در جهان هستی است.^۳ و چنانچه خداوند متعال پرده از اسرار او برنمی‌داشت شاید هیچ کس متوجه فعالیت‌های پنهانی او در پیشبرد اهداف الهی نمی‌شد. حضرت خضر علیه السلام آن گونه زندگی کرد که شخص و شخصیتش برای مردم و حتی برای پیامبر اولوالعزمی چون حضرت موسی علیه السلام پنهان و گمنام بود و هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از جانب خداوند متعال طبق مصالحی با او همراه شد متوجه شد که در عین خفاء و پوشش می‌توان کارهای بزرگی را مدیریت کرد. حضرت خضر علیه السلام در مقابل دیدگان حیرت زده حضرت موسی علیه السلام کشتی بینوایان را غرق کرد و ناباورانه فرزند انسان مؤمنی را به قتل رساند. در جایی دیگر دیوارهای باغ

۱. آیت الله صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۱، ص ۱۳۵؛ مهدویت صلح کل، مقدمه استاد پور سید آقایی، ص ۱۷.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۳. حضرت خضر نبی علیه السلام یکی از کسانی است که به طور شبانه روز در خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد و تاکنون ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می‌گذرد و طبق نقل روایات تا قیام قیامت زنده خواهد بود.

شهری را که مردم آن، قدرناشناس بودند و حرمت ولی خدا را نگاه نداشتند بدون اجر و مزد بازسازی کرد و هنگامی که حضرت موسی علیه السلام با اعتراض شدید از او گلایه کرد و علت چنین کارهایی را جویا شد، حضرت خضر علیه السلام حکمت کارهای خویش را چنین بیان کرد: فرمانروایی غاصب قصد داشت کشتی‌های مردم را به نفع خود مصادره کند و چون بینوایان از کشتی خود بهره و روزی می‌بردند آن را معیوب ساختم تا فرمانروا از تصرف عدوانی آن منصرف شود، آنگاه مردم بینوا آن را تعمیر کرده و از آن برای کسب و روزی خویش استفاده کردند.

و اما فرزندی که به قتل رساندم در آینده انسان گمراهی می‌شد که حتی پدر و مادر خویش را منحرف می‌ساخت و در عوض آن خداوند فرزند برتری به آنها عنایت خواهد کرد.^۱ و اما دیواری که آن را تعمیر کردیم متعلق به فرزندان یتیمی بود که گنجی در زیر آن نهفته بود و با تعمیر آن دیوار گنج را برای آینده فرزندان حفظ کردم.^۲

حضرت خضر نبی علیه السلام با حضور فعال خود در اجتماع با آگاهی از حوادث زمان و اوضاع جهان و با ولایتی که از جانب خداوند متعال به او تفویض شده بود در اموال و نفوس تصرف می‌کرد و اوضاع را طبق مصالحی که می‌دانست رهبری می‌کرد.

نکته ظریف در عملکرد حضرت خضر علیه السلام، مخفی بودن او از دیدگان مردم و پنهان بودن تصرفات ولایی او از نظر و دیده‌های عادی مردم حتی افرادی نظیر پیامبر اولوالعزم زمان حضرت موسی علیه السلام بود تا جایی که فلسفه تصرفات ولایی او را نمی‌دانستند.

۱. در روایات است که خداوند متعال در عوض آن پسر، دختری به آن خانواده عطا کرد که از نسل آن دختر هفتاد پیامبر به دنیا آمد. به نقل از: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۱.

۲. داستان حضرت موسی علیه السلام و خضر نبی علیه السلام در سوره کهف آیات ۸۲ الی ۱۶۰ ذکر شده است.

آری! حکایت آن دوران، سرگذشت این زمان است. چرا که خداوند متعال در کتاب تعلیم و تربیتش قرآن کریم، به ما می‌آموزد چنانچه براساس مصالحی ولیّ زمان نتواند به صورت آشکار جامعه را رهبری و هدایت کند، دست از فعالیت خویش برنخواهد داشت. حتی در کنار فعالیت‌های پنهانی خویش نقش تعلیم و تربیت بزرگانی چون حضرت موسی علیه السلام را عهده‌دار می‌شود.

مقایسه علم حضرت خضر نبی علیه السلام با حضرت حجت علیه السلام

سیف تمار می‌گوید: با جمعی از شیعیان در حجر اسماعیل خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که حضرت با اشاره به خانه کعبه سه مرتبه فرمودند:

«به خدای کعبه سوگند! اگر من با موسی و خضر علیهم السلام بودم آنها را آگاه می‌کردم که ما خاندان اهل بیت علیهم السلام داناتر هستیم و از آن چیزهایی که آنها نمی‌دانستند به ایشان گزارش می‌دادم زیرا به موسی و خضر علیهم السلام علم گذشته داده شده ولی علم گذشته و آنچه که تا قیامت واقع می‌شود را ما اهل بیت از راه وراثت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست آورده‌ایم.»

بنابراین حضرت مهدی علیه السلام عالم به علم اولین و آخرین است که حضرت خضر علیه السلام با آن همه علومش تنها یکی از خادمان یوسف زهرا علیها السلام است و بر این خدمت افتخار می‌کند و قبل از آن هم در خدمت دیگر امامان معصوم علیهم السلام بوده است.

پس حضرت حجت علیه السلام نیز در عین خفا و پوشش به صورت ناشناس فعال، حضور دائم در اجتماع داشته و در پس پرده غیبت به اصلاح و

مدیریت کره خاکی مشغول و در هر لحظه‌ای در مکانی از زمین به انجام وظیفه الهی خویش می‌پردازد.

منظومه به گرد او می‌چرخد!

آیت الله وحید خراسانی فرمودند:

مرحوم حاج میرزا احمد، پسر مرحوم آخوند خراسانی (صاحب کفایه) برای بنده نقل کرد: مادر ما مریض شد، ما هرچه کردیم نتوانستیم او را معالجه کنیم. شنیدیم سیدی در نجف آمده که علوم غریبه دارد، من و برادرم سراغ او رفتیم و به او گفتیم نیتی داریم، تسبیحی درآورد و طاق و جفت انداخت. سپس گفت: نیت شما راجع به خانمی است که سر تا پای او را بیماری فرا گرفته و تا سه روز دیگر از دنیا خواهد رفت! ما مبهوت شدیم. برادرم مرحوم آقازاده^۱ بلافاصله گفت: من هم نیتی دارم. سید تسبیحی را به دست گرفت و طاق و جفت انداخت و رنگش تغییر کرد و گفت: این چه نیتی است؟ نیت تو راجع به کسی است که الان مکه بود ولی حالا در شام است، به مدینه بازگشت و مرتب می‌گفت: الان الان... و بعد گفت: نیت تو راجع به کسی است که منظومه به دور سر او می‌چرخد. و بعد گفت: نیت تو راجع به امام زمان علیه السلام است! ... قضیه را برای پدرم آخوند خراسانی نقل کردیم. ایشان متحیر شد و گفت: هر طور هست او را پیدا کنید تا من او را ببینم. تمام نجف را گشتیم ولی دیگر او را ندیدیم.

خوب این که گفت: منظومه به دور سر او می‌چرخد یعنی تمام کهکشان‌ها دور او می‌چرخند، این عالم پروانه است و شمع فقط اوست.^۲

۱. مرحوم آقازاده شخصیتی بود که وقتی به کسی اجازه اجتهاد می‌داد، همه مجتهدین نجف امضاء می‌کردند.

۲. سخنرانی آیت الله وحید خراسانی در جمع دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت (تابستان ۱۳۸۱)، میر مهر، ص ۲۴۳.

آری! امام زمان علیه السلام هر لحظه در مکانی است و گره‌ای از مشکلات را می‌گشاید و چشم بر هم زدنی بیکار نیست. گرچه کارهای آن عزیز از ما پوشیده و مخفی است اما اثرات و ثمرات کارهای آن حضرت علیه السلام روز به روز هویداتر می‌شود و روزی که حجاب‌ها برداشته شود و پرده از اسرار کنار رود، دست عنایت او در تمام لحظات دیده خواهد شد و اسرار نهفته فاش خواهد شد.^۱

ای شاهد شاهدان کجایی؟ وی آب رخ بتان کجایی؟
 ای هیچ مکان ز تو تهی نه وی پُر ز تو لامکان کجایی؟
 ای چشم و چراغ دل کجایی؟ ای جان جهان و جان کجایی؟

«ملا محسن فیض کاشانی»

فصل دوم:

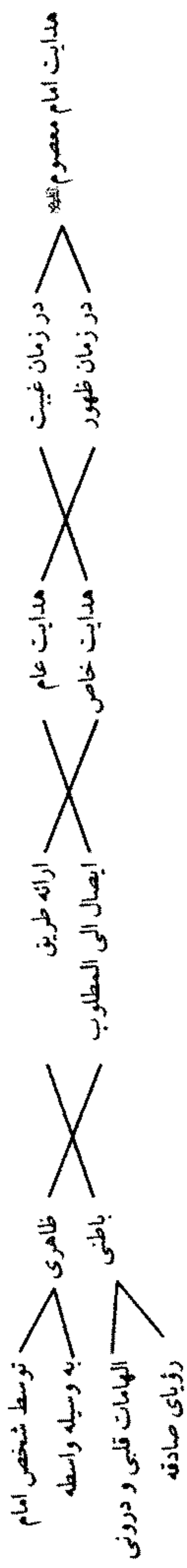
جلوه های مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام

❖ فرشتگان الهی

❖ رجال المهدي علیه السلام

❖ انواع هدایت امام زمان علیه السلام





هدایت، که از شئون امام معصوم علیه السلام است در زمان غیبت و ظهور شامل تمام موجودات (هدایت عام) به ویژه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام (هدایت خاص) می شود و به طرق مختلف آن صورت می گیرد. (ص ۹۷ همین کتاب و فصل دوم کتاب آخرین فرمانده، اولین سرباز).

الف) فرشتگان الهی

«فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»^۱

«قسم به آنان که امور عالم را تدبیر می کنند.»

خداوند متعال در اداره امور جهان آفرینش هیچ کاری را بدون سبب و علت انجام نمی دهد و مسئولیت هر کاری را به عهده مسئول خاص خود می گذارد. خلقت فرشتگان و ملائکه الهی به همین منظور است، و هر ملک و فرشته ای مسئولیت خویش در نظام آفرینش را بدون کم و کاستی انجام می دهد. فرشتگان رزق و روزی، فرشتگان تولد و مرگ، فرشتگان بادهای و بارانها و... هر کدام مأمور انجام یکی از امورات عالم خلقت هستند. و سررشته تمامی امور فرشتگان نیز به دست خلیفه خدا و امام هر زمانی می باشد که در این ایام امام تمامی فرشتگان عالم هستی حضرت حجت بن الحسن المهدی علیه السلام است.

تنظیم برنامه یک ساله

در شب قدر که مقدرات تمام عالم هستی تنظیم، تثبیت و تنفیذ می‌شود، برنامه یک ساله جهان آفرینش توسط ملائکه و روح القدس خدمت ولی عصر علیه السلام آورده می‌شود تا آن حضرت، مقدرات عالم را اعم از خیر و شر، طاعت و معصیت، تولد و مرگ، صحت و مرض، رزق و روزی به صورت کلی و جزئی، اجمال و تفصیل، امضاء و برای اجرا تقدیم فرشتگان الهی نماید. به همین دلیل سفارش شده که شب‌های قدر به احیاء و شب زنده‌داری سپری شود تا سرنوشت یک ساله را بهتر رقم زنیم. بنابراین امور عالم خلقت از جانب خداوند متعال توسط فرشتگان، خدمت حضرت مهدی علیه السلام جهت اجرا تقدیم می‌شود و بعد از تنظیم و تدبیر امور، وظیفه هر کسی اعم از فرشتگان و غیر آنان مشخص و به سمت آن وظایف رهبری و هدایت می‌شوند.

ب) سازمان امامت

امامت که یک مقام الهی است و نقش آن رهبری و هدایت جهان هستی است، بی‌نیاز از یک سازمان و تشکیلات منسجم و هدفمند به منظور تدبیر و مدیریت عالم خلقت نیست و کره زمین تنها بخش کوچکی از حوزه مدیریتی امام زمان علیه السلام است که باید زمینه‌ها و مقدمات لازم برای برافراشته شدن پرچم اسلام در آن با هدایت حضرت مهدی علیه السلام فراهم شود تا وعده الهی محقق شود که:

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

«همانا به تحقیق که بندگان صالح من مالک و وارث زمین خواهند شد.»
 بنابراین آنچه که از روایات و شواهد و قرائن موجود به دست می‌آید
 حضرت مهدی علیه السلام نه فقط در زمان ظهور بلکه در زمان غیبت دارای یک
 تشکیلات منسجم و یک سازمان اختصاصی است که به وسیله آن اعمال
 مدیریت نموده و اهداف خویش را محقق می‌سازند.

تفاوت از زمین تا آسمان

نحوه مدیریت حضرت مهدی علیه السلام، نیروهای بکار گرفته شده، اهداف و
 برنامه‌ها و تشکیلات و سازمان آن حضرت با مدیریت‌های معمولی و افراد
 تحت مدیریت و دیگر برنامه‌های مادی و طبیعی، تفاوتی به وسعت زمین و
 آسمان دارد.

نیروهای تحت امر حضرت علاوه بر ملائکه الهی، افرادی از جنس بشر اما
 روحی ملکوتی و روحیه‌ای مافوق تصور، همراه با اخلاص و تقوی، مطیع و
 گوش به فرمان، قدرتی فوق‌العاده و خستگی ناپذیر و صبر و مقاوتی عجیب
 در اجرای فرامین حضرت علیه السلام هستند که قابل وصف و توصیف نبوده و آنچه
 که به دست ما رسیده و در برخی کتب معتبر نقل شده تنها گوشه‌ای از آن
 تشکیلات و سازمان الهی است که معرفی شده و شاید بسیاری از مسائل آن
 در زمان ظهور، کشف و آشکار گردد و برخی حقایق دیگر بازگو شود.

رجال‌المهدی علیه السلام

براساس برخی روایات، گروهی از فرشتگان الهی، دو تن از پیامبران
 الهی و جمعی از مؤمنان خالص، همواره در کنار حضرت مهدی علیه السلام هستند و
 لحظه‌ای آن حضرت را تنها نمی‌گذارند و گاهی اوقات از آنها تعبیر به

«ابدال»، «اوتاد»، «رجال الغیب» و یا «رجال المهدی علیه السلام» می شود. مؤمنان خالصی که توفیق رفیقشان شده و در خدمت حضرت مهدی علیه السلام سر از پا نمی شناسند همانند خود حضرت علیه السلام به صورت مخفی در بین مردم زندگی می کنند، زن و فرزند داشته و رفتاری عادی و معمولی دارند ضمن آنکه هیچ گونه ادعایی نیز در این خصوص ندارند مگر آن که حضرت علیه السلام به آنها اجازه دهد یا خودشان را معرفی کرده و یا از طرف ایشان پیام خاصی را ابلاغ نمایند.

روایاتی در خصوص یاران مهدی علیه السلام

۱. یونس بن ضبیان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: هرگاه امامی از ما اهل بیت علیهم السلام به مقام امامت می رسد، خداوند متعال او را با ۳۱۳ نفر از فرشتگان به عدد «اصحاب بدر» یاری می کند و همراه آن امام هفتاد مرد و دوازده تن به نام «نقیب» است که امام علیه السلام آن هفتاد نفر را به مناطق مختلف می فرستد تا مردم را به سوی او دعوت کنند.^۱
۲. ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«لأبدٍ لصاحب هذا الامر من غيبةٍ و لأبدٍ له فی غيبةٍ من عزلةٍ و نعم المنزل طيبةٍ و ما بثلاثین من وحشةٍ»^۲

«به ناچار صاحب الامر علیه السلام از نظرها غایب شود و به ناچار در این غیبت از عموم مردم کناره گیری می کند و چه خوب منزلی است «طیبه»^۳ و با ۳۰ نفر تنهایی و وحشتی نیست.»

۳. قال الصادق علیه السلام:

۱. الخرائج و الحرائج، قطب الدین راوندی، به نقل از بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. بنا به نظر برخی شارحین «طیبه» شهر مدینه، یا اطراف آن می باشد.

«للقائم علیه السلام غیبتان: احدهما قصيرة و الاخرى طويلة. الغيبة الاولى لا يعلم بمكانه فيها الا خاصة شيعته و الاخرى لا يعلم بمكانه فيها الا خاصة مواليه»^۱
 «برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی صغری و دیگری کبری. در غیبت صغری جز شیعیان مخصوص او از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت کبری به غیر از دوستان مخصوص آن حضرت علیه السلام از مکان ایشان خبر ندارند.»
 بنابراین تعدادی از مؤمنان خالص و از خواص شیعیان که تعداد آنها نیز ممکن است به حسب شرایط تغییر کند همواره در خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام هستند.

سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج

مرحوم آیت الله شیخ حسن مولوی قندهاری رحمته الله (متوفی ۱۳۷۷ هـ ش) از اولیای الهی بودند که در مشهد مقدس اقامت داشتند.^۲ و صاحب کرامات و تشریفاتی بودند. در یکی از تشریفات خویش خطاب به حضرت مهدی علیه السلام عرض می‌کند: به ما خبر رسیده که حضرت رسالت پناه محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در شب معراج به خداوند متعال می‌فرمایند: فرزندم مهدی علیه السلام عمرش طولانی و غریب خواهد بود. خداوند! برای او مونسی قرار ده! و خداوند متعال دعای آن حضرت را مستجاب نموده و سی نفر ملازم را در هر زمانی در خدمت شما قرار داده است. آیا این مطلب صحیح است؟ حضرت مهدی علیه السلام در جواب ایشان فرمودند: بله صحیح است.^۳

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۴۱.

۲. ایشان برای فرزند مرحوم آیت الله طاهری گرگانی رحمته الله نماینده خیرگان رهبری در استان گلستان گفته بودند که حضرت امام خمینی دو مرتبه از جماران با طی الارض به مشهد برای زیارت امام رضا علیه السلام آمدند و بعد به منزل ما آمدند.

۳. نشریه موعود، ش ۸، ص ۴۵. به نقل از ملاقات با امام عصر علیه السلام، ص ۳۳۱.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْاَبْدَالِ وَ الْاَوْتَادِ

در دعای مخصوص نیمه ماه رجب منقول از امام صادق علیه السلام که مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله به نقل از مصباح کفعمی در مفاتیح الجنان آن را نقل فرموده، بعد از صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام، بر اوصیاء، سهداء، شهدا و ائمه هدی علیهم السلام صلوات فرستاده آن گاه چنین می گوئیم:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْاَبْدَالِ وَ الْاَوْتَادِ وَ السَّيَّاحِ وَ الْعِبَادِ وَ الْمَخْلَصِينَ وَ الزَّهَادِ وَ اهلِ الْجَدِّ وَ الاجْتِهَادِ...»

«خدایا! بر ابدال و اوتاد و سیاحین و بندگان شایسته و مخلصین و زاهدان و اهل کوشش و اجتهاد درود فرست.»

مرحوم کفعمی در کتاب مصباح خویش وقتی به این قسمت دعا می رسد در خصوص ابدال و اوتاد چنین می گوید:

«همانا زمین هرگز از «قطب» خالی نمی شود و چهار نفر از «اوتاد»، چهل نفر از «ابدال»، هفتاد نفر از «نجباء» و سیصد و شصت نفر از «صلحاء» همواره بر روی زمین هستند.»

اما قطب (عالم امکان) حضرت مهدی علیه السلام است و اوتاد نیز کمتر از چهار نفر نمی شوند، زیرا دنیا همانند خیمه است که حضرت مهدی علیه السلام مانند ستون خیمه است و چهار نفر اوتاد همانند ریسمان های این خیمه هستند و البته گاهی اوقات اوتاد بیشتر از چهار نفر می شوند، همان طور که ابدال بیشتر از چهل نفر و نجباء بیشتر از هفتاد نفر و صالحین بیشتر از سیصد و شصت نفر خواهند شد و ظاهر آن است که حضرت خضر و الیاس علیهم السلام جزء اوتاد هستند که هر دو بزرگوار در خدمت قطب یعنی امام زمان علیه السلام هستند.

حجة الاسلام شوشتری در کتاب خویش می نویسد: این تعدادی که ذکر شد همیشه ثابت نیستند و در زمان های مختلف تعدادشان متفاوت

است، عمرشان طبیعی است و صاحب قدرت فوق العاده‌ای هستند، به هیچ وجه ادعای صریح یا غیر صریح ندارند و در همه اصناف و بالخصوص روحانیون و علما حضور دارند، در جامعه زندگی می‌کنند و حتی زن و بچه‌های آنان هم از مقام و موقعیت آنها آگاهی ندارند.^۱

صفات و ویژگی‌های هر گروه

صفات اوتاد: افرادی هستند که به اندازه یک چشم بر هم زدن از خدای خویش غفلت نمی‌کنند و به دنبال مال دنیا نیستند مگر آنچه که نصیب و روزی آنها شود و خطاها و لغزش‌هایی که از افراد دیگر صادر می‌شود از آنها سر نمی‌زند و (در خصوص غیر پیامبران) در آنها عصمت شرط نیست، آن عصمتی که از شرایط قطب است. این گروه بی‌واسطه با حضرت مهدی علیه السلام در ارتباط هستند.

ابدال: ابدال یک درجه از اوتاد پایین‌تر و در مرحله بعدی هستند که ممکن است گاهی از آنها غفلتی صادر شود ولی بلافاصله با تذکر و تنبّه آن غفلت را از خود دور می‌کنند و هرگز گناه عمدی از آنها سر نمی‌زند و اما نجباء در رتبه بعد از ابدال قرار دارند و با دو واسطه (اوتاد و ابدال) با حضرت علیه السلام در ارتباط هستند.

صلحاء: افراد باتقوایی هستند که متصف به صفت عدالت هستند، اما ممکن است گاهی اوقات از آنها خطایی سرزند که بلافاصله استغفار کرده و پشیمان می‌شوند همان طور که خداوند متعال می‌فرماید:

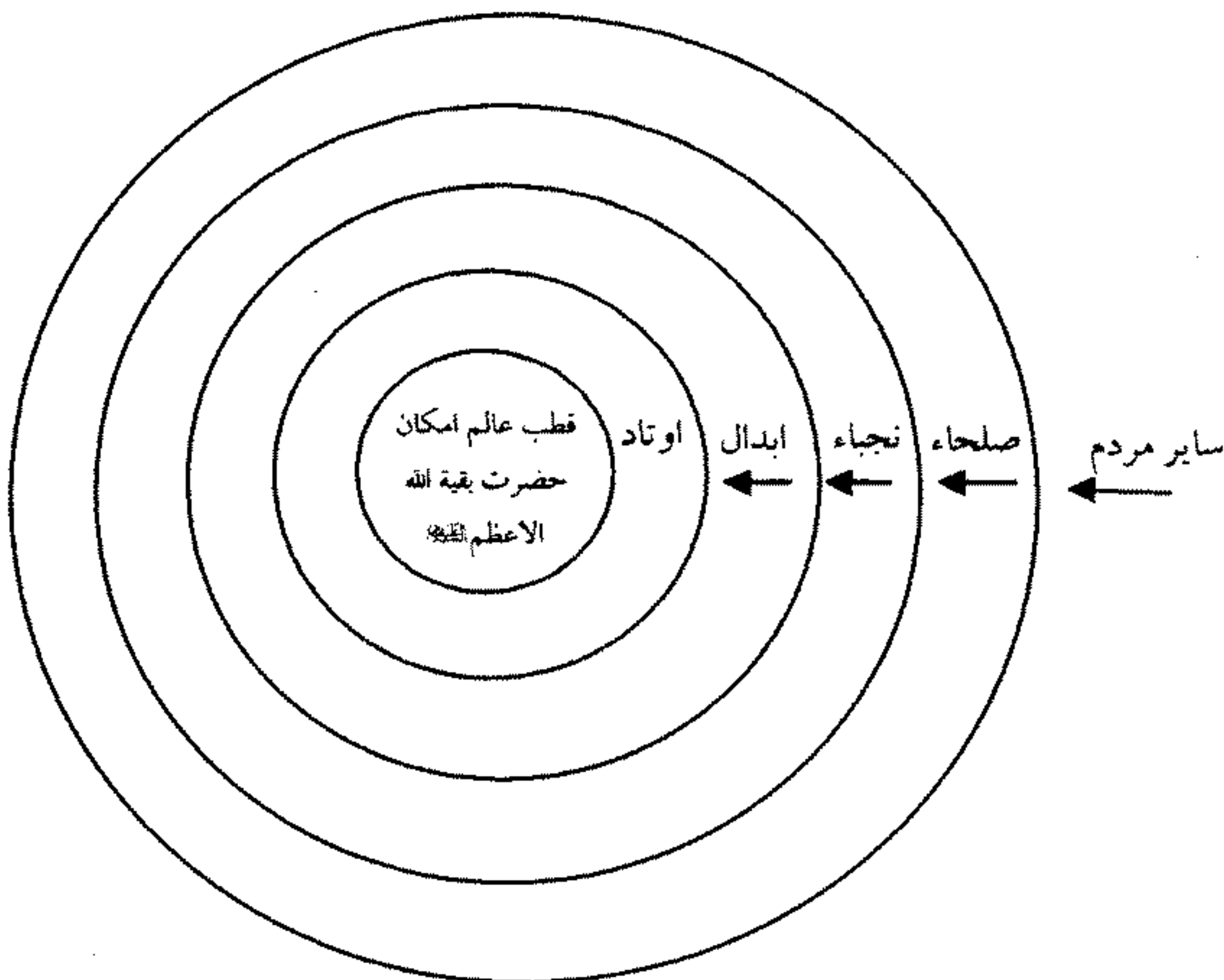
۱. غم عشق، ص ۹۲.

«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَٰئِفٌ مِّنَ الشَّيْطٰنِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۱

«هرگاه گروهی از شیاطین در دل اهل تقوی وسوسه و خیالاتی وارد کنند بلافاصله آنها متذکر شده و همان دم خدا را به یاد آورده آگاه و بینا می‌شوند.»
صلحاء با سه واسطه با حضرت مهدی علیه السلام در ارتباط هستند.

نحوه جایگزینی مدیران

و نیز اگر یکی از اوتاد کم شود یکی از ابدال جایگزین او می‌شود و جای آن ابدال را یکی از نجباء پر می‌کند و به جای او یکی از صلحاء وارد دسته نجباء می‌شود و هرگاه یکی از صلحا کم شود از بقیه مردم که صلاحیت و لیاقت داشته باشند جایگزین صلحاء می‌شوند.^۲



۱. اعراف، ۲۰۱.

۲. مصباح کفعمی، ص ۷۰۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱؛ سفینه البحار، ماده «قطب».

آری! ابدال و اوتاد همواره در خدمت حضرت مهدی علیه السلام هستند. جان بر کف و گوش به فرمان. مطیع و در حالت آماده‌باش کامل. هر کاری که حضرت علیه السلام به آن امر و نهی فرمایند عمل کرده و بی‌چون و چرا انجام می‌دهند. گاهی اوقات برای برطرف کردن مشکلات مردم از جانب حضرت علیه السلام رهسپار می‌شوند و در مواقع لزوم، پیام‌هایی را از جانب حضرت علیه السلام برای برخی خواص ابلاغ می‌کنند و بنا به مصالحی کشف و کراماتی نیز از آنها سر می‌زند. حجة الاسلام و المسلمین عبدالقائم شوشتری می‌فرمایند: اوتاد و ابدال مانند اصحاب دفتری امام زمان علیه السلام هستند که در مأموریت‌های ویژه و در فرصت‌های فوق العاده، مأموریت‌هایی انجام می‌دهند.^۱

رجال المهدی علیه السلام در مسجد الحرام

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالقائم شوشتری دام ظلّه العالی می‌فرمودند: در آخرین سفری که به خانه خدا مشرف شدم (۱۳۸۳ هـ ش) یک شب که در مسجد الحرام نشسته بودم و نظاره‌گر خانه خدا بودم شخصی آمد و در کنار من نشست. بعد از سلام و علیک متوجه شدم انسان فوق العاده‌ای است و آثار بزرگی و جلال در چهره او نمایان بود. با خود گفتم شاید حضرت مهدی علیه السلام باشند و لذا تصمیم گرفتم چند سؤال از ایشان بپرسم تا حقیقت برایم مشخص شود. از ایشان پرسیدم: آیا در زمان غیبت می‌توان خدمت حضرت مهدی علیه السلام رسید؟ ایشان جواب دادند: بله می‌توان رسید! اما اکثر آنهایی که ادعا می‌کنند خدمت حضرت مهدی علیه السلام رسیده‌اند در حقیقت خدمت یکی از ابدال یا اوتاد رسیده‌اند و چون کشف و کراماتی از آنها دیده‌اند گمان کرده‌اند به خدمت حضرت علیه السلام رسیده‌اند و الان یکی

از آن افراد در مسجد الحرام می باشد. و البته عده کمی هم می توانند خدمت خود حضرت مهدی علیه السلام مشرف شوند. از جواب زیبای ایشان خوشحال شدم و سؤال دوم را پرسیدم: آیا بشارتی در خصوص نزدیک شدن امر فرج وجود دارد؟ ایشان جواب دادند: آری ظهور نزدیک است، حتی نزدیک تر از آن چه در ذهن شماست (قبلاً در ذهن من بود شاید حدود ۳۰ سال دیگر ظهور حضرت محقق شود).

سؤال سوم را پرسیدم: آیا سید خراسانی که در روایات به آن اشاره شده همین آیت الله خامنه ای است که در ایران است؟ ایشان جواب دادند: من هم همین گمان را دارم! با جواب سوم یقین کردم که ایشان حضرت مهدی علیه السلام نیست چرا که جواب امام علیه السلام قاطع و یقینی است نه حدس و گمان. اما بعد از خدا حافظی متوجه شدم که ایشان از «رجال المهدی علیه السلام» بوده اند چرا که خود ایشان در جواب سؤال اول گفته بودند: «الان یکی از آنها در مسجد الحرام است.» و منظور ایشان خودش بوده و من متوجه نشده بودم.

منتظر من می نشینم...

منتظر من می نشینم شه بیاید یا نیاید

بلکه رخسارش بینم شه بیاید یا نیاید

رنج خار از چیدن گل گر بینم یا نبینم

می کنم صبر و تحمل شه بیاید یا نیاید

با جفا و جور دشمن گر بسازم یا نسازم

دوست خواهد این چنینم شه بیاید یا نیاید

کاش می مردم از این غم او بیند یا نبیند

می شدم قربان کویش شه بیاید یا نیاید

نه توأم صبر کردن گر بدانند یا ندانند
نه مرا تاب جدایی شه بیاید یا نیاید
خاطرش افسرده حیران گر بگوید یا نگوید
سوخت مغز استخوانم شه بیاید یا نیاید
حضرت آیت الله علامه میرجهانی

ویژگی‌های ابدال

در روایات متعددی که نقل شده برخی خصوصیات و ویژگی‌های ابدال را چنین بیان کرده‌اند:

۱. راضی بودن به حکم و قضای خداوند متعال.
 ۲. خودداری از گناه و صبر کردن در برابر آن.
 ۳. عفو و گذشت کسانی که به آنها ظلم کرده‌اند.
 ۴. نیکی و احسان به کسانی که در حق آنها بدی کرده‌اند.
 ۵. خشم گرفتن به خاطر خدا.
 ۶. ایثار و مواسات در خصوص آنچه که خداوند متعال به آنها ارزانی داشته.
 ۷. داشتن قلبی همانند قلب حضرت ابراهیم علیه السلام به معنای داشتن صلابت، بردباری، ایستادگی، حمایت و دفاع از دین خدا.
 ۸. داشتن جود و سخا و خیرخواهی برای مؤمنین.
- ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند:
- بدانید که ابدال هرگز این مقام را تنها به خاطر خواندن نماز زیاد و گرفتن روزه فراوان و پرداخت صدقه زیاد به دست نیاورده‌اند بلکه به واسطه جود و بخشش و خیرخواهی برای مسلمانان به این مقام رسیده‌اند.^۱

۱. موعود، ش ۸۶ ص ۴۱. به نقل از فردوس الاخبار، حلیة الاولیاء، المعجم الکبیر و....

آثار وجودی ابدال

و نیز ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به وسیله ابدال بلاها را از مردم زمین دور می‌کند.^۱

نظیر این روایت، روایتی است از امام رضا علیه السلام خطاب به زکریا بن آدم که فرمودند:

از شهر قم خارج نشو که خداوند متعال به وسیله تو عذاب و بلا را از شهر قم دور ساخته همان طور که به وسیله پدرم موسی بن جعفر علیه السلام بلا را از شهر بغداد دور کرده است.^۲

آیا می‌توان جزء ابدال شد؟

در سفارشاتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام در خصوص آداب و ایام مجامعت بیان داشتند فرمودند:

«یا علی و ان جامعَها فی لیلة الجمعة بعد صلاة العشاء الاخر فانه یرجى ان یكون لکما ولدٌ من الابدال ان شاء الله»^۳

«یا علی اگر در شب جمعه بعد از نماز عشاء با همسرت هم‌بستر شوی امید است که برای شما فرزندی متولد شود که جزء ابدال گردد اگر خدا بخواهد.»

با توجه به برخی احادیث که وجود ابدال را در همه دورانها و زمانها ضروری می‌دانند، بی‌تردید می‌توان گفت هر کس که خصوصیات و ویژگی‌های آنان را کسب کند می‌تواند در زمره آنان قرار گیرد و البته برخی از خصوصیات و ویژگی‌ها، تفضلی است از جانب خداوند متعال و

۱. به نقل از فردوس الاخبار، حلیة الاولیاء، المعجم الکبیر و....

۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۷۸.

۳. امالی شیخ صدوق، ص ۵۶۱.

برخی از آنها با رعایت تقوای لازم و متناسب با آن مقام، همراه با کوشش و تلاش فوق العاده به دست خواهد آمد و در آخر، گزینش نهایی توسط شخص حضرت مهدی علیه السلام با قبولی از امتحانات ویژه خواهد بود.

امتحان و گزینش نیرو!

حضرت آیت الله ناصری دامت افاضاته از اولیاء الهی و از دوستان صمیمی و قدیمی آیت الله بهجت علیه السلام نقل می‌فرمودند: در زمان جوانی که نجف بودم، شیخ محمد کوفی شب‌های جمعه به حجره پدرم می‌آمد. من خیلی او را دوست داشتم، پیرمرد با صفایی بود. یک مرتبه برای پدرم تعریف می‌کرد ماه مبارک رمضان بود تصمیم گرفتم شب‌های قدر به مسجد کوفه بروم و آنجا بیتوته کنم و احیاء بگیرم. نماز مغرب و عشاء را در مقام مشهور به مقام امیرالمؤمنین علیه السلام به جا آوردم. وقتی افطار کردم با خود گفتم کمی استراحت کنم بعد برای اعمال شب قدر برخیزم و احیاء بگیرم. خوابم برد، ناگهان بیدار شدم و دیدم مسجد کوفه روشن است گویا آفتاب می‌خواهد طلوع کند! خیلی ناراحت شدم. با خودم گفتم: این چه خواب مرگی بود رفتم. من آمده بودم برای عبادت شب احیاء! با ناراحتی برخاستم بروم وضو بگیرم لااقل نماز صبح قضا نشود. از کنار مقام امیرالمؤمنین علیه السلام آمدم رد شوم، دیدم آقای بزرگواری خوابیده و عبای خود را روی سینه کشیده و دو نفر خیلی مؤدب کنار آن آقا نشسته‌اند. من سلام کردم و خواستم رد شوم بروم. آنها گفتند: علیکم السلام شیخ محمد بفرمایید! اصلاً متوجه نشدم که آنها نام مرا از کجا می‌دانند رفتم و در کنار آنها نشستم و فراموش کردم که نماز صبح نزدیک است قضا شود. از آنها سؤال کردم این آقا کیست اینجا خوابیده‌اند؟ گفتند: آشیخ محمد این آقای

عالم است. تعجب کردم با خود گفتم: شاید اینها می‌خواهند بگویند آقای عالم (به معنای دانشمند) و اشتباهی می‌گویند عالم، دوباره پرسیدم، آقای عالم هستند، گفتند: نه آشیخ محمد، ایشان آقای عالم هستند. آن آقا بلند شد و نشست و آب خواست، بلافاصله برای ایشان کاسه آبی آوردند. مقداری آب خورد و مابقی را به من تعارف کرد. من به اعتقاد این که روزه هستم نگرفتم. یکی از آنها گفت: آقا اجازه می‌دهید شیخ محمد را با خود ببریم؟ آن آقا فرمودند: ایشان باید سه امتحان بدهند بعد او را می‌بریم. گذشت! من هم برخاستم بروم وضو بگیرم. وقتی برگشتم دیدم مسجد کوفه تاریک و ظلمات است از دیگران پرسیدم ساعت چند است گفتند ۲ ساعت از شب گذشته. آن موقع فهمیدم قضیه چه بود. آن آقا، حضرت مهدی علیه السلام بودند که به نور آن حضرت مسجد کوفه روشن شده بود و من اصلاً متوجه نشده بودم. آن شب چه ناراحتی‌ها کشیدم و چه بر من گذشت...^۱

شهید سید محمد صدر در کتاب خود، تاریخ غیبت کبری، بعد از حکایت شیخ محمد کوفی می‌افزاید: این قضیه چند مسئله را برای ما روشن می‌کند و مهم‌ترین مسئله این است: افرادی که در اطراف حضرت مهدی علیه السلام بوده‌اند بعد از آن که از آزمایش‌های الهی موفق و سرافراز بیرون آمده‌اند، توانسته‌اند با حضرت همکاری و مشارکت داشته باشند. لکن شیخ محمد کوفی با تمام موقعیت و تقوایی که داشته هنوز به آن مرحله نرسیده بود که بتواند جزء یاران و همکاران حضرت مهدی علیه السلام باشد و لذا او را با خود نبردند.^۲ شیخ محمد کوفی بعدها توانست به آن موقعیت عظمی برسد و پیام حضرت مهدی علیه السلام را برای مراجعی نظیر سید ابوالحسن اصفهانی بیاورد.

۱. سخنرانی آیت الله ناصری که در نشریه امام شناسی، شماره اول، ص ۴ منتشر گردید.

۲. میر مهر، ص ۴۴۰، به نقل از تاریخ غیبت کبری، شهید سید محمد صدر، ص ۱۶۲. لازم به ذکر است شرف شیخ محمد کوفی رحمته الله علیه بنا بر نقل علامه شیخ علی اکبر نهایندی در عبقری الحسان حدود سال ۱۳۳۵ هـ ق واقع شده است.

راه وصال!

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است؟
گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است!
گفتم که از که پرسم جانان نشان کویت؟
گفتا نشان چه پرسی آن کوی بی نشان است!
گفتم مرا غم تو خوشتر ز شادمانی است
گفتا که در ره ما غم نیز شادمان است!
گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم
گفت آن که سوخت او را کی ناله یا فغان است!
گفتم که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما!
گفتم غمم بیفزا گفتا که رایگان است!

«ملا محسن فیض کاشانی»

امتحان سخت و فرار از حلال خدا

مرحوم قدرت الله لطیفی که خود از ره یافتگان به ساحت مقدس حضرت مهدی علیه السلام و به فرموده برخی بزرگان جزء ابدال بوده، در جوانی با شیخ محمد کوفی آشنا شده و به محضر بزرگانی هم چون آیت الله سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالحسن اصفهانی می‌رسد و بعد از بازگشت به تهران راهی قم شده و به تحصیلات حوزوی ادامه می‌دهد و یکی از امتحانات بزرگ را در قم با موفقیت سپری می‌کند و راه را برای وصال کوی دوست هموار می‌سازد.

او حکایت آن امتحان عجیب را چنین نقل می‌کند. در قم، محله سیدان در یک منزل قدیمی زندگی می‌کردم. پیرزنی در همسایگی من بود که گاهی اوقات برای من غذا می‌آورد. یک روز به من گفت چرا ازدواج نمی‌کنی؟ شما جوان هستی! من هم دلایلی آوردم تا او را متقاعد کنم ولی او اصرار می‌کرد. من هم آمادگی برای ازدواج نداشتم و اصلاً به هدف دیگری به قم آمده بودم. تا این که یک مرتبه گفت: بیا به خاطر این که تنها هستی لااقل ازدواج موقت کن و من خانم بیوه و فقیری را سراغ دارم که خیلی محتاج است. آن قدر اصرار کرد تا دیگر نتوانستم قبول نکنم و همان شب دیدم با خانمی آمد و من بدون آن که به او نگاه کنم و توجهی کنم اجازه گرفتم و صیغه عقد موقت را جاری ساختم. پیرزن رفت و ما را تنها گذاشت. وقتی من به صورت آن زن نگاه کردم با کمال تعجب دیدم دختری بسیار زیبا و دوشیزه است. گفتم: مگر شما قبلاً ازدواج نکرده‌اید؟ گفت: خیر! گفتم: مگر نمی‌دانید دوشیزه اجازه پدر لازم دارد؟ گفتم: پدرم اجازه داده است، آقا به خدا قسم خیلی فقیر هستم و الان برادران و خواهرانم گرسنه هستند و من می‌خواهم به این وسیله پولی به آنها برسانم. من گفتم: خیر تو باید شوهر کنی و آینده خودت را ضایع نکنی. بلند شو الان برویم منزلتان تا من با پدرت صحبت کنم. او قبول نمی‌کرد و التماس می‌کرد و گریه می‌کرد. هرچه کرد و هر برنامه‌ای پیاده کرد زیر بار نرفتم و گفتم باقی مدت را به تو بخشیدم و همان جا مهر او را که حدود بیست تومان آن زمان بود پرداختم و با تندی او را وادار کردم به منزلشان برویم. وقتی به درب منزلشان رسیدیم به پدرش گفتم: این دختر شما صحیح و سالم تحویل بگیرید و ان شاء الله تا آخر همین هفته با عنایت مولایم صاحب الزمان علیه السلام

شوهری نصیب او خواهد شد. برگشتم و به آقا امام زمان علیه السلام متوسل شدم و به لطف خداوند و عنایات امام عصر علیه السلام آن دختر همان هفته شوهر کرد.^۱

آری کسانی که می‌خواهند در سازمان امامت و در محضر آن حضرت علیه السلام خدمت کنند حتی باید از برخی حلال‌های خدا هم فرار کنند. مرحوم لطیفی رحمه الله بعدها از جانب امام عصر علیه السلام مأمور تجدید بنا و توسعه مسجد مقدس جمکران (در سال ۱۳۴۷ هـ ش) می‌شوند و تا پایان عمر (۱۳۸۶ هـ ش) به عنوان رئیس هیئت امنای مسجد مقدس جمکران در خدمت مولای خود انجام وظیفه می‌نمود و گاهی اوقات هم پیامی از جانب حضرت مهدی علیه السلام خدمت برخی علما و مراجع می‌آورد، مانند پیامی که برای امام خمینی در ۲۱ بهمن ۵۷ آورد.^۲

دقت و تفکر!

۱. کسانی که جزء رجال المهدی علیه السلام با عنوان ابدال، اوتاد، رجال الغیب؛ یا هر عنوان دیگر در خدمت حضرت مهدی علیه السلام هستند، هرگز ادعایی در این خصوص ندارند و به صورت مخفیانه، هم‌چون ارباب خویش مشغول انجام وظیفه هستند. بنابراین اگر کسی به قصد جلب توجه دیگران چنین ادعایی کند نشانه درغگویی اوست و نباید از او پذیرفت.
۲. ممکن است برخی از واژه‌های مهم و مقدس را عده‌ای سودجو به نفع خود تصاحب و غصب نمایند. مانند واژه قطب، ابدال، اوتاد که برخی از فرقه‌های تصوف به خود نسبت می‌دهند. همان‌طور که فاروق اعظم و صدیق اکبر که از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود و دیگران به خود نسبت داده و

۱. راه وصال، شرح حال مرحوم لطیفی، ص ۳۸.

۲. مراجعه کنید به ص ۱۰۱ و ص ۱۴۹ حکایت ساختن مسجد مقدس جمکران.

حتی واژه‌ها را هم غصب کردند. قطب در لغت به معنای محور و میله وسطی سنگ آسیاب است و سنگ‌های آسیاب حول محور آن می‌چرخند.^۱ حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«اما والله لقد تقمصها فلان» (ابن ابی قحافه) و انه لیعلم ان محلی منها محل القطب من الرّحی^۲

«آگاه باشید به خدا سوگند ابابکر جامهٔ خلافت را بر تن کرد در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی چون محور آسیاب است به سنگ آسیاب که به دور آن می‌گردد.»

بنابراین قطب عالم امکان، محور هستی و نقطه مرکزی جهان آفرینش که تمام عالم خلقت پروانه‌وار به گرد شمع وجود او می‌چرخند آقا امام زمان علیه السلام می‌باشد و ابدال و اوتاد نیز از خواص و یاران آن عزیز در زمان غیبت می‌باشند. بنابراین کسانی که راه خود را از راه اهل بیت علیهم السلام که مفسران واقعی قرآن هستند جدا کرده‌اند، با تصرف این واژه‌ها و عناوین نمی‌توانند کسب قداست کنند.

۳. حجة الاسلام و المسلمین گنجی می‌فرمودند: ممکن است ابدال و اوتاد در بین برخی علمای ربّانی و یا مراجع راستین پیدا شود ولی آنها هرگز ادعایی نمی‌کنند. یکی از بزرگان اهل فن می‌فرمود: حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه جزء اوتاد و حضرت آیت الله بهاء‌الدینی رحمته الله علیه جزء ابدال بوده‌اند. و شاید به همین دلیل بود که آیت الله بهاء‌الدینی رحمته الله علیه می‌فرمودند: امروزه ثروتمندترین مرد جهان (از نظر معنوی) آیت الله بهجت رحمته الله علیه است.

۱. امام شناسی، استاد گنجی، ج ۱، ص ۳۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه سوم، معروف به ششقیه.

یک لحظه خدمت تو!

دل می‌رود ز دستم، صاحب زمان خدا را
بیرون خیرام از غیب طاقت نماند ما را
ای کشتی ولایت، از غرق ده نجاتم
باشد که باز بینم، دیدار آشنا را
ای صاحب هدایت، شکرانه ولایت
از خوان وصل بنواز، مهجور بی‌نوا را
ده روزه مهر گردون، افسانه است و افسون
یک لحظه خدمت تو بهتر ز ملک دارا
آن کو شناخت قدرت، هرگز نگشت محتاج
این کیمیای مهتر سلطان کند گدا را
آئینه سکندر، کی چون دل تو باشد
با آفتاب تابان نسبت کجا سها را
در کوی حضرت توفیض ار گذر ندارد
دربار گاه شاهان، ره نیست هر گدا را
«ملا محسن فیض کاشانی»

فرزندان امام زمان علیه السلام

در خصوص وجود همسر و فرزندان برای حضرت ولی عصر علیه السلام و این که آنها در حلقه مدیریتی حضرت علیه السلام جایگاهی دارند یا خیر! دو نظریه متفاوت وجود دارد:

نظریه اول: منکر وجود همسر و فرزندان برای آقا امام زمان علیه السلام هستند و آن را منافات با اصل غیبت می دانند. زیرا معتقدند، وجود همسر و فرزندان به تدریج باعث آشکار شدن جایگاه حضرت مهدی علیه السلام و محل اقامت آنها خواهد شد. ضمن آن که در روایت است که هر امامی فرزند دارد به جز حضرت مهدی علیه السلام که فرزندی ندارد.

نظریه دوم: قائل به وجود همسر و فرزندان کثیر برای حضرت مهدی علیه السلام هستند و دلایل و شواهد فراوانی از روایات، ادعیه و زیارات برای نظر خود می آورند و وجود همسر و فرزند را با اصل غیبت در تنافی نمی دانند. زیرا می توان به طرق گوناگون وجود فرزندان را همانند وجود خود حضرت مهدی علیه السلام مخفی نگاه داشت و اما روایتی که وجود فرزند برای حضرت مهدی علیه السلام را منتفی می داند، داشتن فرزند با عنوان «امام» است. چون امامت منحصر در ۱۲ نفر می باشد، حضرت مهدی علیه السلام فرزندی با عنوان «امام» ندارند نه این که اصلاً فرزندی نداشته باشند.

دیدگاه علمای شیعه

مرحوم محدث نوری رحمه الله در کتاب نجم الثاقب می فرماید: «ازدواج از سنت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و سزاوارترین افراد نسبت به عمل نمودن به این سنت حسنه، وجود مقدس حضرت امام عصر علیه السلام است و تاکنون کسی ترک این سنت حسنه را از خصایص حضرت مهدی علیه السلام نشمرده است.»

مرحوم علامه نهانندی رحمه الله در کتاب العبقری الحسان می فرماید: «استحباب تناکح و تناسل و منع از رهبانیت و عزوبت در خصوص حضرت مهدی علیه السلام باعث می شود که آن حضرت علیه السلام را عیال و اولادی باشد و لازمه آن، اختیار مکانی خاص است که خالی از غیر خواص باشد تا به مقتضای

حکمت غیبت، نام آن حضرت علیه السلام و اولاد ایشان مخفی بماند. بنابراین فریب شبهات انکار وجود بلاد و اولاد آن بزرگوار را نخور و آن را افسانه نشمارا! سید بن طاووس رحمه الله در جمال الاسبوع می‌نویسد: «روایاتی را با سندهای متصل یافتم که حضرت ولی عصر علیه السلام را اولاد بسیاری هست که در شهرهای کرانه دریا حاکم و والی بوده و در نیکی و بزرگواری در رأس نیکان روزگار و در قلّه صفات ابرار و اخیار هستند».

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه و علامه مجلسی رحمه الله در بحار الانوار روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت علیه السلام فرمودند: در زمان غیبت کبری کسی از اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام مطلع نمی‌شود حتی فرزندان او به جز کسانی که متصدی امور آن حضرت هستند.

و نیز در برخی ادعیه و زیاراتی که در خصوص حضرت مهدی علیه السلام از امامان معصوم علیهم السلام صادر شده است، از عیال و اولاد حضرت مهدی علیه السلام با عنوان «ذریّه»، «اهل بیت»، «ولد»، «آل بیت» نام برده شده است.^۱

تشرّف خدمت فرزند امام زمان علیه السلام

حضرت حجة الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی رحمه الله^۲ از علمای بنام اصفهان در پشت رساله عملیه خود «تحفة الابرار» به خط خود حکایت یکی از تشرفات خود را چنین نوشته است: من همیشه از حضرت بقية الله الاعظم - روحی له الفداء - می‌خواستم که مرا به مشاهده شهرهایی که اولاد آن حضرت علیه السلام در آنجا حکومت دارند موفق گرداند و خدا را به حق ولیّ خود عجل الله تعالی فرجه الشریف قسم دادم که صحّت این امر بر من معلوم شود. تا

۱. رجوع کنید به سیمای آفتاب، ص ۳۶۲ - ۳۶۸ به نقل از نجم الثاقب، ص ۲۲۴؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۳۴؛ جمال الاسبوع، ص ۵۱۲؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و ج ۹۵، ص ۳۳۲ و مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

۲. حکایت دیگری از مرحوم شفتی را در ص ۱۹۶ بخوانید.

این که در شب عید غدیری که مصادف با شب جمعه بود، سید مجللی را به سیمای علما دیدم و ایشان مرا به آنچه در نیت داشتم خبر داد و گفت: آیا می‌خواهی به چشم خود آنچه را که برای تو و سایر اولواالبصار عبرتی باشد بینی؟ گفتم: آری! آقای من. در این صورت منت بزرگی بر من می‌گذارید! فرمود: چشمان خود را ببند و هفت مرتبه بر جدت محمد مصطفی و آل او علیهم‌السلام صلوات بفرست. آنچه دستور داد انجام دادم. بعد فرمود: چشمان خود را باز کن و آیات و نشانه‌های الهی را بین. چشمان خویش را گشودم و شهری را دیدم «کأنها جنات تجری من تحتها الأنهار». بعد فرمود: به آخر آن درخت‌ها نظر کن و به آنجا برو، مسجد و امامی را خواهی دید. نماز صبح خود را به آن امام اقتدا کن که او از طبقه هفتم اولاد صاحب الزمان علیه‌السلام و نامش عبدالرحمان است. وارد مسجد شدم و ایشان را مانند ماه شب چهارده، نورانی و در محراب عبادت دیدم. مرا که دید فرمود: مرحباً بک، خدا بر تو منت گذارد. بعد از زیارت ایشان مسائل و احکامی که مشکل بود از ایشان سؤال کردم و جواب گرفتم. و بعد وی مرا اکرام و انعام نمود تا این که نماز صبح شد و به ایشان اقتدا کردم و پس از نماز مشغول تعقیبات شدم. ناگهان در ذهنم خطور کرد که در چنین وقتی با مردم نماز می‌خواندم اما امروز گذشت و من به آنها نمی‌رسم. در این وقت شنیدم فرزند حضرت مهدی علیه‌السلام که در محراب نشسته بود فرمودند: محزون مباش که به زودی تو را به جای خود می‌رسانیم و با آنها نماز خواهی خواند. در این هنگام دیدم آن سید اولی نزد من آمد و دست مرا گرفت و فرمود: به برکت امام زمان خود برخیز تا برویم. فوراً خود را در مسجد پیدآباد اصفهان دیدم و با مردم نماز صبح را به جماعت خواندم و آن سید را هم دیگر ندیدم.^۱

۱. برکات حضرت ولی عصر علیه‌السلام، ص ۳۱۹، به نقل از العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۲۷.

ج) هدایت باطنی، هدایت ظاهری

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا»^۱

«و آنان را رهبر و امام مردم قرار دادیم تا خلق را به فرمان ما هدایت کنند.»

مرئیان و مدیران عالم خلقت سه دسته هستند:

۱. پیامبران، ۲. رسولان، ۳. امامان.

پیامبر (نبی)، مسئول دریافت وحی از جانب خداست و هنگامی که مردم از او بخواهند این وحی را در اختیار آنان می‌گذارد.

رسول: مقام ابلاغ وحی و تبلیغ احکام و تربیت نفوس را دارد.

و امام: رهبری و هدایت خلق با تشکیل حکومت الهی و مقام اجرایی دستورات خداوند متعال را دارد.

معمولاً نبوت با رسالت همراه است ولی رسالت همیشه با امامت همراه نیست و تنها بعضی از انبیاء توانستند به مقام امامت برسند. مانند حضرت ابراهیم که بعد از سر بلندی از امتحانات الهی به مقام امامت رسید.

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۲

«و به یاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری امتحان نمود و او همه را به جای آورد خداوند به او فرمود: تو را به عنوان امام مردم منصوب کردم.»^۳

۱. انبیاء، ۷۳.

۲. بقره، ۱۲۴.

۳. در خصوص دو آیه فوق (انبیاء ۷۳ و بقره ۱۲۴) تفاسیر المیزان و نمونه مطالب ارزنده‌ای را بیان داشته‌اند.

هدایت امام علیه السلام چگونه است؟

امامت عبارت است از تحقق بخشیدن برنامه‌های دینی اعم از حکومت به معنی وسیع کلمه و اجرای حدود و احکام الهی و برقراری عدالت اجتماعی و نیز تربیت و پرورش نفوس در بُعد ظاهری و باطنی که این مقام از مقام نبوت و رسالت بالاتر است.

مقام امامت، هدایت به معنی ایصال الی المطلوب است نه ارائه طریق.^۱ مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله در مورد هدایت امام معصوم علیه السلام می‌فرماید: این هدایت که خدا آن را از شئون امامت قرار داده، هدایت به معنای تصرف تکوینی در نفوس است که با آن تصرف، راه را برای بردن دل‌ها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از جایگاهی به جایگاه بالاتر هموار می‌سازد و چون تصرفی است تکوینی و عملی است باطنی، ناگزیر مراد از امری که با آن هدایت صورت می‌گیرد نیز امری تکوینی خواهد بود نه تشریحی^۲ و این هدایت به امر خدا از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مؤمنین به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می‌شوند و هر کس به قدر استعداد خود و بر حسب اختلافی که در مقامات دارد از آن بهره‌مند می‌شود. پس امام علیه السلام رابطه میان مردم و پروردگارشان در اخذ فیوضات ظاهری و باطنی است.^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۸. ارائه طریق به معنای نشان دادن راه و ایصال الی المطلوب به معنای رساندن به مقصد می‌باشد.

۲. هدایت تشریحی، هدایت و تعلیم احکام و مسائل دین است و هدایت تکوینی به معنای تصرف در فکر و قلب افراد به نحوی که ناخودآگاه و به صورت باطنی به سمت راه صحیح و تصمیم درست هدایت می‌شوند «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»؛ و به آنها کارهای خیر را الهام می‌کنیم.

۳. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۸.

هدایت‌گری حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

یکی از زیباترین و پرمعناترین آیات قرآن «آیه نور» در سوره نور است.^۱

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ مَثَلُ نُورِهِ ۗ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ
الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۗ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ ۖ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ
نَارٌ ۖ نُورٌ عَلَى نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ ۗ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَنَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ
لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا نور آسمان‌ها و زمین است. مثال نور او به چراغ‌دانی می‌ماند که در آن چراغی نهاده باشند و آن چراغ در شیشه‌ای قرار گرفته که مانند ستاره‌ای درخشان نورافشانی می‌کند و از درخت زیتون با برکتی شعله‌ور گردد و آن درخت، شرقی یا غربی نباشد و بدون آن که روغن آن با آتشی برخورد داشته باشد روشنایی بخشد. نوری است بر فراز نور و خدا هر کسی را بخواهد به طرف نور خود هدایت می‌کند و خدا این مثالها را برای مردم می‌زند و او بر همه چیز دانا است.

سید هاشم بحرانی در کتاب «غایة المرام» در تفسیر این آیه، حدیثی را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت هر قسمت از این آیه شریفه را به وجود مقدس یکی از معصومین علیهم السلام تفسیر و تأویل نموده‌اند و آخرین فراز این آیه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ ۗ مَنْ يَشَاءُ» را به قائم آل محمد علیه السلام یعنی حضرت مهدی علیه السلام تفسیر فرموده است.^۲

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

۱. سوره نور، آیه ۳۵.

۲. القطره، ج ۱، ص ۷۳۴. به نقل از تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۳۶ و غایة المرام، ص ۳۱۷.

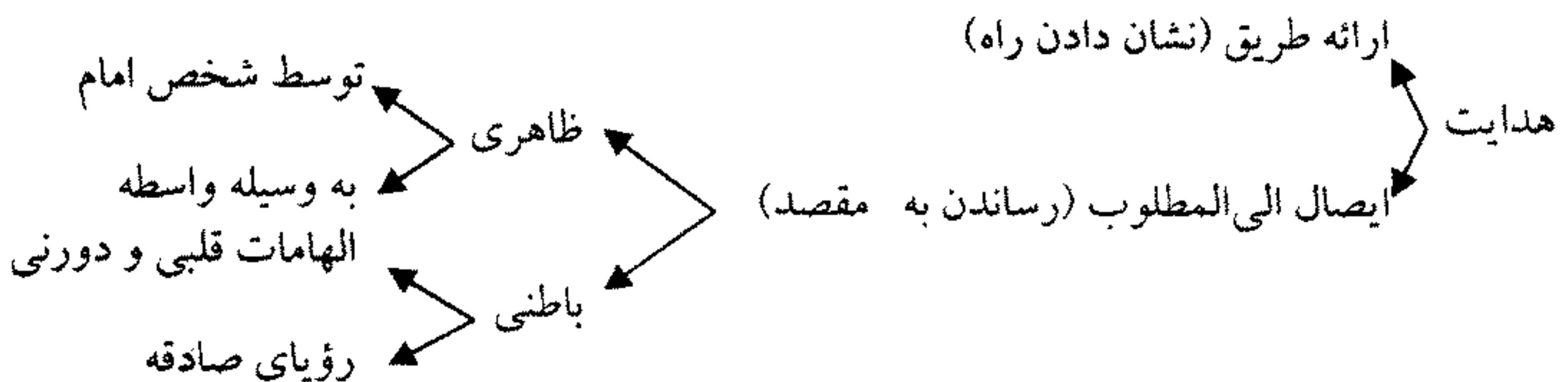
مراد از «مشکوة» حضرت محمد ﷺ است و «مصباح» من هستم، و مقصود از «زجاجه» حسن و حسین ﷺ هستند و «کوکب درّی» امام سجّاد ﷺ، «شجرة مبارکه» امام باقر ﷺ، «زیتونه» امام صادق ﷺ، «لاشرقیه» امام موسی بن جعفر ﷺ، «لاغربیه» امام رضا ﷺ، «یکاد زیتها یضیی» امام جواد ﷺ، «و لو لم تمسه نار» امام هادی ﷺ، «نور علی نور» امام حسن عسگری ﷺ و «یهدی الله لنوره من یشاء» قائم آل محمد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

آری حضرت مهدی ﷺ آخرین نور خداست که زمین و آسمان را به نور خویش روشن نموده «و أشرقت الارض بنورکم»^۱ و خداوند متعال هر کسی را که اراده کند به نور او هدایت خواهد کرد و خوشا به حال آن کسی که به نور هدایت حضرت مهدی ﷺ هدایت شود که دیگر هیچ گمراهی در او راه نخواهد یافت. و در زیارت امام زمان ﷺ نیز می خوانیم:

السلام علیک یا نورالله الذی یهدی به المهتدون
سلام بر تو ای نور خدا که به وسیله آن نور راهجویان هدایت می شوند.^۲

انواع هدایت امام ﷺ

یکی از شؤون امامت، هدایت افراد و جامعه است که انواع مختلفی دارد و ارتباطی با غیبت ندارد. بلکه در زمان حضور امام نیز صورت می گیرد.



۱. زیارت جامعه کبیره: و زمین به نور شما روشن گشته است.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

نمونه‌هایی از انواع هدایت‌گری حضرت مهدی علیه السلام

۱. ارائه طریق علامه حلّی

در سفری که علامه حلّی رحمته الله به کربلا داشت، در بیابان با عربی همراه می‌شود. شخص عرب مسئله‌ای را عالمانه مطرح می‌کند. علامه حلّی رحمته الله متوجه می‌شود که با مردی عالم و با اطلاع بلکه بی‌نظیر مواجه است. لذا برخی مسائل و مشکلات علمی خود را از ایشان می‌پرسد و با کمال تعجب متوجه می‌شود که ایشان حلال مشکلات و معضلات و کلید معماهاست. علامه حلّی که تا آن زمان از نظر علمی کسی را همانند خود ندیده بود متحیر شد و در یکی از مسائل، آن شخص عرب بر خلاف نظر علامه حلّی فتوا داد. ایشان نپذیرفت و گفت: این فتوا به نظر من برخلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی در این خصوص نداریم. آن جناب فرمود: دلیل این حکمی که گفتم، حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب آورده است. علامه حلّی گفت: به یاد ندارم که شیخ طوسی چنین روایتی را نقل کرده باشد. آن جناب فرمود: آن نسخه از کتاب تهذیب که داری در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را می‌توانی پیدا کنی!

علامه حلّی که مات و مبهوت مقام علمی آن شخص عرب بود با خود می‌گفت: شاید این شخص مولای عزیزم حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام باشد. و در همین حال تازیانه‌ای که با آن حیوان خود را می‌راند از دستش افتاد. پس سؤال کرد: آیا ملاقات با صاحب الزّمان در زمان غیبت امکان دارد یا نه؟ آن جناب چون این سؤال را شنید، خم شد و تازیانه را برداشت و در دست علامه گذاشت و فرمود: چه‌طور امکان ندارد و حال آن‌که الان دست او در دست تو می‌باشد؟

علامه حلّی بی اختیار خود را بر پاهای امام زمان علیه السلام انداخت تا پاهای مبارک حضرت علیه السلام را غرق بوسه سازد که از شدت شوق بیهوش شد. وقتی به هوش آمد کسی را ندید. بعدها که به خانه رفت در کتاب تهذیب خود آدرس همان روایتی را که حضرت مهدی علیه السلام به او فرموده بودند، پیدا کرد و در حاشیه کتاب نوشت: این همان حدیثی است که مولای من صاحب الامر علیه السلام مرا به آن خبر دادند.

آقا سید محمد صاحب کتاب مفاتیح الاصول می گوید: من همان کتاب را که علامه حلّی به خط خود این مطلب را نوشته بود مشاهده کرده‌ام.^۱

۲. هدایت بحر العلوم یمنی توسط امام زمان علیه السلام (ایصال الی المطلوب)

علامه سید محمد حسن میر جهانی رحمته الله می فرمود: یکی از علمای زیدیه به نام سید بحر العلوم یمنی، وجود حضرت ولی عصر علیه السلام را انکار می کرد و هر یک از علمای شیعه برای او دلیل می آوردند قانع نمی شد تا این که برای مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله مرجع بزرگ نجف نامه نوشت و جواب قاطع و قانع کننده‌ای خواست. سید در جواب مرقوم فرمودند: به نجف اشرف بیایید تا جواب شما را به صورت حضوری بدهم! بحر العلوم یمنی با فرزندش سید ابراهیم و چندتن از مریدان خود به نجف آمدند و به محضر سید ابوالحسن اصفهانی مشرف شدند و گفتند وعده‌ای که داده بودید اجابت کنید. ایشان فرمودند: فردا شب به منزل ما بیایید. شب بعد، آنها به منزل سید آمدند و هنگامی که میهمان‌ها رفتند و شب از نیمه گذشته بود آیت الله اصفهانی رحمته الله به خادم خود مهدی حسین فرمودند: به سید بگویید بیایند. مهدی حسین می گوید: سید ابوالحسن به اتفاق سید و

۱. برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۱۳۲؛ میر مهر، ص ۲۸۶.

فرزندش رفتند ولی ما ندانستیم کجا رفتند! روز بعد که سید ابراهیم فرزند بحر العلوم یمنی را ملاقات کردم از جریان شب گذشته پرسیدم. سید ابراهیم گفت: الحمد لله ما شیعه اثنی عشری شدیم! گفتم چگونه؟ گفت: برای این که آقای اصفهانی حضرت ولی عصر علیه السلام را به پدرم نشان داد. وقتی جریان را پرسیدم گفت: ما که از منزل بیرون آمدیم به سمت وادی السلام رفتیم و به مکانی که آن را مقام حضرت مهدی علیه السلام می‌نامیدند وارد شدیم. آقای اصفهانی از چاهی که آنجا بود آب کشید و تجدید وضو کرد، من و پدرم هم به کارهای او نگاه می‌کردیم و می‌خندیدیم! سید اصفهانی وارد مقام شد و چهار رکعت نماز مخصوص خواند و کلماتی گفت. ناگهان دیدیم آن فضای تاریک روشن شد. سید ابوالحسن اصفهانی پدرم را صدا زد. وقتی پدرم وارد مقام شد طولی نکشید که صدای گریه‌های پدرم بلند شد و فریادی زد و بیهوش به روی زمین افتاد. نزدیک مقام حضرت علیه السلام شدم و دیدم آقای اصفهانی شانه‌های پدرم را مالش می‌دهد تا به هوش آمد. وقتی از آن جا برگشتیم پدرم گفت: فرزندم من حضرت ولی عصر حجه بن الحسن المهدی علیه السلام را حضوری زیارت کردم و با دیدن آن حضرت شیعه اثنی عشری شدم و من هم به تبعیت از پدرم شیعه شدم. بعد از مراجعت بحر العلوم یمنی به یمن ۴۰۰ نفر از مریدان وی شیعه اثنی عشری شدند. این حکایت هدایت از نوع ایصال الی المطلوب است که توسط شخص امام علیه السلام صورت پذیرفت.

۳. هدایت امام خمینی و پیروزی انقلاب

روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ روزی بسیار حساس و سرنوشت ساز بود. سفیر آمریکا در تهران همراه با کارگزاران نظام رژیم شاه تصمیم به کودتای

خونینی گرفته بودند و به همین منظور ساعت ۴ بعد از ظهر را به عنوان حکومت نظامی اعلام کردند. وقتی رژیم شاه حکومت نظامی اعلام می کرد کسی حق نداشت از خانه خارج شود و گرنه کشته می شد. بقایای رژیم شاه می خواستند با اعلام حکومت نظامی و خانه نشین کردن مردم، محل استقرار امام خمینی و دیگر یاران مؤثر در انقلاب را بمباران کرده و جمع زیادی از یاران اصلی انقلاب را به شهادت برسانند و به خیال خود کار انقلاب را یکسره کنند. در همان شرایط حساس از جانب حضرت امام خمینی علیه السلام پیامی صادر شد که در همان ساعت ۴ بعد از ظهر همه مردم به خیابانها بریزند. آیت الله طالقانی با امام خمینی بیش از نیم ساعت بر سر این مسئله بحث می کند و می گوید: آقا شما ایران نبودید، این رژیم پلیدی است و به صغیر و کبیر رحم نمی کند. شما حکم خود را پس بگیرید و حکومت نظامی را قبول کنید و گرنه همه مردم کشته می شوند. ولی امام خمینی قبول نمی کردند و آیت الله طالقانی مرتب بر خواسته خود اصرار می کرد. تا این که امام خمینی با قاطعیت و جدیت فرمودند: آقای طالقانی اگر این حکم از طرف امام زمان علیه السلام صادر شده باشد چه می گوید؟ آیت الله طالقانی مبهوت شد و دیگر قادر به سخن گفتن نبود.

آیت الله خزعلی فرمودند: در آن موقعیت حساس «۲۱ بهمن ۵۷» شخصی از جانب حضرت ولی عصر علیه السلام پیام برد مدرسه علوی خدمت امام و گفت: حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند: در خانه نمایند اگر ماندید کشته می شوید! لذا امام خمینی خیلی محکم فرمودند: حکومت نظامی را بشکنید و به خیابانها بریزید. فقط ندای ولی عصر علیه السلام بود که به فریاد ما رسید واقعاً ما در معرض کشته شدن بودیم. لذا ۲۲ بهمن یوم الله است.^۱

۱. مهدویت صلح کل، ص ۴۳. سخنرانی آیت الله خزعلی، در مرکز تخصصی تفسیر. آن شخصی که از جانب حضرت مهدی علیه السلام پیام را خدمت امام خمینی برد مرحوم لطیفی نسب بوده است.

۴. الهام قلبی در مسجد جمکران

سید حسن نصرالله رهبر مؤمن عربی نقل می‌کرد، در زمانی که حزب الله در فشار سختی از جانب اسرائیل بود و دچار مشکلات فراوانی بودیم خدمت مقام معظم رهبری مدظله العالی رسیدیم و از گرفتاری‌ها و مشکلات خودمان برایشان گفتیم. معظم له فرمودند: بعضی وقت‌ها در اداره امور کشور حل برخی مسائل برای من دشوار می‌شود و هیچ راهی پیدا نمی‌شود، به دوستان و اعوان و انصار می‌گویم آماده شوید به جمکران برویم. در مسجد مقدس جمکران بعد از راز و نیاز با آقا امام زمان علیه السلام احساس می‌کنم همان‌جا دستی از غیب مرا راهنمایی کرد و در آن‌جا به تصمیمی می‌رسم و همان را عملی می‌کنم و مشکل به این صورت حل می‌شود. سید حسن نصرالله می‌فرمود: مقام معظم رهبری مدظله العالی با بیان این مطلب ما را متوجه امام زمان علیه السلام نمود.^۱

مسئول امور فرهنگی سابق مسجد مقدس جمکران برای ما نقل می‌کرد: گاهی اوقات که مقام معظم رهبری مدظله العالی به مسجد جمکران تشریف می‌آورند هنگام راز و نیاز به قدری گریه می‌کنند که اطرافیان نگران حال ایشان می‌شوند.

محراب جمکران

دل‌م قرار نمی‌گیرد از فغان بی‌تو
سپندوار ز کف داده‌ام عنان بی‌تو
ز تلخ کامی دوران نشد دل‌م فارغ
ز جام عشق لبی تر نکرد جان بی‌تو

۱. تلاشگر پنهان، ص ۵۶ به نقل از آب، آینه، آفتاب، ص ۱۱.

چو آسمان مه آلوده‌ام ز دل‌تنگی
 پر است سینه‌ام از اندوه گران بی‌تو
 نسیم صبح نمی‌آورد ترانه عشق
 سر بهار ندارند بلبلان بی‌تو
 لب از حکایت شب‌های تار می‌بندم
 اگر امان دهم چشم خون‌فشان بی‌تو
 چو شمع کشته ندارم شراره‌ای به زبان
 نمی‌زند سختم آتشی به جان بی‌تو
 ز بیدلی و خموشی چو نقش تصویرم
 نمی‌گشایدم از بی‌خودی زبان بی‌تو
 گزارش غم دل را مگر کنم چو امین
 جدا ز خلق به محراب جمکران بی‌تو

«حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای مدظله العالی»

۵. رؤیای صادق و توجه به ولی فقیه زمان

مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمته می‌فرمودند: در زمان کشف حجاب هر کدام از علما برای مبارزه با این عمل ننگین رضاشاه نظری داشتند و من بسیار ناراحت بودم که در این شرایط وظیفه ما چیست؟ راهی ندیدم جز توسل به ساحت مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام. از آن حضرت استمداد نموده و عرض کردم: یا بن الحسن وظیفه مرا معین کنید. همان شب در عالم رؤیا تابلوی بسیار بزرگی را دیدم که با خط درشت و خوانا بر روی آن

نوشته شده بود: «فَإِذَا ظَهَرَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِشَيْخِ عَبْدِ الْكَرِيمِ»^۱ از خواب بیدار شدم و خدمت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که در آن زمان مرجع یگانه بودند رسیده و خوابم را گفتم و ایشان فرمودند: باید کمر همت را بست تا از هر راه ممکن اقدام نمایم.^۲

دلیل رؤیای صادقه مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمته الله روایت معروف «فَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا» می‌باشد که حضرت مهدی علیه السلام در توقیع شریف خویش به اسحاق بن یعقوب ارسال داشتند.^۳

مشیت نمونه خروار

موارد فوق تنها بخش کوچکی از هزاران حکایت است که در آن به وضوح می‌توان هدایت، نظارت و مدیریت حضرت مهدی علیه السلام را بر بسیاری از وقایع به دست آورد. و بسیار بجاست که محققان ارجمند و متخصصان فن دائرة المعارفی در این خصوص تدوین نمایند.

دقت و تفکر

الهامات قلبی برای افراد نادری که اهل علم و عمل و جزء خواص هستند واقع می‌شود نه برای هر کسی و معمولاً آنها هم برای کسی نقل نمی‌کنند مگر برای خواص و لذا کسی که مورد تأیید علما نیست اگر چنین ادعایی کرد نباید از او پذیرفت.

۱. هنگامی که فتنه‌ها به شما روی آورد بر شما باد مراجعه به شیخ عبدالکریم.

۲. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱: هرگاه حوادث مهمی برای شما واقع شد به راویان احادیث ما مراجعه کنید.

حجة الاسلام و المسلمین گنجی نقل می کردند: با حضرت آیت الله بهاءالدینی رحمه الله در خصوص انواع مکاشفات و الهامات صحبت می کردیم. بنده تفاوت هایی بین مکاشفه صحیح و رحمانی با مکاشفه باطل و شیطانی بیان کردم و ایشان تأیید کرده و فرمودند: مطلب همین است و صحیح می باشد. آنچه عرض کردم این بود: بین مکاشفات صحیح و باطل چند فرق است:

۱. در مکاشفات الهی، انسان به اطمینان، آرامش، یقین و باور می رسد. اما در مکاشفات شیطانی، اضطراب، نگرانی، شک و تردید حاصل می شود.
۲. در مکاشفات الهی امر به گناه، خطا و خلاف شرع نمی شود. اما در نوع شیطانی ممکن است به خطا و معصیت و خلاف شرع امر شود.
۳. بین مکاشفات الهی با آیات و روایات سازگاری وجود دارد، اما در نوع شیطانی احتمال خلاف می رود.
۴. مکاشفات الهی با عقل سلیم هماهنگ است، اما در شیطانی ناسازگاری احتمالی با عقل وجود دارد.
۵. صاحب مکاشفه و الهام نیز موضوعیت دارد و اگر اهل تقوا و عمل صالح باشد، مکاشفه او صحیح است در غیر این صورت اصلاً نباید به آن اعتنا کرد.

رؤیاهما و الهامات نیز جزئی از مکاشفات و نظیر آن است. مکاشفه از نوع شهود است و الهام یا رؤیا درونی و قلبی است. به هر صورت همان گونه که اهل ایمان و تقوی با الهامات ربّانی هدایت می شوند اهل معصیت نیز با الهامات شیطانی گمراه تر می شوند که خداوند متعال فرموده است:

وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ^۱

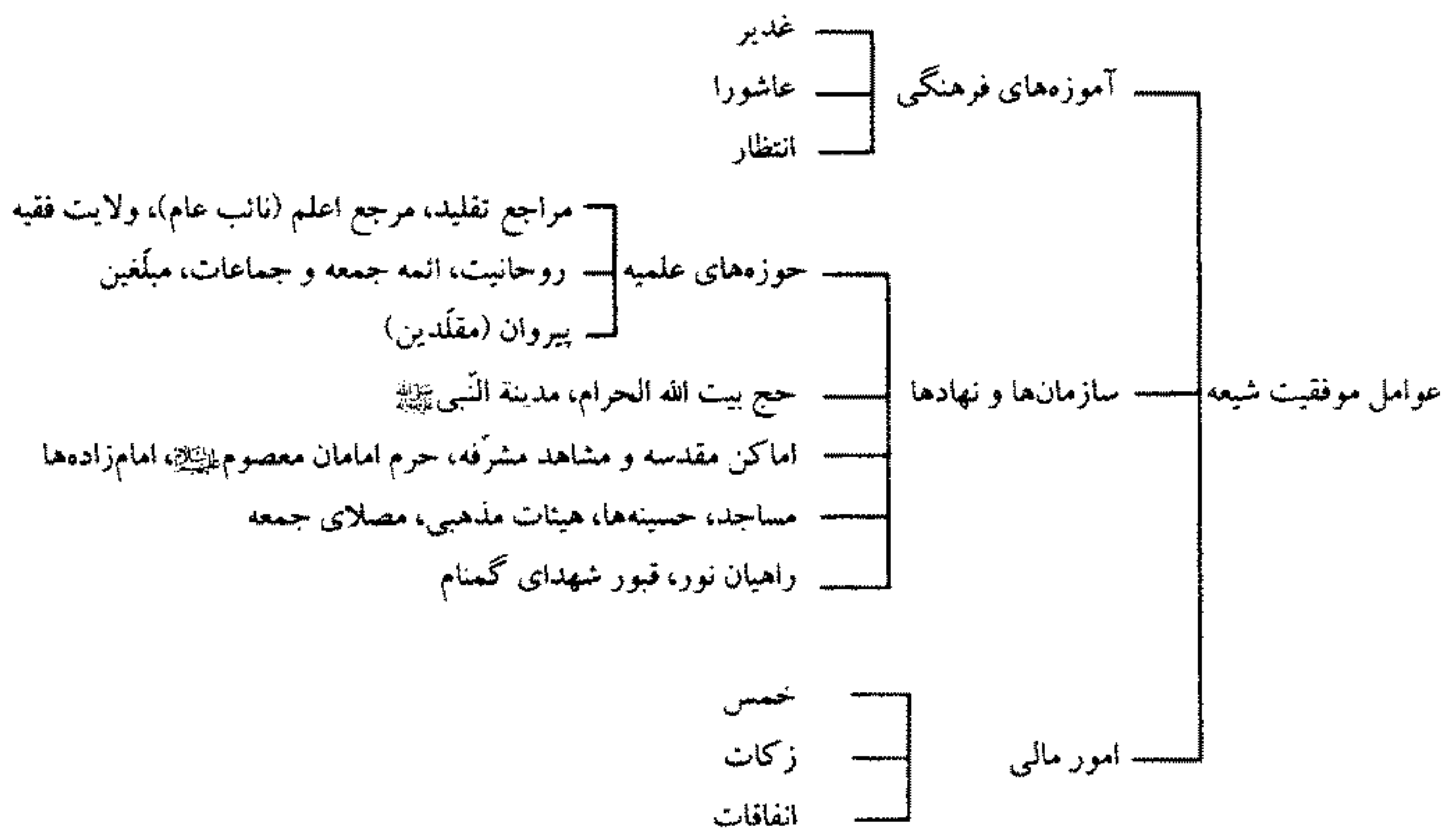
شیاطین به دوستان خود مطالبی را به صورت مخفیانه الهام می کنند.



فصل سوم:

مدیریت بر سازمان شیعه

- ❖ عوامل موفقیت سازمان شیعه
- ❖ آموزه‌های شیعه
- ❖ سازمان‌ها و نهادها
- ❖ پیروان
- ❖ امور مالی سازمان شیعه



اهل بیت علیهم السلام و سازماندهی شیعه

بعد از رحلت رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله معدودی انگشت شمار به گرد تنها وصی او، اما به صورت مخفیانه جمع شدند که بعدها به نام شیعه معروف شدند. شیعه امامیه به کسانی گفته شد که خلافت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مرجعیت علمی و دینی را حق خالص و منحصر به فرد امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه می دانستند و بعد از او تنها مرجع علمی و معنوی را منحصر در ۱۱ فرزند او می دانند. حضرت علی رضی الله عنه و یاران او پس از اعتراض به غصب خلافت که یک حق الهی بود به منظور رعایت مصلحت اسلام و مسلمین و نداشتن نیروی کافی، دست به قیام خونین نزدند ولی تسلیم عقیده اکثریت نیز نشدند.

اعتقاد شیعه که برگرفته از تعالیم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود از وحی الهی اخذ می شد بر این بود که آن چه برای یک جامعه در درجه اول اهمیت دارد، روشن شدن تعالیم اصیل اسلام و در درجه دوم جریان آن تعالیم در جامعه و

در قالب حکومت واحد اسلامی است. به همین منظور تنها یک رهبر معصوم که از جانب خداوند متعال انتخاب شده باشد (نه مردم) توانایی تحقق این دو هدف مهم را دارد! و در غیر این صورت «حکومت الهی اسلام» به یک «سلطنت استبدادی» تبدیل گشته و اسلام هم مانند دیگر ادیان تحریف و منحرف خواهد شد.

با مروری به تاریخ اسلام، صحت این اعتقاد به روشنی ثابت شد و سازمان شیعه را در اعتقادات خود استوارتر نمود.

اما با این همه، شیعه که در اقلیت کامل و انزوای مطلق بود توانست با آموزه‌های الهی ائمه اطهار علیهم‌السلام در نهایت اختفاء به سازماندهی خود پردازد. بعد از حادثه کربلا، سلطنت بنی امیه توسط بنی عباس منقرض شد. گرچه بنی عباس برای تثبیت سلطنت خویش بر جهان اسلام چند صباحی با ائمه علیهم‌السلام و شیعیان مخالفت علنی نکردند اما دیری نگذشت که شیوه ظالمانه بنی امیه را در پیش گرفتند و در بیدادگری و بی‌بند و باری گوی سبقت را از آنان ربودند.^۱

امامان معصوم علیهم‌السلام در هر مقطعی توانستند با تدبیر عالی و مدیریت منحصر به فرد، سازمان شیعه را از بحران‌های متعدد به سلامت خارج ساخته و در نهایت، آن را تحویل آخرین حجت الهی حضرت صاحب الامر علیه‌السلام بدهند. تأسیس حوزه‌های علمیه قوی شیعه در زمان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام تربیت عالمان وارسته شیعه و ارجاع مردم به آنها، تأسیس سازمان وکالت و جمع آوری وجوهات که نقش مهمی در فعالیت اقتصادی سازمان شیعه داشت، نفوذ در دربار بنی عباس به شیوه‌های مختلف به منظور ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و یاری رساندن به شیعیان و... نمونه‌هایی از تدابیر ارزنده

۱. تاریخ عصر غیبت، ص ۳۷۲. به نقل از شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۲۷.

و منحصر به فرد ائمه اطهار علیهم السلام در حفظ و گسترش سازمان شیعه بود. همین سیاست‌ها در زمان غیبت صغری و غیبت کبری توسط جانشینان خاص و عام و تحت امر حضرت مهدی علیه السلام اعمال شد.

فزونی جمعیت شیعیان

در قرن‌های سوم و چهارم هجری قمری جمعیت محدود شیعه رفته رفته بیشتر شد و در برخی از شهرها غلبه با جمعیت شیعه بود و از قرن پنجم تا نهم، سازمان شیعه به گسترش خود ادامه داد و در برخی مناطق نیز دولت‌های مستقل شیعی تشکیل شد.

در آغاز قرن دهم هجری شاه اسماعیل صفوی در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را در قلمرو حکومت خود رسمیت داد و پس از آن تا قرن چهاردهم، تشیع مذهب رسمی ایران ماند و در کشورهای یمن و عراق شیعیان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند و در بسیاری از شهرها و کشورها شیعیان حضور جدی داشتند. تا آن زمان جمعیت شیعه را بالغ بر یکصد میلیون نفر می‌دانستند. اما با پایان قرن چهاردهم اتفاق تازه و منحصر به فردی در ایران روی داد که تمام ادیان و مذاهب دنیا بلکه تمامی حکومت‌های جهان را تحت الشعاع خویش قرار داد و به یک باره مذهب اهل بیت علیهم السلام در قالب یک انقلاب مردمی، اسلامی پس از یک مبارزه طولانی با استبداد داخلی و استعمار خارجی به صورت جدی مطرح شد.^۱

این انقلاب در زمانی شکل گرفت که دین و مذهب به تدریج در حال محو و نابودی کامل بود و کمونیسم و بی‌خدایی در جهان یگانه تازی می‌-

۱. بنا به نظر برخی از مراجع و علماء، انقلاب اسلامی ایران همان ظهور صغری است که در نهایت منجر به ظهور کبری و فرج خواهد شد. مراجعه کنید به آخرین فرمانده، اولین سرباز، ص ۲۹.

کرد. مسیحیت هم به عنوان یک دین تحریف شده در خدمت کامل استعمار بود و یهود در قالب صهیونیسم رهبری جهان را در سر می‌پروراند. دین اسلام نیز در حاشیه و خلع سلاح کامل تنها به عنوان یک مذهب مطرح بود و اما مکتب تشیع نیز به هیچ عنوان در سطح جهانی مطرح نبود مگر به عنوان یک اقلیت و فرقه کوچک درون اسلام.

انقلاب اسلامی در ایران به رهبری مرجعیت و روحانیت شیعه، متمایز از تمامی انقلاب‌هایی که تا آن موقع در سطح جهان شکل گرفته بود با برافراشتن پرچم دین و نفی کمونیسم تمامی معادلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و... برهم زد و تاریخ جهان را از نو بازنویسی نمود.

با شکل‌گیری و تثبیت انقلاب، تمامی ادیان و مذاهب دنیا به جنب و جوش افتادند و مسئله عبودیت و وجود خدا در سطح جهان مطرح شد تا جایی که به جرأت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران حق حیات بر تمامی ادیان و مذاهب دنیا دارد اما در حقیقت مذهب شیعه اثنی عشری مانند خورشیدی جهان افروز درخشید. هم اینک که بیش از سه دهه از این انقلاب شکوهمند اسلامی می‌گذرد روز به روز بر جمعیت مذهب شیعه افزوده شده و سازمان شیعه را منسجم‌تر، با برنامه و هدفمندتر می‌سازد. طبق آمار غیر رسمی روزانه حداقل ۱۰۰۰ نفر به مذهب اهل بیت گرایش پیدا می‌کنند که این آمار با پیروزی حزب الله لبنان بر صهیونیسم و پس از جنگ غزه، سیر صعودی به خود گرفته است و دنیای کفر و نفاق و ضلالت را به شدت دچار وحشت کرده است. مهم‌تر آن که اکثریت قریب به اتفاق کسانی که به این مکتب گرایش پیدا می‌کنند افراد نخبه، تحصیل کرده و آگاه می‌باشند. براساس برخی آمارها هم‌اینک جمعیت شیعه در جهان بیش از ۳۰۰ میلیون نفر می‌باشد.

عوامل موفقیت سازمان شیعه

بی‌شک عوامل مهمی که سازمان شیعه را به عنوان تنها راه نجات در دنیای معاصر که تمامی مکاتب و مذاهب و ادیان باطل، منحرف و تحریف شده را تجربه کرده معرفی می‌کند، همان آموزه‌های صحیح اسلام راستین است که از لسان پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام که تنها جانشینان حقیقی آن حضرت می‌باشند صادر شده و آنچه که این موفقیت را دوصد چندان کرده مدیریت همه جانبه‌ای است که سازمان شیعه را هدایت می‌کند تا در چه زمانی، چه اقدامی انجام دهد! کجا و چگونه سخن گوید! چه کتاب‌ها و مقالاتی را عرضه کند! چگونه به تبلیغ اعتقادات راسخ خود پردازد، در چه زمان و چه مقطعی تقیه را شعار خویش سازد و... اما پرواضح است که همه اینها با وجود امام حاضر مبسوط الید شتاب بیشتری خواهد گرفت ولی در خفاء و غیبت نیز تعطیل بردار نخواهد بود و لو به صورت ناقص و کم‌رنگ‌تر!

به طور اجمال می‌توان عوامل موفقیت سازمان شیعه را در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه‌السلام طبق عناوین زیر مطرح نمود:

الف) آموزه‌ها

ب) سازمان‌ها و نهادها

ج) امور مالی منحصر به فرد

الف) آموزه‌های فرهنگی شیعه

سازمان شیعه بر سه اصل «غدیر»، «عاشورا» و «انتظار» استوار است که بقاء خود را مدیون این سه عنصر حیاتی می‌داند. افزون بر هزاران روایتی که در خصوص «غدیر»، «عاشورا» و «انتظار» از لسان مبارک حضرات

چهارده معصوم علیهم السلام صادر شده، سیره عملی آن بزرگواران نیز گواه این مطلب است که این سه عنصر حیاتی برای شیعه باید به عنوان یک فرهنگ مقدس مطرح باشد. ضمن آن که آیات متعددی از قرآن کریم نیز بر این فرهنگ الهی دلالت می‌کند.^۱

۱. غدیر: به عنوان تکمیل‌کننده کامل‌ترین دین و استمرار حرکت تمامی انبیاء الهی است که با ولایت و امامت کامل‌ترین انسان، بعد از آخرین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام تحقق پیدا کرد. به اعتقاد شیعه اگر مسلمانان به پیام مهم غدیر عمل می‌کردند، امروز پرچم اسلام در تمامی جهان در اهتزاز بود و هیچ آثاری از ظلم و ستم باقی نمی‌ماند.

۲. عاشورا: نتیجه عمل نکردن به پیام غدیر حادثه‌ای به وسعت عاشورا به وجود آورد که برای شیعه به عنوان یک عبرت فراموش‌نشدنی مطرح می‌باشد. ضمن آن که درس‌هایی که برگرفته از آرمان‌های متعالی عاشورا است به عنوان الگو و راه و رسم مهم، نه تنها برای شیعه بلکه برای بشریت ارمغانی نیکوست. درس‌هایی مانند: آزادگی، استقلال طلبی، حق‌جویی، ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلام تمامی ارزش‌های والای الهی، انسانی و اسلامی.

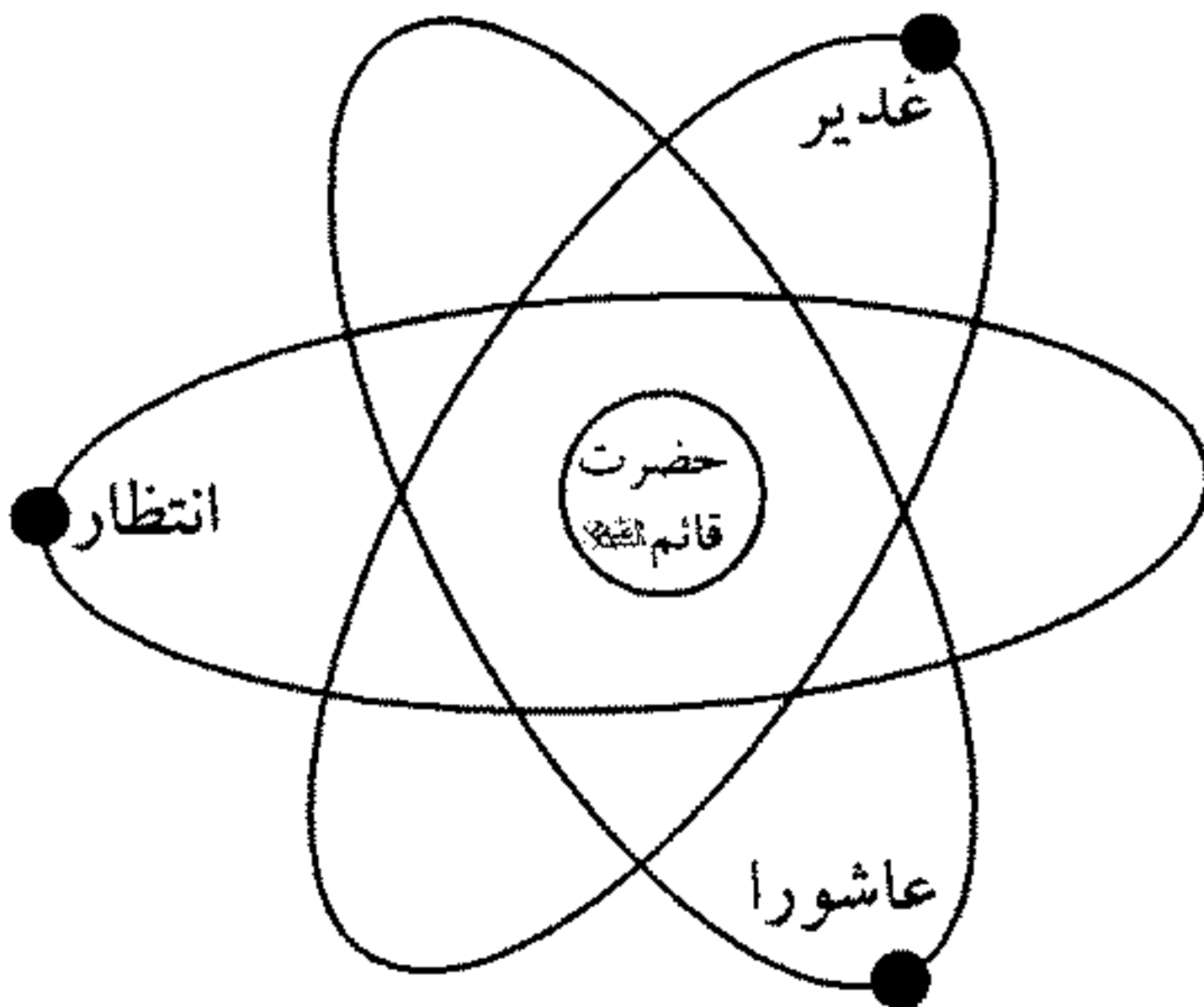
۳. انتظار: به معنای بازگشت به پیام غدیر و سپردن رهبری بشریت به انسان کامل و پذیرفتن امامت و ولایت او به منظور عدم تکرار حادثه عاشورا.

انتظار، ترکیبی است از ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان علیه السلام که در سرشت و فطرت همه انسان‌ها قرار داده شده که به عنوان امید به آینده بهتر برای همه بشریت مطرح می‌باشد.

۱. اگر هر رنگ را نماد یک واژه بدانیم، رنگ سبز نماد «غدیر»، رنگ سرخ نماد «عاشورا» و رنگ سفید، نماد «انتظار» و ظهور مصلح و صلح جهانی است که پرچم کشور ایران بهترین نماد برای این سه واژه مقدس می‌باشد.

انتظاری که شیعه آن را فرهنگ خود نموده یک انتظار پویا و سازنده است که نقش سازنده‌ای در زندگی سیاسی و حیات اجتماعی منتظران دارد و آثار این انتظار عبارتست از: امیدواری، اصلاح جامعه، نگرهبانی از ایمان و اعتقاد، مبارزه با ستمگران و مقاومت در برابر هر گونه انحراف. در طول تاریخ حیات پرافتخار اسلام، انتظار و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام مهم‌ترین عاملی بوده که شیعیان و حتی جامعه منتظران را در برابر حکومت‌های جور و ستم و نظام‌های استکباری حفظ کرده و عزمشان را برای تحقق بخشیدن آرمان‌های دینی استوارتر ساخته است.^۱

آری! غدیر، عاشورا و انتظار به منزله یک نیروی محرک و انرژی بسیار قوی برای جامعه شیعی می‌باشد که موجب استمرار، نشاط و امید برای شیعیان در طول تاریخ شده است.



غدیر، عاشورا و انتظار، انرژی بسیار قوی، محرک و پویا که حیات و بقای شیعه در گرو آن است.

جامعه، عاشورا، نافله

محدث بزرگوار میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب حکایتی از سید احمد رشتی رحمته الله علیه (از تجار رشت) نقل می‌کند: در سال ۱۲۸۰ هـ. ق. از رشت عازم حج بیت الله الحرام شدم و بعد از ورود به تبریز با جمعی از تجار

۱. مجموعه مقالات سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۴، ص ۱۲۲.

و رفقا هم سفر شدم. در بین راه هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت. طولی نکشید که از قافله عقب مانده و گم شدم. هر چه رفتم کسی را پیدا نکردم، تنها و مضطرب و ناراحت، در همان جا ماندم و با خود فکر می کردم چه کنم؟ در آن حالت شخصی را دیدم که جلو آمد و فرمود: کیستی؟ حکایت خود را گفتم. ایشان به زبان فارسی به من فرمودند: نافله شب بخوان تا راه را پیدا کنی. مشغول خواندن نماز شب شدم و بعد از اتمام نافله فرمودند: چرا نرفتی؟ گفتم: راه را نمی دانم! فرمودند: زیارت جامعه را بخوان!

سید رشتی رحمته الله می گوید تا آن زمان زیارت جامعه را از حفظ نمی دانستم و الان هم حفظ نیستم ولی شروع کردم به خواندن و تا آخر زیارت جامعه را تمام و کمال از حفظ خواندم. دوباره آن شخص نمایان شد و فرمود: چرا نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت و گفتم: راه را نمی دانم! فرمودند: عاشورا بخوان! و من با وجودی که از حفظ نبودم ولی تمام زیارت عاشورا را به صورت کامل همراه با دعای علقمه از حفظ خواندم. باز آن شخص آمدند و فرمودند: بیا تا من تو را به قافله برسانم. حرکت کردیم. در بین راه می فرمودند: چرا شما نافله نمی خوانید؟ نافله! نافله! نافله و باز فرمودند: چرا شما جامعه نمی خوانید؟ جامعه! جامعه! جامعه! و بعد فرمودند: چرا شما عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا! عاشورا! عاشورا! و بعد از بیان این جملات نهری را نشان دادند و فرمودند: آنها رفقای شما هستند که در حال وضو گرفتن برای نماز صبح هستند. من به این فکر افتادم که این آقا چه کسی بود که با زبان فارسی با من سخن گفت و چگونه به سرعت مرا به رفقایم رسانید. پشت سر را نگاه کردم ولی کسی را ندیدم.^۱

۱. نجم الثاقب، ص ۴۶۴، حکایت ۷۰. این حکایت را مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه کبیره نقل نموده است.

زیارت جامعه کبیره که یکی از بهترین زیارت‌های شیعیان می‌باشد یک دوره کامل امام شناسی است که می‌تواند بین شیعه و پیام غدیر که همان امامت است ارتباط برقرار نماید و زیارت عاشورا نیز بهترین و مناسب‌ترین راه ارتباط با حادثه آفرینان عاشورا می‌باشد و از آن جا که نماز شب آثار و برکات فراوانی برای مؤمنین دارد می‌تواند آنها را در کلاس انتظار نشانده و جزء منتظران واقعی قرار دهد. به هر صورت به گفته برخی اولیاء الهی یک شیعه هر روز باید تجدید عهد و پیمانی داشته باشد با امامان خود به هر نحوی که می‌تواند. به وسیله دعای عهد در ابتدای روز، زیارت عاشورا، دعای فرج و...

ب) سازمان‌ها و نهادهای شیعه^۱

هر حکومتی پایتخت و مرکزیتی و هر مدیری کادر مرکزی مخصوص به خود را دارد. امام زمان علیه السلام که سلطان هستی است و مسئولیت اداره همه انسان‌ها در همه دوران‌ها را بر عهده دارد یک هسته مرکزی منحصر به فرد به نام سازمان شیعه را در اختیار دارد که سازمان اصلی آن حضرت علیه السلام برای اداره کل جهان خواهد بود. سازمان شیعه از ترکیب چندین نهاد و سازمان گوناگون تشکیل شده که با مطالعه آن می‌توان پی به سازماندهی منحصر به فرد امامان معصوم علیهم السلام برد.

۱. حوزه‌های علمیه و مرجعیت

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین سازمان‌های در اختیار حضرت مهدی علیه السلام حوزه‌های علمیه شیعه می‌باشد که قدمتی در حدود ۱۴ قرن دارد. حوزه‌های

۱. در مقاله‌ای تحت عنوان «نظریه مدیریت واحد مهدوی» که توسط حجة الاسلام و المسلمین سید صمصام الدین قوامی در نشریه فرهنگی اجتماعی نخل شهداد، ش ۱۰، ص ۱۸ به قلم تحریر درآمده، برخی سازمان‌ها و نهادهای شیعه مطرح شده که به قسمت‌هایی از آن (با اندکی تصرف) اشاره می‌شود.

علمیه که بنیانگذار آن امام باقر و امام صادق علیهما السلام بودند در طول چهارده قرن توانستند محل کادر سازی و تولید علم شده و با تربیت اندیشمندان اسلامی در قالب فقها، مفسران، عرفا، متکلمان و مبلغان به ترویج اندیشه‌های ناب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که همان اسلام حقیقی و ناب است پردازند. حوزه‌های علمیه جهان تشیع امروزه از معتبرترین مراکز علمی دنیا محسوب می‌شود که بی‌تردید ریاست کل آن با حضرت صاحب الزمان علیه السلام است و با تدبیر آن جناب اداره می‌شود. بیننده با دید ظاهری به حوزه‌های علمیه شیعه، نظام خاصی را در آن مشاهده نمی‌کند، اما با دیده دقت و تأمل متوجه می‌شود که دستی از غیب در هر زمانی به مقتضای آن دوران و با تدبیر عالی به اداره و تنظیم امور آن می‌پردازد. به عنوان مثال مرکزیت حوزه‌های علمیه در بلاد مختلف در هر عصری از بغداد تا نجف اشرف، جبل عامل، اصفهان، قم و سایر بلاد، حکمت‌هایی را در پی داشته که با مطالعه تاریخ شیعه و حوزه‌های علمیه متوجه تدابیر عالی و نهانی آن خواهیم شد.

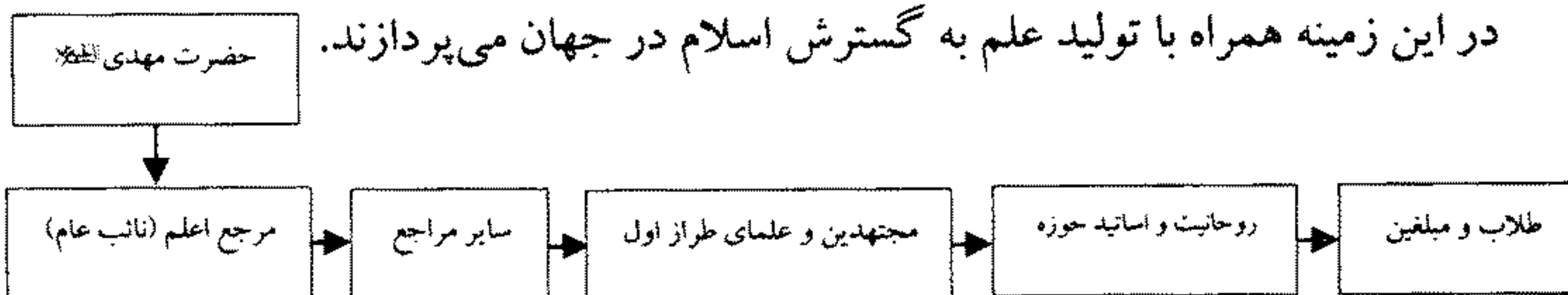
احیاء حوزه علمیه شیعه در شهر مقدس قم در قرن ۱۴ و رونق شگفت‌آور آن در آغاز قرن ۱۵ هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رهبری جهان اسلام و آزادی‌خواهان جهان با محوریت ایران و ولایت فقیه گوشه‌ای از این تدبیرها و حکمت‌ها را مشخص خواهد کرد که علت آن با صراحت در روایات متعدد ذکر شده است.

کادر مرکزی حوزه‌های علمیه

در رأس حوزه‌های علمیه جهان تشیع، مرجع تقلید قرار دارد که به عنوان نائب عام حضرت مهدی علیه السلام انجام وظیفه می‌نماید. مرجع تقلید کسی است که در هر عصری کانون توجه همه شیعیان و به تبع آن دیگر مسلمانان و

حتی غیر مسلمانان قرار می‌گیرد و فرماندهی ظاهری سازمان شیعه را تحت حمایت فرماندهی باطنی (حضرت مهدی علیه السلام) بر عهده دارد. اولین شخصیتی که بعد از غیبت صغری و با آغاز غیبت کبری این موقعیت استثنایی را عهده‌دار شد، شیخ مفید رحمته الله بود که مورد توجه عام و خاص قرار گرفت و حوزه‌های علمیه شیعه را سر و سامان داد و با برگزاری کلاس‌های درس و برقراری مباحثات و مناظرات علمی، جهان اسلام آن روز را متوجه قدرت و اقتدار سازمان شیعه نمود.

بعد از ایشان سید مرتضی و شیخ طوسی رحمته الله، سپس علامه حلی، شهید اول، مقدّس اردبیلی، شیخ بهایی و... در هر زمانی مرکز توجه و عالم صدر اول حوزه‌های علمیه شیعه بودند. بعد از آن که ارتباط شیعیان سایر بلاد به مرور آسان‌تر و بیشتر شد بحث مرجعیت اعلم مطرح شد و از زمان شیخ انصاری رحمته الله این بحث به طور جدی در حوزه‌های علمیه عنوان شد که قدرت مرکزی در اختیار یک شخصیت جامع، عالم، با تقوا قرار گیرد و بقیه مراجع و علمای صدر اول به عنوان بازوان قدرتمند او ایفای نقش نمایند. اولین نمود آن، مرجعیت عظمای میرزای شیرازی در فتوای تحریم تنباکو بود که جهان را متوجه کانون مرکزی و قدرت و اقتدار شیعه ساخت. بنابراین بعد از مرجع اعلم، سایر مراجع، سپس مجتهدین و علمای طراز اول و بعد از آن سایر روحانیون، اساتید و طلاب و مبلغان، نظام حوزه‌های علمیه شیعه را تشکیل می‌دهند که به ترویج دین مبین اسلام با محوریت قرآن و ائمه هدی علیهم السلام پرداخته و از راه بیان عقاید، احکام و اخلاق و تدوین کتب متعدد در این زمینه همراه با تولید علم به گسترش اسلام در جهان می‌پردازند.



نمودار حوزه‌های علمیه جهان تشیع

عنایت خاص، عنایت عام

در حوزه‌های علمیه شیعه، مرجع تقلید اعلم به طور خاص مورد توجه ویژه، عنایت، حمایت و پشتیبانی حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و حتی انتصاب آن به صورت غیر مستقیم از جانب حضرت علیه السلام می‌باشد و به تبع آن سایر ارکان حوزه به نسبت اخلاص و عبودیت حق تعالی و تقرب به امام عصر علیه السلام مورد توجه و عنایت و حمایت عام حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند. چه بسا یک طلبه ساده و یک مبلغ دین به صورت فردی بتواند ارتباط معنوی با ریاست حوزه، حضرت حجّت الله الاعظم علیه السلام برقرار نموده و مورد لطف و عنایت خاص آن حضرت قرار گیرد.

لباس روحانیت

لباس روحانیت، لباس سربازی حضرت ولی عصر علیه السلام است و لباس سربازی، لباس خدمت است. بنابراین هر روحانی خود را موظف به خدمت در زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام و در راستای اهداف مقدسه و نورانی آن حضرت می‌داند و متقابلاً حضرت مهدی علیه السلام نیز به کسانی که لباس خدمت را خالصانه و برای خدمت به تن کرده‌اند عنایت و توجه بیشتری دارند.

انتخاب شیخ انصاری به عنوان مرجع اعلم

یکی از اعجوبه‌های حوزه‌های علمیه جهان تشیع، مرحوم شیخ مرتضی انصاری رحمه الله است که داستان زندگی او حکایاتی زیبا و شنیدنی از مجموعه عنایات‌های خداوند متعال و توجهات خاص حضرت ولی عصر علیه السلام به ایشان می‌باشد. هنگامی که از شهر دزفول قصد عزیمت به نجف اشرف را می‌نماید

با ناراحتی و عدم رضایت مادر که طاقت دوری او را ندارد مواجه می‌شود و در نهایت بنا را بر استخاره می‌گذارند، هنگامی که مادر با جواب عجیب استخاره مواجه می‌شود می‌گوید: اگرچه باز هم فکرم به تو مشغول خواهد بود، اما در برابر حکم خداوند حرفی ندارم، برو که تو را به خدا می‌سپارم. آیه‌ای که پس از گشودن قرآن در برابر چشمان شگفت زده آنان ظاهر شد این بود:

﴿ لَا تَخَافِ وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴾^۱

«ترس و اندوهگین مباش که ما او را به تو برمی‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم.»

خطاب آیه به مادر موسی علیه السلام است هنگامی که قنடைه موسی علیه السلام را به آب می‌افکند.

حوزه‌های علمیه با گذشت حدود ۲ قرن هنوز هم از نظرات فقهی و اصولی شیخ انصاری بهره می‌برد.

هنگام احتضار مرجع اعلم نجف اشرف، آیت الله محمد حسن نجفی معروف به «صاحب جواهر» رحمته الله، ایشان، «شیخ مرتضی انصاری» را به عنوان مرجع بعد از خود معرفی می‌کند و همه مجتهدین نجف قبول می‌کنند و حدود ۴۰۰ مجتهد، مرجعیت شیخ انصاری را امضاء می‌کنند ولی شیخ انصاری مرجعیت را نمی‌پذیرد بلکه برای یکی از دوستان خود آیت الله سعید العلماء مازندرانی نامه‌ای می‌نویسد با این مضمون: در زمانی که با یکدیگر هم‌درس بودیم علم و فهم شما بیشتر از من بود، سزاوار است به نجف آمده و امر مرجعیت را عهده‌دار شوید.

و بعد از آن به طور دائم متوسل به آقا امام زمان علیه السلام می شود و می گوید: «یا صاحب الزمان، شما بفرمایید مرتضی چه کند؟ یا صاحب الزمان کمک کنید. به داد مرتضی برسید. من خود را لایق این مقام و جایگاه نمی دانم.»

اما چندی بعد نامه سعید العلماء مازندرانی می آید که: بنده مدتی است مشغول امور مردم هستم و از درس و بحث دور بوده ام و شما را که در نجف مشغول تدریس و مباحثه هستید اعلم می دانم. در همین حال خادم شیخ آمد و زمان کلاس را یادآوری کرد. شیخ اعظم انصاری به کلاس درس رفت و قبل از آن که درس خویش را برای طلاب آغاز کند مردی با جلال و خوش سیما با لباس عربی بلند که شال سبز رنگی بر دوش داشت وارد کلاس شیخ شد. مرد عرب چنان هیبت و شکوهی داشت که شیخ انصاری تمام قد جلوی پای او بلند شد. تازه وارد همان جا ایستاد و شیخ را مخاطب قرار داد و با کمال فصاحت پرسید: جناب شیخ! نظر شما درباره زنی که شوهرش مسخ شده باشد چیست؟ با سؤال آن مرد عرب به یکباره سکوت در کلاس حاکم شد و طلبه ها به یکدیگر خیره شدند. شیخ انصاری به آرامی پاسخ داد: چون در کتاب ها این بحث عنوان نشده و مسخ هم از این امت برداشته شده، من هم نمی توانم جوابی عرض کنم. مرد عرب مجدداً سؤال کرد: حالا بر فرض آن که چنین مسئله ای انجام گرفته باشد حکم آن چیست؟

همه طلبه ها ساکت بودند و منتظر جواب شیخ بودند. شیخ انصاری اندکی تأمل کرد و سپس چنین گفت: اگر مرد به صورت حیوانات مسخ شده باشد، زن باید عده طلاق بگیرد و بعد شوهر کند. چرا که مرد زنده است و روح دارد. ولی اگر شوهر به صورت جماد درآمده باشد، زن باید عده وفات بگیرد. زیرا مرد به صورت مرده درآمده و فاقد روح است. مرد

عرب که با دقت سخنان شیخ انصاری را می‌شنید، سه مرتبه خطاب به او گفت: انت المجتهد!... انت المجتهد!... انت المجتهد!... و از جلسه درس بیرون رفت. شیخ انصاری که تازه متوجه شده بود چه خبر است به یاد توслات خود قبل از آمدن به کلاس درس افتاد، با اشاره به سمت در گفت: این آقا را دریابید... مولا را... و شروع به گریستن کرد...

و به این ترتیب شیخ انصاری علیه السلام مرجعیت یگانه شیعه را عهده‌دار شد.^۱

بصیرت آیت الله بهاء‌الدینی درباره رهبری شیعه

پس از آن که مجلس خبرگان در زمان حیات امام خمینی علیه السلام شخص دیگری را به عنوان قائم مقام و جانشین ایشان معرفی نمود. آیت الله بهاء‌الدینی که از این موضوع مطلع شدند با لبخند ملیح و تأمل اندیشمندانه- ای فرمودند: «ما این طور نمی‌بینیم. چون خدا نمی‌خواهد. هرچند بعضی تلاش کنند، خیال می‌کنند می‌توانند برای شیعه از جانب خود رهبر و مرجع درست کنند. و بعد ادامه دادند: در زمان سید ابوالحسن اصفهانی برای مرجعیت بعد از ایشان، تبلیغ زیادی برای میرزا محمد حسین اصفهانی (کمپانی) کردند. ولی از آن‌جا که خدا نمی‌خواست، میرزا محمد حسین اصفهانی پنج سال قبل از سید ابوالحسن اصفهانی رحلت کرد و سید ابوالحسن اصفهانی بر او نماز خواند. بعد فرمودند: البته هیچ کس حاج آقا روح الله نمی‌شود ولی آقای خامنه‌ای از همه به امام نزدیک‌تر است. کسی که ما به او امیدواریم آقای خامنه‌ای است. شما از ما قبول نمی‌کنید و تعجب می‌کنید. ولی این دید ماست و برای ما قطعی است سید علی خامنه‌ای.»

سال‌ها بعد وقتی که آیت الله خامنه‌ای بعد از رحلت امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر معرفی شدند خدمت ایشان رفته و این خبر را به ایشان اطلاع دادند. ایشان فرمودند: «ما مدت‌ها پیش به این مطلب رسیده بودیم و باید به ایشان کمک کرد تا تنها نباشد.»^۱

پدیده‌ای به نام ولایت فقیه

ولایت فقیه به معنای سرپرستی جامعه مسلمین توسط یک فقیه جامع شرایط در طول ولایت امامان معصوم علیهم السلام و با همان اختیارات است. ولایت فقیه از ابتکارات امام خمینی علیه السلام نبود. بلکه ایشان آن را احیاء نموده و به این مقام الهی رسمیت بخشید. بحث ولایت فقیه از همان آغاز غیبت کبری توسط شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ هـ. ق.) مطرح شد و از قرن‌ها قبل علما و فقهای شیعه در کتاب‌های خود به این موضوع پرداخته و در خصوص انتصاب یک فقیه و حدود و اختیارات، ولایت و سرپرستی آن به صورت کامل بحث نموده‌اند.^۲

گستره ولایت فقیه

آن چه که بحث ولایت فقیه را در سطح جهانی به عنوان یک ایده، تئوری و الگو مطرح نمود، انقلاب اسلامی در ایران بود. زمانی که حضرت امام خمینی دوران تبعید خویش را در نجف اشرف سپری می‌کردند به طور مبسوط به بحث ولایت فقیه در درس خارج خویش پرداختند و هم زمان

۱. حاج آقا رضا بهاء‌الدینی، آیت بصیرت، ص ۱۴۶.

۲. شیخ مفید در المقنعه، ص ۸۱۱؛ شیخ طوسی در نهایه، ص ۳۰۱؛ محقق کرکی در رسائل، ج ۲، ص ۱۴۲؛ محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان، ج ۹، ص ۱۳۱؛ صاحب جواهر در جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۸؛ و امام خمینی در کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۸ در مورد ولایت فقیه، انتصاب و اختیارات آن بحث کرده‌اند.

درس‌های ایشان توسط دشمنان اسلام به صورت مخفیانه ترجمه شده و بلافاصله بر روی میز رئیس جمهور آمریکا در کاخ سفید قرار می‌گرفت.^۱ بنا بر نظر همه مراجع تقلید، نظرات حکومتی ولی فقیه بر همه مراجع و مقلدین ایشان لازم الاجرا است.

«بر اساس مذهب شیعه، بر تمام مسلمانان لازم است از حکم ولایی ولی فقیه اطاعت کنند و تسلیم امر و نهی فقیه باشند و این حکم وقتی شامل فقهای عظام می‌گردد، شامل مقلدین آنان نیز می‌باشد و التزام به ولایت فقیه همان التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام است و قابل فصل و جدایی نیست.»^۲

ولایت فقیه ستون خیمه مرجعیت

حجة الاسلام و المسلمین عبدالقائم شوشتری می‌فرمودند: در زمانی که امام جمعه شاهین شهر اصفهان بودم، وجوهات مقلدین مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی را همراه یک مورد وجوهات یکی از مقلدین حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله به قم بردم و همگی آنها را تحویل دفتر مقام معظم رهبری دادم. بعد به دلیل آن که یک مورد از وجوهات آیت الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله را به دفتر ایشان تحویل نداده و به دفتر رهبری داده بودم مردد بودم که حکم شرعی آن چگونه است؟ به همین علت خدمت ایشان رفتم و جریان را گفتم. آیت الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله با تواضع فرمودند: کار

۱. هامیلتون جردن رئیس ستاد کاخ سفید و مشاور اعظم کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در کتاب بحران که به فارسی نیز ترجمه شده می‌گوید: زمانی که آقای خمینی بحث ولایت فقیه را در نجف مطرح می‌کردند ما آن را ترجمه و در اختیار کارتر قرار می‌دادیم تا متوجه مدل حکومتی ایشان در آینده شویم.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۳۸.

خوبی کردید. ایشان (آیت الله خامنه‌ای) ستون خیمه مرجعیت هستند اگر ایشان نبودند ما هم نبودیم.

هنگامی که دفتر آیت الله فاضل لنکرانی رحمته قصد برپایی نمایشگاهی از آثار ایشان را در یکی از کشورهای عربی داشتند فرمودند: رساله‌های توضیح المسائل اینجانب را نبرید. وقتی مسئولین دفتر اصرار کردند که خارج از کشور هم شما مقلدینی دارید و رساله توضیح المسائل شما لازم است، فرمودند: آیت الله خامنه‌ای به احترام مراجع داخلی از دادن رساله خود در داخل کشور خودداری کردند ما هم به احترام ایشان در خارج از کشور رساله نمی‌دهیم.^۱

تعبیر آیت الله بهاء‌الدینی از ولایت فقیه

آیت الله بهاء‌الدینی رحمته فرمودند: فلانی آمد منزل ما چند جلد کتاب آورد و گفت: آقا ما در باب ولایت فقیه درسی گفتیم. شما این کتاب‌ها را ببینید و نظر بدهید. به او گفتم: تو می‌فهمی ولایت فقیه یعنی چه؟ گفت: یعنی چه شما بفرمایید؟! گفتم: ولایت فقیه یعنی این که یک فقیه اول ولایت بر نفس خویش پیدا می‌کند تا وقتی که نفس، بنده و غلام او شود و او به نفس خود دستور می‌دهد که چه کند نه این که نفس به او فرمان دهد! وقتی چنین شد و مسلط به نفس خویش شد، می‌شود امین الله و خدا هم به او می‌گوید تو دیگر به مردم خیانت نمی‌کنی و ولایت مردم را به او می‌دهد. این می‌شود ولایت فقیه! آیا شما به این جا رسیده‌ای؟ آن آقا انصاف به خرج داد و گفت: خیر به اینجا نرسیده‌ام.^۲

۱. روزنامه کیهان، خرداد ۱۳۸۶، ایام رحلت آیت الله فاضل لنکرانی.

۲. امام شناسی استاد گنجی، ج ۱، ص ۳۲۷.

ولایت فقیه و تمرکز قوا

با توجه به گسترش ارتباطات در جهان معاصر و گردش سریع و ثابتهای اطلاعات و اخبار، تمرکز قوای سازمان شیعه در امر مرجعیت ضروری و لازم است که تبلور عینی آن در ولایت فقیه امکان پذیر شده است. ولایت فقیه به عنوان کانون تمرکز و توجه دنیا به ویژه مسلمانان و مظلومان جهان، در خط مقدم مبارزه با استکبار و مخالفین اسلام و ولایت امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته و لذا تقویت و هماهنگی همه جانبه با ولی فقیه از جانب سازمان شیعه و ارکان تأثیرگذار در آن، امری بدیهی و لازم است که ضرورت آن بر هیچ انسان عاقل و خردمندی پوشیده و مخفی نیست. طی سه دهه گذشته مسائل بسیار مهم و حساسی در داخل ایران و جهان اسلام و غیر آن واقع شد که بدون هماهنگی با ولی فقیه زمان و دخالت ایشان قابل حل و فصل نبود و لذا همکاری در مسائل کلان کشور و دنیای اسلام با ولی فقیه بسیار مهم است که دشمنان همواره در صدد ایجاد اختلاف در این زمینه هستند و این امر هوشیاری و آگاهی همگان را می طلبد.

شان ولی فقیه چیست؟

از مهم ترین شئونات ولی فقیه از آغاز غیبت کبری تا کنون، آماده سازی شیعیان و زمینه سازی برای امر فرج حضرت مهدی علیه السلام بوده و می باشد اما با توجه به آن که امروزه سازمان شیعه توانسته است با عنایت مستقیم حضرت صاحب الامر علیه السلام یک قدرت مرکزی و مؤثر در جهان معاصر تشکیل دهد، این مسئله به عنوان تنها شان ولی فقیه مطرح می باشد. یعنی تمامی امکانات موجود و زمینه های لازم در امور دینی و دنیوی باید در امر فرج هزینه شود.

حضرت امام خمینی علیه السلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فرمودند: تمام دستگاه‌هایی که الان به کار گرفته شده‌اند در کشور ما، خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی علیه السلام.^۱

مقام معظم رهبری مدظله العالی نیز فرمودند: انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم... ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.^۲ و لذا تمامی مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه به عنوان سربازان خط مقدم آقا امام زمان علیه السلام و ریزه خواران سفره آن حضرت علیه السلام موظف هستند در این مسئله مهم به عنوان بازوان ولایت فقیه عمل نموده و آمادگی لازم را در تمامی زیرمجموعه‌های خویش فراهم نمایند.

یک نماینده ولی فقیه یا وکیل مراجع تقلید در تمامی نهادها و سازمان‌ها، ائمه جمعه و جماعات و... با تمامی ابزارهای موجود و شیوه‌های مختلف و مرسوم در خصوص آشنایی زیرمجموعه خود با مسئله مهم مهدویت، وظایف شیعه در زمان غیبت، راه‌های خدمت‌گذاری به حضرت مهدی علیه السلام و شیوه‌های فراگیر نمودن مسائل مهدویت در جامعه، خطر مدعیان دورغین و... باید تلاش ویژه و شبانه روزی داشته باشد، به نحوی که در داخل و خارج، مسلمان و غیر مسلمانی نباشد مگر آن که به نحوی با مسائل مربوط به مهدویت سر و کار داشته باشد.

و البته باید توجه داشت، آن مقدار که دشمنان اسلام در خصوص مسئله مهدویت برنامه ریزی و هزینه می‌کنند بسیار بیش از آن مقداری است که ما شیعیان وقت و هزینه خود را صرف آن می‌کنیم. نگاهی گذرا و کوتاه به

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۲.

۲. سخنرانی معظم له در تاریخ ۸۱/۷/۳۰

آمار فیلم‌هایی که آمریکا و صهیونیسم در خصوص مسئله مهدویت ساخته-اند، سازماندهی و ترویج مدعیان دروغین، بازی‌های متنوع کامپیوتری، لشکرکشی به کشورهای مسلمان برای یافتن حضرت مهدی علیه السلام، تشکیل ستاد ویژه مهدویت در کاخ سفید و... تنها بخش کوچکی از فعالیت‌های دشمن اسلام در خصوص متوقف نمودن امر فرج می‌باشد.^۱

کسی را غیر از آنها نداریم!

حجة الاسلام والمسلمین عبدالقائم شوشتری مدظله العالی می‌فرمودند: قبل از انقلاب در خدمت آیت الله الهی طباطبایی بودم.^۲ ایشان یکی از تشرفات خویش را برای من این چنین نقل فرمود: آقا امام زمان علیه السلام به بنده فرمودند: «اگر مشکل و گرفتاری داشتید خدا را قسم بدهید به ریزه خواران سفره ما!» با وجودی که بنده منظور آن حضرت علیه السلام را متوجه شدم اما می-خواستم از لسان مبارک ایشان بشنوم و لذا از آن حضرت پرسیدم: آقا جان! ریزه خواران سفره شما چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: «همین طلبه-ها!» بنده سؤال کردم: شما از آنها راضی هستید؟ حضرت مهدی علیه السلام سکوت کردند و بعد از تأملی فرمودند: «ما کسی را غیر از آنها نداریم!»^۳

ریزه‌خواران سفره امام زمان علیه السلام

یا امام العصر علیه السلام ما زان توایم

بنده انعام و احسان توایم

۱. رجوع کنید به دفتر اول این مجموعه «آخرین فرمانده، اولین سرباز»، ص ۳۴ الی ۴۶.

۲. آیت الله سید محمد حسن الهی طباطبایی برادر بزرگوار علامه طباطبایی بودند که به نظر برخی بزرگان در عظمت و کرامات و تشرفات برتر از برادر خویش ولی گمنام بودند.

۳. نشریه امام شناسی، ش ۷، ص ۴.

برنمی‌داریم سر از خاک دوت
 تا ابد بر عهد و پیمان توایم
 در صراط مستقیم بندگی
 پیرو ارشاد و برهان توایم
 پسر شود از فتنه گر، روی زمین
 بسیم نبود چون غلامان توایم
 پیشه ما عشق و شوق کوی توست
 چاکرانه سر به فرمان توایم
 هر کسی مطلوب و معشوقی گرفت
 ما گرفتار و پریشان توایم
 هر کسی را علت و بیماری است
 ما همه بیمار هجران توایم
 دردمندانیم از سوز فراق
 جملگی محتاج درمان توایم
 ملک دنیا گر همه از آن ماست
 ریزه‌خواران سر خوان توایم
 ور چو خورشیدیم بر اوج سپهر
 ذره‌ای از مهر رخشان توایم
 «لطفی صافی» بگو با وجد و شوق
 یا ولی عصر ما زان توایم

شرط رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام

به یقین شرط رضایت آقا امام زمان علیه السلام از حوزه‌های علمیه و روحانیت آن است که قدم‌های مؤثر و مفید و با سرعتی در امر فرج بردارند و تنها اکتفا به دعای فرج ننمایند. چه کسانی غیر از حوزه و روحانیت می‌توانند مسئله مهدویت را همراه با آموزه‌های قرآن و عترت، تبیین و تشریح کنند؟ حضرت امام خمینی می‌فرمودند: «بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک چنین اعتقادی دارند، بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم و بسیار مرد صالحی هم بود، یک اسبی خریده بود و یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب علیه السلام بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند. لکن همین! دیگر غیر از این کاری ازشان بر نمی‌آمد و فکر این مهم نبودند که یک کاری بکنند.»^۱

وظایف علما در زمان غیبت

بدون تردید علمای ربّانی مرزبانان دین مبین اسلام هستند که در خط مقدم دفاع از اسلام و مکتب تشیع قرار گرفته‌اند و در مقام جانشینی امام زمان علیه السلام (نیابت عام) بسیاری از وظایف حضرت علیه السلام را در زمان غیبت انجام می‌دهند و تنها با هدایت‌ها و حمایت‌ها، عنایات و دعا‌های مستجاب حضرت بوده که توانستند این مسئولیت سنگین را در راه پرفراز و نشیب غیبت کبری با آن همه مشکلات و سختی‌ها به سلامت طی کنند و اسلام

۱. امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۶۸؛ سخنرانی حضرت امام خمینی ۶۷/۱/۱۴، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۳.

راستین را که همان مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده از انزوا خارج ساخته و شیعیان و به تبع آن مسلمانان جهان و بشریت آزادیخواه و عدالت طلب را آماده ظهور آخرین منجی جهان بشریت نمایند.

برخی از وظایف علمای ربّانی در زمان غیبت:

۱. دفاع و مرزبانی از اسلام و فرهنگ تشیع.
۲. حضور در اجتماع و خدمت به مردم.
۳. شناخت بدعت‌ها و مبارزه با آنها.
۴. تحقیق، تدوین و تألیف (تولید علم).
۵. گفتگو و مناظره با مخالفان دین و مذهب حقّه اثنی عشری.

ثمره وجود علما

امام حسن عسکری علیه السلام در روایت زیبایی فرمودند:

«لولا بقی بعد غیبة قائمکم من العلماء الدّاعین الیه و الدّالّین علیہ و الدّابّین عن دینہ بحجج الله و المنقذین لضعفاء عباد الله من شباک ابلیس و مردته و من فخاخ النواصب لما بقى احدًا الا ارتدّ عن دین الله و لکنّهم الّذین یمسکون ازمة قلوب ضعفاء الشّیعة کما یمسک صاحبُ السفینة سکاّنها اولئک هم الافضلون عند الله عزّوجلّ»^۱

اگر بعد از غیبت حضرت مهدی علیه السلام علمایی که مردم را به سوی آن حضرت علیه السلام دعوت می‌کنند و با دلیل و برهان از دین خدا دفاع می‌کنند و بندگان ضعیف خداوند را از دام‌های شیاطین و اتباع آنها و دشمنان اهل بیت نجات می‌دهند، وجود نداشتند حتی یک نفر هم در دین خدا باقی نمی‌ماند و همگی از راه حق منحرف می‌شدند. ولی این علمای اسلام هستند

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۴؛ امل الامل، ج ۱، ص ۹.

که دلهای شیعیان را از انحراف حفظ می‌کنند، همان طور که ناخدا کشتی را از غرق شدن حفظ می‌کند. آری! این علما نزد خدا، با فضیلت‌ترین افراد می‌باشند.^۱

با توجه به نقش علمای بزرگ شیعه در زمان غیبت، بدون تردید حضرت مهدی علیه السلام نیز نسبت به آنها عنایت ویژه و خاصی دارند که به عنوان نمونه به چند مورد آن اشاره می‌شود.

دعا برای تولد یک عالم

یکی از علمای بزرگ شیعه که آثار و برکات او بیش از هزار سال است که حوزه‌های علمیه را پوشش داده، شیخ صدوق رحمته الله می‌باشد. مرتبه او در علم و فهم و درک حدیث و درجه فقاہت و راستی گفتار و فراوانی تألیفات و پرباری و سرشاری آثار، چنان است که قلم را یارای نوشتن نیست. آثار او بالغ بر ۳۰۰ اثر می‌باشد که یکی از آنها «من لا یحضره الفقیه» از کتب اربعه شیعه می‌باشد. برخی القاب و عناوینی که علما و بزرگان به او داده‌اند، حکایت از عظمت و بزرگی او می‌کند مانند: رئیس المحدثین، صدوق المسلمین، قدوة العلماء، عمدة الفضلاء، عماد الملة و الدین و... اما مهم‌ترین لقب شیخ صدوق که خود به آن افتخار می‌کرد «المولود بالدعوة» می‌باشد که حکایت آن چنین است که: پدر بزرگوار او ابن بابویه قمی رحمته الله از علمای بزرگ قم بود و با حسین بن روح نوبختی (سومین نائب خاص امام زمان علیه السلام) حشر و نشر داشت. مرحوم ابن بابویه قمی رحمته الله که صاحب فرزندی نمی‌شد، نامه‌ای به حضرت مهدی علیه السلام نوشت و به حسین بن روح داد و از او درخواست کرد که نامه او را به امام زمان علیه السلام برساند و در آن نامه از

حضرت علیه السلام درخواست فرزند کرده بود. بعد از مدتی از ناحیه مقدسه پاسخ آمد که: «در مورد خواسته تو برایت دعا کردیم و در آینده نزدیک خداوند دو فرزند پسر پرخیر و برکت و نیکو نصیب تو خواهد کرد.»

و این دعای حضرت علیه السلام به هدف اجابت رسید و چه نیکو ولادت و نیکوتر مولودی تحویل جهان اسلام شد. به همین خاطر بود که شیخ بزرگوار صدوق رحمه الله همواره افتخار می کرد و می فرمود: «وُلِدْتُ بِدَعْوَةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ علیه السلام» من به دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام متولد شده‌ام. اساتید او وقتی اشتیاق و رغبت او به فراگیری علوم اسلامی را می دیدند می گفتند: «عجیب نیست که چنین رغبت و اشتیاقی در علم و دانش داشته باشی! زیرا که تو به دعای امام زمان علیه السلام متولد شدی - وفات شیخ صدوق در سال ۳۸۱ هجری قمری و آرامگاه او در شهر ری نزدیک زیارتگاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام دارای بقعه و بارگاه است. یکی از کرامات آن عالم بزرگوار که ۸۵۰ سال پس از وفاتش رخ داد، تخریب مرقد مطهر ایشان در اثر طغیان آب بود و هنگامی که وارد سرداب وی شدند بدن شریفش را تازه و سالم یافتند.^۱

جبران خطا توسط امام زمان علیه السلام

محمد بن نعمان معروف به «شیخ مفید» رحمه الله از اولین علمایی بود که با آغاز غیبت کبری خدمت گذار مکتب اهل بیت علیهم السلام شد. حضرت مهدی علیه السلام علاقه فراوانی به شیخ مفید رحمه الله داشتند و نامه‌های متعددی برای ایشان می نوشتند.^۲ نقل شده است روزی شخصی خدمت شیخ مفید آمد و در مورد زنی حامله

۱. به نقل از مقدمه کتاب شریف من لایحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری.

۲. توقیعات شریف امام زمان علیه السلام به شیخ مفید را تا ۳۰ مورد ذکر کرده‌اند. به نقل از قصص العلماء.

که از دنیا رفته بود پرسید. شیخ مفید جواب داد همان طور او را دفن کنند. آن مرد در حال برگشت بود تا به نظر شیخ مفید^۱ عمل کند. در بین راه دید سواری از پشت سر می آید. نزدیک شد، گفت: ای مرد! آقا می فرمایند که شکم آن زنی که از دنیا رفته را شکافته و طفل را بیرون آورید، سپس زن را دفن کنید. چنین کردند و طفل، زنده به دنیا آمد. بعد از مدتی ماجرا را برای شیخ مفید^۲ نقل کردند. شیخ فرمود: من کسی را نفرستادم و معلوم می شود که آن شخص صاحب الامر^۳ بوده است. حال که در احکام شرعی خطا می کنم همان بهتر که دیگر فتوا ندهم. پس به خانه رفت و در خانه را بسته و دیگر بیرون نیامد. در این هنگام نامه ای از طرف حضرت ولی عصر^۴ برای شیخ مفید آمد که:

«بر شماست فتوا بدهید و بر ماست که شما را راهنمایی کرده و نگذاریم در خطا بیفتید.»

شیخ مفید با دیدن این نامه بار دیگر بر مسند فتوا نشست.^۱

عیادت و تشییع

یکی از اعضاء دفتر مرحوم آیت الله سیّد محمدرضا گلپایگانی^۲ نقل می کردند در آخرین بیماری حضرت آیت الله گلپایگانی^۳ که منجر به ارتحال ایشان شد، در بیمارستان تهران آقای لطیفی در حالی که از اتاق آیت الله گلپایگانی^۴ در طبقه بالا به پایین می آمدند فرمودند: هم اینک آقا امام زمان^۵ در حال عیادت از آیت الله گلپایگانی^۶ هستند. و نیز آیت الله امامی کاشانی در جلسه سوم مجلس ختمی که در مسجد اعظم قم برای حضرت آیت الله گلپایگانی برگزار شده بود در سخنرانی خود فرمودند:

۱. داستان هایی از زندگی علماء، ص ۸ به نقل از قصص العلماء.

یکی از افرادی که مورد وثوق است^۱ گفتند: «به منظور شرکت در تشیع جنازه حضرت آیت الله گلپایگانی از تهران به قم رفتیم و به مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام رسیدیم. در آنجا به دو نفر از اصحاب حضرت حجت علیه السلام برخورد کردم. آنان به من گفتند: «آقا امام زمان علیه السلام در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشریف دارند، برو و آقا را ملاقات کن». با عجله خودم را به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام رساندم و وارد مسجد شدم. در آن هنگام اذان ظهر را گفته بودند. من دیدم، حضرت مهدی علیه السلام با سی نفر از اصحاب خود مشغول نماز هستند. بعد از نماز، حضرت فرمودند: «ما از همین جا تشیع می کنیم...» از مسجد خارج شدیم و به دنبال جمعیت با آقا همراه شدیم تا به صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام رسیدیم.^۲

آغاز تحوّل

مرحوم حاج قدرت الله لطیفی نسب از کسانی بودند که مکرر به محضر حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام مشرف می شدند و از جمله یاران حضرت مهدی علیه السلام بودند که اخباری از حضرت علیه السلام را برای برخی از خواص علما می آوردند. ایشان از دوران کودکی و نوجوانی خویش چنین گفته اند: «مرحوم پدرم در همان سالهایی که رضاخان عزاداری را ممنوع کرده بود، سحرها مرا بیدار می کرد تا مخفیانه به منزل مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی (عطّار) برای عزاداری برویم. من هر شب تا سحر چشم انتظار رفتن به آن مجالس بودم و با شور و شوق فراوان در جلسات مذهبی و مساجد می رفتم. در همان ایام بود که شبی برای اقامه نماز جماعت در مسجد فائق (محلّه عین الدوله) رفتم. آن شب، بین دو نماز، روحانی با وقاری با عمامه ای

۱. مرحوم حاج شیخ قدرت الله لطیفی نسب.

۲. تلاشگر پنهان، ص ۱۳۲.

کوچک از امام جماعت اجازه خواست تا کمی با مردم صحبت کند. شروع سخنش از امام عصر علیه السلام بود تا آن جا که فرمود: ای مردم! اگر مرغی از خانه شما گم شود تا شب به دنبال آن می گردید، پس چرا امام زمانتان را که قرن هاست غایب شده جستجو نمی کنید و به دنبالش نمی گردید؟... سخنان آن روحانی مرا منقلب کرد و جانم را در کوره عشق به امام زمان علیه السلام گداخت و نهاد مرا آتش زد.

از همین جا نقطه عطفی در زندگی مرحوم لطیفی آغاز شد و او را به دنبال امام زمان علیه السلام خویش روان ساخت.

گفتم که الف گفت دگر هیچ مگو

در خانه اگر کس است یک حرف بس است!

مرحوم لطیفی بعد از دوران ابتدایی وارد حوزه علمیه شد ولی توجه دائم خود از امام زمان علیه السلام را لحظه ای قطع نکرد تا این که با اشخاصی هم چون سید عبدالکریم کفاش که از تشریف یافتگان به محضر امام زمان علیه السلام بود آشنا شد و بالاخره به محبوب خویش رسید و تشریفاتی برای او حاصل شد.

زیارت امام رضا علیه السلام و امام زمان در مشهد

مرحوم لطیفی از دوران طلبگی خود در مشهد مقدس چنین گفته اند که: در هوای مولا حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام رهسپار مشهد مقدس شدم و در مدرسه حاج حسن به ادامه تحصیل مشغول شدم و دوران سختی را از عدم امکانات مادی و فقر سپری کردم تا جایی که حتی برای خوردن هم چیزی نداشتم. سه روز روزه گرفتم و فقط با آب افطار نمودم. در غروب روز سوم که از زیارت آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام برمی گشتم دیگر در خود توان حرکت نیافتم، به سختی خود را به مدرسه رساندم و وارد حجره

سرد خود شدم و روی پوست تختی که داشتم دراز کشیدم، ساعتی گذشت که متوجه شدم در حجره را می‌زنند. در خود نیرویی یافتم و از جا برخاستم و پرسیدم کیست؟ جواب آمد: میهمان! عرض کردم: میهمان حبیب خداست. خودشان درب را گشودند و کلید برق که در درگاهی بود زدند. ناگاه با جمال دل افروز قطب عالم امکان امام عصر علیه السلام مواجه شدم که همراه شخصی دیگری به حجره بنده تشریف آوردند و روی پوست تخت من جلوس نمودند. آنگاه حضرت فرمودند: میهمان شما می‌شویم به شرط آن که خودمان غذا بیاوریم. آن‌گاه به ملازم خود فرمودند که در پی غذا بروند. سپس با بنده مشغول صحبت شدند و مطالب و اسراری فرمودند، از آن جمله به یاد دارم که فرمودند: در این تنگدستی و عسرت چرا از نماز جعفر طیار که کبریت احمر و اکسیر اعظم است غفلت کردی؟... پس از مدتی آن شخص آمده و سفره‌ای را گشود که در آن یک سینی و نان و کباب و مقداری خرما بود که ابتدا با خرما افطار کردیم و غذا را خوردیم، طعامی که زبان از وصف آن عاجز بود. هنگام مراجعت مقداری پول به بنده دادند و فرمودند از این پول مصرف کن اما هیچ وقت آن را نشمار و حضرت علیه السلام قدوم مبارک را از حجره من بیرون گذاشتند و من با دیدگان مشتاق، مولای خود را بدرقه کردم.^۱

مرحوم لطیفی بعدها به درجه اجتهاد رسید اما تا پایان عمر هرگز آن را فاش نساخت.^۲

نمونه‌هایی از عنایات حضرت مهدی علیه السلام به حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید، علمای ربانی حتی طلاب و مبلغین در قالب دعا، عیادت، توصیه به تألیف کتاب، حل مشکلات و گرفتاری‌ها و... آن قدر زیاد است که قابل

۱. راه وصال، شرح حال مرحوم لطیفی، ص ۴۱.

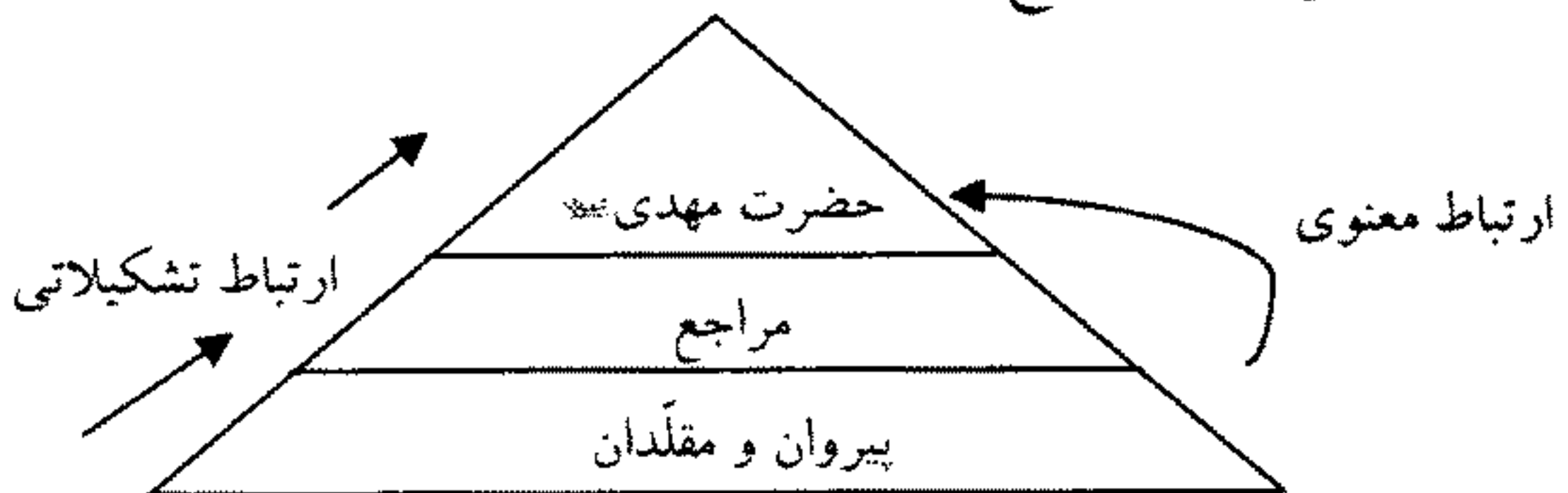
۲. حکایات دیگری از مرحوم لطیفی را در صفحات ۸۷ و ۱۵۰ مطالعه کنید.

شمارش و بیان نیست و در این خصوص کتاب‌های فراوانی به زیور طبع آراسته گردیده است.^۱

این شرح بی‌نهایت کز حسن یار گفتیم
حرفی است کز هزاران اندر عبارت آمد

۲. پیروان (مقلدان)

اگر سازمان شیعه را به صورت یک هرم فرض کنیم، در رأس هرم، حضرت مهدی عج قرار دارند در وسط و بدنه، علما و مراجع تقلید و در قاعدهٔ هرم، عموم شیعیان یا به تعبیر دیگر گروه مقلدان وجود دارند. با این تفاوت که گاهی اوقات قاعده هرم نیز می‌تواند بدون واسطه با رأس هرم ارتباط قلبی و معنوی برقرار کند و حاجات خود را درخواست کند. اما در خصوص مسائل دین و وقایع روزمره ناگزیر از ارتباط با واسطه است.



در نظام شیعه، هر فردی یا باید مجتهد باشد که بتواند احکام دین و مسائل روز را از راه و روش اصولی خود استنباط کند و یا باید مقلد باشد، تا در مسائل تخصصی دین به نظر یک کارشناس و فقیه خبره و متخصص در امر دین مراجعه کند. در غیر این صورت دچار خطا و انحراف شده یا به فسق و فجور روی می‌آورد یا گرفتار عالم‌نماها و مدعیان دروغین شده، سر

۱. رجوع کنید: شیفتگان حضرت مهدی عج - میر مهر - توجهات ولی عصر عج به علما و طلاب، تلاشگر پنهان و....

از فرقه‌ها و گروه‌های کذایی، نظیر بهائیت، صوفیه و... در می‌آورد. تمامی روحانیون و علمایی که به درجه اجتهاد نرسیده‌اند نیز در زمره مقلدان و پیروان مرجعیت شیعه هستند.

یا عالم باش و یا...

امام صادق علیه السلام از وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند:

«اغد عالماً او متعلماً، او أحبّ العلماء و لا تکن رابعاً فتهلك بیغضهم»^۱

یا عالم باش و یا طالب علم و یا دوستدار علما و اگر غیر از این سه دسته باشی، دشمن علما خواهی شد که نتیجه آن هلاکت و نابودی است.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در روایات فراوانی شیعیان را به علمای راستین ارجاع داده و آنها را به این کار تشویق می‌نمودند. گرچه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام نیز مراجعه به علمای شیعه به دلیل عدم امکان دسترسی همیشگی به امام معصوم علیه السلام امری بدیهی بود، اما این امر در زمان غیبت امری مسلم، قطعی و ضروری است. و لذا حضرت مهدی علیه السلام در نامه شریف خویش به اسحاق بن یعقوب که از طرف محمد بن عثمان (دومین نائب حضرت علیه السلام) ارسال شد مرقوم فرمودند:

«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجّتی علیکم و انا حجة الله علیهم»^۲

«در مسائلی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید. چرا که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنان هستم»

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۹.

و البته برای آن که گرفتار عالم‌نماها و دروغ‌گویان نشوند، ویژگی‌های یک عالم ربانی و راستین را بیان کردند. امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند:

«و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً على هواه مطعياً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم.»^۱

«هر کس از فقها و علما که بر نفس خود مسلط باشد و دین خود را نگاه دارد و با هوای نفس مخالفت کند و مطیع فرمان مولای خویش باشد بر عموم مردم است که از او تقلید و پیروی نمایند و البته این خصوصیات را بعضی از فقهای شیعه دارند نه همه آنها!

و اینجاست که تبعیت و پیروی از مجتهد جامع شرایط و اعلم مطرح می‌شود و نباید و نشاید که به دنبال هر کس رفت!

رابطه تقلید و تخصص

تقلید کردن و پیروی نمودن را می‌توان به دو نوع متفاوت تقسیم کرد:

۱. تقلید مذموم و ناپسند: در این نوع تقلید، یک انسان جاهل به صورت کورکورانه و بدون دلیل روشن به دنبال یک انسان جاهل دیگر می‌رود و بدون تفکر و تعقل هرچه او بگوید عمل می‌کند، که این نوع تقلید از نظر اسلام مردود است و مانند آن است که: کوری عصاکش کور دگر شود.
۲. تقلید صحیح و پسندیده: در این نوع تقلید، انسان در اموری که آشنایی و تخصصی ندارد، به دنبال کارشناس و متخصص آن مسئله می‌گردد تا از نظر او پیروی کند. در دنیای امروزی که دنیای تخصص‌هاست، این نوع تقلید، عمومیت داشته و یک امر بدیهی و عقلی است. مانند مراجعه

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۳.

به پزشک متخصص، رجوع به مکانیک ماهر، رفتن نزد معمار با تجربه و... و البته هر چه موضوع برای انسان دارای اهمیت بیشتری باشد به دنبال کارشناسی عالم‌تر و آگاه‌تر می‌رود. و چون امر دین از مهم‌ترین امور زندگی بشر می‌باشد که آثار آن در زندگی دنیایی و حتی پس از مرگ نیز ظاهر می‌شود باید سراغ یک متخصص آگاه، اعلم، مدیر، مدبر، باتقوی و... رفت. در رساله‌های توضیح المسائل شرایط این نوع تقلید، شرایط متخصص و مجتهد در دین و شرایط مقلد به خوبی بیان شده است.

بنابراین تقلید در نظام شیعه نسبت به تمامی ادیان و مذاهب دیگر دنیا برتری و امتیازات ویژه‌ای دارد که شفاف، با برنامه و هدفمند می‌باشد و تجربه‌های فراوان تاریخی، نشان داده در هر زمان و مکان و در هر موضوعی که شیعیان از مراجع تقلید اعلم به نحو احسن پیروی نموده‌اند، به موفقیت‌های عالی و پیروزی‌های فراوانی رسیده‌اند. مانند تقلید عموم شیعیان از فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی.

در سازمان شیعه هر مقلد باید به عنوان یک سرباز، گوش به فرمان مولای خویش آقا امام زمان علیه السلام بوده و در خدمت آن حضرت علیه السلام به انجام وظایف خویش در زمان غیبت پردازد.^۱ که حقیقت تقلید و هدف نهایی آن همین است. یعنی مراجع تقلید حلقه واسطه و اتصال مقلدان به امام زمان علیه السلام هستند.

فتوای تحریم تنباکو را چه کسی صادر کرد؟

استعمار پیر انگلیس برای ورود به کشور هند و تسخیر آن، قرارداد کمپانی هند شرقی را منعقد کرد و به بهانه حمایت دارایی‌های خود، قشون

۱. وظایف شیعه در زمان غیبت در کتاب مکیال المکارم، ج ۲، بیان شده که مقداری از آن را در مجموعه اول «آخرین فرمانده، اولین سرباز» فصل چهارم: وظیفه شناسی، آورده‌ایم.

خود را وارد هند و به همین بهانه در هیئت حاکمه هندوستان داخل شده و آن‌چه خواستند انجام دادند.

همین نقشه را برای ایران که مرکز تجمع شیعیان بود با قرارداد تنباکو اجرا کردند. و به دنبال آن، نیروهای نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی انگلیس در قالب کارکنان، کارگزاران و وابستگان شرکت رژی به ایران سرازیر شدند و در قلعه‌ها و مکان‌های متعددی مستقر شدند. ضمن آن‌که سلاح‌های زیادی هم وارد نمودند. اما آن‌چه که خواب‌های آشفته استعمار انگلیس را برملا کرد و نقشه‌های شوم آنان را فاش ساخت فتوای تحریم تنباکو بود که از جانب مرجع کل، مرحوم میرزای شیرازی رحمته‌الله صادر شد و به دنبال آن انقلابی در ایران به نام نهضت تنباکو صورت گرفت.

حکایت آن چنین است که مرحوم فشارکی نزد میرزای شیرازی رفته و در خصوص عدم صدور فتوا از میرزا گلایه می‌کند. آن‌گاه به ایشان می‌گوید: شما حق استادی و تعلیم و تربیت و سایر حقوق دیگر بر من دارید، ولی خواهش می‌کنم به اندازه چند دقیقه به من اجازه بدهید آزادانه صحبت کنم! میرزای شیرازی با کمال تواضع می‌فرمایند: بگویید! مرحوم فشارکی بی‌پروا می‌گوید: سید چرا معطلی؟ چرا علیه استعمار انگلیس قیام نمی‌کنی؟ چرا فتوای تحریم تنباکو را نمی‌دهی؟ می‌ترسی که جانت در خطر بیفتد، چه بهتر که بعد از خدمت به اسلام و تربیت علمی عده‌ای از شاگردان، به سعادت شهادت برسی که موجب سعادت شما و افتخار ماست! آیا خون تو از خون سیدالشهدا علیه‌السلام رنگین‌تر است؟ قیام کن و فتوای تحریک تنباکو را بده.

مرحوم میرزای شیرازی می‌فرماید: من هم همین عقیده را داشتم. لکن در این مدت، جهات مختلف این فتوا را بررسی می‌کردم و می‌خواستم به

دست دیگری نوشته شود و امروز که به سرداب مقدسه امام عصر علیه السلام رفتم تا از مولایم امام زمان علیه السلام اجازه فتوا را بگیرم، آقا نیز اجازه فرمودند و امروز فتوا را صادر کردم:

«الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم

محاربه با امام زمان علیه السلام است!»

در این فتوای تاریخی و سرنوشت ساز که حتی به اندرونی کاخ ناصرالدین شاه هم سرایت کرد^۱ نکات قابل دقت و توجه فراوانی وجود دارد.

۱. در متن فتوا به جای استفاده از اصطلاحات فقهی نظیر «واجب» و «حرام» که در بین مراجع تقلید رایج بوده و هست از اصطلاحات اعتقادی و کلامی استفاده شده است.

۲. به طور مستقیم بر روی مسئله اعتقاد به مهدویت انگشت نهاده شده است.

۳. مسئله جنگ و محاربه با امام زمان علیه السلام مطرح شده است.^۲

این نوع فتوا معمولاً در بین فقهای شیعه رایج نبوده و خود این مسئله و آثار و برکات فروانی که این فتوا به همراه داشته نشان می‌دهد که قضیه دیگری در کار بوده است. خود میرزای شیرازی بعد از ارائه فتوا فرمودند:

«این متن از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته است. این گونه فرمودند که صادر کنیم!»^۱

۱. ناصرالدین شاه وقتی دید در حرم سرای او نیز در حال شکستن قلیان‌ها هستند، بسیار ناراحت شد و گفت: برای چه قلیان‌ها را می‌شکنید. یکی از زنان گفت: چون حرام شده! شاه گفت: چه کسی آن را حرام کرده؟ جواب داد: آن کسی که ما را به تو حلال کرده!

۲. مهدویت صلح کل، مقاله استاد پور سید آقایی، ص ۳۷.

نهادهای مقدس فرهنگی

۱. مساجد

دین مبین اسلام در خصوص مسائل اجتماعی مسلمانان اهمیت فراوانی قائل شده و آنچه که از آیات و روایات فراوان به دست می‌آید حکایت از توجه دادن مسلمین به تجمع و اجتماع، وحدت و یکپارچگی و دوری از هر نوع تک‌روی، انزوا و رهبانیت است.

به همین منظور مکان‌های خاصی در نظر گرفته شده که اولین و مهم‌ترین آنها پایگاه مسجد می‌باشد.

- مسجد مرکزی معنوی، عبادی، علمی، سیاسی و حکومتی است که مقرّ فرماندهی و مدیریت جامعه پیرامون خود است.

- مسجد یک پایگاه قوی عبادی است که محل عبودیت، بندگی، یاد خدا و دوری از هر نوع شرک و بت‌پرستی (از نوع قدیم و جدید) می‌باشد.

- مسجد یک پایگاه فکری و اعتقادی است که تعلیم و فراگیری معارف بلند الهی، انسانی و اسلامی از اهداف عالی آن است.

- مسجد وعده‌گاه مؤمنین، برقراری صفا و صمیمیت بین آنها، آموزش وحدت و یکپارچگی است که بسیاری از مشکلات اجتماعی مسلمانان در آن دفع و رفع می‌شود.

- مسجد پایگاه جهادی است که هنگام مبارزه با دشمنان، سنگر اعزام رزمندگان و محل گردهم‌آیی مبارزان و کارزار با دشمنان می‌باشد.^۲

۱. تلاشگر پنهان، ص ۱۴۹؛ به نقل از مجله حوزه، ش ۵۰، ص ۴۲.

۲. ره توشه پندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر، ج ۲، ص ۳۳۱.

- مسجد که طبق روایات، خانه خداوند متعال در زمین است از ظرفیت بسیار بالایی در تعلیم و تربیت برخوردار می‌باشد که اگر به شایستگی، با دقت و برنامه از تمامی ظرفیت‌های آن به نحو احسن استفاده شود بسیاری از اهداف عالی اسلام را محقق می‌سازد.

- مسجد در نظام مدیریتی اسلام از یک سلسله مراتب خاصی برخوردار است که در زمان‌ها و مکان‌های خاص، سبب تجمع هدفمند: مسلمانان جهان (مسجد الحرام)، مسلمانان یک کشور (مسجد جمکران)، مسلمانان یک شهر (مسجد جامع) یک منطقه (مسجد محله) یا یک صنف (مسجد بازار) می‌باشد.

فقهای بزرگوار شیعه در خصوص سلسله مراتب و فضیلت مساجد فرموده‌اند:

«بهرتر از همه مساجد، مسجد الحرام، سپس مسجد النبی ﷺ بعد مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد خیف، غدیر، مسجد بیت المقدس، مسجد براه، مسجد قبا و مسجد جامع هر شهر، مسجد محله و قبیله و مسجد بازار و از جمله مواضع مستحب و با فضیلت، مشاهد مشرفه انبیاء و اوصیاء آنان و ائمه اطهار ﷺ است.»^۱

آثار و برکات مسجد در کلام امیر المؤمنین ﷺ

امیر مؤمنان حضرت علی ﷺ در مقام بیان برخی از آثار ارزشمند و سازنده رفت و آمد به مساجد می‌فرمایند:

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۷۱، مسئله ۸۹۳

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ اصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْماً مُسْتَطَرَفاً، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هَدْيٍ، أَوْ رَحْمَةٍ، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدْيٍ، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشِيَةً أَوْ حِيَاءً».^۱

کسی که به مساجد رفت و آمد می کند حداقل یکی از امور هشت گانه زیر نصیب او می شود: ۱. دوست و برادری ایمانی که در مسیر خداوند از او بهره می برد ۲. فهم و درک آیه ای از قرآن ۳. شنیدن سخنی که او را به هدایت رهنمون باشد ۴. رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند متعال خواهان است ۵. سخنی که او را از گمراهی و هلاکت باز دارد ۶. ترک گناه به سبب خوف و خشیت ۷. ترک گناه به جهت حیا از برادران ایمانی.

ادب و آداب نماز جماعت

حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت از نظر اسلام آن قدر اهمیت و فضیلت دارد که به فرمایش فقهاء، نزدیک است که جزء واجبات شمرده شود.^۲ نماز جماعت احکام و آدابی دارد که بر نمازگزار واجب است به آنها عمل نماید. به عنوان مثال: مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می شود، کارهای دیگر آن، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد معصیت کرده است. اگر سهواً (اشتباهاً) قبل از امام جماعت سر از رکوع یا سجده بردارد باید به رکوع و سجده برگردد و با امام سر بردارد. اگر پیش از امام جماعت به رکوع یا سجده برود، واجب است که سر بردارد و با امام به سجده رود.^۳ همچنین مأموم باید رعایت ادب را نموده و صدای خود را از صدای امام جماعت بلندتر نکند.

۱. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۵۱.

۲. عروة الوثقی، فصل فی الجماعه.

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۱۱۴۷ الی ۱۱۷۸.

نتیجه رعایت احکام نماز جماعت

با رعایت احکام نماز جماعت و پیروی نمودن از امام جماعت در برترین عبادات یعنی نماز، می‌توان اطاعت و پیروی نمودن از امام زمان علیه السلام را تمرین نمود. یعنی اگر در زمان غیبت، فرمان اطاعت از مراجع را صادر کرده‌اند نباید از فرمان امام زمان علیه السلام عقب یا جلو افتاد و اگر در زمان ظهور، حضرتش را درک کردیم نباید ذره‌ای و لحظه‌ای از فرمان حضرتش غفلت کنیم و رعایت نهایت درجه ادب و آداب اطاعت محض را بنماییم. همان طور که در ادعیه و زیارات به این مسئله مهم اشاره شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفَلَكَ الْجَارِيَةَ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ
يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالتَّمَاخِرُ عَنْهُمْ
زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ^۱

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست که آنها همانند کشتی جاری در گرداب‌های بی‌پایان هستند و هر کس به آن کشتی سوار شود در امان خواهد بود و اگر آن کشتی نجات را ترک کند، غرق خواهد شد. هر که بر آنها مقدم شود در ضلالت است و اگر از آنها عقب افتد نابود خواهد شد و تنها کسانی که همراه با آنان باشند ملحق به ایشان خواهند شد.

اهمیت مسجد در سیره حضرت مهدی علیه السلام

طبق نقل روایات، حضرت مهدی علیه السلام از کنار مسجد الحرام قیام خواهد کرد و محل حکومت آن حضرت علیه السلام مسجد کوفه می‌باشد و پرچم ایشان در کنار مسجد جمکران برافراشته خواهد شد.^۲

۱. مفاتیح الجنان، صلوات شعبانیه، اعمال ماه شعبان.

۲. شیخ صدوق در کتاب «مونس الحزین فی معرفة و یقین» با اسناد صحیح و معتبر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایتی را برای ابن یمانی در خصوص حضرت مهدی علیه السلام نقل می‌فرماید که در انتهای حدیث آن حضرت علیه السلام است: و رایت وی به کوه سفیدی که در کنار دهی کهن که در جنب مسجد است برافراشته خواهد شد و آن را «جمکران» خوانند. (به نقل از مسجد کوه خضر نبی اردوگاه باوران حضرت مهدی علیه السلام، ص ۴).

مساجد در طول تاریخ شیعه به عنوان یک پایگاه مدیریتی مهم ایفای نقش نموده‌اند و لذا شایسته است در حال حاضر و در آستانه ظهور مباحث مهدویت به طور جامع محور برنامه‌های مساجد قرار گیرد.

بزرگ‌ترین پایگاه امام زمان علیه السلام

به تحقیق می‌توان گفت: بزرگ‌ترین پایگاه حضرت مهدی علیه السلام در حال حاضر مسجد مقدس جمکران می‌باشد. اگر آمار زائران مسجد مقدس صاحب الزمان علیه السلام در جمکران را با دیگر مساجد دنیا مقایسه کنیم متوجه این عظمت و شکوه خواهیم شد. این در حالی است که طبق آمار رسمی سال‌های گذشته، مسجد الحرام که خانه کعبه را در خود جای داده است و مسلمانان اقصی نقاط جهان به آن روی می‌آورند، سالیانه حدود ۱۰ میلیون زائر دارد در حالی که مسجد مقدس جمکران سالیانه ۱۵ میلیون زائر دارد.

تأسیس و تجدید بنای مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران طبق نقل شیخ صدوق در کتاب مونس الحزین در سال ۳۷۳ هجری قمری^۱ به امر مبارک حضرت مهدی علیه السلام و توسط حسن مثله جمکرانی بنا شد.^۲ و در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی توسط مرحوم لطیفی و به امر مبارک حضرت مهدی علیه السلام تجدید بنا شد. برخی از موثقین و دوستان نزدیک مرحوم لطیفی حکایت تجدید بنای مسجد مقدس جمکران را از

۱. در بعضی نسخ تأسیس را ۳۹۳ ذکر کرده‌اند.

۲. علامه و محدث بزرگوار محدث نوری در کتاب شریف «نجم الثاقب» حکایت تأسیس مسجد مقدس جمکران را از شیخ صدوق به طور کامل نقل کرده است و میرزای بزرگ شیرازی در مقدمه این کتاب از آن ستایش فراوان نموده و نوشته است: برای تصحیح عقیده خود به این کتاب «نجم الثاقب» مراجعه کنید. به نقل از میر مهر، ص ۲۶۲.

زبان ایشان، چنین نقل کرده‌اند: در شب نیمه شعبان سال ۱۳۴۷ هـ ش. با یکی از رفقا به مسجد مقدس جمکران مشرف شدیم تا آن شب را احیاء بگیریم. هوا سرد بود و مسجد هم خالی بود. هیچ وسیله گرمایی هم در مسجد وجود نداشت. من یک عبای زمستانی داشتم به خود پیچیدم و به دعا و نماز مشغول شدم. پاسی از شب که گذشت دوست من خسته شد، دیگر طاقت نیاورد و گفت می‌روم داخل اتاق خادم استراحت کنم. رفت و من تنها و غرق توجه به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام سرگرم عبادت بودم. ساعتی از شب گذشته بود که صدایی از داخل ایوان مسجد توجه مرا جلب کرد. برگشتم و وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که همراه با دو سید بزرگوار داخل مسجد شدند. برخاستم و سلام کردم. حضرت علیه السلام داخل محراب شده و مشغول عبادت شدند. فضای مسجد تغییر کرده بود. بوی عطر، فضای نورانی مسجد را پر کرده بود، اصلاً احساس سرما نمی‌کردم. حضرت مهدی علیه السلام پس از نماز و عبادت، با اصحاب خود به سوی من آمدند و با تبسم دست خود را روی شانه من گذاشته و فرمودند: حال شما خوب است؟ گفتم: الحمدلله. فرمودند: ان شاء الله موفق باشید. زودتر اقدام کنید تا مسجد از این صورت خرابی درآید. شبستانی بساز و آبرومندش کن. همان لحظه در قلبم گذشت که این کار از من ساخته نیست، زیرا که نه سرمایه‌ای دارم و نه قدرتی. در همین فکر بودم که بلافاصله حضرت فرمودند: شما اقدام کن. عنایات ما شامل حال شما هست، خود ما کمک می‌کنیم. دوباره در خاطرم گذشت از چه راهی و چگونه اقدام کنم؟ فرمودند: نزد آقای احمدی بروید.^۱ سپس کارت سبزی که در یک طرف آن اسماء الله و در طرف دیگر نقشه‌ای کشیده شده بود به من

۱. آقای احمدی در آن وقت رئیس اوقاف و از اخیار و اهل ولایت بود.

دادند که مسجد مقام براساس آن نقشه بازسازی شد، سپس فرمودند: این کارت را بعداً از شما خواهیم گرفت. بعد از آن حضرت علیه السلام تشریف بردند و از نظر غایب شدند. فردای آن روز با راهنمایی یکی از دوستان با آقای احمدی آشنا شدم و با تشکیل هیئت امنای ۵ نفری کار تجدید بنای مسجد را آغاز کردیم و در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۴۸ هـ ش کلنگ احداث بنای جدید مسجد زده شد.^۱

دقت و تفکر

اگر هیچ سند و مدرکی که دلالت بر اعتبار مسجد مقدس جمکران کند وجود نداشته باشد (که وجود دارد) همین توجه مراجع تقلید شیعه و علمای ربانی در طول قرن‌های متمادی تاکنون به این مکان مقدس و ظهور و بروز کشف و کرامات و معجزات بی‌شمار و ملاقات‌های متعدد با حضرت مهدی علیه السلام حکایت از عظمت، قداست، اهمیت و اعتبار این مکان مقدس دارد.

سؤال از محضر حضرت آیت الله بهجت علیه السلام

این حقیر مشتاق زیارت امام عصر حضرت حجة بن الحسن علیه السلام هستم، از حضرت عالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم.

جواب حضرت آیت الله بهجت علیه السلام:

زیاد صلوات اهدای وجود مقدسش کنید، مقرون با دعای تعجیل فرجش و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با ادای نمازهایش.^۲

۱. مرحوم لطیفی از آن تاریخ تا پایان عمر به مدت ۴۰ سال در مسجد جمکران و به عنوان رئیس هیئت امنای مسجد مقدس جمکران مشغول خدمت صادقانه و خالصانه به مولای خویش حضرت بنیة الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء بودند. به نقل از راه وصال، ص ۱۱۴.

۲. امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت، ص ۷۳.

از جمکران برسد

گلاب و عطر پاشید در مسیر ظهور
 گمان کنم که هر آن لحظه میهمان برسد
 همیشه منتظرم در کنار جاده عشق
 که پیک خوش خبر از جمکران برسد^۱

۲. حسینیه‌ها، هیئت‌ها

یکی دیگر از نهادهای مقدس، مؤثر و مفیدی که سازمان شیعه در کنار مساجد با اهمیت در اختیار دارد، مکان‌های مقدسی است که در زمان‌های خاص، برنامه‌های فرهنگی و مذهبی خود را در آن برگزار می‌کند. نام‌های زیبای این مکان‌ها به مقتضای موضوع و اهداف تأسیس عبارتند از: حسینیه، زینبیه، عباسیه، مهدیه، بیت الاحزان، بیت الزهراء علیها السلام، فاطمیه علیها السلام، بیت المهدی علیه السلام و... هم‌چنین مراسم‌های مهمی که در این مکان‌ها برگزار می‌شود عبارتند از: قرائت قرآن، ادعیه خوانی، مراسم‌های مذهبی، عزادرای، مدیحه‌سرایی، مسابقات فرهنگی، امور خیریه، قرض الحسنه و... به غیر از مکان‌های مقدس و مذهبی فوق، تأسیس و تشکیل هیئت‌های مذهبی در منازل شخصی افراد به صورت عمومی یا صنفی است که متشکل از افراد یک خانواده یا فامیل، جمع دوستان یا همکاران است و نقش مؤثری در ایجاد صفا و صمیمیت، هم‌فکری و همکاری، صله رحم و... دارد. افراد شرکت‌کننده در این برنامه‌ها و جلسات که غالباً بر محور ثقلین (قرآن و

۱. کاظم جیروودی.

عترت) تشکیل می‌شود، بعد از اتمام جلسه یک حالت معنوی و روحیه مذهبی فوق العاده‌ای در خود احساس می‌کنند که شور و نشاط آن تا مدت‌ها در وجود آنها باقی می‌ماند. عمومات آیات قرآن و روایات فراوان در کنار سیره و روش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام حکایت از اهمیت فوق العاده، تشکیل، برگزاری و شرکت در این برنامه‌ها و جلسات دارد.^۱ نظیر چنین جلسات و برنامه‌هایی که با کم‌ترین هزینه و بیشترین کاربرد در زنده نگه داشتن امر دین و احیای سازمان شیعه نقش اساسی دارد، در هیچ یک از ادیان و مذاهب دنیا وجود ندارد و بارها آنان را به فکر تشکیل چنین جلساتی برای پیروان خود انداخته که تاکنون توفیقی در این زمینه نداشته‌اند.

آثار و برکات حسینیه‌ها و هیئت‌ها

حجة الاسلام و المسلمین گنجی فرمودند: این همه آثار و برکاتی که از برپایی و شرکت در جلسات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نصیب شیعه می‌شود تنها قسمت کوچکی از آثار و برکاتی است که ما قادر به دیدن و درک آن هستیم و بخش اعظمی از آثار و برکات آن برای ما قابل لمس و محسوس نیست.

اما به هر صورت برخی از آثار و برکات این جلسات که در مساجد، حسینیه‌ها یا هیئت‌های مذهبی برقرار می‌شود عبارتند از:

- تعلیم و تفسیر قرآن و معارف اسلام ناب.
- بیان سیره و روش اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان راهنمایان حقیقی دین.

۱. رجوع کنید به: دفتر اول این مجموعه «آخرین فرماده»، اولین سربازه، ص ۹۸ و ۱۱۳.

- سازماندهی هیئت‌های مذهبی در امور اجتماعی و سیاسی مهم، نظیر برپایی انقلاب و مبارزه با طاغوت.

- اعزام هزاران رزمنده غیور و شجاع به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل از قلب این هیئت‌ها که تربیت یافته حقیقی این جلسات بودند.

- پشتیبانی و تدارک رزمندگان اسلام در جنگ‌های متعدد و در کشورهای مختلف.

- جمع آوری هزینه‌های بازسازی اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه و اعزام کاروان‌های زیارتی به این اماکن.

- همیاری و مساعدت به محرومان جامعه در مواقع حساس، نظیر بلایای طبیعی (سیل و زلزله و...)، فراهم نمودن تجهیزه، تهیه مسکن، قرض الحسنه، امور خیریه و...

وجود ده‌ها هزار هیئت و حسینیه و تشکیل صدها هزار جلسه و برنامه در سال و حضور میلیون‌ها نفر در آن، نشان از اقتدار شیعه و سازماندهی درونی آن با عنایات خاص حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام دارد که قلوب شیعیان را به نور هدایت خویش، به سمت صلاح و سعادت و کمال رهنمون می‌سازد. اما آن چه که به این مجالس و هیئات، قداست بیشتری بخشیده و رنگ و بوی دیگری به آن می‌دهد، حضور روحانی حضرات اهل بیت علیهم السلام و حضور جسمانی حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام در این جلسات است.

حضور امام زمان علیه السلام در دسته‌های عزاداری

طویریج نام منطقه‌ای است در اطراف کربلای معلی که هر ساله روز عاشورا دسته عزاداری باشکوهی از آن منطقه با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می‌کند. یک سال روز عاشورا مرحوم علامه بحر العلوم با عده‌ای از

طلاب شهر کربلا به منظور خوش آمد گویی و استقبال به سمت بیرون شهر می‌روند. هنگامی که دسته طویریح وارد می‌شوند، ناگهان طلاب و همراهان مرحوم بحر العلوم می‌بینند که ایشان با آن عظمت و مقام، عمّامه و عبا و عصا را کنار گذاشته و خود را در میان عزاداران و سینه زنان انداختند و به سر و سینه می‌زنند. اطرافیان هر چه می‌کنند که مانع این کار شوند مؤثر واقع نمی‌شود تا این که عده‌ای از طلاب برای حفظ جان ایشان، اطراف او حلقه زده تا زیر دست و پا نیفتند. بعد از آن جریان، برخی خواص از آن بزرگوار علت را جویا می‌شوند، در حالی که چنین کاری بین بزرگان مرسوم نبوده!

مرحوم سید بحر العلوم فرمودند: وقتی به دسته سینه زنی طویریح رسیدم، حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام را دیدم که با سر و پای برهنه در میان دسته عزاداری به سر و سینه می‌زنند و گریه می‌کنند! نتوانستم طاقت بیاورم که مولایم حضرت مهدی علیه السلام با آن سر و وضع، عزاداری می‌کنند و من کناری ایستاده باشم و لذا از خود بی‌خود شدم و در کنار حضرت با همان حالت مشغول عزاداری شدم.^۱

دقت و تفکر

آنچه که از هیئت عزاداری طویریح نقل شده است، سادگی و صداقت عزاداران بدون تشریفات و تجملات زائد و مرسوم دیگر دسته‌ها بود که تنها نماد هیئت آنها پرچم‌های عزاداری بوده و هروله کنان در حالی که به سر و سینه می‌زدند به سمت حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام حرکت می‌کردند.

۱. نشریه امام شناسی، ش ۶، ص ۴ به نقل از عنایات حضرت بقیه الله علیه السلام، به آثار امام حسین علیه السلام، ص ۸۵ و ۲۱۰.

خمه اهل بیت علیهم السلام کجاست؟

مرحوم حاج محمد یزدی از عاشقان و شیفتگان امام حسین علیه السلام و ساکن کربلا بود. زمانی که حزب بعث قصد داشت ایرانیان مقیم عراق را اخراج کند، حاج محمد به حرم امام حسین علیه السلام می‌رود و با دلی شکسته خداحافظی می‌کند. اما طاقت بیرون آمدن از حرم را نداشت و سوز و گداز عجیبی داشت و گریه می‌کرد. در این هنگام مکاشفه‌ای برای او رخ داد و امام حسین علیه السلام را زیارت کرد. حضرت علیه السلام به او فرمودند: ناراحت نباش به ایران که رفتی در هر کجا که خیمه‌ای زدند و مجلس مرا برپا کردند، همان جا حرم من است. آن جا کربلاست و دعا در آن مکان مستجاب است.^۱

صحت این مطلب بارها به اثبات رسیده، حتی اگر غیر شیعیان و غیر مسلمانان نیز مجالس اهل بیت علیهم السلام را برگزار کنند، برکات فراوانی نصیب آنها می‌شود.^۲ و البته اگر اخلاص و تقوای برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان بیشتر شود، آثار و برکات دنیوی و اخروی آن غیر قابل توصیف و شمارش است.

دقت و تفکر

در طول قرن‌های متمادی، مساجد، حسینیه‌ها و هیئات مذهبی با عنایات ویژه و خاص امام زمان علیه السلام، عامل هدایت و تربیت شیعیان بوده‌اند و لذا بسیار بجا و شایسته است به شکرانه این عنایات‌ها و هدایت‌ها، محور تمامی

۱. رمز و راز کربلا، ص ۱۲۸.

۲. شهید دستغیب در داستان‌های شگفت به برخی مجالس که توسط هندوها و بودایی‌ها برگزار می‌شود و آثار و برکات فراوانی که از آن مشاهده می‌شود اشاره کرده است.

جلسات، برنامه‌ها و سخنرانی‌ها توجه کامل به آقا امام زمان علیه السلام باشد و مباحث مهدویت به عنوان یک اصل قرار گیرد تا شرکت کنندگان در این برنامه‌ها و جلسات به عنوان یک خادم و سرباز حضرت ولی عصر علیه السلام هدایت شوند و خود را به تمام معنا برای ظهور حضرت حجت علیه السلام آماده و مهیا سازند. و در حقیقت بیان مصائب جانگداز اهل بیت علیهم السلام باید عبرتی باشد برای شیعیان تا ذخیره الهی و تنها بازمانده اهل بیت علیهم السلام را از مصائب احتمالی دور سازند.

۳. مصالای جمعه

در کنار مساجد که محل اجتماع مردم یک منطقه یا محله می‌باشد، نماز جمعه نیز، مردم یک شهر را به گرد خویش جمع می‌کند، و با ساختار خاصی که دارد، برنامه‌ها و اهداف مهمی را دنبال می‌کند. سازمان نماز جمعه در زیر مجموعه برنامه‌های خاص سازمان شیعه، به عنوان یک سیستم مدیریتی، حکومتی و سیاسی است که در حکومت نبوی و علوی، رهبر جامعه، خود امامت جمعه را عهده دار می‌شود و خطبه‌های جمعه را همراه با نماز جمعه اقامه می‌کند.

امیر مؤمنان علیه السلام استانداران خود را به عنوان امام جمعه منصوب می‌کردند که در عین اقامه نماز جمعه، جامعه را نیز اداره کنند. امام جمعه در حقیقت علاوه بر اقامه نماز جمعه، باید مسئولیت اداره منطقه تحت امر خویش را عهده‌دار شده و مدبرانه و حکیمانه در برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی محدوده مدیریتی خویش، ایفای نقش نماید. امامت و امارت با شیوه نوین در مدیریت کلان جامعه، توسط امام جمعه، از زیر مجموعه‌های مدیریتی

سازمان شیعه است و سلسله مراتب آن از امام جمعه استان، شهرستان، بخش که متصل به امامت امت است شروع و از آن به امام زمان علیه السلام مرتبط می‌شود.^۱

احکام و شرایط برگزاری نماز جمعه، ویژگی‌های امام جمعه، وظیفه های امام جمعه و نماز گزاران و چگونگی برگزاری آن، نشان از اهمیت و ضرورت این فریضه الهی دارد که فقهای عظام در رساله‌های عملیه در خصوص آن به طور مفصل بحث کرده اند.^۲

سخنرانی به جای نماز!

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «وقتی امام جمعه خطبه می خواند نباید سخن گفت و روی برگرداندن به چپ و راست و به پشت سر جایز نیست مگر به همان اندازه که در نماز جایز است (به دلیل آن که) این دو خطبه به جای دو رکعت نماز مقرر شده است، پس خطبه‌ها به منزله نماز است تا زمانی که امام جمعه از جایگاه خود پائین آید.» (که آن موقع سخن گفتن و توجه به اطراف مانعی ندارد)^۳

آگاهی و بصیرت مؤمنین به وسیله سخنرانی، آن قدر اهمیت دارد که خداوند متعال دو رکعت نماز ظهر روز جمعه را به خاطر آن حذف کرده و جایگزین آن، دو سخنرانی کوتاه (خطبه) قرار داده است. بنابراین بسیار بجا و مناسب است که محور برنامه های مذهبی، سخنرانی باشد، آن گاه دیگر برنامه‌ها.

۱. فصل نامه تخصصی مدیریت در اسلام (نخل شهداد) ص ۲۰، مقاله حجة الاسلام والمسلمین قوامی.

۲. مراجعه کنید تحریر الوسیله حضرت امام ج ۱، احکام نماز جمعه.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۷، بحث نماز جمعه و احکام آن، حدیث ۱۲۳۰.

علت و محتوای خطبه‌های نماز جمعه

امام رضا علیه السلام در خصوص علت قرار دادن سخنرانی و خطبه در نماز جمعه فرمودند: «روز جمعه روز اجتماع عموم است و خداوند به وسیله سخنرانی مقرر فرموده که پیشوای مردم، آنها را موعظه کند و به طاعت، ترغیب و از معصیت بترساند و آنان را به مصالح دین و دنیا آگاه سازد و آنچه را که در جهان بر سر مسلمین می آید و حوادث مفید و زیان باری که بر آنها وارد شده برایشان بیان کند. و اما این که چرا باید دو خطبه خوانده شود به این علت است که در یکی از خطبه‌ها به حمد و ثنای الهی پرداخته شود و در دیگری به حوائج و نیازمندی‌های جامعه و اتمام حجّت و بر حذر داشتن آنها از معاصی الهی و دعا پرداخته شود و در مورد توجه دادن به صلاح و فسادشان تأکید به عمل آید.»^۱

حضرت امام خمینی علیه السلام نیز در خصوص محتوای خطبه‌ها می‌فرمایند: سزاوار است خطیب جمعه پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام و توصیه به تقوا این مطالب را نیز بگوید:

- ۱ - آن چه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.
- ۲ - آن چه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است.
- ۳ - مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها.
- ۴ - دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور مسلمانان.^۲

۱. تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۳، ص ۴۶ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۰.

۲. فقه ۲ به نقل از تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۰.

دقت و تفکر

بنابر آن چه که ائمه اطهار علیهم السلام در خصوص محتوای خطبه‌های جمعه مطرح فرموده‌اند و فقهای عظام بر طبق آن، فتوا صادر نموده‌اند، پرداختن به مسائل و مناسبت‌های روز و آن چه که مصلحت دنیا و آخرت مسلمانان در آن است با اهمیت ترین مطالبی است که یک خطیب جمعه موظف به بیان آن می‌باشد. بی تردید مباحث مهدویت در جهان، به ویژه جهان اسلام از مهم ترین مسائل روز است و تناسب آن با روز جمعه که متعلق به حضرت ولی عصر علیه السلام است، می‌تواند آن را در صدر خطبه‌های نماز جمعه قرار دهد. ضمن آن که مصلحت دنیا و آخرت مسلمین در گرو شناخت امام زمان علیه السلام است و به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله:

من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة.^۱

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

جاهلیت به معنای کفر و نفاق و ضلالت و گمراهی است.^۲

دخالت دشمنان سر سخت اسلام، مانند آمریکا، صهیونیسم و انگلیس، در مسائل مهدویت و ظهور مدعیان دروغین که در گوشه و کنار کشورهای مسلمان و شیعی، هر از چندگاهی جمعی از معتقدین به مسئله مهم مهدویت را منحرف می‌سازند، ضرورت طرح این مباحث را در خطبه‌های نماز جمعه دو صد چندان ساخته است.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. همان.

۴. حج بیت الله الحرام

حج خانه خدا با شکوه‌ترین عبادت جمعی، به عنوان یک همایش بین‌المللی مسلمانان جهان است. این اجتماع سالیانه و این کنگره عظیم جهانی آثار و برکات فراوانی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. استقرار روح توحید و حقیقت آن در بین مسلمانان.
۲. قیام و مبارزه با شرک درونی و بیرونی و برائت از مشرکان.
۳. ایجاد وحدت و تقویت همبستگی مسلمانان جهان.
۴. از بین رفتن عوامل نفاق و امتیازات موهوم طبقاتی.
۵. تبادل رأی و نظر صاحب نظران جهان اسلام در مسائل کلان.
۶. ارتباط با ولایت به منزله روح حج.
۷. آثار تربیتی اخلاقی و برکات معنوی و روحانی.

استفاده از تمام ظرفیت‌های حج و بارور نمودن استعدادهای بالقوه مسلمانان از اهداف مهم و عالیه حج است که با مدیریت کلان جهان اسلام امکان پذیر می‌شود. گرچه امروزه عده‌ای مسلمان نمای نابخرد با نفوذ در مرکز جهان اسلام و سرزمین وحی به عنوان عوامل دشمن، سعی در خنثی نمودن اهداف مقدس و عالیه حج دارند، اما مکتب تشیع توانسته است با آموزه‌های قرآن و عترت و با مدیریت پنهان امام معصوم علیه السلام استعدادهای بالقوه حج را تا حدود زیادی به فعلیت برساند. توجه کامل به حج ابراهیمی، برگزاری مراسم و همایش‌های متعدد مذهبی و سیاسی، تجمع عظیم و جهانی برائت از مشرکان، پیام‌های مهم و پرمحتوای رهبران شیعه به مسلمانان و آزادگان جهان در فرصت مناسب حج و... گوشه‌ای از فعالیت‌های مؤثر و مفید سازمان شیعه در ایام حج می‌باشد که از اولین

ثمرات آن، صدور اسلام ناب و مذهب حقّه اثنی عشری به سراسر جهان است. هر ساله در ایام حج، بعثه مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی - و دیگر مراجع تقلید، شاهد مراجعه هزاران نفر از مسلمانان جهان است که به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام مشرف می‌شوند.

انواع حج

حج بیت الله الحرام نیز مانند دیگر اعمال و عبادات، دو بُعد ظاهری و باطنی دارد و می‌توان از آن تعبیر به جسم و جان حج نمود. بعد ظاهری حج همین اعمال و مناسک و طواف به گرد خانه خداست که مقدمه‌ای است برای رسیدن به بعد باطنی و روح و حقیقت حج.

حج ظاهر

هرگاه در روایات از اعمال و مناسک ظاهری حج و ظاهر خانه کعبه سخن به میان می‌آید از آن تعبیر به حجر و احجار شده است.
حضرت علی علیه‌السلام در خصوص خانه کعبه می‌فرمایند:

«بأحجار لا تضرُّ و لا تنفعُ و لا تبصِرُ و لا تسمعُ»

«سنگ‌هایی که نه زیان می‌رسانند و نه نفعی دارند، نه می‌بینند و نه می‌شنوند. سپس می‌فرمایند: خداوند متعال با همین سنگ‌ها مردم را آزمایش می‌کند و آن را خانه محترم خویش و عامل پایداری مردم قرار داده است.»

این حج و این طواف ظاهری است و حاجی باید به دنبال صاحب خانه بگردد.

کعبه یک سنگ‌نشانی است که ره گم نشود
حاجی احرام دگر بند ببین یار کجاست!

حج باطنی

و اما حج اصلی و طواف دیگر آن است که حاجی با جان، دور حرم
ولای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به عنوان انسان‌های کامل و واسطه‌های
فیض خداوند متعال طواف کند و این حقیقت و معنای حج است.

بعد از آن که حاجی اعمال ظاهری حج را انجام داد باید به سراغ روح و
حقیقت حج رهسپار شود که بدون آن حج او ناقص و ناتمام خواهد ماند.
خداوند متعال در قرآن با صراحت می‌فرماید: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»^۱
«و حج و عمره را برای خدا کامل کرده و به اتمام برسانید.»

و امام باقر علیه‌السلام تکمیل حج را به دیدار امام علیه‌السلام می‌داند و می‌فرماید:

«تمام الحج لقاء الامام علیه‌السلام»^۲

«متّم و مکمل حج دیدار امام علیه‌السلام است.»

و هدف از این دیدار و ملاقات را چنین بیان می‌فرمایند...

«أَمَّا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا وَ

يَخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»^۳

«خداوند متعال فرمان داده که مردم به سوی این سنگ‌ها (خانه کعبه)
بیایند و بر گرد آن طواف کنند، سپس به حضور ما آمده با ما تجدید عهد
کنند و ولایتشان را به ما اعلام و یاری خود را بر ما عرضه کرده، آمادگی
خود را برای حمایت از ما اظهار کنند.»

۱. بقره، ۱۹۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۴.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

امام زمان علیه السلام در مراسم حج

آیت الله جوادی آملی می‌فرمایند: وجود مبارک حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام هر سال در مراسم حج، به ویژه در عرفات و منا حضور دارند و روایات متعدد به این امر اشاره دارد. هم‌چنین بسیاری از تربیت یافتگان و شاگردان و یاران خاص آن حضرت علیه السلام در میان حج‌گزاران حضور دارند و مشکلات برخی زائران، مستقیم به دست وجود مبارک آن حضرت علیه السلام یا تربیت شدگان مکتب ولایت ولی عصر علیه السلام حل شده یا او را راهنمایی می‌کنند. تشریف مستقیم و بی‌واسطه به محضر نورانی امام زمان علیه السلام لیاقت و شایستگی ویژه‌ای می‌طلبد که توفیق عده‌ای خاص می‌شود؛ اما عنایت ایشان شامل اولیاء و صالحان تربیت شده‌ای می‌شود و آنان به دستور آن حضرت مشکلات دیگران را حل می‌کنند.^۱

بیان معارف اهل بیت علیهم السلام به زبان‌های مختلف

یکی از تشریف یافتگان به محضر حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام نقل می‌کند: در عصر روز عرفه، حضرت مهدی علیه السلام را در عرفات ملاقات کردم و آن حضرت مشغول صحبت کردن برای جمعی از شیعیان بودند که از کشورهای مختلف به حج مشرف شده بودند. اما نکته قابل توجه آن بود که وقتی حضرت علیه السلام صحبت می‌کردند، هر کس به زبان خود سخنان ایشان را می‌فهمید. پس از پایان سخن، آن حضرت علیه السلام رو به من کرده و فرمودند: «به مسئولین نظام بگویید: چرا عده‌ای را که به زبان این‌ها آشنا باشند به حج نمی‌فرستید تا معارف ما را به آنان برسانند؟!» بعد از آن که این پیام به برخی

از سران کشور ارسال شد، گروهی را به عنوان مترجم و زبان‌دان آموزش داده و به حج اعزام نمودند که تا کنون خدمات فراوان و قابل توجهی در ارائه‌ی معارف اهل بیت علیهم‌السلام داشته‌اند.^۱

ولایت و امامت روح و حقیقت حجّ

حج بدون «ولایت» و آهنگ کعبه، بدون «امامت» و حضور در عرفات بدون «معرفت امام» و قربانی در منا بدون «فداکاری در راه امامت» بی‌حاصل بوده، سودی نخواهد داشت. زیرا گرچه یکی از مبانی اسلام حج است، لیکن هیچ یک از نماز و روزه و زکات و حج همانند ولایت، رکن استوار اسلام نیست.

قال الباقر علیه‌السلام: «بُنِيَ الإسلامُ على خمسٍ: على الصلاة و الزكاة و الصوم و الحجّ و الولاية و لم يناد بشيءٍ كما نودي بالولاية»^۲
 «اسلام بر پنج اصل بنا نهاده شده، نماز، زکات، روزه، حج، ولایت. اما هیچ دعوتی از طرف خداوند به اندازه دعوت به ولایت و امامت نیست.»^۳

دقت و تفکر

حج باید از مکه و زیارت خانه خدا آغاز شود و در مدینه و زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام ادامه پیدا کند و به دیدار و ملاقات حضرت مهدی علیه‌السلام ختم شود. و این ملاقات و دیدار یا حضوری است که مخصوص خواص است و یا دیدار معنوی و ملاقات باطنی است که برای عموم حاجیان مقدور و میسر است و این ارتباط معنوی به آن است که حاجی همواره حضرت مهدی علیه‌السلام

۱. میر مهر، ص ۲۶۱.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۳. صهای حج، ص ۹۳.

را در کنار خود ببیند و خود را در محضر امام علیه السلام بداند و این همان حج مقبول است که با روح حقیقی آن اقامه شده است. حاجی که امیرالحاج آن آقا امام زمان علیه السلام است. حاجی چنین حاجی، بعد از انجام اعمال و مناسک حج، همواره در خدمت مولای خویش می باشد.

آری! یکی از فلسفه های زیبای حج، رسیدن به محضر امام علیه السلام به عنوان صاحب حج با تشرّف ظاهری یا معنوی است و عرضه کردن ولایت و دوستی خود به محضر ولی عصر علیه السلام و اعلام آمادگی برای حمایت و یاری از امام خود در زمان غیبت یا حضور است.

سازمان شیعه با ستاد با عظمت حج می تواند فرهنگ ولایت و امامت را به عنوان روح حج، بلکه روح اسلام در بین شیعیان، بلکه مسلمانان جهان نهادینه کند. بنابراین مسئولین مربوطه امور حج باید تمامی برنامه های حج را با محوریت امام زمان حضرت بقية الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - برنامه ریزی و سازماندهی کنند، مسئله مهمی که تاکنون آن طور که باید و شاید در جایگاه اصلی خود قرار نگرفته است.

سرزمینی که جایگاه ظهور و قیام موعود ادیان و منجی جهان بشریت است، در هر لحظه و هر موقعیت باید نام و یاد حضرت مهدی علیه السلام و معارف مهدویت را محور و معیار تمامی برنامه های خود قرار دهد و این وظیفه خطیر جزء اصولی ترین برنامه های سازمان شیعه می باشد که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

شایسته است اهل علم قسمتی از وقت خود را به پاسخ گویی شبهات سست و بی پایه و اساس وهابیت اختصاص داده و قسمت مهمی از اوقات خود را به شناساندن روح حج و صاحب حقیقی حج یعنی آقا امام زمان علیه السلام به حاجیان سراسر دنیا اختصاص دهند.

۵. حرم‌ها و حریم‌ها

ظلم و ستم بنی‌امیه و بنی‌عبّاس - لعنة الله عليهم اجمعين - بر خاندان پاک نبوت، قتل عام، شکنجه، زندان و تبعید آن باعث شد که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و سادات بنی‌هاشم پراکنده شوند و هر یک در گوشه‌ای از عالم خاکی منزل گزیده و از آن‌جا به افلاک پراکنده شدند.

فَقُتِلَ مَنْ سُبِيَ مِنْ سُبَى وَ أُقْصِيَ مِنْ اقْصَى وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ
بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ اِذْ كَانَتْ الْاَرْضُ لِلّٰهِ يُوْرَثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱

پس به ظلم ستمکاران، گروهی از آنان کشته شدند و جمعی دیگر به اسارت رفتند و گروهی دیگر تبعید شدند و به امید پاداش نیک، حکم قضای الهی بر آنان جاری شد. چرا که مالک زمین خداست و به هر کسی از بندگانش بخواهد می‌دهد و سرانجام نیک از آن اهل تقوی است.

این امر باعث به وجود آمدن بزرگ‌ترین مراکز فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان به عنوان مشاهد مشرفه، اماکن مقدسه و بقاع متبرکه شد. حرم‌های مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام از با اهمیت‌ترین مراکز تجمع شیعیان می‌باشد که آثار و برکات، معجزات و کرامات آن، بر جهانیان مسلم و معلوم است. ادب و آداب شیعیان و رعایت حرمت و احترام این اماکن مقدسه نیز به قبور کسانی که در مسیر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام گام نهادند سرایت پیدا کرد و حرم امام‌زادگان و سادات عظیم‌الشان و قبور مطهر علمای ربّانی و شهدای راه حق و حقیقت را پدید آورد. و مجموع این مراکز از عوامل موفقیت سازمان شیعه و توسعه کمی و کیفی آنان در جهان گردید.

زیارت و توسل، شفاعت و تبرک

جواز ساختن مسجد و بارگاه بر قبور مطهر پیشوایان دین و توسل، تبرک جستن و شفیع قرار دادن آنان را خداوند متعال در قرآن صادر فرموده و روایات متعدد نبوی که مورد قبول علمای اهل سنت نیز می‌باشد آن را تأیید می‌نماید.^۱

۱. توسل به پیامبران الهی

هنگامی که برادران یوسف متوجه اشتباه خود شدند خدمت یعقوب آمده و از ایشان خواستند که برای آنان به درگاه خداوند متعال طلب غفران کند.

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ^۲

ای پدر! از خدا آمرزش گناهانمان را بخواه که ما خطاکار بودیم! فرزندان یعقوب می‌توانستند بدون واسطه از خداوند متعال طلب مغفرت کنند ولی چون پدرشان را پیامبر خدا و مقرب درگاه او می‌دانستند و دعای او را نزدیک‌تر به اجابت می‌دیدند، از ایشان درخواست کردند و خداوند هم عمل آنان را مورد تأیید قرار داده و آنان را از این کار نهی نکرد.^۳

۲. تبرک جستن

هنگامی که برادران یوسف او را شناختند، حضرت یوسف پیراهن خویش را به برادران داد و فرمود: این پیراهنم را ببرید و به صورت پدرم بیندازید تا بینا گردد.

۱. جزوه وهابیت، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، ص ۶۸-۱۰۵.

۲. یوسف، ۹۷.

۳. آیات دیگر قرآن نیز از جمله سوره نساء / ۶۹، آل عمران / ۴۹، بقره / ۲۷ و... توسل به پیامبران الهی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا^۱

و هنگامی که پیراهن یوسف را نزد یعقوب آوردند، حضرت یعقوب آن را به چشمان خود مالید، به آن تبرک جست و شفا گرفت.

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَنَهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ، فَأَرْتَدَّ بَصِيرًا^۲

تبرک جستن پیامبر خدا به پیراهن پیامبر دیگر و شفا گرفتن از آن پیراهن امری بدیهی و مسلم است.

۳. شفاعت

بی شک شفاعت، اختصاص به خداوند متعال دارد اما چه مانعی دارد که خداوند متعال اجازه شفاعت را به بندگان برگزیده خویش عطا کند.

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ^۳

کیست که نزد او شفاعت کند مگر آن که خدا به او اجازه داده باشد.

لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ آرْتَضَىٰ^۴

کسی شفاعت نمی کند مگر آن که مورد رضایت پروردگار باشد.

و طبق روایات اهل سنت، شافعان روز جزا پنج نفر می باشند: قرآن، اقوام و خویشان، امانت، پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام.

قال رسول الله ﷺ: الشّفاء خمسة: القرآن و الرّحم و الأمانة و نبیکم و اهل بیته.^۵

۱. یوسف، ۹۳.

۲. یوسف، ۹۶.

۳. بقره، ۲۵۵.

۴. انبیاء، ۲۸.

۵. کثر العمال، ج ۱، ص ۳۹۰.

۴. ساختن مسجد و بارگاه

هنگامی که مردم متوجه عظمت و بزرگی اصحاب کهف شدند گفتند: بر قبور آنان بنایی بسازید و خداوند متعال از عمل آنان نام برده و آنها را در چنین کاری مذمت نکرده است.

فَقَالُوا أَتَبْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا قَالَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا^۱

آنها که از امر ایشان آگاهی یافتند گفتند ما مسجدی در کنار مدفن آنها می‌سازیم.

خداوند متعال در سوره نور، در مورد نور خویش که اهل بیت عصمت

و طهارت علیهم‌السلام هستند چنین می‌فرماید:

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ^۲

(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اجازه داده تا بالا رود و در آنها نام خدا برده شود و هر صبح و شامگاه تسبیح او در آن گفته شود.

سیوطی از علمای اهل سنت در کتاب تفسیر خود «درالمتثور» از انس بن مالک نقل می‌کند. وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این آیه را خواندند سؤال شد این کدام خانه است که خداوند اجازه داده رفعت و بلندی یابد؟ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اشاره به خانه حضرت علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه و فاطمه زهرا رضی‌الله‌تعالی‌عنهما فرمودند:

«هذا من افاضلها»

«این خانه با فضیلت‌ترین آن خانه‌هاست.»

۱. کهف، ۲۱.

۲. نور، ۳۶.

۵. زیارت

یکی دیگر از وظایف مسلمانان، زیارت پیشوایان دین در زمان حیات و در زمان ممات است چرا که امامان معصوم علیهم السلام که شهدای راه حقیقت و فضیلت هستند طبق نص صریح قرآن، زنده و جاوید هستند.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ^۱

و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید بلکه آنان زنده‌اند ولی شما نمی‌فهمید و شعور ندارید.

و لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هر کس ما را پس از شهادت زیارت کند گویا در زمان حیات ما به زیارتمان آمده است.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جبهه‌ها با دستان مبارک خود سنگ بزرگی را برداشتند و در کنار قبر شهیدی گذاشته و فرمودند:

«من این سنگ را می‌گذارم تا مدفن این شهید در این بیابان برجسته باشد.»^۳

علت مخالفت وهابیت

به راستی با وجود این همه آیات و روایات متعدد و دلایل عقلی و نقلی فراوان که از طریق شیعه و سنی در خصوص اهمیت زیارت، توسل، شفاعت و... وارد شده، مخالفت عمیق وهابیت با نشانه‌های دین خدا که باعث گسترش اسلام و روحیه مذهبی در بین مسلمانان می‌شود چیست؟

۱. بقره، ۱۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴ و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۲

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۴۴.

مخالفتی جاهلانه تا سر حد تکفیر و قتل عام مسلمانان! و تخریب قبور ائمه مؤمنین علیهم السلام و از بین بردن آثار مذهبی، فرهنگی مهم مسلمانان! آیا این همه آیات و روایات را ندیده‌اند و از درک استدلال‌های عقلی عاجز هستند یا مسئله دیگری در کار است؟

این تعصب احمقانه و جاهلیت مدرن اما کورکورانه تا به آنجا منتهی شده که برخی از وهابی‌ها با بستن کمر بند انفجاری به قبرستان‌ها رفته و با عملیات انتحاری، خود را در بین قبرها منفجر می‌کنند! و به خیال خود در راه تفکرات جاهلانه خویش جان خود را فدا می‌کنند!

وهابیت عامل استعمار

با مطالعه تاریخچه شوم تأسیس وهابیت توسط انگلیس و جنایت‌های بیشمار آنان در قتل و غارت مسلمانان اعم از علمای اهل سنت و عموم شیعیان متوجه می‌شویم که وهابیت یک پدیده استعماری برای ریشه کن نمودن اسلام حقیقی و ناب بوده و عملکرد فعلی وهابیت این امر را با صراحت به اثبات می‌رساند.

در طول جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان با اسرائیل که دشمن سرسخت و مشترک مسلمانان است، با کمال تأسف، وهابیت به حمایت از اسرائیل و بر ضد حزب الله لبنان موضع گیری کرد. این عمل ننگین شاید برای عده‌ای قابل توجیه بود چرا که حزب الله شیعه بود. اما در جنگ ۲۲ روزه حماس با اسرائیل، وهابیت پرده از چهره نفاق خویش برداشت و با صراحت، فتوی به حرمت حمایت از حماس حتی در قالب راهپیمایی صادر کرد. این در حالی بود که حماس و مردم مظلوم غزه همگی سنی مذهب بودند و آماج شدیدترین حملات فجیعانه اسرائیل و در محاصره کامل قرار داشتند و

سراسر دنیا از مسلمانان و غیر مسلمانان به دفاع و حمایت از مظلومان غزه پرداخته بودند. آنچه که تمام مردم دنیا را در مسلمان بودن و هابیت دچار تردید جدی نمود افشا شدن کمک‌ها و حمایت‌های مادی و معنوی و هابیت از اسرائیل بود.

درون و هابیت چه می‌گذرد؟

دکتر عصام العماد از علمای وهابی عربستان که با آزاداندیشی و بصیرت به ماهیت اصلی و هابیت پی برده و با مطالعه و تحقیق، مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرفته است می‌گوید: تمام نقدها و ردیه‌ها و تکفیرنامه‌های وهابیت فقط علیه مسلمانان است!! و من قبل از شیعه شدنم در نزد اساتید وهابی خود حدود یکصد جلد کتاب در تکفیر بزرگان اسلام از شیعه و سنی دیده‌ام ولی هرگز کتابی در ردّ مارکسیسم، لیبرالیسم، بهائیت، صهیونیسم و دیگر فرقه‌های انحرافی ندیدم...^۱

بیداری مسلمانان جهان

تعدادی از علما و اساتید دانشگاه الازهر مصر در سمیناری که اخیراً برگزار شده، مؤسّسات وهابی را عامل گسترش اندیشه‌های افراطی در جهان به ویژه جهان اسلام دانستند و خواستار پاسخ‌گویی درباره سکوت وهابیت در قبال اشغال فلسطین توسط اسرائیل و نفوذ آمریکا در منطقه شدند. چهار تن از سخنرانان این سمینار طی سخنرانی خود، وهابیت را بزرگ‌ترین

۱. نشریه امام شناسی، شماره‌های ۵ و ۶ به نقل از نشریه معارف، ش ۵۸. قسمتی از مناظرات دکتر العماد با علمای وهابی در کتاب ۸۶۹ صفحه‌ای «الزلزال» منتشر شده است و باعث هدایت گسترده جوانان جویای حقیقت شده است.

توهین تاریخی به مقدسات اسلامی دانستند و از وهابی‌های تکفیری که آنها را مزدوران و اشنگتن نامیدند خواستند دست از مقدسات اسلامی بردارند و مسئولیت آن را بر عهده علمای اسلامی قرار دهند.^۱

فلسفه زیارت

زیارت در مرحله اول، عمل به دستور خداوند متعال در ادای مزد رسالت خاتم الانبیاء محمد مصطفی ﷺ است.

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ^۲

ای پیامبر! به مردم بگو من از شما مزد رسالت را نمی‌خواهم مگر محبت به اهل بیت را.

با زیارت خاندان نبوت ﷺ، انسان علاقه و محبت خود را به آن بزرگواران ابراز می‌کند و در مرحله بعد آنها را الگوی خود قرار می‌دهد و سعی می‌کند راه و روش آن بزرگواران را طی کند.

- زیارت: دیدار روحانی و ارتباط معنوی با امامان معصومین است که واسطه فیض و رحمت خداوند متعال هستند.

- زیارت: بیعت با امام علی و زنده نگهداشتن یاد و نام آنان است.

زیارتگاه: وعده‌گاه عاشقان و شیفتگان خط ولایت و منتظران فرج آل محمد ﷺ است.

زیارت نامه: عرضه نمودن ولایت خود و اعلام یاری نمودن امام علی و تنفر و بیزاری از دشمنان آنان است.^۳

۱. روزنامه کیهان، شماره ۱۹۱۹۴.

۲. شوری، ۲۳.

۳. در رواق نور، ص ۱۴.

آثار و برکات زیارت

زیارت ائمه هدی علیهم السلام آن قدر خیر و برکت مادی و معنوی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی دارد که حقیقتاً قابل وصف و درک و حتی قابل شمارش نیست. اما تنها به برخی از آثار آن که از آیات و روایات به دست می‌آید اشاره می‌شود که عبارتند از:

۱. کسب معنویت و معارف بلند دین.
 ۲. گسترش فرهنگ اسلام ناب و مکتب اهل بیت علیهم السلام.
 ۳. شفای بیماری‌های جسمی و روحی و رفع افسردگی‌ها و ناراحتی‌ها.
 ۴. آمرزش گناهان و دور ماندن از خطاها و زشتی‌ها.
 ۵. مشمول شفاعت ائمه اطهار علیهم السلام شدن در دنیا و برزخ و قیامت.
 ۶. قرار گرفتن در رحمت واسعة الهی و آمادگی پذیرش فیوضات رحمانی.
 ۷. عمل به وظیفه شرعی، انسانی و اسلامی.
- امام رضا علیه السلام فرمودند:

«انّ لكلّ امامٍ عهداً فی عنق اولیائه و شیعتہ و انّ من تمام الوفاء بالعهد و حُسن الاداء زیارة قبورهم.»^۱

شیعیان و محبّان خاندان نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نسبت به هر یک از امامان معصوم علیهم السلام عهد و پیمان و تعهداتی دارند و کمال وفای به عهد و ادای آن تعهد و پیمان، زیارت مزار مطهر امامان معصوم علیهم السلام است.

دلایل حقانیت اهل بیت علیهم السلام

حجة الاسلام و المسلمین استاد گنجی - دامت برکاته - فرمودند: با جمعی از علما و فضلاى حوزه علمیه قم خدمت عارف گرانمایه مرحوم زاهدی رحمته

که از اولیاء الهی بودند رفتیم. ایشان خطاب به جمع حاضر در مجلس فرمودند: سؤالی از شما دارم! امروزه اگر بخواهیم در برابر مخالفان و دشمنان امامت، دلیل زنده و نقد برای حقیقت اهل بیت علیهم السلام ارائه دهیم چه دلیلی می‌توانیم داشته باشیم؟

بنده عرض کردم یکی از دلایل حقیقت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ماندگاری آنان در طول تاریخ است؛ زیرا با همه تلاشی که بنی امیه و بنی عباس و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام کردند تا نام و یاد آنان را از بین ببرند، حتی خود آنها و ذریه ایشان را به شهادت رسانده، تبعید، زندان و شکنجه نمودند و کتاب‌ها در ردّ مکتب اهل بیت علیهم السلام نوشتند، اما امروزه نام و یاد آنها جهان را پر کرده و این خود دلیل محکمی است بر پایداری حق و نابودی باطل.

دومین دلیل بر حقیقت آنها، کلمات و گفتارها و سخنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که در ذات جملات ایشان، اعجاز نهفته است. معجزه فقهی، معجزه کلامی، اخلاقی، طبی و...

نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و... همگی معجزات قولی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که دنیا را مبهوت خویش ساخته است.

مرحوم زاهدی فرمودند: درست است و دلیل سوّم را بنده اضافه می‌کنم. به نظر بنده یکی از دلایل حقیقت اهل بیت علیهم السلام همین مشاهد مشرفه و اماکن مقدّسه ایشان می‌باشد که حضور این همه زائر در این حرم‌ها، شفا گرفتن بیماران آنها که قابل خدشه نیست و مورد تأیید پزشکان هم می‌باشد. رفع حوائج زوآر و... همگی دلیل بر حقیقت اهل بیت علیهم السلام و مکتب ایشان است و این که امامان معصوم علیهم السلام در متن زندگی مردم هستند.^۱

۱. درس امام شناسی، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸/۲/۹.

دقت و تفکر

بدون تردید اهل حرم و صاحب حرم، وجود مقدّس حضرت بقیة الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - است و بسیاری از تشریفاتی که برای اهل معرفت حاصل شده در همین مشاهد مشرفه، اماکن مقدّسه و عتبات عالیات بوده است و این امر حکایت از حضور مستمر حضرت مهدی علیه السلام در این اماکن مقدّسه دارد.

ثمره هر زیارت در هر زیارتگاهی باید اتّصال روحی و ارتباط معنوی زائر با امام حیّ و حاضر و ناظر باشد. به تعبیر دیگر، زائر در ضمن زیارت هر یک از خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چه با زبان قال و چه با زبان حال، اعلام می‌دارد که اگر در زمان امامان معصوم علیهم السلام نبوده تا آنان را یاری نماید، اما اینک و در این مکان مقدّس عهد و پیمان می‌بندد که به هر طریق ممکن امام حیّ و حاضر، حجة بن الحسن المهدی علیه السلام را یاری نماید.

ارتباط با امام زمان علیه السلام تنها با ملاقات ظاهری نیست بلکه ارتباط قلبی بسیار آسان‌تر است. از بهترین راه‌های ارتباط قلبی که بسیار مفید و مؤثر می‌باشد، دعا برای سلامتی و فرج حضرت مهدی علیه السلام است، آن هم در مکان‌های مقدّسی که دعا به هدف اجابت نزدیک‌تر است. از دیگر راه‌های ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام که مرحوم «صاحب مکّیال» با استفاده از روایات متعدد بیان می‌دارد عبارتند از:

۱. حج بیت الله الحرام نمودند به نیابت از امام زمان علیه السلام.
۲. فرستادن نائب که از طرف آن حضرت علیه السلام حج انجام دهد.
۳. طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام زمان علیه السلام.
۴. فرستادن نائب که از طرف آن حضرت علیه السلام طواف نماید.

۵. زیارت مشاهد مشرفه رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به نیابت از آن حضرت ﷺ و البته نایب فرستادن به منظور زیارت از سوی حضرت ﷺ از وظایف مستحبی مسلمانان است.

۶. زیارت نمودن حضرت مهدی ﷺ (خواندن زیارت نامه حضرت).

۷. زیارت حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ.

با توجه به ویژگی‌ها و فضیلت‌های خاصی که در زیارت امام حسین ﷺ وجود دارد این زیارت را صله به حضرت صاحب الزمان ﷺ و نیکی به آن جناب و سایر امامان معصوم علیهم السلام می‌دانند که با این کار سرور و شادمانی در قلب مقدس امام عصر ﷺ وارد می‌شود و آن حضرت ﷺ زائران جد غریبش را دعا می‌فرمایند.^۱

یکی از بهترین اعمال یک زائر با معرفت نسبت به حق امام خویش، هدیه نمودن بهترین حج، بهترین طواف، بهترین زیارت‌های خود به آقا امام زمان ﷺ است که معمولاً اولین زیارت‌ها با معنویت و توجه بیشتری است بنابراین بهتر است همواره اولین زیارت‌ها را به آن حضرت ﷺ هدیه کنیم.

و البته متولیان امور اماکن مقدسه و بقاع متبرکه که لازم است که مباحث مهدویت را در رأس برنامه‌های خویش قرار داده و زوار محترم و ارجمند را متوجه آن سازند.

۶. راهیان نور

پس از پیروزی اسلام ناب در انقلاب مردمی ایران که با توجهات خاص حضرت بقیه الله الاعظم - روحی له الفداء - همراه بود، دشمنان نشان‌دار

۱. مکیال المکارم، ج ۲، وظایف شیعه در زمان غیبت، وظیفه ۲۵ - ۳۰، وظیفه ۲۹ و ۷۷.

اسلام (آمریکا و صهیونیسم) این عظمت اسلامی را برنتافتند و با اتحاد بی سابقه و شوم با کشورهای اروپایی، آسیایی و منطقه خلیج فارس در صدد برآمدند به هر نحو ممکن انقلاب اسلامی را محو و نابود سازند.

یکی از توطئه‌های آنان در این زمینه، تحمیل جنگ ویران‌گر ۸ ساله بود، اما این بار هم فضل و عنایت الهی از دستان مبارک امام عصر علیه السلام بیرون آمد و این جنگ نابرابر را به نفع ملت مظلوم ایران ختم کرد. اما تحمّل پیروزی‌های پی در پی مکتب اهل بیت علیهم السلام برای دشمنان، بسیار دشوار بود و لذا در تدارک جنگی خانمان سوز، ویران‌گر و وحشتناک‌تر از جنگ تحمیلی برآمدند. جنگی که به فرمایش مقام معظم رهبری مدظله العالی از «تهاجم فرهنگی» آغاز شد و با «شیخون فرهنگی»، سپس «قتل عام فرهنگی» و «استحاله فرهنگی» ادامه پیدا کرد و هم‌اینک تبدیل به «ناتوی فرهنگی» شده است. جنگ فرهنگی تجربه شیرین و موفق استکبار و استعمار است که توانستند به وسیله آن، اسلام را در اندلس قبلی و اسپانیای فعلی از پای درآورده و امروزه بسیاری از کشورهای مسلمان منطقه را مقهور خویش سازند. خطر جنگ فرهنگی صدها و هزاران برابر بیشتر از بمباران اتمی است. در جنگ هشت ساله، جوانان غیور و مؤمن با آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام توانستند دشمن را پشت مرزها نگهدارند و خواب و خیال تصرف حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی را باطل سازند، اما امروزه با جنگ فرهنگی، دشمن به راحتی توانسته است درون خانه‌ها وارد شده و با ابزار و آلات فرهنگی و مبتذل، متعدد، متنوع و ویران‌گر همه‌جا را به تصرف خود درآورد. اگر آن روز جوانان معتقد به قدرت لایزال الهی و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با نثار جان خویش از اسلام و قرآن دفاع کردند، امروزه دشمن توانست با جنگ فرهنگی بسیاری از جوانان این مرز و بوم را

آلوده به انواع مواد مخدر و مسکر نموده و جمعی از آنان را نابود سازد. آری! اگر آن روز جوانان ما با اعتقاد جنگیدند و بر سر این اعتقاد پاک و اصیل، جان خویش را تقدیم کردند، امروزه دشمنان در صددند با پراکنده کردن ویروس شبهات به جنگ اعتقادی جوانان ما آمده و آنان را از درون تهی و بی اعتقاد سازند.

و اما ناگهان!...

و شاید کسی گمان نمی کرد که در برابر این هجمه فرهنگی دشمن بتوان جبهه‌ای با عظمت تشکیل داد و تمامی نقشه‌های آنان را نقش بر آب ساخت و از همان مکانی که مدت هشت سال، تمامی دشمنان جهان اسلام را به خود مشغول ساخته و طعم تلخ شکست را به آنان چشانیدند، راه تهاجم فرهنگی را مسدود کرده و توطئه‌های شوم آنان را خنثی نمود.

آری! بلافاصله پس از جنگ هشت ساله و هم زمان با تهاجم فرهنگی ویران‌گر دشمن، جبهه جدید فرهنگی به وسعت جبهه‌های جنوب و غرب در میهن اسلامی ایران گشوده شد و به سرعت نور توانست قلب‌های تمامی جوانان را جذب خود ساخته و کاروان، کاروان به سمت هدایت و نور رهنمون سازد. بسیاری از کسانی که از دور و نزدیک نظاره‌گر جذب جوانان به کاروان‌های راهیان نور بوده و تحول عمیق و عجیب آنان را شاهد بودند، هنوز هم در راز و رمز این عظمت و شکوه درمانده و از فهم اسرار آن عاجز مانده‌اند.

به راستی این چه خاکی است که این همه قدرت دارد تا با یک نگاه، و در یک لحظه انسان را زیر و رو ساخته و متحول سازد؟ بسیاری از کسانی

که به قصد تفریح و گردش و یا احیاناً تحقیر و تمسخر و یا با انگیزه‌های مادی به این سرزمین مقدّس پای نهادند، در بازگشت، تبدیل به انسانی دیگر با انگیزه‌های قوی معنوی و اعتقاد کامل شدند و مسیر زندگی خود را تغییر دادند. و چه بسیار کسانی که از دیگر کشورها تنها به عنوان بازدید این مناطق آمدند و مسلمان برگشتند و چه بسیار مسلمانانی که آمدند و با تشرّف به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بازگشتند! به راستی چرا؟ چگونه چنین چیزی ممکن است؟!

یک وجب خاک شلمچه، زیارتگاهی در فرانسه

پروفسور «ادون روزو» رئیس موزه جنگ فرانسه به ایران آمده بود، او را جهت بازدید از مناطق عملیاتی جنوب به شلمچه بردند. وقتی وارد شلمچه شد، مرتب نفس عمیق می کشید و می گفت: این جا کجاست؟ این زمین با آدم حرف می زند! و آه می کشید و می گفت: ما اگر یک وجب از این زمین را در فرانسه داشتیم یک زیارتگاه بزرگ برای مردم درست می کردیم. او موقع رفتن به کشورش گفت: همه بیست سال مطالعه و تلاش و تحقیقاتی که روی جنگ‌های دنیا داشته‌ام یک طرف، این سه روزی که ایران بودم و درباره جنگ شما شنیدم، یک طرف. آرزوی من این است که بتوانم یک هفته با پای پیاده روی خاک جبهه‌های شلمچه قدم بزنم.^۱

چرا شیعه شدم؟

تعدادی از خواهران دانشجوی دانشگاه زاهدان، برای بازدید و زیارت مناطق جنگی جنوب به استان خوزستان سفر کردند. شور و حال و معنویت

۱. سرزمین مقدّس، ص ۲۱۳ به نقل از روزنامه کیهان، ۸۳/۷/۱

بالایی بر کاروان راهیان نور حاکم شده بود. بعد از بیان شرح حال شهدا و خاطراتی از تفحص و عملیات، زائرین در فضای حاکم بر منطقه به نماز و دعا و گریه پرداختند. در این هنگام خواهری به یکی از مسئولین مربوطه مراجعه کرد و گفت: حاج آقا اشتباه کردم که در این سرزمین قدم گذاشتم! گفتم چرا؟ گفت: من سنی مذهب هستم و احساس شرمساری می‌کنم! گفتم: ولی این مکان متعلق به همه است. او گفت: من از شهدا شرمنده هستم چون با راه و رسم آنان فاصله دارم. من نمی‌توانم شیعه شوم چون ممکن است مرا بکشند! ولی می‌خواهم به شهدا قول دهم مانند آنان زندگی کنم و در اندرون شیعه باشم. بعد از مدتی که کاروان به شهر زاهدان بازگشت، همان خواهر با ما تماس گرفت و گفت: حاج آقا اعمال و رفتار من در خانواده من هم اثر کرد و همگی شیعه شدیم.^۱

در میان زائران مناطق عملیاتی، افرادی از کشورهای آلمان، اوگاندا، چین، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، روسیه، بوسنی و هرزگوین و... می‌آیند که پس از بازدید و شنیدن خاطرات شهدا، حالت معنوی عجیبی به آن‌ها دست می‌دهد و حتی مقداری از خاک شلمچه را به عنوان سوغاتی برای دوستان خود می‌برند و این در حالی است که هنگام دیدن فیلم‌های رزمندگان اشک می‌ریزند و گریه می‌کنند.^۲

بی‌جهت نیست که مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند:

«زنده نگهداشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست. شهدا ستاره‌اند، با این‌ها می‌شود راه را پیدا کرد.»

۱. سرزمین مقدس، ص ۲۱۳ به نقل از روزنامه کیهان، ۸۳/۷/۱

۲. سرزمین مقدس، ص ۶۱

راز عظمت شهدا

به راستی آیا قطعه‌ای از خاک به تنهایی می‌تواند این همه قداست و شرافت و عظمت و شکوه پیدا کند؟ آیا می‌شود قطعه‌ای خاک بدون آن که چیزی به آن ضمیمه شود این همه تحوّل و معنویت در انسان ایجاد کند تا ره صد ساله را یک شبه طی کند؟

به حقیقت می‌توان دریافت که خاک جبهه‌ها این همه عظمت را از کسانی دارد که زمانی قدم بر او گذاشته بودند و شرافت و قداست و شکوه را از آنان کسب کرده است که گفته‌اند «شرف المكان بالمکین»^۱.

شرافت خاک مقدس کربلا به وجود نازنین حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است. شرافت مشهد مقدّس به وجود قدسی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است. شرافت قم به اجلال نزول بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. و اما شرافت خاک آسمانی مناطق عملیاتی به کیست؟

جبهه‌های جنوب و غرب کشور تجلی گاه عرفان ناب و عبودیت خالص بود. جبهه‌های ایران مظهر و مصداق بارز توسّل به افلاکیان خاک نشین یعنی حضرات چهارده معصوم علیهم السلام بود. و مناطق عملیاتی، محل کوچ دسته جمعی پرستوهای عاشق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود. همان شهدایی که لحظات آخر را بر دامان امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان معصومشان علیهم السلام سر می‌گذاشتند و جان را نثار دوست می‌کردند. شهدایی که محصول تربیت مسجد و محراب و منبر بوده و در مجالس اهل بیت علیهم السلام پرورش یافتند و نتیجه این تربیت و پرورش را در جبهه‌ها به نمایش گذاشتند. آری! جبهه‌های ایران، عصاره‌ای از آموزه‌های ناب شیعه یعنی

۱. شرافت مکان به کسی است که در آن ساکن شده است.

«غدیر، عاشورا و انتظار» بود و زمزمه‌های شب و روز آنها ذکر زیبای «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد»^۱ بود.

اگر بخواهیم به گوشه‌ای از معرفت و معارف شهدای گرانقدر دفاع مقدس راه یابیم، باید به وصیت نامه آنان بنگریم. همان معارفی که معرفت الله ناب بوده و از طریق معرفت به اهل بیت علیهم‌السلام به دست آورده‌اند که «من اراد الله بدأ بکم»^۲.

چرا که شخصیت هر کس را می‌توان در آخرین توشه‌هایی که از این دنیا برمی‌دارد شناخت و به فرموده رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «کما تعیشون تموتون و کما تموتون تبعثون، و کما تبعثون تحشرون»^۳ همان طور که زندگی می‌کنید می‌میرید و همان طور که بمیرید از قبرها برانگیخته خواهید شد و به همان صورتی که برانگیخته شوید محشور خواهید شد.

آری! وصیت نامه شهدا، عصاره شخصیتی آنان را به نمایش می‌گذارد و انسان را از آن همه معارف، به تعجب و تحیر وامی‌دارد.

حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه که خود اهل علم و عمل و عرفان بودند در خصوص وصیت نامه شهداء می‌فرمودند: «این وصیت نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و فکر کنید»^۴.

۱. فرازی از زیارت پر فیض عاشورا: خدایا زندگی و مرگ مرا همانند زندگی و مرگ حضرت محمد و اهل بیت علیهم‌السلام او قرار بده.

۲. فرازی از زیارت جامعه کبیره: هر کس اراده‌اشناسی کند باید از شما خاندان نبوت آغاز کند.

۳. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۷۲.

۴. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳۲.

و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی در راستای عمل به توصیه پیر و مراد خویش چنین فرمودند: «در این وصیت نامه هایی که امام می فرمودند: بخوانید، من به توصیه ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هر چه از این وصیت نامه‌های همین بچه‌های شهید به دستم رسیده، غالباً من اینها را خوانده‌ام، چیزهای عجیبی است. ما واقعا از این وصیت نامه‌ها درس می‌گیریم.»

براده‌هایی از نور

برای کشف عصاره شخصیتی شهدا قسمت کوچکی از وصیت نامه های آن عزیزان را مرور می‌کنیم:

* پرودگارا! از تو می‌خواهم که ایمانم را کامل گردانی و به من توفیق دهی که هجرتم فقط برای تو باشد. (شهید یوسف سجودی)

* رابطه خود را با خدا زیاد کنید و قرآن بخوانید، زیرا که حقایق فقط و فقط در قرآن و احادیث است. از انقلاب حفاظت کنید که این انقلاب پشتوانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، منجی عالم بشریت است.

(شهید فرج الله ایمانی)

* سعی کنید همیشه کارتان برای رضای خدا باشد، زیرا کار، برای رضای خدا ناراحتی و سختی ندارد. (شهید شاهمراد نورانی)

* بارالها! چه در پیروزی و چه در شکست، قلب‌های ما متوجه توست، خدایا! این قلب‌های شیفته حسینت و شیفته اولیائت و شهادت را از بلایا و خباثت دنیایی پاک گردان. (شهید مهدی زین الدین)

* امروز که مادران و پدران ما با فرزندانشان، معلمین ما با شاگردانشان و شاگردان ما با هدفشان، از جبهه، دانشگاهی ساخته‌اند که شاگردان آن

دانشگاه، فرزندان پاک و رزمنده‌اند و استادش «امام حسین علیه السلام» و درشان «تقوی» و امتحانشان «جنگ و ایثار» و مدرکشان «شهادت» است، وصیتم به شما ملت مسلمان این است که «تقوی را سر لوحه همه کارهایتان قرار دهید، تقوی پیشه کنید و پرهیزکار باشید که سعادت شما در آن است.

(روحانی شهید سعید محمد و کیلی)

* چنان زندگی کنید که برای فردایتان ترس و وحشتی نداشته باشید. بدانید که داستان قیامت حقیقت است، اگر نمی‌دانید سعی کنید بدانید، و اگر می‌دانید سعی کنید، ببینید و اگر می‌بینید سعی کنید عمل کنید.

(شهید محمد علی توسلی)

* آنان که رفتند خرج امام حسین علیه السلام شدند و آنان که ماندند باید خرج امام زمان علیه السلام شوند و گرنه خرج جاهلیت دوران می‌شوند.

* دوستان، هیچ گاه از قرآن جدا نشوید که دل را جلا، وجود آدمی را صفا و دردهای بی‌درمان را شفا می‌بخشد. (شهید ابوالفضل نصراللهی)

* مگر می‌شود کسی عاشق خدا باشد ولی در دفاع از دین او جان ندهد؟ مگر می‌شود عاشق امام زمان علیه السلام این مولا و سرور بود ولی برای دیدن و زیارت او جان نداد؟ باید دوست فدای دوست گردد، و عاشق فدای معشوق شود و عابد فدای معبود، من خدا را به بصیرت دل می‌بینم و لمس می‌کنم.

(شهید مسعود تفنگچی)

* پروردگارا! رفتن ما در دست توست، من می‌دانم که از تو باید بخواهم مرا در رکاب امام زمان علیه السلام قرار دهی و آن قدر با دشمنان قسم خورده بجنگم تا به فیض شهادت برسم. خداوندا! ولی امرت آیت الله خامنه‌ای را تا ظهور مهدی علیه السلام زنده و پاینده و موفق بدار. (شهید سپهد صیاد شیرازی)

* هر که می خواهد ما را بشناسد داستان کربلا را بخواند.

(شهید مرتضی آوینی)

* ولایت فقیه، نماینده امام زمان علیه السلام و امام زمان علیه السلام تداوم بخش ولایت سرخ علوی و علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسول خداست. انحراف از این خط و پیروی نکردن از آن، عقوبت سختی را به بار می آورد که موجب انحطاط و سقوط یک انسان می شود. تقوا را پیشه خود کنید که اگر خود را در آتش اندازید برایتان سرد خواهد شد.

(شهید محمد ایمانی فردویی)

* آرزوی من در این دنیا دیدار روی مهدی علیه السلام است و دیگر این که هنگام شهادت سرم را بر دامن امام حسین علیه السلام بگذارم.

(شهید مهدی یزدان پناه)

* خواهرم! تنها راحتی من حجاب توست و باید حجاب خود را حفظ کنی تا خون من پایمال نشود.

(شهید مجید روحی)

* توان و قدرت ما به میزان امکانات ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست.

(شهید میثمی)

* وظیفه ما ایجاد زمینه برای آن رهبر خدایی است، و این کار احتیاج به افراد و سرباز دارد. بکوشید زمینه ساز ظهور امام زمان علیه السلام شوید. و تو ای برادر بکوش که خود، سربازی شایسته باشی و سربازان شایسته بسازی که امام زمان علیه السلام سخت چشم انتظار است.

(شهید محمود حسین زاده)

منتظران حقیقی

شهدا در قول و عمل منتظر حقیقی امام زمان علیه السلام و در جهت آرمان شهر مهدوی، با ایثار جان، تلاش کردند. شهدا محصول تربیت اهل بیت عصمت

و طهارت علیه السلام و عاشق و شیفته امام زمان علیه السلام بودند و با عبادت‌های خالصانه خود در نیمه‌های شب و مجاهدت‌های دلیرانه خویش، جبهه‌ها را لایق حضور مستمر و معنوی اهل بیت علیهم السلام و حضور جسمانی حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام و اصحاب خاص آن حضرت علیهم السلام ساختند. حتی دشمنان نیز پذیرفتند که: «پیروزی‌های چشم‌گیر رزمندگان اسلام در جنگ نابرابر و امکاناتی خیلی کم چیزی جز عنایت، هدایت و رهبری حضرت مهدی علیه السلام نبود» چرا که جمعی از رزمندگان خالص بارها حضور حضرت علیه السلام را با چشم سر مشاهده کردند. چگونه چنین چیزی ممکن نباشد و حال آن که بسیاری از شهدا سر بردامان مولای خویش جان به جان آفرین تسلیم نمودند. در یکی از عملیات‌ها وقتی سر از بدن یکی از رزمندگان جدا شد همگان به چشم خویش دیدند که لبهای آن سر عزیز به ذکر یا مهدی بلند شد و یا شهید دیگر را هنگامی که بر او در منزل آخرت (قبر) تلقین می‌خواندند وقتی به ذکر مقدس امام زمان علیه السلام (قائم) رسیدند در برابر چشمان ناباورانه همگان سرخویش را به احترام نام حضرت علیه السلام بلند کرد، آن گاه بر خاک قبر آرمید. پس چگونه خاک مقدس جبهه‌ها عظمت و شکوه و معنویت نداشته باشد؟ تا آن جا که تحوّل مؤثر و مفیدی در قلب زائران خویش ایجاد می‌کند که ره صد ساله را یک شبه طی می‌کنند!

و صد البته شهدا به این هم اکتفا نکردند، بلکه آنان که نشان در بی‌نشانی و نام خویش را در گمنامی جستجو می‌کردند با بدن‌های شریف گمنام خویش، بر قلل کوه‌ها و تپه‌ها، در قلب شهرها و روستاها، زیارتگاه‌های کوچکی ایجاد کردند و قلوب پروانه‌وش را به گرد شمع خویش در طواف آوردند.

دقت و تفکر

جبهه‌ها شهری آسمانی بر روی زمین بودند که از نابهنجاری‌های بسیاری که دامن گیر شهرهای زمینی و مادی بود دور مانده بودند. شهرهایی خدایی که خدا بیش از دیگران بر آن حاکم بود. این شهرهای الهی پایتختی داشتند به نام «پادگان» که آمادگاه نیروهای رزمی بود و محل آموزش، سازماندهی و اعزام پرنندگان مهاجر الی الله جهت حضور در میدان بود. نه فقط میدان جهاد اصغر بلکه جهاد اکبر، میدان رزم، میدان شجاعت و ایثار، میدان شهامت، و شهادت.

در باور شهدا و اعتقاد بازماندگان حقیقی آنان، امروزه جهان اسلام به خصوص جهان تشیع باید در پادگان انتظار به سر برند و تمام عرصه‌های زندگی در همه اقشار و صنوف، از خانواده، مدرسه، دانشگاه، محل کار و... باید پادگانی باشد که محل آماده سازی نیروها در همه ابعاد، جهت همراهی، با امام زمان علیه السلام است.

و چه زیبا گفت سید شهیدان اهل قلم^۱ شهید سید مرتضی آوینی:

دوکوهه^۲ آیا دوست داری که پادگان یاران مهدی علیه السلام نیز باشی؟ پس منتظر باش!^۳

جبهه کجاست؟...

جبهه یعنی باغ رضوان و بهشت

جبهه یعنی معنی زیبا و زشت

۱. این لقب زیبا را مقام معظم رهبری - مد ظله لعالی - به شهید عزیز دادند.

۲. دوکوهه، پادگانی در فاصله ۷ کیلومتری اندیمشک و ۱۶۰ کیلومتری اهواز بود که از ابتدای جنگ تحمیلی به عنوان محل استقرار، آموزش و اعزام نیروهای بسیجی و سپاهی برای انجام عملیات در جبهه‌های جنوب استفاده و مهیا شد. بسیاری از بسیجیان، سپاهیان و فرماندهان شهید جنگ از آن مکان به جبهه اعزام شدند.

۳. سرزمین مقدس، ص ۱۱۵.

جبهه یعنی سفره احسان رب

غوطه ور در مهر بی پایان رب

جبهه یعنی مکتب درس نبی ﷺ

جبهه یعنی بانگ تکبیر علی علیه السلام

جبهه یعنی امر و فرمان رسول

جبهه یعنی بیت الاحزان رسول

جبهه یعنی سوز و ساز بندگی

جبهه پایانی به قید بردگی

جبهه یعنی جلوه گاه کبریا

جبهه یعنی محو تردید و ریا

جبهه یعنی جلوه‌ای از دین ناب

جبهه یعنی اقتدا بر آفتاب

جبهه یعنی قتل شیطان و هوس

ترجمان روح ایمان است و بس

جبهه یعنی جنگ نور و جنگ نار

جبهه یعنی برق تیغ ذوالفقار

جبهه یعنی بیعت خون با حسین

جبهه یعنی نعره‌های یا حسین

جبهه یعنی تربت پاک حسین علیه السلام

جبهه یعنی سجده بر خاک حسین

جبهه یعنی خیمه‌های سوخته

چشم‌های خیره بر ره دوخته^۱

ج) برکات پذیرش ولایت و امامت

با مروری بر عوامل موفقیت سازمان شیعه از آموزه‌ها، نهادها سازمان‌ها و.... متوجه خواهیم شد، روح حاکم بر تمامی این عوامل، ولایت و امامت است. همان طور که صدها آیه و روایت، این مسئله را به اثبات می‌رساند که حقیقت اسلام، کمال دین، سعادت بشر، روح عبادات، همگی به وجود امامت الهی است و اگر امام علیه السلام از محتوای دین حذف شود، چیزی جز پوسته ظاهری آن باقی نخواهد ماند، که نه تنها اثر و فایده دین را خنثی می‌سازد بلکه در برخی موارد به انحرافی سخت‌تر و بدتر از بی‌دینی می‌کشاند.

سازمان شیعه با توجه به مسئله مهم امامت و پذیرش آن به عنوان اصل دین، تبدیل به یک مذهب حیات‌بخش، با معنویت، زندگی ساز، پویا، محرک، و با نشاط شده و برکات وجودی آن، سراسر دنیا را فرا گرفته است.

حضور سالیانه ۳۰ میلیون زائر در حرم مطهر امام رضا علیه السلام، ۱۵ میلیون زائر در مسجد مقدس جمکران، ۱۵ میلیون زائر در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، ۳ میلیون زائر در مناطق عملیاتی دفاع مقدس (راهیان نور) و ده‌ها میلیون زائر دیگر در عتبات عالیات، مشاهد مشرفه مدینه النبی و مکه مکرمه و در زیارت‌گاه‌های دیگر در نقاط مختلف جهان و حضور

۱. حجة الاسلام احمد پناهیان.

سالیانه صدها میلیون شیعه در جلسات اهل بیت علیهم السلام و در قالب هیئات مذهبی و حسینیه‌ها و برگزاری جلسات دیگر در قالب دعا و نیایش، عرفات، اعتکاف، و... مکتب شیعه را نشاط و بالندگی خاصی داده است و شیعیان همه این فیوضات و برکات را مدیون مدیریت، عنایت، هدایت و رهبری الهی آقا و مولای خویش حضرت بقیه الله الاعظم، ولی عصر، حجة بن الحسن العسگری، امام زمان علیه السلام می‌دانند.

و عالم بشریت در آینده‌ای نه چندان دور به این نتیجه‌ای که شیعیان رسیده‌اند، خواهد رسید، که هیچ راهی جز نشستن بر سر سفره اهل بیت علیهم السلام وجود نداشته و نخواهد داشت در غیر این صورت با پذیرش نکبت، ضلالت و گمراهی، به جاهلیت مدرن که جاهلیتی بدتر و پست‌تر از جاهلیت اولی است قانع خواهد شد:

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلَّ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ^۱

آنان همانند حیوانات هستند بلکه بدتر از حیوانات چرا که در غفلت به سر می‌برند.

ج) امور مالی سازمان شیعه

گردش هر سیستم و اداره هر تشکیلات و تقویت هر سازمان، ارتباط مستقیم با امور مالی و تأمین اعتبار لازم دارد و نحوه هزینه نمودن آن با مدیریت صحیح به نحو احسن و شایسته، سازمان مورد نظر را در رسیدن به اهداف عالیّه خویش یاری می‌رساند.

سازمان شیعه یکی از بهترین و کارآمدترین شبکه‌های تأمین اعتبار و گردش مالی را در اختیار دارد که از جانب خداوند متعال در قرآن به

تصویب رسیده و امامان معصوم علیهم السلام مسئول اجرای آن می باشند. خمس، زکات، وقف، انفاق، بخشش، صدقات، قرض الحسنه و..... هر کدام در جای خود، برخی از اعتبارات مالی را تأمین نموده و اهداف سازمانی را سرسامان می دهد.

۱. خمس

طبق نقل روایات، اول کسی که خمس مال خویش را پرداخت کرد، حضرت ابراهیم علیه السلام بود.^۱ و بعد از آن عبدالمطلب نیز قبل از اسلام آن را اجرا کرد.^۲ سپس خداوند متعال این سنت حسنه را در اسلام امضاء نمود و مسئولیت دریافت و هزینه کردن آن را بر عهده حضرات معصومین علیهم السلام نهاد.^۳ امامان معصوم علیهم السلام با تأسیس شبکه سازمان یافته و کالت، وجوهات شرعی شیعیان را جمع آوری نموده و در راه تقویت سازمان شیعه هزینه می نمودند و این کار تا زمان غیبت کبری ادامه پیدا کرد و در زمان غیبت کبری مسئولیت جمع آوری وجوهات شرعی و هزینه نمودن آن همانند بسیاری از وظایف و مسئولیت های دیگر امام علیه السلام، بر عهده علمای ربانی نهاده شد.

خمس پشتوانه مالی دین

یکی از امتیازات حوزه های علمیه شیعه آن است که اعتبار مالی آن به طور مستقیم از بودجه حضرت ولی عصر علیه السلام یعنی خمس تأمین می شود و

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۵۷ ح ۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۲۷، ح ۶۷.

۳. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۱.

این مسئله مهم در طول تاریخ شیعه توانسته است حوزه‌های علمیه آقا امام زمان علیه السلام را از وابستگی به پادشاهان و سلاطین و دولت‌های جور محفوظ نگاه دارد و آنان را تنها، وامدار حضرت بقیه الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - گرداند تا خالصانه در راه دین قدم بردارند. اهمیت و ضرورت این مسئله هنگامی مشخص می‌شود که حوزه‌های علمیه شیعه و علمای ربانی آن را با مدارس علمیه ادیان و مذاهب دیگر و علمای آنان مقایسه کنیم. گذشته از هزاران امتیاز و برتری که علمای ربانی شیعه نسبت به علمای ادیان و مذاهب دیگر دارند، استقلال فکری و استقامت در رأی و نظر است که مرهون استقلال مالی حوزه‌های علمیه شیعه می‌باشد. زیرا وابستگی مالی، در شرایط حساس آثار خود را نمایان می‌سازد. نمونه بارز آن فتوای علمای وهابی در حرمت حمایت از مسلمانان مظلوم غزه و دفاع از سیاست‌های آمریکا و صهیونیسم می‌باشد که در اثر وابستگی به سفره نفتی پادشاهان سعودی صادر شد.

فلسفه پرداخت خمس

امام و رهبر جامعه مسلمین برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه مذهبی، بودجه فراوانی نیاز دارد و این هزینه را اغنیای جامعه مسلمین باید تأمین نمایند که خود باعث رشد و کمال معنوی آنان در مجاهده با اموال خویش و دل بریدن از دنیا خواهد بود.^۱ خمس برای تأمین بودجه هر کار خیری است که امام علیه السلام بخواهد انجام دهد تا برای هر موردی که صلاح بداند مصرف کند.

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی (احکام خمس) ص ۳۵.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال ارزاق مؤمنین را به پنج قسمت به آنها ارزانی داشته است تا یکی را به راه خدا انفاق کنند. و چهار قسمت را به حلال بخورند.

سپس فرمودند:

این دستور ما سخت و دشوار است و تنها کسانی به آن عمل کرده و سختی‌ها را تحمل می‌کنند که خداوند متعال قلب آنان را در راه ایمان، امتحان کرده است.^۱

آثار و برکات خمس

خمس به عنوان پشتوانه مالی شیعیان چه در طول تاریخ حضور امام معصوم علیه السلام و چه در زمان غیبت، آثار و برکات فراوانی داشته که برخی از آنها عبارتند از:

- * حمایت مالی از شیعیان و مسلمانان جهان و برافراشته ماندن مکتب تشیع در برابر دشمنان.
- * آماده نمودن بستر مناسب برای حاکمیت مکتب اهل بیت علیهم السلام.
- * تأسیس حوزه‌های علمیه مقتدر شیعه در اقصی نقاط جهان و اداره مستقل و آبرومندانه آنها به عنوان حافظان مکتب اهل بیت علیهم السلام.
- * ایجاد مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی برای تبیین بیشتر و بهتر مبانی دینی و مقابله با تهاجمات دشمنان اسلام.
- * انجام تحقیقات عمیق اسلامی و به‌روزآوری اطلاعات دینی و مذهبی.
- * تغذیه مراکز علمی کشور و تأسیس کتابخانه‌های متعدد و مدارس مختلف.
- * برگزاری مجالس دینی و مذهبی و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام.
- * تأسیس مراکز فرهنگی، تبلیغاتی، مذهبی از قبیل مسجد، حسینیه و.....

* اعزام مبلغان دینی و سفیران هدایت جهت ترویج معارف اسلامی به شهرها و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی.

* یاری نمودن فقرا و نیازمندان سلسه جلیله آل محمد علیهم السلام.

* کمک به رزمندگان اسلام در اقصی نقاط جهان و دفع تهاجم دشمنان

اسلام.

* یاری رساندن محرومان و نیازمندان جامعه که دچار بلایای طبیعی از

قیل سیل، زلزله... شده اند.

حمل وجوهات از هندوستان با فیل

روزی فتحعلی شاه که به اصفهان آمده بود در محل اقامت خود اطراف شهر را می نگریست. در این هنگام فیلی را دید که باری بر پشت دارد و به طرف اصفهان می آید. سلطان، به ملازمان خود گفت: فیلی برای ما می آورند، اما با تعجب دید فیل از جلوی کاخ گذشت و به سمت شهر رفت. سؤال کردند: این فیل مال کیست و بارش چیست؟ گفتند: بازرگانان هند وجوهات و سهم امام علیه السلام خویش را خدمت حجة الاسلام شفتی رحمته الله از علمای بزرگ اصفهان می برند. ملا علی اکبر خوانساری از علمای آن عصر می گوید: من روزی وارد کتابخانه حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی رحمته الله شدم و دیدم او نشسته و آن قدر طلا و نقره در پیش روی او ریخته اند که نزدیک بود از پشت آن پولها پیدا نباشد! قلیانی برای من آوردند و من شروع به کشیدن قلیان کردم. در این حال مشاهده کردم که فقرا و ساداتی که قبلا برای گرفتن وجوهات خبر داده شده بودند حضور پیدا کردند و حجة الاسلام شفتی با دست خود به هر کس که می آمد یک مشت طلا و

نقره می‌داد به طوری که در همان مجلس قبل از تمام شدن قلیان من، مجموع آن مال و ثروت تمام شد. من از روی تعجب گفتم: شما در تقسیم اموال امام زمان علیه السلام جرأت زیادی دارید! آن جناب فرمود: آری! پسر در اموال پدر، بیش از این تصرف می‌کند.^۱

پیامدهای نپرداختن خمس

در روایات، کسانی که خمس مال خود را پرداخت نمی‌کنند به شدت مورد مذمت قرار گرفته‌اند.

گروهی از مسلمانان به حضور امام رضا علیه السلام شرفیاب شده و از حضرتش خواستند خمس اموالشان را به آنان ببخشد! حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: این چه نیرنگی است؟ با زبان اظهار دوستی می‌کنید و خمس، حقی را که خداوند متعال آن را برای ما قرار داده و ما را مخصوص به آن نموده از ما دریغ می‌دارید. آن گاه حضرت علیه السلام سه مرتبه فرمودند: برای هیچ یک از شما خمس را حلال نمی‌کنم.^۲

عدم پرداخت خمس در روایات به معنای: خوردن مال یتیم، دشمنی و خصومت با امام زمان علیه السلام، نا پاکی غذا و نسل، خوردن آتش و محرومیت از دعای امام معصوم علیه السلام است^۳ و به فتوای مراجع عظام کسی که خمس مال خود را نداده باشد نمی‌تواند در مال خود تصرف کند و با لباسی که با آن مال خریده باشد نمی‌تواند نماز بخواند و با آن آبی که با پول خمس نداده تهیه کند وضو و غسلش باطل است و...^۴

۱. اسلام مجسم، علمای بزرگ اسلام، ص ۵۲.

۲. بررسی تاریخی خمس، ص ۲۳ به نقل از وسائل الشیعه: ج ۶، ص ۳۷۶.

۳. راهنمای حساب خمس، ص ۱۷ الی ۱۹.

۴. فقه ۲، محمد حسین فلاح زاده، به نقل از توضیح المسائل مراجع، مسائل ۱۷۶۰، ۱۷۹۰، ۳۸۳، ۸۷۳، ۱۷۶۳.

دقت و تفکر

یک مسلمان شیعه، با توجه به اهمیت و ضرورت خمس و خطر پرداختن آن، خود را موظف می‌داند که حساب مالی خود را با امام زمان خویش تسویه نماید و هیچ گاه خود را مدیون امام خویش قرار ندهد و در حقیقت پرداخت بدهی مالی به امام عصر علیه السلام مقدمه‌ای خواهد بود جهت پرداخت دیگر دیون مادی و معنوی ان شاء الله.

همواره شیطان، صاحبان مال و ثروت را وسوسه می‌کند تا بدهی خویش را پرداخت نکنند. گاهی می‌گویند: ما زحمت کشیده‌ایم و اموال خودمان است، گاهی می‌گویند ما نمی‌دانیم خمس که پرداخت می‌کنیم چه می‌شود؟ بعضی مواقع نیز بهانه‌ها و ایرادهای دیگری را برای فرار از پرداخت خمس می‌آورند که هیچ کدام قابل قبول و پذیرش نیست. کسی که ادعای مسلمانی می‌کند موظف است به شکرانه سلامت و سعادت تشریف به دین اسلام و مکتب تشیع، سهمی از درآمد خود را برای ابقای مکتب و ترویج دین قرار دهد.

ضمن آن که ما موظف به انجام وظیفه خویش هستیم! به راستی کسی که موظف است در قربانگاه منی در ایام حج گوسفندی را قربانی کند، آیا به خود اجازه می‌دهد به بهانه آن که نمی‌داند گوشت آن چه می‌شود از انجام وظیفه خودداری کند؟ یا آن گوسفند را در راه خدا قربانی کرده و رها می‌کند و می‌رود. کسی که حق مالی واجب خود را نپردازد، اگر خداوند متعال توفیق را از او نگیرد و مال او در راه حرام صرف نشود! در هر راه مستحبی دیگر هزینه کند برای او ثمری نخواهد داشت.

۲. زکات

واژه زکات در قرآن به معنای تمامی موارد انفاق است و شامل تمامی بخشش‌های انسانی می‌شود و در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این انفاق در بعضی موارد تخصیص زده شده و آن را زکات به معنای اصطلاحی نامیده‌اند.^۱

زکات از جمله ضروریات دین است و از عبادات مهم محسوب می‌شود به طوری که در هر آیه از قرآن که خداوند متعال انسان را به نماز دعوت کرده آن را با زکات مقرون ساخته است. و روایات اهل بیت علیهم السلام مانع زکات را جزء مؤمنین و مسلمانان نمی‌دانند.

این نوع انفاق از آن جا که موجب تطهیر و تزکیه نفس از پول پرستی، خود خواهی، بخل، پستی، قساوت، طمع و حرص و آز و حسد است آن را «زکات» و از آن جا که پرداخت آن دلیل بر صدق و راستی و وفاداری به ایمان است آن را «صدقه» می‌نامند.

آثار پرداخت زکات

زکات موجب پاکی و وارستگی فرد از دنیا و مایه پاک سازی جامعه از فقر که اساس انواع جرائم و جنایات و فسادها است می‌شود و در برابر بیشتر کمبودها افراد جامعه را بیمه می‌کند. حضرت علی علیه السلام در مورد زکات می‌فرمایند:

زکات همراه نماز مایه تقرب و نزدیک شدن مسلمانان به خدا قرار داده شده است. پرداخت کننده زکات، نفس خویش را پاک نموده و کفاره گناهانش محسوب می‌شود و در برابر آتش آخرت پرده‌ای قرار می‌دهد.

۱. احکام خمس، آیه الله مدرسی، ص ۱۱.

بنابراین نباید کسی چشم به دنبال آن داشته باشد و در پرداخت آن برای خود، سختی و مشقت ببیند یا به خاطر آن افسوس خورد.^۱

آثار عدم پرداخت زکات

طبق نقل روایات، کسی که از روی عمد زکات مال خویش را پرداخت نکند، عبادت‌هایش دچار اشکال و باطل خواهد شد، در لحظه مردن تقاضای ملتمسانه برای بازگشت و جبران دارد و در قیامت جزء اولین کسانی است که وارد دوزخ می‌شود.^۲

دقت و تفکر

پرداخت خمس و زکات، نقش مؤثر و مهمی در رفع محرومیت از جامعه مهدوی دارد و به توسعه آبرومندانۀ مدینۀ فاضله کمک فراوان می‌کند، ضمن آن که در جلب قلوب به سمت اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز نقش مؤثری خواهد داشت. لذا بر مؤمنین است در صورتی که مشمول وجوب پرداخت زکات می‌شوند، ذره‌ای در پرداخت این بدهی الهی، غفلت و کوتاهی نکنند و خود و جامعه را از مزایای پرداخت آن محروم نسازند.

فرق خمس و زکات در این است که خمس را باید به حاکم شرع تحویل داده یا با اجازه او هزینه کند ولی زکات را می‌توان بدون مراجعه به حاکم شرع در راهی که خداوند فرموده هزینه نمود.

مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی رحمته‌الله صاحب کتاب شریف و گران سنگ مکیال المکارم می‌فرماید: از دلایل شرعی چنین بر

۱. رساله نوین، ج ۲، ص ۸۲، به نقل از نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۲. احکام عمومی، محمد وحیدی، ص ۴۰۶.

می آید که مصرف نمودن زکات واجب در امر پسندیده برپایی مجالسی که مولایمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام در آنها یاد می شود جایز می باشد و یکی از مصادیق «سبیل الله» است که خداوند متعال در قرآن فرموده:

إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ
وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ
اللَّهِ ۗ

مرحوم صاحب مکیال علیه السلام در ادامه می فرماید: برپایی مجالسی که فضایل و مناقب حضرت مهدی علیه السلام در آن ترویج و منتشر می شود و در آن مجالس، برای آن جناب علیه السلام دعا می شود، در بعضی از مواقع واجب است. مانند آن که مردم در معرض انحراف و گمراهی باشند و برپایی این مجالس، سبب جلوگیری از هلاکت دینی آنان و مایه ارشاد و راهنمایی ایشان به راه هدایت گردد، از جهت دلایل امر به معروف و نهی از منکر و راهنمایی اشخاص گمراه و عقب زدن اهل بدعت و گمراهی. و باید که با جان و مال خویش در راه تشکیل چنین مجالسی تلاش کرد زیرا که این کار، ترویج دین خداوند و برتری دادن «کلمة الله» و یاری نمودن بر نیکی و تقوا و تعظیم شعائر الهی و نصرت ولی الله الاعظم علیه السلام است.^۲

به راستی در جهان معاصر که دنیا با شتاب به سمت مباحث مهدویت پیش می رود و دشمنان، با انواع و اقسام توطئه ها سعی در انحراف اذهان عموم مردم از پرداختن به مسئله مهدویت هستند، مصرف زکات واجب و

۱. سوره توبه آیه ۶۰؛ در این آیه مصارف زکات که ۸ دسته می باشند ذکر شده و فقهای عظام طبق همین آیه فتوا داده و مصارف زکات را در همین ۸ دسته جایز شمرده اند. «فی سبیل الله» مصارفی از زکات را شامل می شود که نفع آن به عموم می رسد و مورد رضای خداست. توضیح المسائل، مسئله ۱۹۲۵.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

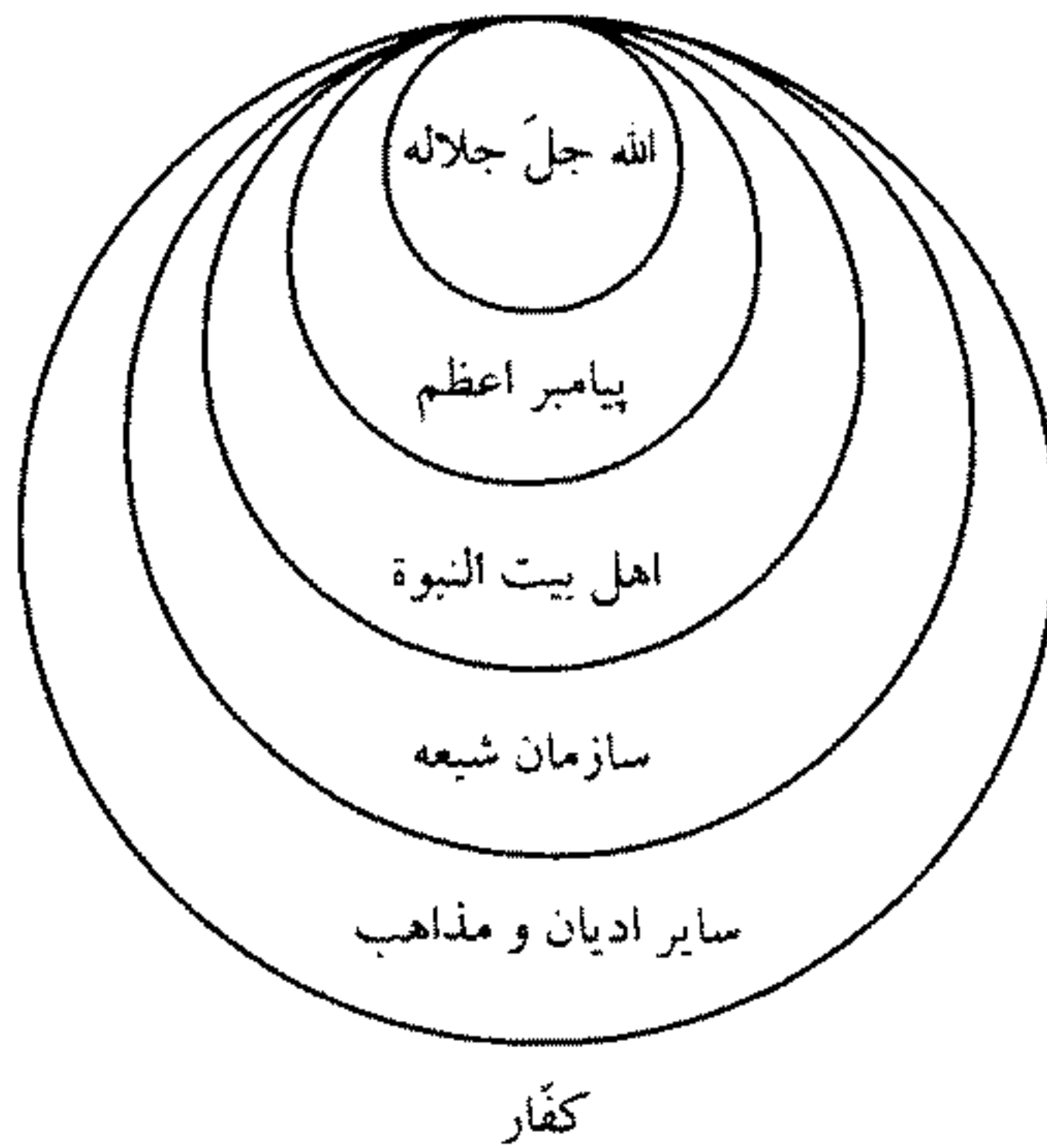
دیگر اموال مباح در تبیین مسئله مهم امامت و ولایت حضرت مهدی (عج) کاری ضروری و لازم است.

منبع فیض بشر

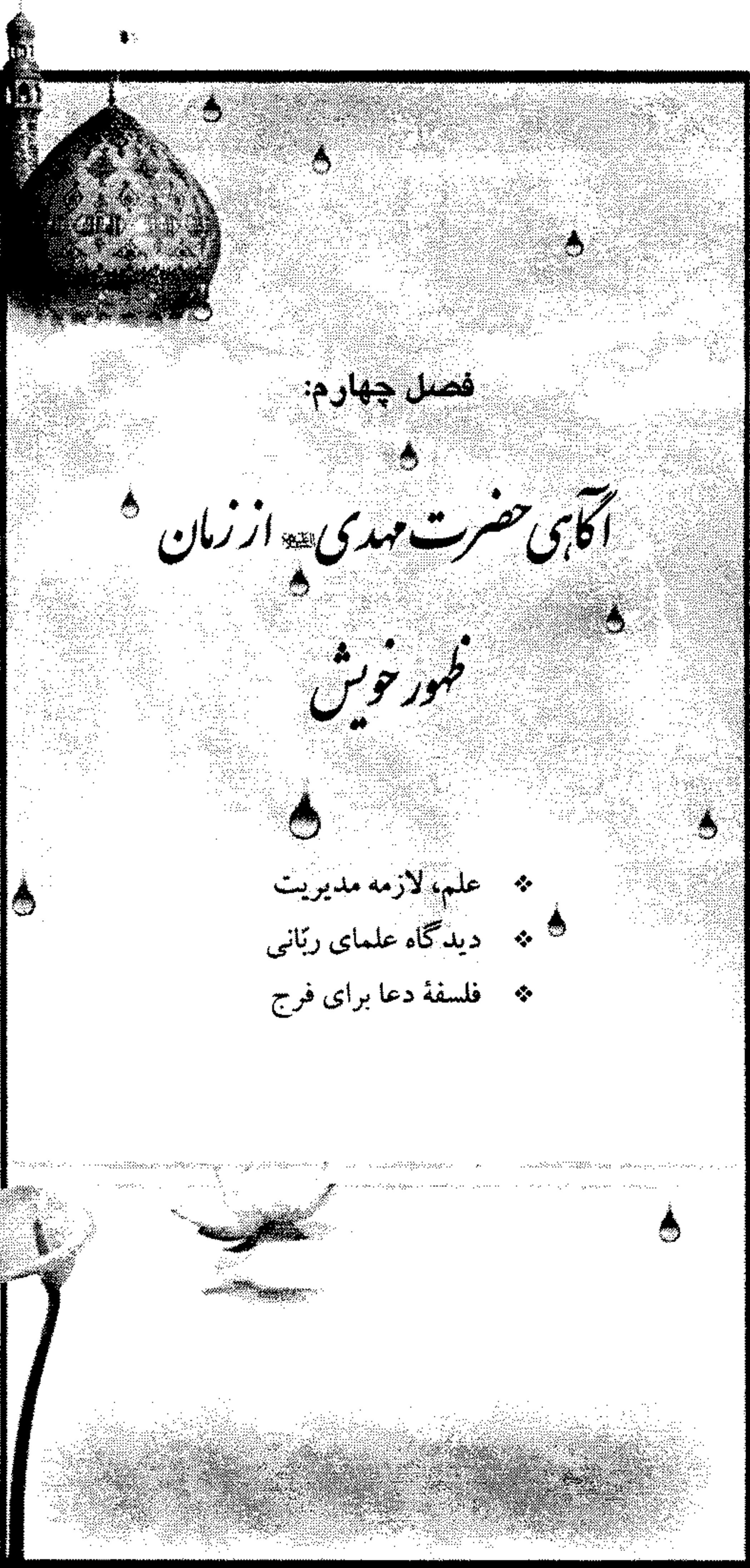
مهدی امام منتظر نوبی‌اوه خیرالبشر
 خلق دو عالم سر به سر برخوان احسانش نگین
 مهر از ضیائش ذره‌ای، بدر از عطایش بدره‌ای
 دریا ز جودش قطره‌ای گردون ز کشتش خوشه‌چین
 مرآت ذات کبری‌ا مشکوة انوار هدی
 منظور بعث انبیاء، مقصود خلق عالمین
 امرش قضا، حکمش قدر، حبش جنان بغضش سقر
 خاک رهش زبید اگر بر طره‌ساید حور عین
 دانند قرآن سر به سر بابی ز مدحش مختصر
 اصحاب علم و معرفت، ارباب ایمان و یقین
 ذاتش به امر دادگر، شد منبع فیض بشر
 خیل ملایک سر به سر در بند الطافش رهین
 از بهر تکریمش میان بر بسته خیل انبیاء
 از بهر تعظیمش کمر خم کرده چرخ هفتمین
 ایزد به نامش زد رقم، منشور ختم الاوصیاء
 چونانکه جد امجدش گردید ختم المرسلین
 موسی به کف دارد عصا دربانیش را منتظر
 آماده بهر اقتدا عیسی به چرخ چارمین

ظاهر شود آن شه اگر شمشیر حیدر بر کمر
دستار پیغمبر به سر دست خدا در آستین
دیاری از این ملحدان باقی نماند در جهان
ایمن شود روی زمین از جور و ظلم ظالمین
من گر چه از فرط گنه شرمنده و زارم ولی
شادم که خاکم کرده حق با آب مهر تو عجین

روح الله الموسوی الخمینی



هر دین و مذهبی که راه پیامبر خویش را از طریق وصی و جانشین حقیقی او استمرار ندادند دچار انحراف، حیرت و سرگردانی شدند. مانند قوم حضرت موسی علیه السلام که از جانشین او هارون پیروی نکرد و گرفتار گوساله پرستی شد. تنها فرقه ناجیه در دنیای امروز مذهب تشیع می باشد که با گذشت ۱۴ قرن از بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله هنوز هم به سبب ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و آخرین وصی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله حضرت صاحب العصر امام زمان علیه السلام به منبع وحی و توحید متصل و به هدف خلقت (عبودیت) نزدیک تر است.



فصل چهارم:

آگاهی حضرت مهدی علیه السلام از زمان

ظهور خویش

❖ علم، لازمه مدیریت

❖ دیدگاه علمای ربّانی

❖ فلسفه دعا برای فرج

اهمیت علم یا ابانا

... گذشته از ۷۰۰ حدیثی که درباره علم امام علیه السلام وارد شده، بیش از ۳۰ آیه قرآن نیز به وسعت علم امام علیه السلام دلالت می کند...

ما معتقدیم که حضرت ولی عصر علیه السلام از زمان ظهور و انقلاب جهانی خود آگاه هستند و به روشنی می دانند که در چه زمانی این امر صادر می شود و این نظر ما مبتنی بر روایاتی است که درباره حیطة علم و نیز چگونگی شخصیت آن حضرت علیه السلام صادر شده است. «حضرت آیت الله ناصری»

علم لازمه مدیریت

یکی از مهم ترین ابراز مدیریت موفق و کارآمد، علم و آگاهی است. و هر چه علم و آگاهی یک مدیر کامل تر باشد، او را در رسیدن به اهداف مطلوب یاری می کند.

به اعتقاد شیعیان، یکی از ویژگی های مهم امام معصوم علیه السلام که شرط اساسی امامت است، علم و آگاهی کامل نسبت به تمامی قضایا، مسائل، موضوعات، زبان ها، افراد، اشخاص و جوامع است. مؤید این مطلب روایات متعددی است که در خصوص علم امام صادر شده است، گرچه می توان در اثبات آن از دلایل عقلی هم کمک گرفت. زیرا اگر بنا باشد امام معصوم علیه السلام بشریت و جوامع بشری را به سوی سعادت و کمال واقعی هدایت و رهبری کند باید خود از هر جهت کامل باشد و یکی از مصادیق کمال، علم است.

علم امام

علم امامان معصوم علیهم السلام نشأت گرفته از ذات خداوند متعال است و گستره آن، تمام عالم خلقت و زوایای وجودی آن از ابتدا تا انتها است. علم امام علیهم السلام هرگز به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود و هیچ‌گونه ابهام و جهلی در آن راه ندارد.

الهام امام رضا علیه السلام در خصوص علم امام علیهم السلام

آیت الله شهید سید محمد علی قاضی طباطبایی رحمته الله علیه در مقدمه‌ای که بر کتاب علم امام تألیف مرحوم علامه مظفر رحمته الله علیه دارند می‌نویسند: «در ایام تحصیلات علمی خود در حوزه علمیه قم (قبل از عزیمت به حوزه نجف اشرف) علاقه مخصوصی به حقایق از جمله در مسئله علم حضرات معصومین علیهم السلام داشتم و بسیار کوشش می‌کردم که اعتقاد خود را در این موضوع استوار نمایم و اکتفا به ظن و تخمین ننمایم و در این راه، دست توصل به دامن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام زدم، چرا که اصول و معارف حقیقی اسلام و اعتقادات حقه دینی را باید از ساحت مقدس آن حضرات به دست آورد که باب علم نبی صلی الله علیه و آله و سفینه نجات امت و منبع علم الهی هستند. تا این که سعادت یاری کرد و توفیق الهی شامل شد و تشرّف به آستان قدس رضوی علیه السلام نصیبم شد و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام متوسل به آن حضرت علیه السلام شده و هر روز در حرم مطهر در پشت سر مبارک حضرت علیه السلام می‌نشستم و از ایشان می‌خواستم که در موضوع علم امام علیهم السلام توجهی به من بفرمایند تا اعتقاد خود را محکم کنم. چند روزی بر این منوال گذشت و توصل به ساحت مقدس امام رضا علیه السلام داشتم، تا روزی که در مقابل ضریح

۱. امام جمعه تبریز و اولین شهید محراب.

مبارک ایستاده و در تفکر بودم ناگهان به قلبم الهام شد که در موضوع «علم پیامبر و امام علیه السلام» آیه شریفه «تطهیر» کافی است.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا
همانا خداوند متعال اراده کرده است تا از شما اهل بیت علیهم السلام هر گونه پلیدی و ناپاکی را دور سازد و شما را پاک سازد، پاک ساختنی کامل.

در میان شیعه امامیه اتفاق نظر است و بسیاری از علمای اهل سنت نیز اعتقاد دارند که این آیه در خصوص پنج تن آل عبا علیهم السلام نازل شده است. و ائمه اطهار علیهم السلام از اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام و صدیقه طاهره علیها السلام بالأجماع داخل در حکم آیه شریفه طهارت هستند. و در این مطلب جای هیچ شک و شبهه‌ای نبوده و نیست.

مدتی در آیه شریفه طهارت تأمل و تفکر نمودم تا این که متوجه شدم کلمه «الرجس» به معنای چرکی و کثافت ظاهری، باطنی، مادی و معنوی است و شامل تمامی گناهان صغیره و کبیره و اوصاف ناپسند و رذیله و... می‌باشد و یکی از مصادیق رجس و پلیدی، راه یافتن ظلمات جهل و نادانی در وجود انوار مقدسه حضرات معصومین علیهم السلام است بنابراین در تمامی احکام دین و تمامی علوم و امور تکوینی و موضوعات خارجی، جهل در ساحت مقدس آنان راه ندارد زیرا جهل یکی از بزرگترین آلودگی‌های معنوی است.^۱

علم به زمان ظهور

با کمال تأسف در بین برخی عوام مطلبی به غلط مشهور شده است که «هیچ کس از زمان ظهور خبر ندارد حتی خود امام زمان علیه السلام!!»

۱. احزاب، ۳۳.

۲. علم امام علیه السلام تألیف مرحوم علامه مظفر با مقدمه آیت الله قاضی طباطبائی، ص ۱۲.

قسمت اول (هیچ کس از زمان ظهور خبر ندارد) صحیح است اما با اعتقاد به جمله دوّم (حتی خود امام زمان علیه السلام) ناخواسته نسبت جهل به ساحت مقدس حضرت بقية الله الاعظم علیه السلام داده می‌شود که این خود خطای بزرگی است.

دیدگاه علمای شیعه

نظر به اهمیت موضوع، علمای بزرگ شیعه از سابق تا کنون نسبت به این مطلب موضع گیری کرده و نظر صریح خود را اعلام داشته‌اند. گرچه ممکن است در بین برخی علما نظر مخالفی پیدا شود اما با توجه به اعلام نظر صریح علمای بزرگوار شیعه و دلائل مستند ایشان، چندان قابل اعتنا نمی‌باشد.

۱ - نظر سید مرتضی رحمته الله

سید مرتضی رحمته الله^۱ بیش از هزار سال پیش در کتاب خود «المقنع» که مورد توجه بسیاری از علما قرار گرفته، در خصوص علم امام زمان علیه السلام به ظهور خویش چنین می‌گوید: «شیعه امامیه معتقد است که آباء و اجداد امام زمان علیه السلام که بر همه آنان درود باد، با شناختی که از فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به زمان غیبت و چگونگی آن، نشانه‌ها و علامات و زمان ظهور به دست

۱. سید مرتضی رحمته الله (۳۵۵ - ۴۲۶ هـ.ق) بردار بزرگوار سید رضی رحمته الله (مؤلف نهج البلاغه) از علمای بزرگ قرن چهارم و پنجم می‌باشد و نسب او با چهار واسطه به امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد. در عظمت شأن و جایگاه رفیع او و برادر بزرگوارش همین بس که استاد آنها شیخ مفید رحمته الله می‌گوید، شبی قبل از طلوع فجر در عالم رویا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت کردم، در حالی که دست امام حسن و امام حسین علیهم السلام را گرفته بودند و نزد من آورده و فرمودند: ای شیخ این دو را علم فقه بیاموز! با تعجب از خواب برخاستم و در فکر تعبیر آن بودم. صبح همان روز مادر سید مرتضی و سید رضی رحمته الله نزد من آمد و در حالی که دو کودک خود (سید مرتضی و سید رضی) را در دست داشت گفت: این دو کودک مرا علم فقه بیاموز! تعبیر خواب برایم روشن شد و به عظمت آن دو کودک پی بردم. (نشریه امام شناسی، ش ۸، ص ۴)

آورده‌اند، با امام زمان علیه السلام عهد کرده و از حدّ و حدود این امور آگاهی ساخته‌اند. بنابراین زمان ظهور با ویژگی‌هایش مورد تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است.^۱

۲. دیدگاه شیخ طوسی رحمته الله

شیخ طوسی رحمته الله از بزرگان علمای شیعه (متوفی ۴۶۰ هـ ق) نیز امام زمان علیه السلام را وارث علوم انبیاء و اولیاء دانسته و پیرامون علم حضرت، به زمان ظهور خویش در کتاب مهم و معتبر خویش «الغیبة» که مورد توجه علمای شیعه و از کتب مصدری و مرجع می باشد چنین می گوید:

«خداوند متعال، امام زمان علیه السلام را از زمان غیبت و پایان غیبت توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آباء طاهرینش (امامان معصوم علیهم السلام) آگاه نموده و اما زمان ظهور از ما مخفی شده به خاطر مصالحی که در آن است، ولی حضرت مهدی علیه السلام عالم و آگاه به آن زمان است و به ظن و گمان مراجعه نمی کند.^۲

۳. اعتقاد مرحوم صاحب مکیال رحمته الله

آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی رحمته الله از علمای بزرگوار شیعه که با عنایت حضرت مهدی علیه السلام کتاب شریف و گران سنگ مکیال المکارم را تحریر نمود معتقد است: «از احادیث بسیاری که در بصائر و کافی و غیر آن آمده، ظاهر امر این است که امام مهدی علیه السلام وقت ظهورش را می داند ولی به ایشان اذن داده نشده که آن را اظهار نمایند. و امامان گذشته علیهم السلام نیز مجاز به اظهار آن نبوده‌اند، زیرا هر چند امامان معصوم علیهم السلام به همه چیز عالم هستند

۱. المقنع (ترجمه)، ص ۱۱۳.

۲. نشریه امام شناسی، ش ۴، ص ۴، به نقل از کتاب الغیبة للطوسی، ج ۱، ص ۳۲۹.

ولیکن ایشان بندگان گرامی و مقرب هستند که پیش از امر و فرمان خدای متعال کاری نمی کنند و هر چه انجام دهند به فرمان او انجام می دهند.

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ^۱

آنها بندگان شایسته خدا هستند و هرگز در سخن گفتن بر او سبقت نمی گیرند و همواره به فرمان او عمل می کنند.

بنابراین به بندگان خدا از مطلبی خبر نمی دهند مگر آنچه را خداوند متعال امر فرموده که به ایشان اظهار نمایند.^۲

۴. فرمایشات حضرت آیت الله بهجت رحمته

حضرت آیت الله بهجت رحمته، در یکی از سخنرانی های خویش فرمودند: «حضرت غائب علیه السلام عجب صبری دارد! با این که از تمام آنچه که ما می دانیم یا نمی دانیم، اطلاع دارد و از همه امور و مشکلات و گرفتاری های ما با خبر است، خود حضرت علیه السلام هم منتظر روز موعود است و خود ایشان می دانند که چه وقت ظهور می کنند. این که گفته می شود آن حضرت علیه السلام وقت ظهورش را نمی داند درست نیست!^۳

۵. بیانات حضرت آیت الله ناصری دام ظلّه العالی

حضرت آیت الله ناصری دام ظلّه العالی از اولیای الهی و از دوستان قدیمی و صمیمی آیت الله بهجت رحمته، دیدگاهی که معتقد به عدم علم امام زمان علیه السلام به ظهور خویش است را نشأت گرفته از دیدگاه اهل سنت می داند و

۱. الانبیاء: ۲۷.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۰۶ وظیفه شصت و نهم و هفتادم، لازم به ذکر است که مرحوم صاحب مکیال رحمته در خصوص دلایل نظریه خویش با استناد بر آیات و روایات به طور مفصل بحث کرده است.

۳. نشریه امام شناسی، شماره ۲، ص ۴، به نقل از امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت، ص ۸۷.

می‌فرماید: چون آنان علم امام معصوم علیه السلام را با علم خود قیاس کردند، تنها علمی محدود برای آن حضرات علیهم السلام قائل شدند. گذشته از ۷۰۰ حدیثی که درباره علم امام علیه السلام وارد شده، بیش از ۳۰ آیه قرآن نیز به وسعت علم امام علیه السلام دلالت می‌کند، اما از آن جا که اینان دست از احادیث اهل بیت علیهم السلام کوتاه کردند به مفهوم آن ۳۰ آیه قرآن نیز پی نبردند، از این رو متوجه چگونگی علم امام علیه السلام نشدند. آن گاه می‌فرمایند: «علم امام زمان علیه السلام نه محدودیت زمانی دارد و نه محدودیت موضوعی، چه اصولاً علم آن حضرت علیه السلام محاط در زمان و مأخوذ از شناخت موضوعات نیست، بلکه علم کاملی است که حضرت حق جل و علی به آن حضرت علیه السلام بخشیده است. ما معتقدیم که حضرت ولی عصر علیه السلام از زمان ظهور و انقلاب جهانی خود آگاه هستند و به روشنی می‌دانند که در چه زمانی این امر صادر می‌شود و این نظر ما مبتنی بر روایاتی است که درباره حیطه علم و نیز چگونگی شخصیت آن حضرت علیه السلام صادر شده است.^۱

علاوه بر دیدگاه‌ها و نظرات فوق، بسیاری از علمای بزرگوار شیعه در عصر حاضر که در علم امام شناسی صاحب نظر و متخصص هستند، قائل به عالم بودن حضرت مهدی علیه السلام به زمان دقیق ظهور خویش هستند،^۲ و دلایل و مستندات فراوانی در اثبات نظریه خویش اقامه می‌کنند.

دلایل و مستندات

علم به امور غیبی اولاً و بالذات مخصوص خداوند متعال است.

۱. نشریه امام شناسی، ش ۵، ص ۴، به نقل از آب حیات، مجموعه سخنرانی‌های آیت الله ناصر دامت برکاته.

۲. مانند: حضرات آیات جوای آملی، سید علی میلانی، و حجج اسلام و المسلمین استاد گنجی و شیخ الاسلامی و دیگران دامت برکاتهم اجمعین.

وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ^۱

کلیدهای غیب تنها نزد خداست و کسی جز او از آن خبر ندارد.

اما اگر خداوند متعال اراده کند تمام آن علوم غیبی را می تواند به یک شخص یا اشخاصی اعطا کند.

عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ^۲

علم غیب مخصوص خداست و هیچ کس را از علم غیب آگاه نمی سازد مگر رسولانی که آنان را برگزیده است.

حضرت آیت الله جوادی آملی رحمته الله العالی در خصوص این آیه می فرمایند: اگر الف و لام در «الغیب» را استغراق یا جنس بگیریم می شود مطلق غیب یعنی «عالم کل الغیب» و یکی از مصادیق غیب مطلق، قیامت است و اگر «الف و لام» را عهد ذهنی بگیریم، باز هم علم به قیامت ثابت می شود چرا که آیات قبل از (عالم الغیب) مربوط به قیامت است. پس خداوند متعال در این آیه نفی غیب برای عموم می کند ولی برگزیدگان خود را استثناء می کند (الا من ارتضى من رسول) پس اهل بیت علیهم السلام که برگزیدگان واقعی خداوند متعال هستند عالم به زمان برپایی قیامت هستند و در زیارت جامعه کبیره هم می خوانیم:

اصطفاکم بعلمه و ارتضاکم لغیبه، و اختارکم لسره.

خداوند متعال شما را برای علم و دانش خویش برگزید و علم به غیب خویش را برای شما پسندید و شما را برای اسرار خویش اختیار کرد.^۳

۱. انعام ۵۹.

۲. جن ۲۶.

۳. ادب فنای مقرران (شرح زیارت جامعه کبیره)، ج ۳، ص ۴۲۴.

به اعتقاد علمای شیعه مهم ترین مصداق علم غیب، علم به زمان برپایی قیامت است که با توجه به روایات صادر شده، حضرات اهل بیت علیهم السلام از آن آگاهی کامل دارند.

قال الصادق علیه السلام:

لو كنت بين موسى والخضر، لأخبرتهما أني أعلم منهما ولأنبأتهما ما ليس في أيديهما لأن موسى والخضر أعطيا علم ما كان ولم يعطيا علم ما هو كائن الي يوم القيامة وان رسول الله صلى الله عليه وآله اعطى علم ما كان وما هو كائن الي يوم القيامة فورثناه من رسول الله صلى الله عليه وآله وراثته.^۱

اگر میان حضرت موسی و خضر علیهم السلام بودم، حتماً آن دو را آگاه می ساختم که از آنان عالم ترم و به آنان خبر می دادم آنچه را که در دستشان نبود. زیرا به حضرت موسی و خضر علیهم السلام تنها علم وقایع گذشته عطا شده و علم و دانش اموری که تا روز قیامت اتفاق می افتد به آن دو عطا نشده بود، در حالی که دانش وقایع گذشته و آینده تا روز قیامت و هرآنچه به وقوع می پیوندد، همگی به رسول خدا صلى الله عليه وآله عطا شده و ما اهل بیت علیهم السلام نیز آن علوم را از رسول خدا صلى الله عليه وآله به ارث برده ایم.

وقتی امام صادق علیه السلام می فرمایند که ما علم به وقایع تا روز قیامت را داریم، «الی یوم القیامه» یعنی تا آخرین رخدادی که وصل به قیامت می شود. بنابراین اگر کسی تا مرز برپایی قیامت را بداند، قطعاً به زمان برپایی قیامت هم آگاه خواهد بود، چرا که بعد از آخرین واقعه، قیامت برپا خواهد شد.^۲

آیت الله جوادی آملی دام ظلّه العالی می فرمایند: علم به قیامت و زمان برپایی آن از مهم ترین مصداق علم به غیب است و علم به زمان ظهور امام زمان علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۱۱.

۲. امام شناسی استاد گنجی، ج ۱، ص ۲۱۵.

زیر مجموعه علم به قیامت است. بنابراین اهل بیت علیهم السلام که علم به زمان بر پایی قیامت را دارند، به طریق اولی علم به زمان ظهور نیز خواهند داشت.^۱

حجة الاسلام و المسلمین استاد شیخ الاسلامی نیز فرمودند: زمانی که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام علم به گذشته، حال و آینده «الی یوم القیامه» را داشته باشند، به طور قطع و یقین زمان ظهور در این بین (از زمان حال تا قیامت) واقع خواهد شد. پس علم به آن نیز دارند و اصولاً نمی‌توان تصور کرد که از تمامی وقایع و جزئیات آن تا روز قیامت آگاهی داشته باشند و در این بین، تنها علم به ظهور برای آنان مبهم و ناشناخته بماند.

آیت الله ناصری دام ظلّه العالی می‌فرمایند: بدون تردید زمان ظهور در شمار اسرار الهی است و در زیارت وجود مبارک حضرت حجّت علیه السلام می‌خوانیم:

السلام علیک یا حافظ اسرار ربّ العالمین المؤمن علی السّر.^۲

سلام بر تو ای نگهبان اسرار پروردگار و امین سرّ الهی.

نگهبان بودن و امین بودن اسرار پروردگار فرع بر آگاه بودن است و بدون داشتن علم و آگاهی معنا ندارد.^۳

بدیهی است دلایل و مستندات علم حضرت مهدی علیه السلام به زمان ظهور خویش بیش از آن چیزی است که این مقام گنجایش آن را داشته باشد.^۴

اما به عنوان کلام آخر روایت گهرباری از حضرت امام صادق علیه السلام را خطاب به یکی از اصحاب خود نقل می‌کنیم که فرمودند:

أتری من جعله الله حجّة علی خلقه یخفی علیه شیء من امورهم.^۱

۱. نشریه امام شناسی، ش ۳، ص ۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۹۸.

۳. نشریه امام شناسی، ش ۵، ص ۴.

۴. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب‌های: مکبّال المکارم، امام شناسی استاد گنجی، پژوهشی در باب علم امام علیه السلام علامه مظفر.

آیا گمان کرده‌ای کسی را که خداوند متعال او را حجت بر خلقش قرار داده چیزی از امور آنها بر او مخفی می‌ماند.

دقت و تفکر

ممکن است این سؤال در ذهن برخی مطرح شود که «اگر امام زمان علیه السلام از زمان دقیق ظهور خویش آگاه است، پس چرا باید برای فرج آن حضرت دعا کنیم؟ در جواب می‌گوئیم: دعا برای فرج آقا امام زمان علیه السلام دلایل و آثار متعددی دارد، از جمله:

۱ - امثال امر آن حضرت علیه السلام و امر اهل بیت علیهم السلام است که در روایات متعدد به دعا نمودن برای فرج امر نموده‌اند.

۲ - عمل به فتوای مراجع تقلید در وجوب دعا کردن برای فرج می‌باشد.^۱

۳ - ایجاد ارتباط قلبی و معنوی با ولی عصر و امام زمان علیه السلام خواهد بود.

۴ - امکان حصول بدهاء در اثر دعا کردن وجود دارد و طبق نقل روایات فرج را جلو خواهد انداخت.

۵ - آثار و برکات فراوانی که برای دعا کننده در دنیا و آخرت خواهد داشت.^۲

سوال دوم: اگر حضرت مهدی علیه السلام از زمان ظهور خویش آگاه است چرا ما که از شیعیان و محبان آن حضرت هستیم ندانیم؟

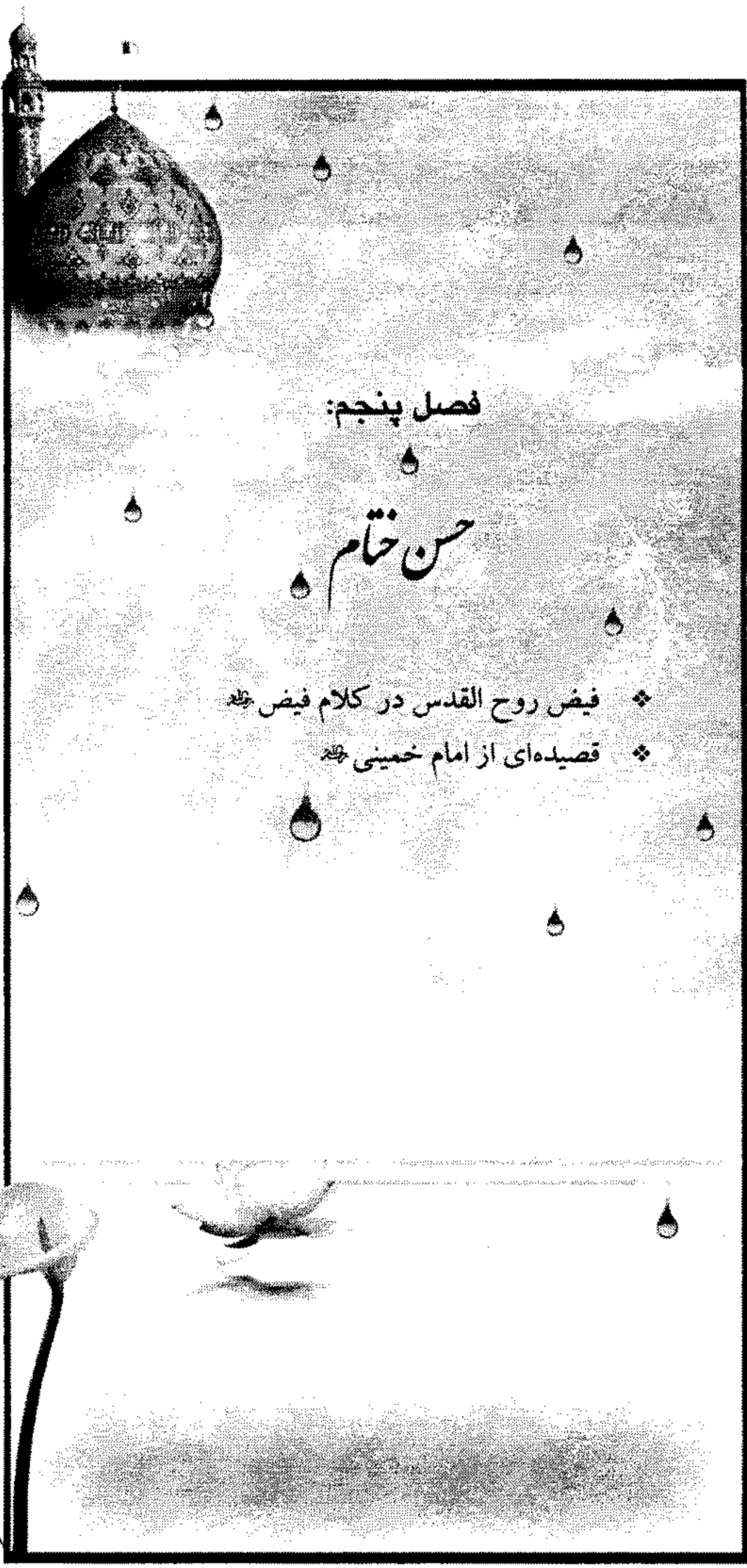
۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۳۸.

۲. برخی فقها دعا نمودن برای فرج را واجب شرعی می‌دانند.

۳. مرحوم صاحب مکیال رحمته الله در کتاب شریف مکیال المکارم (جلد اول) ضمن بیان فلسفه دعا کردن برای حضرت مهدی علیه السلام ۹۰ اثر از آثار و فواید دعا کردن برای فرج را بیان می‌کند.

مرحوم ملا نظر علی طالقانی رحمته در بیان خفای مدت غیبت و زمان ظهور می نویسد: «بدان که معلوم نبودن زمان ظهور مورد اتفاق شیعه و سنی است و ابا نمودن ائمه اطهار علیهم السلام از بیان آن، نزد شیعه معلوم و هویدا است. چه بسا جهل به بعضی امور بهتر از علم به آن است، مانند ندانستن زمان مرگ، و لذا به دلیل آثار تربیتی فراوانی که در انتظار وجود دارد به طور مجمل می توان گفت که ندانستن زمان ظهور بهتر از دانستن آن است و گرنه خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام آن را از خلق پنهان نمی کردند.^۱

۱. امام شناسی استاد گنجی، ج ۱، ص ۲۲۱. به نقل از کاشف الاسرار، ج ۱، ص ۲۲۰.



فصل پنجم:

حسن خاتم

❖ فیض روح القدس در کلام فیض علیه السلام
❖ قصیده‌ای از امام خمینی علیه السلام

دست از طلب ندارم

دست از طلب ندارم تا کام من برآید
یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید
بنمای روی که جانها گردد فدای رویت
بگشای لب که فریاد از مرد و زن برآید
هر قوم راست راهی، شاهی و قبله گاهی
ماییم و درگه تو تا جان ز تن برآید
از کوی خویش بفرست سوی امیدواران
بویی چو بوی رحمان کان از یمن برآید
بگشای تربتم را بعد از وفات بنگر
کز آتش درونم دود از کفن برآید
یاران به حق مهدی گویند ذکر خیرش
هرجا که فیض نامش در انجمن برآید

السلام عليك يا ميزان الاعمال

فيض روح القدس در کلام فیض

در نظام طبیعت برای سنجش هر چیزی، واحد مخصوص و متناسب با آن در نظر گرفته شده است. و نظم و نظام عالم هستی و واحد سنجش اعمال بشر «ولایت» است. که در زمان حاضر، ولیّ خدا، حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدي القائم عجل الله فرجه می باشند که میزان اعمال و ناظم جهان هستی است.

میزان معرفت هر انسان، رابطه عمیقی با مقدار معرفت او به ساحت مقدس حضرتش عجل الله فرجه دارد و میزان تقرب هر مؤمنی به خداوند متعال بستگی به مقدار تقرب او به امام زمان عجل الله فرجه دارد «الأقرب فالأقرب، الأبعد فالأبعد»^۱ زیرا محال ممکن است کسی بدون رسیدن به امام زمان عجل الله فرجه به خدا برسد.

۱. آن کس که به امام زمان عجل الله فرجه نزدیکتر است به خدا نزدیکتر است و هر کس که از امام زمان عجل الله فرجه فاصله دارد از خداوند هم دور است.

مرحوم ملا محسن فیض کاشانی^۱ از آن عالمان ره یافته به نور هدایت حضرت مهدی علیه السلام است. تا آنجا که در اشعار زیبای خود که در کتاب «شوق المهدی علیه السلام» سروده، ملاک و معیار هر چیزی را در شناخت و معرفت قدسی حضرت صاحب الامر علیه السلام می داند و بس.

مرحوم فیض در تمامی اشعارش متأثر از حافظ است و چنین می گوید:

ای یار مخوان اشعار الأ غزل حافظ

اشعار بود بیکار الأ غزل حافظ

استاد غزل سعدی است نزد همه کس لیکن

دل را نکنید بی‌دار الأ غزل حافظ

* * *

از آنجا که در اشعار هیچ یک از شاعران بزرگ غیر از حافظ نمی بینیم که تا این حد ابیاتی مناسب با اعتقاد شیعیان درباره امام زمان علیه السلام آمده باشد و کمتر غزلی از حافظ می توان یافت که بیتی یا ابیاتی از آن مناسب با وصف حضرت صاحب الامر علیه السلام نباشد.

ای غائب از نظر به خدا می سپارم

جانم بسوختی و به جان دوست دارم

* * *

از دست غیبت تو شکایت نمی کنم

تا نیست غیبتی نبود لذت حضور

۱. مرحوم فیض علیه السلام از علمای بزرگ قرن یازدهم و از شاگردان ملا صدرا، شیخ بهایی و هم عصر علامه مجلسی علیه السلام است که در کاشان متولد و در قم نشو و نمو یافت. او در کسب علم و معرفت سرآمد روزگار خویش بود و در هر رشته‌ای از علوم منقول و معقول، فروع و اصول، شعر و ادب و اخلاق، تفسیر و حدیث و عرفان، فقه و فلسفه و کلام تألیفات فراوانی دارد. وفات ایشان به سال ۱۰۹۱ هـ ق در سن ۸۴ سالگی و مرقد مطهرش در کاشان زیارتگاه اهل معرفت است.

* * *

ماشبی دست بر آریم و دعایی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

* * *

مرحوم فیض رحمته نیز «شوق المهدی علیه السلام» را براساس اشعار و سبک و اوزان
غزلیات حافظ سروده است و می گوید:
حدیث آرزومندی که ثبتش کرد فیض اینجا
بود ارواح اشعاری که حافظ کرد تلقینم

* * *

مرحوم فیض، شوق و ذوق روح و جان را تنها با لقای حضرت مهدی علیه السلام
ممکن می داند و می گوید:
جان بی لقای مهدی ذوقی چنان ندارد
آن کس که این ندارد حقاً که آن ندارد
ذوقی چنان ندارد بی خدمتش عبادت
دردا که این معما شرح و بیان ندارد

* * *

از نظر مرحوم فیض، کسب رضایت حضرت مهدی علیه السلام ارزش آن را
دارد که انسان جان خویش را فدای آن کند.
گفتم که چیست سرّ نهان بودن شما؟
گفت این حکایتی است که با نکته دان کنند
گفتم که جان دهند و رضای شما خرنند
گفتا در این معامله کمتر زیان کنند

گفتم مسیح بهر چه آید ز آسمان؟
گفتا که اقتدا به امام زمان علیه السلام کنند
گفتم همیشه فیض دعای تو می کند
گفت این دعا ملائک هفت آسمان کنند

* * *

مرحوم فیض معتقد است افرادی هستند که همواره در خدمت آقا امام
زمان علیه السلام می باشند و می گوید:
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند
یک دم چه می شود که ز ما یاد آورند
آنان که پنج وقت به او اقتدا کنند
پنهان ز دشمنان چه شود گر هم دهند
خیر نهان کسان ز بهر خدا کنند
گر طالب لقای امامی به علم کوش
اهل نظر معامله با آشنا کنند

* * *

به اعتقاد مرحوم فیض، کسانی که به دنبال کسب معرفت هستند باید به
وصال حضرت مهدی علیه السلام برسند!
هزار حیل به برانگیختیم تا شاید
ببریم ره به سرپرده امام و نشد
به معرفت نرسی تا به وصل او نرسی
که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد

* * *

مرحوم فیض برخوردار از اسلام راستین را در گرو ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌داند:

من همان روز ز اسلام شدم برخوردار
 که به دل نور ولای حضراتم دادند
 گر شدم عالم و عارف به ولاشان چه عجب
 مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

* * *

و حقیقت علم نزد امام زمان علیه السلام است و علم حقیقی را آن علمی می‌داند
 که از جانب ایشان عطا شود:

به حدیث آی و علوم خودم از یاد بیر
 خرمن دانش ما را همه از یاد بیر
 تا که از لفظ درافشان تو علم آموزیم
 گویا سیل و کُتب خانه ز بنیاد بیر

* * *

از نظر او تمام گرفتاری‌ها و مشکلات، به دلیل غیبت امام عصر علیه السلام است:
 دارم از غیبت مهدی گِلّه چندان که می‌پرس
 که چنان زو شده‌ام بی‌سرو سامان که می‌پرس
 کار تقوی و صلاح و ورع و طاعت و علم
 آن قدر روی نهاده است به نقصان که می‌پرس

* * *

و در غزلی دیگر، هر آنچه خیر و سعادت است را در کنار آن عزیز
می‌داند و چنین می‌سراید:

بده توفیق حکم و حکمت و اخلاص در طاعت
لقای صاحب الامر و تمتع بردن از نورش
امید وصل او دارد مرا در بند این نشئه
و گرنه زین جهان بیزارم و مکر و شر و شورش
امامی سیدی مولای به سوی فیض خود بنگر
سلیمان با همه حشمت نظرها بود با مورش

* * *

مرحوم فیض بلندهمتی هر کسی را به مقدار غم یار غایب از نظر می‌داند
و می‌گوید:

هر کسی را غمی و ما و غمش
فکر هر کس به قدر همت اوست
فیض را بهره گر ز تقوی نیست
سینه‌اش مخزن محبت اوست

* * *

مرحوم فیض، وصال حضرت دوست در زمان غیبت را ممکن می‌داند به
شرط آن که:

به کوی مهدی هادی گذر توانی کرد
هوای نفس ز سر گر به در توانی کرد
ز مخلصان حقیقی نهفته نیست رخس
غبار ره نشان تا نظر توانی کرد

بر آستان امامت دهند راه ای فیض
اگر غبار رهش در بصر توانی کرد

* * *

ایشان دیدار یار غایب را در خواب، بهتر از بیداری بدون دیدن روی یار
می داند و این خواب را حجت می داند!
لقای او چه شود گر به خواب فیض آید
زهی مراتب خوابی که به ز بیداری است!

* * *

مرحوم فیض با کسی که به معرفت امام زمان علیه السلام نائل نگشته از همان
ابتدا غزل خدا حافظی را می خواند...
ای آن که تو مولای زمان را شناسی
ما با تو نداریم سخن خیر و سلامت
بی حجت حق کار جهان راست نیاید
پیوسته شد این سلسله تا روز قیامت

* * *

مرحوم فیض کاشانی خطیب واقعی را آن خطیبی می داند که از امام
خویش دم زند!
برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است
بین به جای که بنشسته ای چه بیداد است
به کام تانرسانی مرا هوای امام
نصیحت همه عالم به گوش من باد است

* * *

و نماز جمعه با حضور او صفای دیگری دارد.

عید است روز جمعه و یاران در انتظار

یارب امام ما را به مصلی کن آشکار

شاید که یک نماز که با او ادا کنیم

گردیم مستحق که کنی مغفرت نثار

* * *

مرحوم فیض کاشانی معتقد است توفیق خدمت و شوق وصال را باید با

تضرع از خدا طلب نمود...

خیز تا چاره این غم به مناجات بریم

حاجت خود به بر قاضی حاجات بریم

مقصد اصلی دل را که لقای مهدی است

هم چو موسی «ارنی گوی» به میقات بریم

از خدا خدمت او را به تضرع طلبیم

به مناجات مگر ره به ملاقات بریم

نارسیده به وصال ز جهان گر برویم

بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

در بیابان غمت گم شدن آخر تا چند

ره پرسیم مگر پی به مهمات بریم

* * *

و پادشاهی و سلطنت را در گدایی کوی امام غایب از نظر می‌داند.

دانی که چیست دولت؟ روی امام دیدن!

در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن

گاهی به حضرت او راز نهفته گفتن
 گاه از لب شریفش اسرار دین شنیدن
 رو چاره‌ای بیندیش ای فیض در فراقش
 جان‌ها رسد به لب‌ها تا ما به او رسیدن

* * *

و البته هر کسی را قابل و لایق وصال حضرت دوست نمی‌دانند...
 تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم
 از چه می‌نالی و فریاد چرا می‌داری؟
 خویش را قابل خدمت کن و آن‌گه بطلب
 مستحق ناشده امید عطا می‌داری؟
 فیض بگذر ز بیابان هوس تا بررسی
 به امیدی که در این ره به خدا می‌داری

* * *

ملا محسن فیض کاشانی در آخر همگان را به امام‌شناسی توصیه می‌کند
 و می‌گوید:
 قدر امام بشناس ورنه جهان سر آید
 ناخوانده نقش مقصود از کار گاه هستی
 گو شیعه را تو خوش باش با ضعف و ناتوانی
 بیماری اندر این ره خوشتر ز تندرستی
 در غیبت امامت اجر عمل زیاد است
 پس صبر کن تو ای فیض بر حالتی که هستی

* * *

مرحوم فیض کاشانی به حکم آیه قرآن «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۱
 سعی و تلاش را در راه امام زمان علیه السلام مفید فایده می داند و می سراید:
 سعی من از برای او، جان و دلم فدای او
 مطلب من لقای او گرچه دَوم به هر طرف
 سر بنهم در این هوا جان بدهم در این هوس
 به که به غیر از این شود عمر عزیز من تلف
 گر تو حیات جاودان می طلبی در این جهان
 در ره خاندان به صدق جان بفشان و لا تخف

* * *

به هر صورت فیض با مدد گرفتن از فیض روح القدس به «شوق
 مهدی علیه السلام» در کتاب «شوق المهدی علیه السلام» پیوسته می نالد و مدام چشم به راه
 است و به زبان حافظ شیرین سخن می سراید که...
 فیضت ز هر چهار طرف می کند سلام

پیکری کجاست تا برساند سلام ما

به خدا اگر به فیضت اثری رسد ز فیضت
 گذرد ز آسمانها، بدرد حجابها را

* * *

غنیمتی شمر ای فیض انتظار فرج
 رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند

* * *

۱. نجم، ۳۹. برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

دریغ و درد که بگذشت عمر فیض و نیافت
سعادت شرف خدمتش به هیچ طریق

* * *

وصال او چو میسر نمی شود ای فیض
در آتش شعف و شوق او بسوز و بساز

* * *

قامت قائم حق را چو بینم قائم
هم چو فیض از سر اسباب جهان برخیزم

* * *

و در آخر از زبان آن یار غایب از نظر می سراید که...
دم نزن فیض ز دشواری هجران با من
چون که تقدیر چنین است چه تدبیر کنم؟^۱

سیره علمای ربّانی

مرحوم صاحب مکیال المکارم رحمته یکی از هشتاد وظیفه شیعیان در زمان
غیبت را سرودن شعر در فضایل و مناقب حضرت حجت، صاحب الامر،
مهدی موعود علیه السلام می داند.^۲

و چه بسا بسیاری از علمای ربّانی در راستای عمل به این وظیفه، اشعاری
در مدح و منقبت مولای خویش و آقای عالمیان حضرت حجة بن الحسن
العسکری علیه السلام سروده‌اند.^۳ و حضرت امام خمینی رحمته یکی از آن عالمان عامل

۱. شوق مهدی، ملامحسن فیض کاشانی با مقدمه علی دوانی.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳. رجوع کنید به صفحات ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰.

است که در قصیدهٔ مخمس ۱۳۰ مصرعی خود به این وظیفه عمل نموده است. برخی از آن ابیات زیبا را مرور می‌کنیم.^۱

مصدر هر هشت گردون مبدأ هر هفت اختر

خالق هر شش جهت، نور دل هر پنج مصدر

والی هر چهار عنصر حکمران هر سه دفتر

پادشاه هر دو عالم حجّت یکتای اکبر

آن که جودش شهرهٔ نه آسمان بل لامکان شد

مصطفی سیرت، علی فرّ، فاطمه عصمت، حسن خو

هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم، مهرو

شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هشتم قبله گیسو

هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسگری مو

مهدی قائم که در وی جمع، اوصاف شهان شد

پادشاه عسگری طلعت، نقی حشمت، تقی فر

بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر

علم باقر، زهد سجّاد و حسینی تاج و افسر

مجتبی حلم و رضیه عفت و صولت چو حیدر

مصطفی اوصاف و مجلای خداوند جهان شد

۱. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه اشعار زیبای دیگری در وصف امام زمان علیه السلام سروده‌اند.

جلوۀ ذاتش به قدرت تالی فیض مقدّس
 فیض بی حدّش به بخشش، ثانی مجلای اقدس
 نورش از «گن» کرد برپا هشت گردون مقرنس
 نطق من هر جا چو شمشیر است و در وصف شه اُخرس
 لیک پای عقل در وصف وی اندر گل نهان شد
 دست تقدیرش به نیرو جلوۀ عقل مجرّد
 آینه انوار داور، مظهر اوصاف احمد
 حکم و فرمانش محکم، امر و گفتارش مسدّد
 در فضایل ثانی اثنین ابوالقاسم محمد علیه السلام
 آن که از «یزدان خدا» بر جمله پیدا و نهان شد
 روزگارش گر چه از پیشینیان بودی مؤخر
 لیک از آدم بُدی فرمانش تا عیسی مقدر
 از فرّاز توده غبراء تا گردون اخضر
 وز طراز قبه ناسوت تا لاهوت یکسر
 بنده فرمانبرش گردید و عبد آستان شد
 تا ولایت بر ولی عصر می باشد مقدر
 تا نبوت را محمد تا خلافت راست حیدر
 تا که شعر «هندی» است از شهد چون قند مکرر
 پوست زندان رگ سنان و مژّه پیکان موی نشتر
 باد آن کس را که خصم جاه تو از انس و جان شد^۱

* * *

و صل الله على محمد و آله الطاهرين سيما بقية الله في الارضين روى و
 ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء
 والسلام عليكم و علينا و على عباد الله الصالحين
 و رحمة الله و بركاته

باشد تا توفیقی دیگر...

* * *

فیض روح القدس از باز مدد فرماید
 دگران هم بکنند آن چه مسیحا می کرد^۱

الحمد لله الذي هدانا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله



۱. به عقیده ما توفیق تألیف و تدوین این مجموعه در حدود ۷۰ روز چیزی نبود جز یکی دیگر از جلوه‌های مدیریت و عنایتی حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم - الله جل جلاله
۲. آیت بصیرت، حاج آقا رضا بهاء الدینی - سیدحسن شفیعی - انتشارات پارسیان - قم.
۳. آخرین فرمانده اولین سرباز - واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدی علیه السلام - انتشارات سبطالنبی علیه السلام و گوهر بقیع - قم.
۴. احکام خمس - آیت الله سید محمد تقی مدرّسی - ترجمه حسن خاکرند - انتشارات محبان الحسین علیه السلام - قم.
۵. احکام عمومی - محمد وحیدی - انتشارات عصمت - قم.
۶. اسلام مجسم، علمای بزرگ اسلام - آیت الله نوری همدانی - انتشارات مهدی موعود - قم.
۷. اصول کافی - ثقة الاسلام کلینی علیه السلام - ترجمه سید محمد جواد مصطفوی - دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام - تهران.
۸. امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی علیه السلام - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - تهران.
۹. امام شناسی (ماه نامه مجمع جهانی شیعه شناسی) فضائل مناقب و اخبار اهل بیت علیهم السلام - قم.
۱۰. امام شناسی (جلد اول) - تقریر درس های امام شناسی حوزه علمیه قم - استاد حسین گنجی - مجمع جهانی شیعه شناسی - قم.

۱۱. امام زمان در کلام آیت الله بهجت رحمته - محمد تقی امیدیان - بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام - قم و تهران.
۱۲. امام مهدی علیه السلام موجود موعود - آیت الله جوادی آملی - مرکز نشر اسراء - قم.
۱۳. امتداد (ماه نامه راهیان نور) بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس - قم.
۱۴. بحار الانوار - علامه مجلسی - بیروت - لبنان.
۱۵. بررسی تاریخی و فقهی خمس - عبد الرحمن انصاری و مصطفی آخوندی - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - قم.
۱۶. برکات حضرت ولی عصر علیه السلام (ترجمه العبقری الحسان علامه نهاوندی) سید جواد معلم - انتشارات منتظران ظهور - مشهد مقدس.
۱۷. پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی (۱۰) احکام خمس - سیدمجتبی حسینی، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها - قم.
۱۸. پژوهش در باب علم امام علیه السلام علامه مظفر و علامه طباطبائی - مقدمه و تعلیقه دکتر علی شیروانی - انتشارات دار الفکر - قم.
۱۹. تاریخ عصر غیبت - دکتر پور سید آقایی و دیگران - مؤسسه انتشارات حضور - قم.
۲۰. تفسیر المیزان - علامه طباطبائی علیه السلام - ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی - دفتر انتشارات اسلامی - قم.
۲۱. تفسیر جامع آیات الاحکام - زین العابدین قربانی - نشر سایه - تهران.
۲۲. تفسیر نمونه - آیت الله مکارم شیرازی و دیگران - دارالکتب الاسلامیه - تهران.
۲۳. تلاش‌گر پنهان، فعالیت‌های امام زمان علیه السلام در عصر غیبت - محمد رضا فؤادیان - انتشارات سبب النبوی علیه السلام - قم.
۲۴. توضیح المسائل مراجع (۱۲ مرجع) محمدحسن بنی هاشمی - انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۵. جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم‌السلام - ترجمه الخرائج و الجرائح قطب الدین راوندی - غلام حسین محرمی - مؤسسه امام مهدی علیه‌السلام - دفتر انتشارات اسلامی - قم.
۲۶. حدید - نشریه بنیاد شهید و امور ایثارگران - مؤسسه فرهنگی راویان فتح - قم.
۲۷. داستان‌هایی از زندگی علما - محمد تقی صرفی - دفتر نشر برگزیده - قم.
۲۸. دیوان امام (مجموعه اشعار امام خمینی علیه‌السلام) - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام - تهران.
۲۹. در رواق نور - آشنایی با زندگی امام رضا علیه‌السلام و آداب زیارت - محسن قرائتی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۰. راه وصال - شرح حال مرحوم لطیفی - مرتضی لطیفی نسب - انتشارات سبط النبی علیه‌السلام - قم.
۳۱. رساله نوین حضرت امام خمینی علیه‌السلام - عبدالکریم بی‌آزار شیرازی - مؤسسه انجام کتاب.
۳۲. ره توشه پندهای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابوذر - آیت الله محمد تقی مصباح یزدی - مؤسسه پژوهشی امام خمینی - قم.
۳۳. سرزمین مقدس - جواد شفیعیان - مؤسسه فرهنگی روایت سیره الشهداء - دار الهدی - قم.
۳۴. راهنمای حساب خمس - محسن بنشاسته - انتشارات بنشاسته - قم.
۳۵. رمز و راز کربلا - استاد حسین گنجی علیه‌السلام - طوبای محبت - قم.
۳۶. زندگی نامه چهارده معصوم علیهم‌السلام (ترجمه انوار البهیة حاج شیخ عباس قمی) - ترجمه کریم فیض تبریزی - انتشارات تهذیب - قم.
۳۷. سفینه البحار - حاج شیخ عباس قمی - انتشارات اسوه - قم.
۳۸. سیمای آفتاب (سیری در زندگانی حضرت مهدی علیه‌السلام) حبیب الله طاهری - انتشارات زائر - آستانه مقدسه قم.

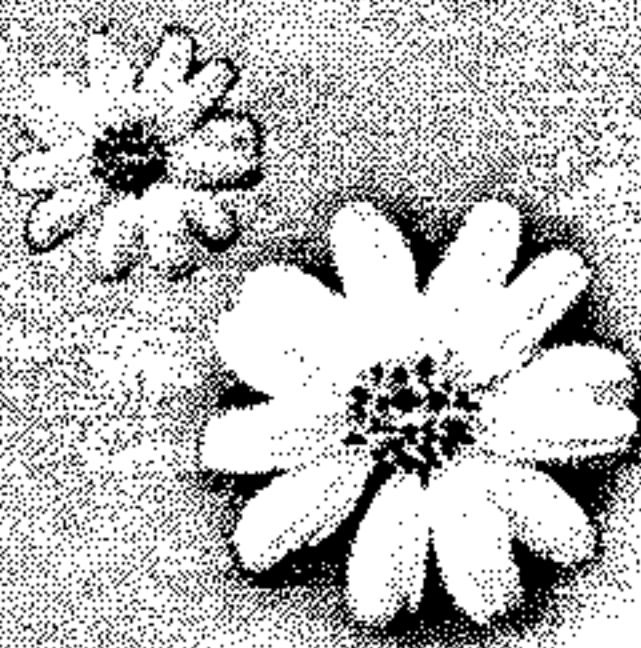
۳۹. شہامت نامہ - سید محمد جواد حسینی - نشر شہاب الدین - قم.
۴۰. شوق مہدی علیہ السلام - دیوان اشعار ملامحسن فیض کاشانی - مقدمہ و تصحیح علی دوانی - دارالکتب الاسلامیہ.
۴۱. شیفتگان حضرت مہدی - علیہ السلام احمد قاضی زاہدی - نشر حاذق - قم.
۴۲. صحیفہ مہدیہ - سید مرتضیٰ مجتہدی سیستانی - نشر الماس - چاپ الہادی - قم.
۴۳. صہبای حج - آیت اللہ جوادی آملی - مرکز نشر اسراء - قم.
۴۴. عروۃ الوثقی - مرحوم آیت اللہ سید محمد کاظم طباطبایی - دورہ ۵ جلدی با حاشیہ مراجع - مؤسسہ انتشارات اسلامی - جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۴۵. غم عشق - گام‌های نخستین در سیر و سلوک - حاج شیخ عبدالقائم شوشتری - انتشارات طوبای محبت - قم.
۴۶. فقہ - محمد حسین فلاح زادہ - نشر دانش حوزہ - حوزہ علمیہ قم.
۴۷. قافلہ نور - نخستین گلزار شہدای مکتوب قم.
۴۸. قطرہ‌ای از دریای فضائل اہل بیت علیہم السلام (ترجمہ القطرہ) - علامہ سید احمد مستنبط - ترجمہ محمد ظریف - نشر حاذق - قم.
۴۹. قلم - نشریہ بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس - تہران.
۵۰. کتاب علم امام علیہ السلام - علامہ شیخ محمد حسین مظفر - ترجمہ و پاورقی محمد آصفی - (مقدمہ آیت اللہ قاضی طباطبایی) تبریز.
۵۱. کشکول طبسی - سید علی نقی طبسی حائری - انتشارات فدک - خراسان.
۵۲. مجموعہ آثار (مقالات ہمایش بین المللی دکترین مہدویت) - مؤسسہ آیندہ روشن قم - پژوهشکدہ مہدویت.
۵۳. مدیریت اسلامی - محمد حسن نبوی - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - قم.

۵۴. معارف دین (جلد اول) - پرسش‌ها و پاسخ‌ها - حضرت آیت الله صافی کلبایگانی - دفتر نشر آثار معظم له - قم.
۵۵. معبر - نشریه بنیاد شهید و امور ایثارگران قم - مؤسسه فرهنگی روایان فتح.
۵۶. معجزات امام زمان علیه السلام - محمد مهدی تاج لنگرودی (واعظ) - دفتر نشر ممتاز - تهران.
۵۷. مفاتیح الجنان - حاج شیخ عباس قمی رحمته الله.
۵۸. من لایحضره الفقیه - ابن بابویه شیخ صدوق - ترجمه محمد جواد غفاری - دارالکتب الاسلامیه - تهران.
۵۹. موعود (ماه نامه فرهنگی اعتقادی اجتماعی امام عصر علیه السلام) تهران.
۶۰. مهدویت (بیش از ظهور) رحیم کارگر - مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی (۲۷) - دفتر نشر معارف - قم.
۶۱. مهدویت صلح کل، گفتارهای دکتر محمود احمدی‌نژاد پیرامون امام عصر علیه السلام - مؤسسه آینده روشن - قم.
۶۲. میر مهر، جلوه‌های محبت امام زمان علیه السلام سید مسعود پور سید آقایی - انتشارات حضور - قم.
۶۳. نجم الثاقب - محدث نوری - انتشارات مسجد مقدس جمکران - قم.
۶۴. نخل شهداد - نشریه فرهنگی اجتماعی اقتصادی - فصلنامه تخصصی مدیریت در اسلام - نویسندگان حوزه و دانشگاه - قم.
۶۵. نهج البلاغه - سخنان گهربار مولانا امیر المؤمنین علیه السلام - سید رضی - ترجمه محمد دشتی - مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام - قم.
۶۶. ولایت کلیه - آیت الله علامه سید حسن میرجهانی - انتشارات الهادی - قم.
۶۷. وهابیت - علی رضا جوادی - نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها - معاونت آموزش و تبلیغ - قم.

السلام علیکم یا صاحب العصر و الزمان و رحمة الله و بركاته

کتابی دیگر از:

واحد تحقیق و پژوهش بیت المهدی علیه السلام



آخرین فرمانده، اولین سرباز

(پنج نوبت چاپ در یک سال)

- ✓ سربازی امام زمان علیه السلام و راههای خدمت به آن حضرت علیه السلام
- ✓ مهدی امتها، امام زمان علیه السلام و انقلاب اسلامی، وظایف واجب منتظران، علائم حتمی و اختصاصی ظهور، آسیب شناسی
- ✓ کتابی مناسب جهت برگزاری مسابقات و هدیه دادن
- ✓ تجربه موفق در برگزاری مسابقات متعدد در مدارس، دانشگاهها و مراکز فرهنگی و مذهبی
- ✓ همراه با سوالات و پاسخنامه در آخر کتاب

انتشارات سبط النبی صلی الله علیه و آله

جهت برگزاری مسابقات با تخفیف فوق العاده عرضه می شود

تلفن تماس: ۴-۷۷۴۵۰۷۳ فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱